





فصلنامه مطالعات شهرسازی اسلامی

فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه حرم مکه

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال نهم، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سرمدیر: دکتر احمد پوراحمد

معاون سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندری

ویراستار علمی - ادبی: سپیده سیدفرجی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

• دکتر مجتبی انصاری

• دکتر مصطفی بهزادفر

• دکتر جهان‌شاه پاکزاد

• دکتر بهنام جلالی

• دکتر کرامت‌اله زیاری

• دکتر محسن سرتیپی پور

• دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

• دکتر یعقوب محمدی فر

• دکتر محمد مسعود

• دکتر احمد نوحه گر

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ

استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استاد جهاد دانشگاهی، گروه معماری و منظر

استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

استاد دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولی عصر (عج) و خیابان فلسطین، ابتدای خیابان شهید برادران مظفر جنوبی،

پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی شماره تماس: ۲-۶۶۹۷۰۹۰۱-۶۶۹۷۰۹۰۳ نمابر: ۶۶۹۷۰۹۰۳

نشانی اینترنتی: iic@icas.ir

پایگاه اینترنتی: <http://iic.icas.ir>

فهرست مطالب

- ۵ تحلیل ساختار فضایی کلان شهر قم با تأکید بر شکل‌گیری هسته‌های فرعی
محمد سلیمانی، موسی کمانزودی، مظهر احمدی، احمد زنگانه، حمید ابیا
- ۲۳ تدوین اصول طراحی فضاهای بازی کودکان در مقیاس محله با تأکید بر احیای بازی‌های بومی ایرانی؛ مطالعه موردی: محله باغ فیض شهر تهران
مجید خرمشاد، سیدعلی صفوی
- ۳۵ نقش برابری خواهی و مهمان‌نوازی بر تداوم سکونت در خانه‌های گمشان
خانه ملک محمدی بیدهندي، حسین سلطان‌زاده، مریم ارمغان
- ۴۹ تحلیل سامان‌دهی آرامستان‌های شهر اصفهان از منظر الگوی شهر ایرانی اسلامی
اصغر منتظرالقائم، فردین کوشکی
- ۵۹ نویافته‌های بقایای معماری اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلامی در حوضه رودخانه سیمره (زاگرس مرکزی)
مهناز شریفی
- ۶۹ تأثیرات مگامال‌ها بر هویت محله‌ای در شهر تهران؛ مطالعه موردی: اطلس مال نیاوران
اسماعیل شیعه، مهسا حاجیانی



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--|--------------------------|
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران | ● دکتر یوسف اشرفی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج | ● دکتر علی اکبر حیدری |
| عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین | ● دکتر نوید سعیدی رضوانی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه حکیم سبزواری | ● دکتر هادی سلطانی فرد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) | ● دکتر مهدی زندیه |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران | ● دکتر حسن کریمیان |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران | ● دکتر امین فرجی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه همدان | ● دکتر یعقوب محمدی فر |
| عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی | ● دکتر مهتا میرمقتدایی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه گلستان | ● دکتر جعفر میرعلی کنولی |
| عضو هیأت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران | ● دکتر محمد میره‌ای |
| عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا | ● دکتر سید یعقوب موسوی |

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

تحلیل ساختار فضایی کلان‌شهر قم با تأکید بر شکل‌گیری هسته‌های فرعی

محمد سلیمانی^{۱*} (نویسنده مسئول)، موسی کمانرودی^۲، مظهر احمدی^۳، احمد زنگانه^۴، حمید اییا^۵

^۱ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، ایران
^۲ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، ایران
^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، ایران
^۴ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، ایران
^۵ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۳۱

چکیده

از میان الگوهای ساخت شهر، الگوی چند هسته‌ای در مورد شهرهای بزرگ بیشتر صادق است؛ چراکه تجربه نشان داده است شهرهای کوچک‌تر به‌ویژه شهرهای تاریخی، اغلب یک هسته شهری دارند که معمولاً در مرکزیت هندسی و محدوده تاریخی شهر واقع شده است. این در حالی است که در اثر توسعه فیزیکی شهرهای بزرگ به سمت پیرامون، مراکز فرعی شهری شکل می‌گیرند و به تدریج ساختار فضایی چند هسته‌ای شهر پدید می‌آید. مقاله حاضر با هدف شناخت تحولات ساختار فضایی کلان‌شهر قم از نظر هسته‌ها و مراکز شهری، به‌ویژه در سه دهه اخیر نوشته شده است. ایده‌ی اولیه‌ی تحقیق این بوده است که: «ویژگی‌ها و کارکردهای مذهبی خاص شهر قم مانع زوال فراگیر بخش مرکزی این شهر در مقایسه با سایر شهرهای و کلان‌شهرهای کشور شده است.» برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های کمی شامل تحلیل آماره G عمومی و موران محلی LISA، بیضی انحراف استاندارد و تابع تراکم کرنل در نرم‌افزار Arc Gis 10.3 استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کلان‌شهر قم با برخورداری از ویژگی‌های مذهبی خاص و قرار داشتن در جایگاه دومین شهر مذهبی کشور پس از مشهد مقدس، همانند بسیاری از شهرهای بزرگ ایرانی - اسلامی رشد شتابان شهرنشینی و گسترش فیزیکی و پراکنده بافت شهری را از اوایل قرن حاضر، به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۵، تجربه کرده است. در جریان این تحولات، بخش مرکزی شهر قم بسیاری از کارکردهای خود را کماکان حفظ کرده و به‌رغم فرسودگی نسبی و موانع و محدودیت‌های فیزیکی موجود، در حال حاضر به‌عنوان مهم‌ترین هسته شهری در ساختار فضایی این کلان‌شهر مطرح است. در نتیجه، کلان‌شهر قم در اثر افزایش سریع جمعیت و وسعت (گسترش افقی) و نیز شکل‌گیری برخی محورها، گره‌ها و مراکز فرعی در مقیاس شهر، اگرچه در حال دگرگون شدن به سمت یک شهر چند هسته‌ای است؛ اما به دلیل ویژگی‌های خاص مذهبی و کارکردهای گسترده بخش مرکزی آن، در حال حاضر همچنان به‌عنوان یک «شهر تک هسته‌ای» با تسلط هسته تاریخی شهر، شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی: ساختار فضایی، شهرهای چند هسته‌ای، شهرهای تک هسته‌ای، مراکز فرعی شهری، کلان‌شهر قم.

مقدمه و طرح مسأله

فرایند تحول شهر، همواره تابع سازوکارها و نیروهای خاصی است که بررسی آنها می‌تواند منطق و الگوی فضایی شهر را در هر دوره مشخص کند. یکی از عواملی که می‌تواند به عنوان معیاری، در نحوه دگرگونی مدنظر قرار گیرد، تحلیل ساختار کالبدی فضایی شهر است (سلطانی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳). در ارتباط با الگوهای توسعه فضایی - کالبدی و شکل شهرها تاکنون نظریات متعدد و متفاوتی ارائه شده است که از مهم ترین آنها می‌توان به ساخت قطاعی شهر هم‌هویت، نظریه دوایر متحدالمرکز ارزست برگس، ساخت چندهسته‌ای هریس و اولمن، شهر خطی، الگوی ستاره‌ای شکل و... اشاره کرد (رهنما و عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱). از میان الگوهای ساخت شهر الگوی چندهسته‌ای در مورد شهرهای بزرگ بیشتر صادق است؛ چراکه تجربه نشان داده است شهرهای کوچک‌تر اغلب دارای یک هسته شهری‌اند که معمولاً در مرکزیت هندسی و محدوده تاریخی شهر واقع شده است. در اثر توسعه فیزیکی شهرهای بزرگ به سمت پیرامون، مراکز فرعی شهری شکل می‌گیرند و به تدریج ساختار فضایی چندهسته‌ای شهر پدید می‌آید؛ بنابراین امروزه شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها اغلب دارای مراکز متعددی بوده که با توجه به عوامل اقتصادی، کالبدی و زیرساخت‌های ارتباطی، هسته‌ها و کانون‌های مختلف سکونتی در فاصله‌ای نزدیک و دور از هسته مرکزی و تاریخی شهر شکل گرفته‌اند (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳). به این ترتیب مراکز حومه‌ای به تدریج به رقیب مرکز قدیمی شهر تبدیل می‌شوند و با رشد فزاینده پیکر شهر این مراکز نیز تخصصی‌تر می‌گردند و رو به افزایش می‌گذارند تا آنجا که فعالیت‌های اصلی مرکز شهر را قبضه می‌کنند (باستیه و دزر، ۱۳۸۲: ۶۴). مراکز تاریخی و قدیمی شهرها زمانی مکان‌هایی مطلوب برای زندگی مردم بودند؛ اما با رشد سریع جمعیتی، تحولات اقتصادی - اجتماعی جدید و ظهور مشکلاتی همانند تراکم ترافیکی، تخریب محیطی، مساکن بی‌رونق، کیفیت ضعیف مدارس عمومی، فقدان دسترسی به فضاهای باز و فرسودگی زیرساخت‌ها در هسته مرکزی شهرها، این مراکز دچار افت و زوال شهری شدند. در پی این تحولات، طبقات متوسط و بالای جامعه در جست‌وجوی زندگی بهتر، به محله‌ها، حومه‌ها و عرصه‌های پیرامون شهری جابه‌جا می‌شوند (Hayward, 2000). جابه‌جایی این طبقات موجب توسعه خدمات، تأسیسات و زیرساخت‌های شهری به نواحی پیرامونی می‌شود که این فرایند، زوال هسته مرکزی شهر را تشدید می‌کند. فرایند دیگری که منجر به ایجاد هسته‌های فرعی شهری جدید می‌گردد ادغام روستاها و شهرک‌های حاشیه شهر در داخل مرزهای رسمی خود است. نکته قابل توجه این است که هسته‌های فرعی ایجاد شده ناشی از این فرایند، تأثیر منفی کمتری بر هسته‌های تاریخی و قدیمی

بخش مرکزی شهرها می‌گذارند؛ زیرا در فرایند ادغام، فضاها و زیرساخت‌های موجود به پیکره شهر افزوده می‌شود، نه اینکه فرایند گریز از مرکز به حومه‌ها و عرصه‌های پیرامون، باعث ایجاد هسته‌های جدید شده باشد.

کلان‌شهر قم از جمله شهرهای مهم ایران است که به دلیل نزدیکی به تهران و برخورداری از کارکردهای قوی مذهبی - تاریخی از مهم ترین شهرهای تأثیرگذار در جهان اسلام محسوب می‌شود. شهر قم به عنوان یک کلان‌شهر مراحل رشد و گسترش خود را بسیار سریع‌تر از آهنگ طبیعی طی نموده است. این شهر به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی توسعه ارزش‌های اسلامی و انقلابی، اقتصادی و علمی در سطح کشور و حتی جهان شناخته شده است که در مقیاس ملی و بین‌المللی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پذیرای سیل عظیم مهاجران بوده و بدین ترتیب طی سالیان اخیر به سرعت بر وسعت و جمعیت آن افزوده شده است. تبدیل شهرستان قم به استان در سال ۱۳۷۵ و ظهور کارکردهای استانی و همچنین ارتقای آن به کلان‌شهر بر اساس مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (سال ۱۳۸۰)، آهنگ رشد و گسترش این شهر را تشدید کرده است. بر اساس داده‌های آماری جمعیت شهر قم از ۵۴۳۱۳۹ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۲۰۱۱۵۸ نفر در سال ۱۳۹۵ (۶۲ درصد رشد) و وسعت آن از ۴۴۰۰ هکتار به حدود ۱۲۷۲۳ هکتار (۶۵ درصد رشد) رسیده است. تجارب توسعه کلان‌شهری حاکی از آن است که این گونه تحولات معمولاً ساختار فضایی شهرهای بزرگ را از حالت تک‌مرکزی (هسته‌ای) به سمت شهرهای چندمرکزی (هسته‌ای) سوق می‌دهند. از این رو به تبع این تغییرات و آنچه دیگر شهرهای بزرگ تجربه کرده‌اند، انتظار می‌رود در کلان‌شهر قم نیز علاوه بر هسته تاریخی شهر، مراکز فرعی جدیدی نیز در ساختار فضایی آن ایجاد شده باشند و به شهری چندمرکزی تغییر یافته باشد؛ چراکه شهرهای بزرگ برای حفظ تعادل ساختار فضایی خود و همچنین ارائه خدمات بهتر و جلوگیری از زوال بخش مرکزی به این تغییر، نیاز دارند. ایده پایه‌ای مقاله حاضر این بوده است که «وجود کاربری‌های مذهبی - فرهنگی و حرمت و امتیاز معنوی سکونت و هم‌جواری با حرم حضرت معصومه (س)، حضور زائران بسیار در طول شبانه‌روز در بخش مرکزی شهر قم، علی‌الاصول می‌تواند بر روند تحولات بخش مرکزی (بافت تاریخی و قدیمی) این شهر در مقایسه با سایر شهرهای هم‌اندازه و تاریخی ایران تفاوت ایجاد کند. بدین معنی که نقش زیارتگاهی و مذهبی و الزامات آن، چنان جذابیتی به بخش مرکزی شهر قم داده است که از یک سو مانع زوال گسترده این بخش از شهر شده و از سوی دیگر تسلط کارکردهای بخش مرکزی را در ساختار فضایی شهر تداوم بخشیده است و از این رو روند شکل‌گیری و توسعه مراکز فرعی در ساختار فضایی این کلان‌شهر را تحت تأثیر خود قرار داده است». با عنایت به ایده

- مطرح شده و ابعاد مسئله، سؤال‌های تحقیق به این شرح است:
۱. آیا در روند گسترش شهری و شکل‌گیری کلان‌شهر قم، هسته‌های فرعی شهری در ساختار فضایی آن شکل گرفته است؟
 ۲. در صورت شکل‌گیری، توزیع مکانی مراکز جدید چگونه است؟

پیشینه تحقیق

سابقه پژوهش در زمینه رشد و توسعه کالبدی شهر به صورت علمی و دانشگاهی به سال‌های آغازین قرن بیستم خصوصاً دهه ۱۹۲۰، برمی‌گردد؛ چراکه در این سال‌ها تبعات انقلاب صنعتی به صورت معضلات مختلف در شهرها پدیدار شد و شهرنشینان و مسئولان شهری را در تنگناهای جدی قرار داد. در این میان کشورهای انگلستان و آمریکا به‌عنوان پرچم‌دار صنعتی شدن و نوسازی، آغازگر این حرکت (رشد و توسعه کالبدی شهر) بودند. در این سال‌ها محققانی مانند ارنست برگس با طرح دواپر متحدالمركز (۱۹۲۵)، چهارمین کنگره سیام (۱۹۳۳) که به رشد و توسعه شهرها اختصاص داشت، هم‌هویت با طرح شهر قطاعی (۱۹۳۹)، اولمن و هریس با طرح شهر چندهسته‌ای (۱۹۴۵) و بسیاری از محققان دیگر برای معرفی و گسترش آرمان‌شهر (Utopia) مورد نظر خود تلاش کرده‌اند. با ظهور تکنیک‌ها و ابزارهای جدید طرح‌ها و مطالعات صورت گرفته از حالت آرمان‌گرایانه و تخیلی خارج و بیشتر با واقعیات و مشکلات شهر درگیر شده است. بدین ترتیب می‌توان تاریخچه مسئله را در دوره آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه طبقه‌بندی کرد. در اینجا چند نمونه از پژوهش‌های واقع‌گرایانه و تجربی به اختصار در زیر می‌آید:

سانچز-ماتوس وهمکاران هدف از پژوهش خود را آشکار ساختن استخوان‌بندی منطقه کلان‌شهری مادرید- در کشور اسپانیا- از طریق تجزیه و تحلیل قابلیت دسترسی به شبکه جاده‌ای عنوان می‌کنند. یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از آن است که هسته کلان‌شهری، تقویت شده و حوزه نفوذ آن گسترش یافته است (Sanchez-Mateos and etc al, 2014). در خصوص اندازه‌گیری میزان مرکزیت و چندهسته‌ای بودن، آنتی‌واسانن با معرفی یک رویکرد جدید به تجزیه و تحلیل ساختار چندهسته‌ای کلان‌شهرها پرداخته است. در این پژوهش از دو روش ریخت‌شناسی و عملکردی به مطالعه چگونگی شناسایی شکل‌گیری هسته‌های متعدد در کلان‌شهرها استفاده شده است. نتایج کار حاکی از آن است که کلان‌شهرها با اتصال عملکردی و تحول ریخت-شناسی تبدیل به ساختارهای چندهسته‌ای شده و هسته‌های فرعی در پیرامون هسته‌های اصلی شکل می‌گیرند (Vasanen, 2012). لی‌عنوان می‌کند که مناطق کلان‌شهری که به‌تازگی توسعه یافته‌اند دارای CBD کوچک‌تری بوده و در مقایسه با شهرهای پیش از جنگ جهانی دوم پراکنده‌تر هستند. شهرهایی که در حدود ۳۵ تا ۶۰ سال قبل، نیمی از جمعیت فعلی‌شان را داشتند، اکنون دارای ساختار چندهسته‌ای بیشتری

هستند. همچنین وی خاطر نشان می‌کند که این نواحی عموماً دارای سهم اندک اشتغال در CBD ها هستند. لی برای مدل‌سازی فضایی بر اساس ویژگی شاغلان چند عامل را بررسی می‌کند. تراکم یکی از عواملی بوده است که نقشی چشمگیر در تشکیل مراکز فرعی دارد؛ و هرچند که در مدل‌ها سهم اشتغال نقش چندانی نداشته است؛ اما نتایج لی نشان می‌دهد شهرهای دارای تراکم انبوه در هسته شهری عموماً مراکز فرعی کمتر و همچنین سهم اندکی در اشتغال این مراکز دارند. وی بیان می‌کند که «اندازه جمعیت» در تشریح یکی دیگر از ابعاد فضایی یعنی «پراکندگی اشتغال»، معنادار نیست (Lee, 2006). تسای برای تعیین فرم مادرشهری و درجه فشردگی و پراکندگی آن، ۲۱۹ ناحیه مادرشهری با جمعیت کمتر از سه میلیون نفر را در ایالات متحده مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. نتایج کاری وی نشان می‌دهد که جمعیت و اشتغال در تعدادی زیر نواحی مناطق مادرشهری متمرکز شده است (الگوی خوشه‌ای) و تمرکز اشتغال از تمرکز جمعیت بیشتر است (Tsai, 2005). کریگ و نگ هدف پژوهش خود را ارائه یک تعریف آماری در مورد مراکز فرعی اشتغال برای نواحی شهری چندهسته‌ای عنوان می‌کنند. به‌طور خاص این شیوه، مراکز دارای میزان بالای اشتغال مطلق و همچنین تراکم بالا را مشخص می‌سازد. علاوه بر آن از آنجایی که در این روش فاصله شرط است، نه اشتغال مطلق و نه اشتغال در سطح، هیچ کدام برای شناسایی مرکز فرعی لازم و کافی نیستند (Craig and Ng, 2001). عزت‌پناه و همکاران در پژوهشی به بررسی روند چندقطبی شدن ساختار فضایی و عملکردهای شهری سندج پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داده است برخی از فعالیت‌ها و کاربری‌های اراضی شهری، به‌سوی قطبی شدن یا تخصص‌گرایی در مناطق و نواحی خاصی از شهر گرایش دارد و ساختار مورفولوژی اجتماعی شهر به الگوهای چندهسته‌ای و قطاعی شبیه شده است (عزت‌پناه و همکاران، ۱۳۹۶).

پوراحمد و وفایی در پژوهشی به بررسی تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی- اسلامی کاشان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که شهر تاریخی کاشان تا قبل از شهرسازی معاصر از سازمان فضایی خاص و استخوان‌بندی انداموار منحصربه‌فرد برخوردار بوده و بر اساس الگوی مشخصی توسعه یافته است؛ اما تحت تأثیر مؤلفه‌های مدرنیسم همچون تقلید از ساخت و سازهای غربی، سعی در تشابه با بیگانه و ساختار پراکنده و چندهسته‌ای، ساخت منسجم و متمرکز شهر تاریخی جای خود را به ساختار غیر متمرکز و چندهسته‌ای معاصر داده است (پوراحمد و وفایی، ۱۳۹۶). حسینی به تحلیل الگوی ساختاری و عملکردی چندهسته‌ای شهری در برنامه‌ریزی فضایی تهران، پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش شهر تهران طی صد سال گذشته، تجربه داشتن یک مرکز قوی را در سطح ملی گذرانده و تشدید روند مهاجرت و توسعه فعالیت‌ها در پیرامون آن در پنج دهه اخیر،

باعث گردیده که این شهر در محورهای فرعی جدید توسعه یابد و هسته‌های فرعی نوین را در فضای کلان‌شهری خود شکل دهد. نهایتاً اینکه فرایند شکل‌گیری چند هسته‌ای شهر تهران تابعی از عوامل و فرایندهای اقتصاد سیاسی، مرکزیت سیاسی، خواست و اراده نظام سیاسی، سیاست‌های توسعه زمین و همچنین برنامه‌ریزی دستوری و از بالا به پایین با تأکید بر طرح‌های توسعه شهری بوده است (حسینی، ۱۳۹۵). زبیری و همکاران در پژوهشی، ساختار فضایی کلان‌شهر کرج را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته آنها نشان می‌دهد با توجه به ساختار فیزیکی چندپاره این کلانشهر که در اثر وجود عوامل فیزیکی همچون اتوبان، راه آهن و اراضی بایر و بافت متخلخل شهری شکل گرفته است، الگوی توسعه چند هسته‌ای مناسب این شهر است. به طوری که با ساماندهی شهر بر اساس این الگو شهروندان خدمات و احتیاجات روزمره و شغلی خود را از کانون‌ها و محورهای مجهز شهری در بالاترین سطح از همان هسته سکونتی خود تأمین خواهند کرد و از سفرهای بی‌مورد و غیرضروری به سایر نقاط شهر به‌ویژه هسته مرکزی کاسته خواهد شد (زبیری و همکاران، ۱۳۹۰).

بدین ترتیب بر پایه منابع مورد بررسی می‌توان گفت: گذار از شهرهای تک‌هسته‌ای به چند هسته‌ای پدیده‌ای جهانی بوده است که اغلب در مقیاس شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها اتفاق می‌افتد. رشد جمعیت و فعالیت و نیز نحوه توزیع و تراکم آنها در پهنه شهرها، ساختار شبکه حمل‌ونقل اغلب بر اساس طرح‌های رسمی این فرایند را رقم می‌زند. تعیین و ارزش‌گذاری این هسته‌ها و نظریه‌پردازی آنها توسط محققان، متناسب با زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی، تکنولوژیکی و مقتضیات خاص و محلی صورت گرفته است.

مبانی نظری

در حالت کلی الگوهای رشد شهر را می‌توان در سه حالت خلاصه نمود: ۱) الگو و فرم گسترده شهر و گسترش در افق (۲) فرم عمودی و شکل فشرده (۳) شکلی ترکیبی از توسعه افقی و عمودی شهر (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۸). ناکس و پینچ^۱ در خصوص فرایند تحولات و دگرگونی‌های ریخت‌شناسی شهر معاصر سه دوره متمایز را به این شرح مطرح می‌کنند:

دوره نخست مربوط به شهر اوایل سده بیستم است که عناصر عمده ریخت شهرها مشتمل بر یک شهر مرکزی و ناحیه تجاری مرکزی (CBD) به همراه یک هاله پیرامونی است.

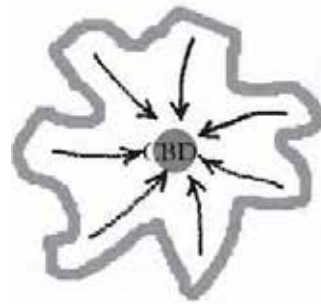
دوره دوم که دوره پس از جنگ جهانی دوم است، تأثیر اتومبیل بر شکل شهرها هویدا شده است. با وجود این، شهر در این دوره کماکان شهری تک مرکزی با یک مرکز تجاری قدیمی و مناطق مسکونی در اطراف آن و همچنین ظهور هسته‌های جمعیتی در حومه شهر است.

دوره سوم پس از سال ۱۹۷۰ آغاز می‌گردد که نواحی شهری

چند مرکزی شکل می‌گیرند. گسترش هسته‌های جمعیتی و شهرک‌های اقماری در پیرامون شهر اصلی دست‌اندازی توسعه شهری به نواحی پیرامونی از مشخصه‌های این دوره می‌باشد (به نقل از حاجی‌پور و زبردست، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۱۳). در ارتباط با ساختار فضایی شهرها از نظر هسته‌های شهری معمولاً در حالت کلی معمولاً دو نوع الگوی تک هسته‌ای و چند هسته‌ای قابل تشخیص است:

الف) الگوی تک‌هسته‌ای

در این الگو شهر مانند نقطه مرکزی یک دایره است که توسط یک رشته خطوط شعاعی به تمام نقاط اطراف متصل می‌شود. البته تشبیه به دایره به این معنی نیست که لزوماً مرکز شهر در مرکز هندسی آن قرار دارد. در شهرهای ایران الگوی اول بیشتر از الگوی دوم (چند هسته‌ای) رایج است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۰). الگوی شهر تک‌هسته‌ای به وسیله آکسوا^۲ مطرح شد. این الگو که محصول ساختار حمل‌ونقل و مسکن بود به وسیله میلز^۳ عمومیت یافت و سرانجام به وسیله یک چارچوب متحداشکلی به وسیله فوجیتا^۴ کامل شد. در این مدل سنتی شهرهای پیشین به صورت تک‌هسته‌ای پنداشته می‌شدند که بر این اساس تمام ساختار فعالیت‌ها در منطقه‌ی مرکزی شهر یعنی CBD، قرار داشتند و همه کارگران و ساکنان از حومه‌ها به مرکز تجاری و فعالیت شهر سفر می‌کردند (Mori, 2008: 1). مورفولوژی این گونه شهرها اساساً منطبق بر ناحیه تجاری مرکزی شهر است. در این الگو صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع اهمیت داشته و شکل CBD به وسیله مزیت نسبی بین مکان‌ها با حفظ الگوی رقابتی میان آنها تعریف می‌شود. این مزیت، توزیع فضایی جمعیت را بر اساس منحنی اجاره زمین در جایی که CBD به وسیله یک ناحیه متراکم سکونتی، پیرامون مکان مرکزی شکل می‌گیرد، هدایت می‌کند (Fujita, 1989: 308-15). فرضیه مکان‌یابی در این الگو بر این اصل استوار است که چون مشاغل و فعالیت‌ها به لحاظ اجاره، عملکرد پرشیب‌تری از مسکن دارند، بنابراین کلیه مشاغل در مرکز مکان‌یابی می‌شوند (Anas, et al., 1998). شهرهای پیش از دوره صنعتی شدن بر مبنای یک هسته فشرده و پرتراکم شکل گرفته بودند که عملکردهای تجاری، مسکونی و سیاسی را با یکدیگر ترکیب کرده و دسترسی به حمل‌ونقل غیر موتوری را به حداکثر می‌رساند. نوآوری در حمل‌ونقل طی تحول صنعتی قابلیت دسترسی به پیرامون شهر را افزایش داد که این خود موجب گسترش شهرها شد و باعث شد ساکنان، هسته پرتراکم را ترک کنند (Smit h, 2011). با تغییر الگوی سفر، هزینه سفر کارمندان و مصرف کنندگان ساکن در حومه‌ها به دلیل تصمیم بنگاه‌های اقتصادی مبنی بر جابه‌جایی از مراکز شهر به نواحی پیرامونی کاهش یافت. تمایل این مؤسسات برای حرکت به بیرون مرکز شهر باعث ادامه گسترش منطقه شهری شد. چون ساکنان این حومه‌های جدید دیگر نیازی به سفر به مرکز شهر برای دستیابی به شغل یا کالاها و خدمات مدنظرشان نداشتند (Cervero, 1986).



شکل شماره ۱: الگو و مقصد سفر در مدل تک هسته‌ای
مأخذ: URL1

با گذشت زمان این مسئله ثابت شده است که ساختار بسیاری شهرها از مدل تک هسته‌ای دور بوده و امروزه بسیاری از فعالیت‌های سفرساز در محدوده‌های وسیعی خارج از مرکز تجاری شهر پراکنده شده‌اند (Krugmann, 1991; Fujita, 1993). تحقیقات نشان داده است که مدل تک هسته‌ای درخور و مناسب شهرهای قرن نوزدهم بود، ولی به‌رغم آن، به مرور منجر به عدم تمرکز سریع فعالیت‌های اقتصادی می‌شد (Walter, 2008). از نظر روستی هاسبرگ و لوکاس با تجمع بنگاه‌های اقتصادی متوسط میزان مسافرت از حومه به شهر و بالعکس افزایش یافته که این امر باعث بالا رفتن نرخ دستمزد و اجاره زمین پیرامون ناحیه متراکم CBD شده و به تبع آن به واسطه وجود زمین و بازار کار در حومه‌ها، نیروی پراکنده‌رویی در شهر ایجاد می‌شود (Mori, 2008: 2).

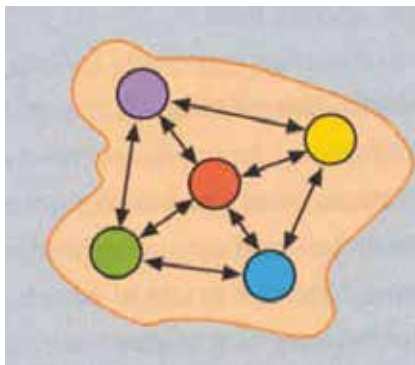
ب) الگوی چند هسته‌ای

معمولاً در شهرهای بزرگ به علت حجم عظیم مبادلات اقتصادی، اجتماعی و تراکم شدید جابه‌جایی و آلوده‌شدن، کارایی مرکز شهر به حداقل کاهش می‌یابد، از سوی دیگر به علت دوری راه و دشواری دسترسی به قلب شهر به وسیله خودرو شخصی، مراکز جدیدی در نقاط گوناگون شهر پدید می‌آیند که هر یک ویژگی عملکردی خاص خود را دارند (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). فرضیه‌های این نظریه ابتدا به وسیله مکزی^۲ در سال ۱۹۳۳ پیشنهاد شد. این نظریه تصورات تلویحی در دو نظریه دوایر متحدالمرکز و شعاعی، نظیر گرایش مرکزی در فضا را مردود دانسته، تنوع جا و مکان شهری را که هر یک ویژگی و خصلت‌های فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی خود را دارند، معرفی می‌کند (Balchin & Bull, 1995). یکی از علل پیدایش هسته‌های شهری همانا وجود فعالیت‌های معین و تخصصی در منطقه و یا گوشه‌ای از شهر است (شکویی، ۱۳۷۶: ۱۶۴).

مرکز شهر، هم از نظر وجود صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع و هم به خاطر مزیت‌های ناشی از حمل و نقل کالا، بهترین مکان برای تولید کالا است. با وجود این، مرکز شهر همیشگی نیست. وقتی که شهر رشد می‌کند، هزینه حمل و نقل، چه بر اثر ازدیاد وسعت شهر و چه بر اثر هزینه‌های ناشی از تجمع، افزایش می‌یابد. زمانی که مزایای مرکز اصلی شهر در حال کاهش است، مراکز فرعی شهر

توسعه و جذب فعالیت‌های اقتصادی مختلف را آغاز می‌کنند و ساختار شهری چندمرکزی خواهد شد (درکوش، ۱۳۸۰: ۶۶). الگوی چند هسته‌ای در مقیاس‌های فضایی گوناگون مثل مقیاس درون شهری، درون منطقه‌ای، کشوری و یا منطقه‌ای- قاره‌ای نظیر اروپا ظاهر می‌گردد (Davoudi, 2005). ویژگی اصلی این مراکز، درجات متفاوت چند هسته‌ای بودن آنهاست که نه تنها «فضای مکان‌ها»، بلکه «فضای جریان‌ها» را تعیین می‌نماید. همچنین جهانی شدن اقتصاد و اطلاعاتی شدن شهرها یعنی تغییر در ساخت و کنترل کالا به سمت تولید خدمات پیشرفته، جایگاه ویژه‌ای در فرایند شهرها و کلان‌شهرهای چند هسته‌ای و چندمرکزی ایفا می‌نماید (Hall & Pain, 2006).

مکان‌ها همچنین به صورت موجودیت‌های مستقل جداگانه‌ای قابل تعریف‌اند که در آنها بیشتر شاغلان، ساکن محلی دیگر هستند و به‌عنوان بخشی از یک «ناحیه شهری عملکردی»^۴ وسیع‌تر به وسیله جریان متراکم مردم و اطلاعات که از راه‌ها، خطوط ریلی پرسرعت و کابل‌های ارتباط از راه دور می‌گذرند، به یکدیگر مرتبط می‌شوند: این همان «فضای جریان‌های» مطرح شده توسط کاستلز است (Castells, 1996: 376-428). اغراق نیست اگر بگوییم این وضعیت، پدیدار شدن فرم شهری جدید در آغاز قرن بیستم و یکم است (Hall & Pain, 2006). در سطح منطقه‌ای نیز عملکردهای خدماتی سطح پایین‌تر از شهرهای مرکزی دارای رتبه بالاتر به شهرهای دارای رتبه کمتر توزیع می‌شوند (Davies, 1996).

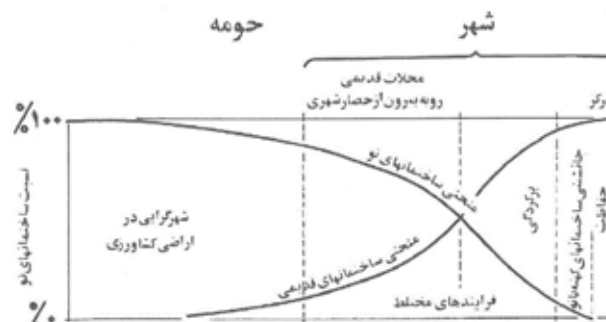


شکل شماره ۲: ارتباط زیر مراکز با CBD در مدل چند هسته‌ای
مأخذ: Davoudi, 2008

تحلیل تحول شهر از مرکز رو به حومه^۵

سیلوی رمبر بر این باور است که شهر از قسمت مرکزی به سمت حومه از دو عامل ساختمانی کهنه و نو متأثر است. او معتقد است که مرکز شهر مظهر آثار تاریخی و سمبل عظمت و زیبایی شهر است و اصولاً دست‌نخورده می‌ماند و جز به حکم ضرورت‌های تاریخی مورد پاک‌سازی، هماهنگ‌سازی و بازسازی قرار نمی‌گیرد. عظمت مرکز شهر در پناه حفظ این آثار و عدم تحمیل شرایط جدید سازی بر آن میسر است و اینجا نقطه مقابل حومه بوده و هسته «حفاظت شده» شهر است. در اطراف این هسته حفاظت شده

بناهای کهن به تدریج و با آهنگ ملایم و آهسته، با ابنیه جدید و نوساز جابه‌جا می‌شوند. ایجاد مراکز جدید بازرگانی، اداری، فرهنگی و جهانگردی بر حجم سنگین ابنیه قدیمی می‌افزاید. بعد از مرکز شهر محلات قدیمی، محله‌های پای حصار شهر و بیرون از حصار قدیمی شهر به چشم می‌خورند. در این مرحله اشکال مختلف ساختمانی، بر چشم‌انداز جغرافیایی شهر حاکم است: در محلات قدیمی تضاد ساختمانی درون و برون از پای حصار شهر چشمگیرتر است (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

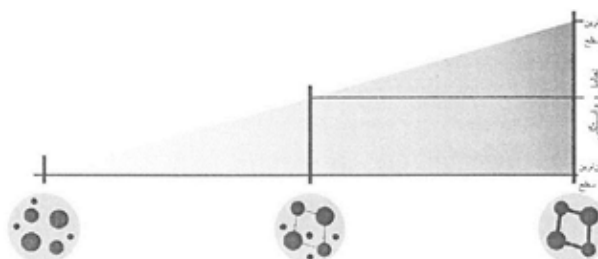


شکل شماره ۳: مراحل پویایی رشد و تغییر سیمای شهری از مرکز به حومه (سیلوی رهبر)

مأخذ: بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۷

دیدگاه‌های مرتبط با ساخت تک‌هسته‌ای و چندهسته‌ای شهر

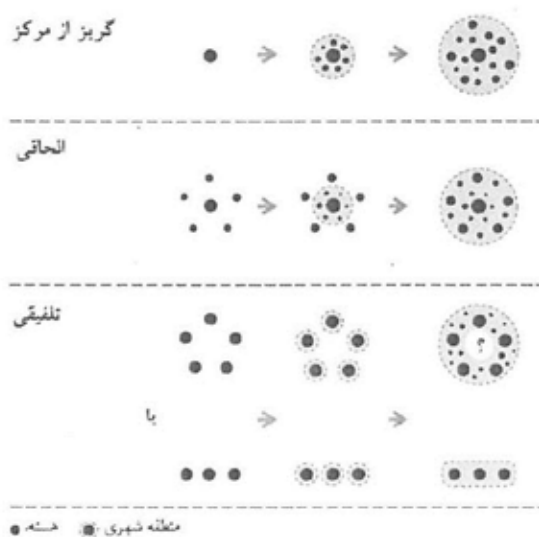
چامپیون در ارتباط با شهر چندهسته‌ای یک دیدگاه کاملاً متفاوت ارائه داده و اظهار می‌کند که تغییر جمعیت موجب شکل‌گیری انواع مختلف شکل‌های شهری و منطقه‌ای شده است. وی سه سطح از تعامل و وابستگی‌های متقابل در نواحی شهری را معرفی می‌کند. این تعامل و وابستگی بین منطقه شهری چندهسته‌ای وجود دارد که در اطراف یک کلان‌شهر منفرد توسعه یافته است. در پایین‌ترین سطح هیچ‌گونه رابطه‌ای بین سکونتگاه‌ها وجود ندارد و فقط توزیع جمعیت صورت می‌گیرد. در سطح دوم، با اندکی تعامل مشخص می‌شود کدام مراکز بخشی از سیستم را شکل داده و کدام مراکز مستقل از آن هستند. در سومین سطح که دارای بیشترین هم‌افزایی است، هر هسته دارای یک شهر با مقیاس عملکردی است. این هسته عملکردی برای کل سیستم شهری منابع عرضه فراهم می‌کند (Champion, 2001).



شکل شماره ۴: درجه تعامل و وابستگی متقابل در شهر چندهسته‌ای

مأخذ: Champion, 2001

هدف وی توضیح ساده فرایند ریخت‌شناسی ساختار چندهسته‌ای و تمایل آن به تعامل با کنشگران در سطح منطقه‌ای است. طبق نظر چامپیون، گرایش به سمت چندهسته‌ای می‌تواند زاینده یک شهر تک‌هسته‌ای اولیه باشد که به خاطر رشد مداوم به صورت یک سیستم شهری چندهسته‌ای درآمده (حالت گریز از مرکز)؛ یا زاینده یک شهر تک‌هسته‌ای اولیه باشد که با الحاق مراکز کوچک‌تر به نواحی اطراف، به صورت سیستم شهری چندهسته‌ای درآمده است (حالت الحاقی)^۵ یا ممکن است زاینده به هم‌پیوستگی چندین هسته مستقل اولیه با اندازه مشابه باشد که در شکل‌های مختلفی ظاهر شده‌اند (حالت تلفیقی)^۶.



شکل شماره ۵: ارزیابی منطقه شهری چندهسته‌ای ریخت‌شناسی

مأخذ: Champion, 2001

طبق نظر گرین، تعریف رسمی چندهسته‌ای باید مقیاس‌پذیر باشد (Green, 2007). هال و پین استدلال می‌کنند که شهر چندهسته‌ای می‌تواند در سطوح یا مقیاس‌های فضایی چندگانه رخ دهد و آنچه در یک سطح تک‌هسته‌ای است، ممکن است در سطح دیگری چندهسته‌ای باشد و بالعکس (Hall & Pain, 2006). طبق نظر کلوسترومن و موستروود، این ویژگی مقیاس‌پذیری چندهسته‌ای نشان‌دهنده تفاوت‌های کیفی بین مراکز است. آنها عنوان می‌کنند که افزایش مقیاس‌های فضایی متضمن معانی مهم برای چگونگی درک تفکر شهر چندهسته‌ای بین شهری است (Kloosterman & Musrterd, 2001) و در این راستا چهار بعد را ارائه می‌دهند:

بعد نخست مربوط به شکل کالبدی است. تجمع الگوهای آمدوشده‌ی جمعیت و اشتغال بسته به شکل تاریخی منطقه می‌تواند به صورت شعاعی یا خطی در راستای دالان‌ها یا در راستای یک حلقه باشند. شهر چندهسته‌ای بین شهری معمولاً فاقد زیرساخت تاریخی- که در شهرهای منفرد قابل مشاهده است- می‌باشد. به علاوه تغییر مقیاس از یک شهر تک‌هسته‌ای می‌تواند

جدول شماره ۱: جمع‌بندی دیدگاه‌های ساختار چند هسته‌ای شهری

| نظریه پرداز | توضیح |
|----------------------|--|
| چامپیون | فرایند شکل‌گیری شهر چند هسته‌ای در سه حالت گریز از مرکز، الحاقی و تلفیقی اتفاق می‌افتد. |
| گرین | شهر چند هسته‌ای صرفاً به معنی حضور چندین شهر در یک منطقه کلان‌شهری نیست بلکه به معنی تعادل در توزیع اندازه این شهرهاست. |
| هال و پین | شهر چند هسته‌ای می‌تواند در سطوح با مقیاس‌های فضایی چند گانه رخ دهد و آنچه در یک سطح تک هسته‌ای است، ممکن است در سطح دیگر چند هسته‌ای باشد و بالعکس. |
| کلوسترمین و موستروود | چگونگی درک تفکر شهر چند هسته‌ای در قالب چهار بعد کل کالبدی، ماهیت سیاسی، روابط عملکردی و هویت و چشم‌انداز منطقه شهری قابل تحلیل است. |
| میجرز | هم‌افزایی، تمرکززدایی و تغییرات در فناوری اطلاعات، حمل‌ونقل و ارتباطات موجب پیدایش مکان‌هایی دارای ظرفیت برای ایجاد یک شهر چند هسته‌ای می‌شود. |

مأخذ: حسینی، ۱۳۹۵: ۸۰

محدوده مورد مطالعه

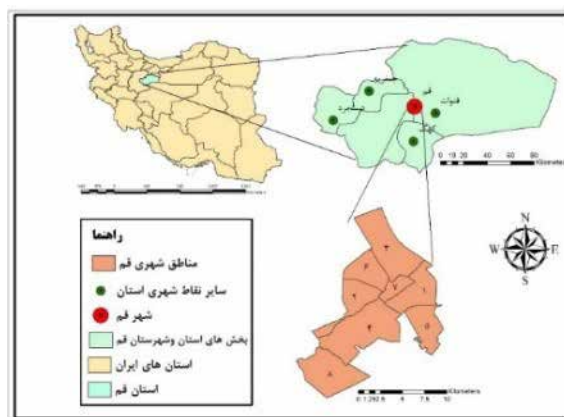
قم در مرکز ثقل جغرافیایی کشور قرار گرفته و به دلیل مکان‌گزینی در کنار راه‌های ارتباطی و همجواری با استان‌های مهم کشور (تهران، اصفهان و اراک) همواره در طول تاریخ موقعیت ارتباطی ممتازی داشته است (همتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷). وجود دشت کویر و دریاچه نمک در شرق و جنوب شرقی، ارتفاعات زاگرس در غرب و رشته‌کوه‌های منفرد در جنوب آن و ویژگی‌های طبیعی کم‌توان و ناسازگار شرایط ویژه‌ای را برای توسعه تاریخی این شهر به وجود آورده است. میانگین دمای سالیانه ۱۷/۸ درجه سلسیوس، میانگین بارش سالیانه ۱۵۰ میلی‌متر، ارتفاع حدود ۹۳۶ متر از سطح دریا و قرار داشتن در قلمرو آب‌وهوای گرم و نیمه‌خشک داخلی ایران، این وضعیت را بازگو می‌کند. با وجود این، رودخانهٔ قمرود که از کوه‌های گلپایگان سرچشمه می‌گیرد در طول تاریخ به عنوان منبع اصلی کشاورزی و مدنیت قم و دیه‌ها و روستاهای درون این دشت مطرح بوده است؛ ولی کمی آب این رودخانه باعث شده است که بومیان و مهاجران عرب از طریق حفر قنات و یا از طریق جنگ و متقاعد ساختن نواحی پیرامون از جمله محدودهٔ کمره (خمین امروزی) سهم آب مورد نیاز برای توسعهٔ دهات و این شهر را فراهم آوردند. آنچه مسلم است از دوران باستان تاکنون مسئلهٔ آب و منابع آبی برای توسعهٔ این شهر یک مانع حیاتی بوده است؛ زیرا آب در دشت قم نه تنها از لحاظ کمی بلکه از لحاظ کیفی نیز دچار محدودیت بوده است. بدیهی است این وضع هم بر توسعهٔ بنیان‌های اقتصادی و هم در ناسازگاری و خشونت طبیعت با مردم و ساکنان این منطقه اثر منفی داشته است. علاوه بر این در اثر رویدادهای بزرگ و حوادث تاریخی چون حملهٔ مغول شهر قم به کلی ویران شده است و در دورهٔ جنگ‌های داخلی

نحوه ترکیب کاربری‌های زمین را تغییر دهد. شهر تک هسته‌ای دارای شیب تراکم کاهشی از نواحی خارج از مرکز شهر است. شکل‌گیری شهر چند هسته‌ای سطح شیب را تغییر می‌دهد. بعد دوم، مسئله ماهیت سیاسی است. تحولات چند هسته‌ای در داخل یک شهر به طور آشکار اقبال بیشتری برای محقق شدن به عنوان یک ماهیت سیاسی دارند. بعد سوم، درباره روابط عملکردی است. روی آوردن به شهر چند هسته‌ای در بافت یک شهر منفرد نشان‌دهنده تقسیم فضایی نیروی کار در جایی است که مکان‌های جدید در حال شکل گرفتن هستند. این نوع شهرها به عنوان نهادهای فضایی قلمداد می‌شوند که در آنها صرفه‌هایی ناشی از تجمع مارشالی^۱ (تسهیلات اشتراکی برای نیروی کار، افزایش استفاده از فناوری، محصولات تولید شده در مرکز و تأمین تقاضا) در ابتدای امر محلی شده‌اند. بعد چهارم، به هویت و چشم‌انداز منطقهٔ شهری چند هسته‌ای مربوط می‌شود. شهرهای زیادی دارای هویت‌های تاریخی‌اند و تمایل به داشتن نموده‌های سمبولیک قوی دارند. رسانه‌های محلی در موارد زیادی این هویت را تولید می‌کنند و احتمالاً به تداوم ترسیم‌های ذهنی تک هسته‌ای کمک می‌کنند. در یک منطقه شهری چند هسته‌ای، توسعه مراکز جدید فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از مرزهای این تصاویر تاریخی عبور کرده و ممکن است هویت‌های محلی شدن بدون جایگزینی با یک هویت منطقه شهری چند هسته‌ای محو گردند (حسینی، ۱۳۹۵: ۷۵-۷۶).

میجرز عنوان می‌کند که شهرهای اولیه به دلیل هم‌افزایی شکل گرفته‌اند. سپس بر مبنای صرفه ناشی از انباشت سرمایه توسعه یافتند. زندگی و کار در شهرها فوایدی از قبیل تأمین خدمات عمومی، خدمات و محصولات تخصصی، بازارهای متنوع و بزرگ شهری و تبادل آسان و دسترسی به اطلاعات را در بردارد. شهرها در قالب گره‌هایی در یک شبکه با زیرساخت، روابط درون شهری و جریان‌های از پیش ساخته، می‌توانند منطقهٔ شهری چند هسته‌ای را شکل دهند. این در حالی است که شهرها در درون خود از انبوهی از گره‌ها همچون، خانوارها، بنگاه‌ها، افراد، سازمان‌ها شکل گرفته‌اند که این گره‌ها از طریق زیرساخت، جریان و روابط متقابل با یکدیگر در ارتباط هستند. بسته به اینکه منطقهٔ شهری چند هسته‌ای شبکه‌ای از کانون‌ها و یا گره‌ها باشد، مکانیسم‌های یکسان به کار گرفته شده برای آن منجر به هم‌افزایی خواهد شد. بدین معنی که در منطقهٔ شهری چند هسته‌ای، هم‌افزایی از طریق مکانیسم‌های همکاری و تعامل (و اثرات جانبی در هر دو) شکل می‌گیرند (Meijers, 2008) به نقل از حسینی، ۱۳۹۵: ۷۷-۷۸).

در این بین مهم‌ترین دیدگاه‌های مرور شده که قابلیت انطباق با «مقیاس درون شهری» دارند، دیدگاه چامپیون، کلوسترمین و موستروود و نیز دیدگاه هم‌افزایی میجرز است.

میان خاندان‌های حکومتگر در فاصله دوره صفویه تا قاجاریه نیز این قلمرو آسیب‌های فراوان دیده و توسعه این شهر را محدود کرده است. بنا به نوشته‌های تاریخی اولین تحول شهر قم در روزگار تثبیت قاجاریه و در دوره ناصرالدین شاه رخ داده است. جاذبه معنوی و تأثیرگذار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (س) از قرن سوم هجری تاکنون به عنوان مهم‌ترین عامل تداوم توسعه این شهر شناخته می‌شود وضعی که در حال حاضر نیز به عنوان مهم‌ترین کارکرد این شهر مورد توجه است. نتیجه طبیعی این وضعیت در ارتباط با ساختار فضایی کالبدی شهر قم این بوده است که قم به صورت شهری درون‌گرا، فشرده، در درون یک برج و بارو با یک مرکزیت تاریخی به دوره معاصر وارد شده است. آنچه در تحولات شهرنشینی جدید در توسعه قم و در سال‌های اخیر ارتقاء آن به یک کلان‌شهر اتفاق افتاده است فرایندی شتابناک داشته و ساختار فضایی کنونی را شکل داده است (ر.ک: سعیدنیا، ۱۳۶۶: ۱۶۹-۱۴۳). طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، کلان‌شهر قم ۱۲۰۱۱۵۸ نفر جمعیت داشته که ۶۰۹۵۴۱ نفر آنها مرد و ۵۹۱۶۱۷ نفر آنها زن و دارای ۳۵۶۹۷۶ خانوار بوده است. با این جمعیت قم در رتبه هفتمین شهر پرجمعیت ایران قرار گرفته است. نرخ رشد جمعیت شهر قم در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۹۵، ۲/۹۶ درصد بوده که جزء بالاترین نرخ رشد جمعیت در ایران بوده است. با توجه به مساحت ۱۲/۷۲۳ کیلومترمربعی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قم، ۱۳۹۵) محدوده قانونی شهر قم، تراکم جمعیت در این شهر ۹۴۴۰۸ نفر در کیلومترمربع (معادل ۹۴ نفر در هکتار) است که از این نظر بعد از تهران، رشت و کرج، در رتبه چهارم ایران قرار دارد. علت این تراکم بالا، مهاجرت‌پذیری قم و محدودیت نسبی وسعت آن است. جمعیت بخش مرکزی کلان‌شهر قم که منطبق بر منطقه ۷ شهرداری قم است، ۴۱۶۲۵ نفر با ۱۲۷۴۳ خانوار بوده که حدود ۳/۵ درصد از جمعیت کل شهر را به خود اختصاص داده است. همچنین منطقه شش با ۲۱۳۳۵۶ نفر (معادل ۱۸ درصد از کل جمعیت شهر) دارای بیشترین جمعیت در بین مناطق شهری قم بوده است. بر پایه اطلاعات سال ۱۳۹۸ کلان‌شهر قم دارای هشت منطقه، ۲۶ ناحیه و ۱۲۲ محله است.



شکل شماره ۶: موقعیت کلان‌شهر قم در تقسیمات کشوری

روش تحقیق

با عنایت به گستره موضوعی، ابعاد مسئله و نوع داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز که در مقیاس شهر لازم بوده است، جامعه آماری این تحقیق «محدوده قانونی- خدماتی» کلان‌شهر قم مشتمل بر هشت منطقه شهری بوده که با محدوده مورد مطالعه پژوهش تطابق داشته است؛ از این رو، تحقیق نیاز به جامعه نمونه نداشته است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) شامل نقشه‌ها، آمارنامه‌ها و طرح‌های شهری (طرح جامع و تفصیلی و دیگر طرح‌های توسعه شهری قم) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های کمی شامل تحلیل آماره G عمومی و موران محلی LISA، بیضی انحراف استاندارد و تابع تراکم کرنل^۱ برای ترسیم نقشه‌های تراکم کاربری‌های شهری در نرم‌افزار Arc Gis 10.3 استفاده شده است. روش برآورد تراکم کرنل قادر است به سرعت و به صورت بصری نقاط کانون را از «پایگاه داده بزرگ» شناسایی کرده و در نتیجه خروجی آماری رضایت بخشی را ارائه دهد. در واقع این روش، یک روش درون‌یابی آماری است که امکان تهیه نقشه تراکم فعالیت‌های سطح شهر را به صورت پیوسته فراهم می‌آورد. در این روش مناطق نزدیک‌تر به فعالیت‌های پرتراکم نسبت به سایر مناطق وزن بیشتری خواهند داشت و نتیجه آن توزیع هموارتر ارزش‌هاست. با تأسی از آنتی‌واسانن در این پژوهش از دو روش ریخت‌شناسی و عملکردی به مطالعه چگونگی شناسایی شکل‌گیری هسته‌های متعدد در کلان‌شهر قم استفاده شده است (Vasanen, 2012). از این رو در تعیین معیارها و شاخص‌ها هم به جنبه‌های ریخت‌شناسی و هم به جنبه‌های عملکردی این شهر توجه شده است (جدول ۲).

جدول شماره ۲: معیارها و شاخص‌های تحقیق

| مفهوم | مؤلفه/معیار | شاخص |
|------------------|-------------------------|--|
| ساختار فضایی شهر | توزیع و تراکم فعالیت‌ها | کاربری‌های خدمات شهری (تجاری، خدمات اداری و آموزشی، فعالیت‌های مذهبی-فرهنگی، خدمات بهداشتی-فرهنگی، امکانات و خدمات گردشگری، فعالیت‌های صنعتی-کارگاهی، خدمات حمل‌ونقل و تأسیسات و تجهیزات شهری، فعالیت‌های ورزشی) |
| | | کاربری‌های ترکیبی و مختلط شهری |
| جمعیت | مراکز ثقل جمعیتی | مراکز ثقل جمعیتی |
| | | خوشه‌های فضایی جمعیت |

مرور یافته‌ها

در طرح ساختاری-راهبردی شهر قم، الگوهای محتمل مراکز شهری در ساختار فضایی شهر قم به شرح زیر ارائه شده است (مهندسین مشاور امکو، ۱۳۸۲):

جدول شماره ۳: ارزیابی الگوهای ساختار فضایی شهر قم در طرح ساختاری - راهبردی

| عوامل ارزیابی | الگوی ۱ | الگوی ۲ | الگوی ۳ |
|--------------------|---------|---------|---------|
| تداوم روند تاریخی | + | - | ۰ |
| سهولت دسترسی | - | + | + |
| بالا بردن کارایی | - | + | + |
| سلسله مراتب خدماتی | - | - | + |
| جمع‌بندی | -۲ | ۰ | ۳+ |

مأخذ: مهندسین مشاور امکو، ۱۳۸۲

مراکز ثقل جمعیتی در کلان‌شهر قم

بیضی انحراف استاندارد دوره‌های آماری

بر اساس داده‌های جمعیتی سال ۷۵ شهر قم، بیضی انحراف استاندارد که دارای جهت شرقی-غربی بوده، بخش مرکزی و تاریخی شهر و بخش‌های محدودی از سایر مناطق قم مانند منطقه شش، دو و چهار را در بر گرفته است. در سال ۸۵ بیضی انحراف استاندارد با یک چرخش ۱۰ درجه‌ای، جهت شمالی - جنوبی به خود می‌گیرد و علاوه بر بخش مرکزی شهر، محدوده‌های بیشتری از سایر مناطق شهر به‌ویژه مناطق دو و شش را در برمی‌گیرد. در سال ۹۵ نیز بیضی انحراف استاندارد با چرخش ۲۳ درجه‌ای، دارای جهت شمال شرقی - جنوب غربی شده و پهنه‌های وسیع‌تری از کلان‌شهر قم را در برمی‌گیرد، به طوری که بیش از ۷۰ درصد منطقه شش و کل منطقه دو را پوشش می‌دهد. در حالت کلی این تحلیل نشان می‌دهد در دوره‌های آماری تراکم جمعیت از مرکز شهر بیشتر به سمت غرب و جنوب غربی شهر قم تمایل پیدا کرده است (شکل شماره ۸). بررسی سطوح تراکمی در کلان‌شهر قم نیز در دوره‌های آماری تأییدی بر این گفته است.

نتایج توزیع فضایی جمعیت در کلان‌شهر قم نشان از کاهش تراکم جمعیت در بخش مرکزی شهر و افزایش تراکم جمعیت در مناطق دو و شش شهر دارد. در سال ۹۵ بیشترین نرخ تراکم ناخالص جمعیتی (۱۹۸ نفر در هکتار) در کلان‌شهر قم به منطقه شش مربوط بوده است. منطقه دو نیز با ۱۴۸ نفر در هکتار، دومین منطقه پرتراکم شهر بوده است. همچنین کمترین نرخ تراکم جمعیت (۵۷ نفر در هکتار) در بین مناطق شهری قم، به منطقه سه اختصاص داشته است. به همین ترتیب مناطق هشت (شهرک پردیسان) با ۶۲ نفر در هکتار و پنج (جمکران) با ۶۶ نفر در هکتار، کم تراکم‌ترین مناطق کلان‌شهر قم بوده‌اند (شکل شماره ۹).

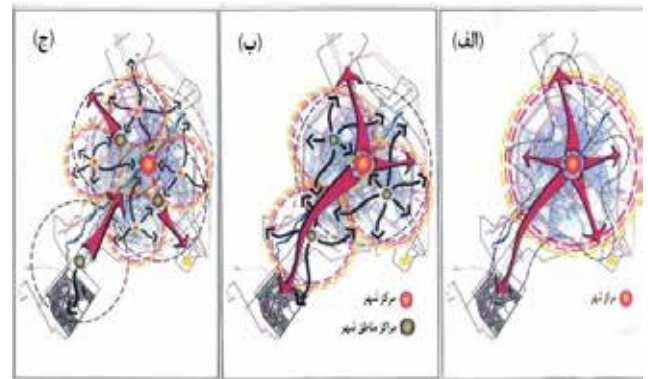
جدول شماره ۴: بیضی انحراف استاندارد جمعیت در دوره‌های آماری

| سال | X Standard Distance | Y Standard Distance | Rotation |
|------|---------------------|---------------------|-----------|
| ۱۳۷۵ | ۲۰۸۷,۳۳۰۳۰۱ | ۳۰۵۳,۷۶۶۴۳۳ | ۴,۲۸۷۵,۰۳ |
| ۱۳۸۵ | ۳۳۸۳,۱۰۶۱۸۹ | ۳۹۳۴,۱۱۷۳۴۱ | ۱۰,۲۸۴۱۸۵ |
| ۱۳۹۵ | ۳۲۵۷,۹۳۵۳۶۳ | ۴۳۸۷,۰۷۶۱۳۶ | ۲۳,۸۹۲۱۶۲ |

۱) الگوی تک مرکزی ادامه وضع موجود شهر را در اولویت ساختاری قرار می‌دهد. مرکزیت اصلی شهر با تنوع کارکردها و فعالیت‌های مختلف، کشش و جذب سفرهای متعدد شهری را به سوی خود سبب می‌گردد، از این رو، می‌بایست تمرکز و ازدحام مرکز شهر را به لحاظ تداخل انواع فعالیت‌ها پذیرفت (شکل شماره ۷).

۲) الگوی چندمرکزی با هدف ایجاد مراکز خدماتی فرعی به پالایش مرکز شهر از فعالیت‌های عمومی شهری و ایجاد مراکز جدید می‌پردازد. مرکز تاریخی و مذهبی شهر را می‌توان خالی از کاربری‌های دیگر نمود که در این صورت سهولت کارکردی و دسترسی به مراکز از اهمیت جدی برخوردار خواهد شد (شکل شماره ۶).

۳) الگوی چندمرکزی با حفظ مرکزیت اصلی شهر نیز با هدف تداوم نقش و کارکرد تاریخی مرکز شهر، شکل‌گیری مراکز جدیدی را در نظر دارد که می‌تواند بخشی از فعالیت‌ها را به پیرامون و مراکز ثقل جدید منتقل نماید. این مراکز جدید کارایی و دسترسی مناسب را برای خدمات رده‌های پایین‌تر شهری فراهم می‌سازد و مرکزیت اصلی شهر را برای فعالیت‌های عمده و اصلی‌تر آزاد می‌کند (شکل شماره ۷).



شکل شماره ۷: الگوهای ساختار فضایی شهر قم: الف) الگوی تک مرکزی ب) الگوی چندمرکزی ج) الگوی چندمرکزی با حفظ مرکزیت اصلی شهر

مأخذ: مهندسین مشاور امکو، ۱۳۸۲: ۲۷۵-۲۷۳

در طرح ساختاری-راهبردی شهر قم با توجه به معیارهای زیر الگوهای گفته شده ارزیابی شده و الگوی سوم (الگوی چندمرکزی با حفظ مرکزیت اصلی شهر) به عنوان الگوی بهینه مطرح شده است. بر اساس اصول این طرح، مراکز فعالیت، عمدتاً برای خدمات رده‌های پایین‌تر و مرکز تاریخی-قدیمی شهر برای فعالیت‌های اصلی شهری پیش‌بینی شده‌اند که در این الگو شیب نزولی فعالیت‌ها از مرکز شهر به سمت مراکز جدید در امتداد رودخانه (حوزه قمرود) و جمکران امتداد می‌یابد.

شناسایی خوشه‌های فضایی جمعیت

تحلیل موران محلی LISA

با توجه به اینکه داده‌های اخذ شده از مرکز آمار در سطح بلوک شهری بوده‌اند، برای انجام تحلیل‌های فضایی و امکان دستیابی به نتیجه بهتر، مقیاس بزرگ‌تری از بلوک شهری در نظر گرفته شده است؛ بر این اساس ۷۱ واحد فضایی (که بیشتر بر اساس شبکه‌بندی معابر شهر قم بوده) استخراج شده و به عنوان واحد تحلیل پژوهش در این قسمت از تحقیق منظور شده است. همان‌طور که در شکل ۱۰ ملاحظه می‌شود، در سال ۸۵ خوشه‌های جمعیتی با مقادیر زیاد (H-H) در مناطق غربی و شمال غربی کلان‌شهر قم (مناطق ۶ و ۲) قرار گرفته است. بر اساس نقشه مربوط در سال ۸۵، مقادیر خوشه‌ای با وضعیت (L-L) که خودهمبستگی منفی با هم دارند در جنوب شهر قم (منطقه ۸) دیده می‌شود. منطقه هشت یا پردیسان که به لحاظ شکل‌گیری به نسبت سایر مناطق، جدیدتر بوده در سال ۸۵ جمعیت کمتری داشته است. برای سال ۹۵ نیز تحلیل فضایی موران محلی نشان‌دهنده خوشه‌های جمعیتی با مقادیر بالا در مناطق دو و شش است. وضعیت نسبت به سال ۸۵ چندان تغییری نکرده است؛ لیکن خوشه‌های با مقادیر بالا بیشتر در منطقه دو و بخش غربی شهر قم واقع شده‌اند. برخلاف سال ۸۵، در سال ۹۵ خوشه‌های جمعیتی با مقادیر بسیار پایین وجود ندارد که این امر نشان از افزایش نسبی جمعیت در محدوده شهرک پردیسان و همچنین توزیع فضایی متعادل‌تر جمعیت در سطح مناطق هشت‌گانه کلان‌شهر قم داشته است.

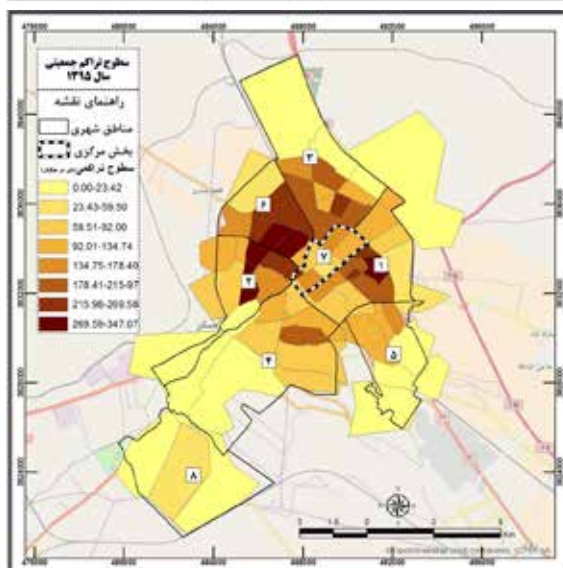
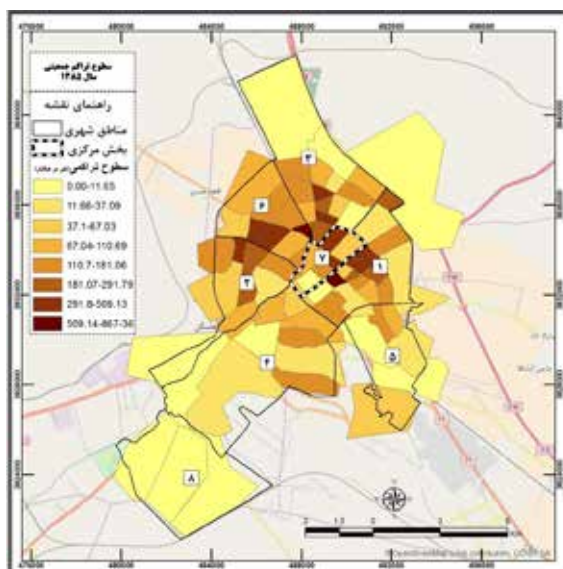
تحلیل آماره G عمومی یا گیتس - اردجی

در سال ۷۵، آماره G به دست آمده معادل ۰,۰۰۰۱۱۲، نمره استاندارد ۰,۵۲۵۷ و خط‌چین سطح معناداری در نمودار مربوط بر روی گزینه Random قرار گرفته است که نشان‌دهنده الگوی پراکنش فضایی تصادفی جمعیت در سطح شهر قم بوده است. برای سال‌های ۸۵ و ۹۵، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، نمره استاندارد حاصل شده به ترتیب ۵۸,۰۵۲۹۳۰ و ۴۶,۵۷۴۲۰۶ بوده که خوشه‌ای بودن الگوی توزیع فضایی جمعیت در کلان‌شهر قم را نشان می‌دهد. همچنین قرار گرفتن سطح معناداری در رنگ قرمز (داغ) نشان‌دهنده این واقعیت است که واحدهای فضایی با تمرکز بالا در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند که تأییدی بر وجود خوشه‌های بالا در سطح کلان‌شهر قم است.

در حالت کلی نتایج حاصل از روش‌های آمار فضایی به کار گرفته شده، خوشه‌ای بودن الگوی پراکنش جمعیت در سطح کلان‌شهر قم را نشان داده است. همچنین الگوی فضایی جمعیت در روند توسعه شهر قم، نشان از پایین آمدن جمعیت در بخش مرکزی و تاریخی و افزایش و بالا رفتن تراکم جمعیت در مناطق غربی و شمال غربی و تا حدودی جنوب غربی شهر قم (شامل



شکل شماره ۸: بیضی انحراف استاندارد جمعیت در دوره‌های آماری



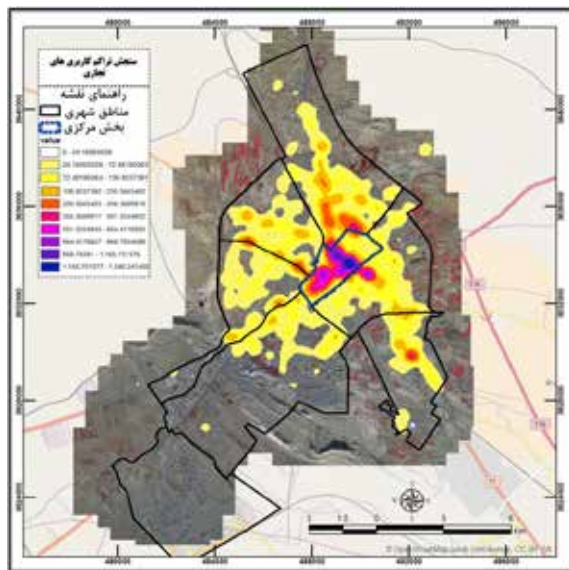
شکل شماره ۹: توزیع فضایی تراکم جمعیتی در کلان‌شهر قم در سال‌های ۸۵ و ۹۵

جدول شماره ۵: شاخص G عمومی Getis- Ord برای دوره‌های آماری ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵

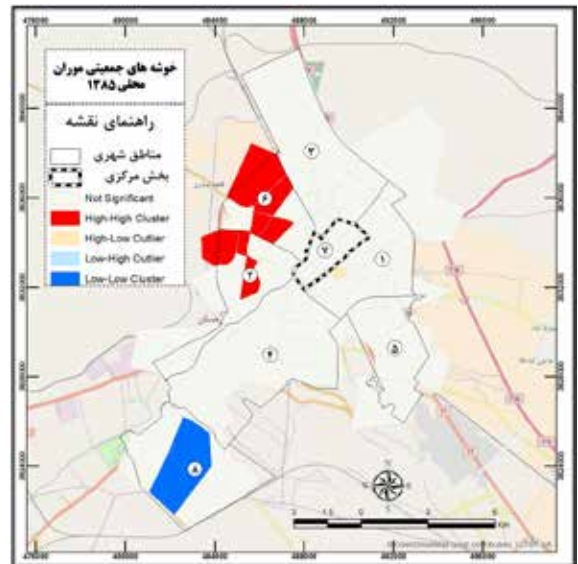
| MAUP در سطح | شاخص G عمومی | واریانس | z-score | p-value |
|-------------|--------------|---------|-----------|----------|
| ۱۳۷۵ | ۰,۰۰۰۱۱۲ | ۰,۰۰۰۰۰ | ۰,۵۲۵۷۱۹ | ۰,۰۰۰۰۰۵ |
| ۱۳۸۵ | ۰,۰۰۰۱۲۳ | ۰,۰۰۰۰۰ | ۵۸,۰۵۲۹۳۰ | ۰,۰۰۰۰۰۰ |
| ۱۳۹۵ | ۰,۰۰۰۲۲۶ | ۰,۰۰۰۰۰ | ۴۶,۵۷۴۲۰۶ | ۰,۰۰۰۰۰۰ |

سنجش تراکم فعالیت‌ها

پراکنش فضایی فعالیت‌های تجاری، نشان‌دهنده تمرکز و فشردگی آنها در بخش مرکزی کلان‌شهر قم است که هم خدمات مقیاس محلی و هم فرامحلی و منطقه‌ای را شامل می‌شود. در عین حال، با گسترش کالبدی شهر قم سایر فعالیت‌های تجاری، اغلب در راستای محورهای اصلی شهر (از جمله بلوار توحید، خیابان امامزاده ابراهیم، خیابان امام خمینی، خیابان آیت‌الله طالقانی، خیابان انقلاب، بلوار محمدامین، خیابان نوزده دی) به صورت خطی شکل گرفته‌اند. این نوع پراکنش فعالیت‌های تجاری با توجه به فرم کالبدی شهر (فرم شعاعی) نیز قابل توجه است (شکل شماره ۱۲).

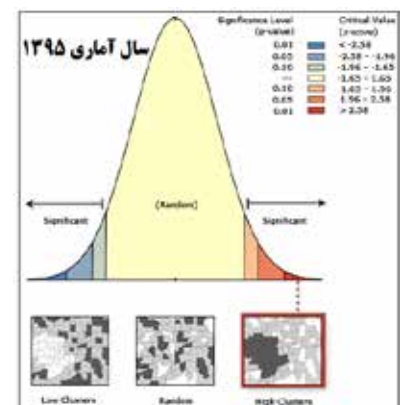
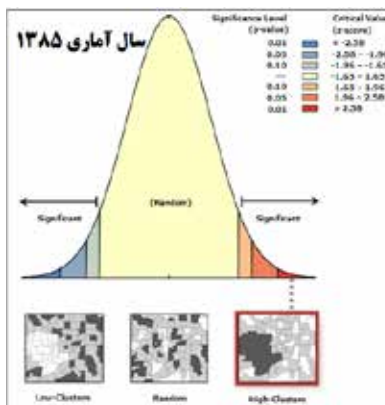
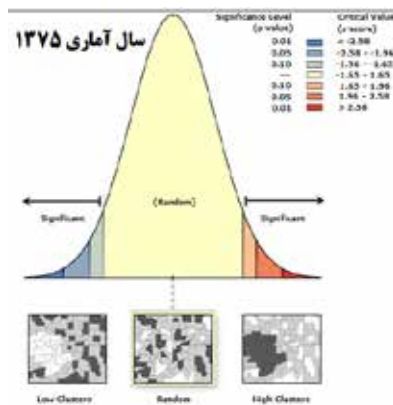


شکل شماره ۱۲: تراکم و توزیع فعالیت‌های تجاری در سطح کلان‌شهر قم



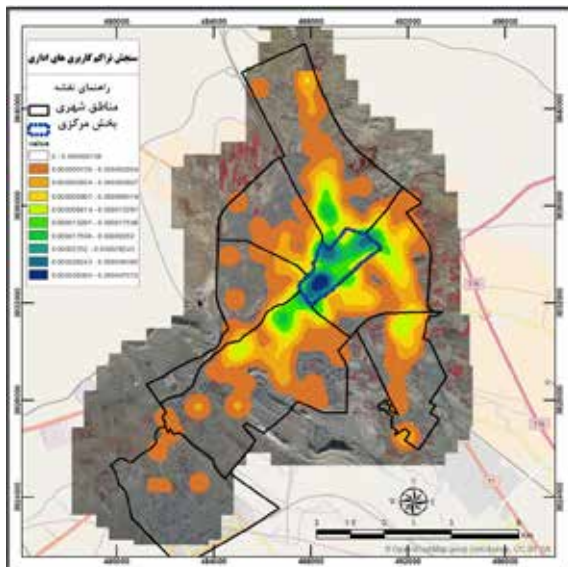
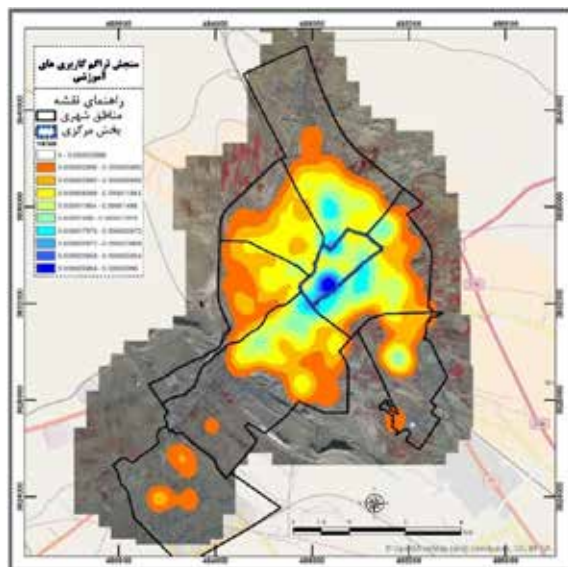
شکل شماره ۱۰: خوشه‌های موران محلی (LISA) در سال ۸۵ و ۹۵

مناطق ۲، ۶ و ۴ داشته است. در ادامه بحث، با استفاده از شاخص تراکم کرنل، به تراکم‌سنجی کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری در کلان‌شهر قم پرداخته شده است.



شکل شماره ۱۱: شاخص G عمومی Getis- Ord دوره آماری ۷۵، ۸۵ و ۹۵

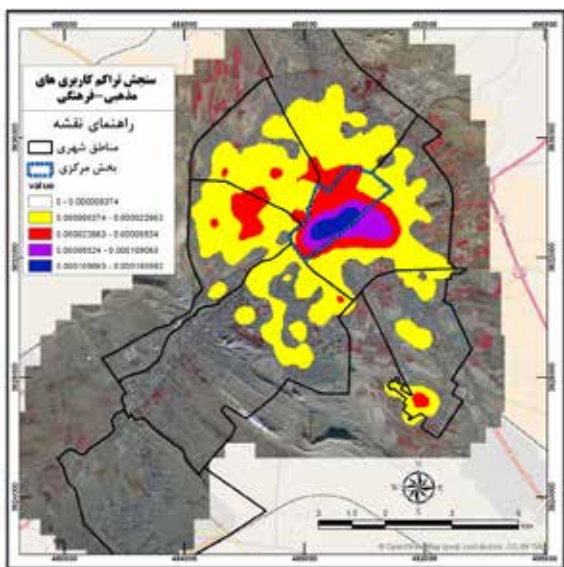
در تحلیل فضایی خدمات اداری و آموزشی مراکز واحدهای مذکور در هسته مرکزی شهر قم قابل توجه است. این دو فعالیت به عنوان خدمات مهم و فراگیر شهری بر جذب سفرهای روزانه و تأمین نیازهای شهروندان نقش اساسی بازی می کنند؛ داده های آماری و نقشه های مربوط نشان می دهد که هسته مرکزی کلان شهر قم در ارائه خدمات آموزشی و اداری همچنان بر سایر مناطق کلان شهر قم مسلط است و مراکز جدیدی با این درجه از تمرکز، هنوز در سطح کلان شهر قم شکل نگرفته است.



شکل شماره ۱۳: تراکم و توزیع فعالیت های آموزشی و اداری در سطح کلان شهر قم

نقش مذهبی کلان شهر قم که این شهر را در عرصه ملی و بین المللی مطرح ساخته، بیشتر از سایر کارکردهای این شهر اهمیت دارد و حتی دلیل بسیاری از تحولات این شهر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، کارکردهای مذهبی بوده است. مهم ترین و شاخص ترین عناصر مذهبی موجود در کلان شهر قم حرم حضرت معصومه (س) و مسجد مقدس جمکران است. به دلیل موقعیت مذهبی و

جایگاه ویژه قم در طول تاریخ مساجد زیادی نیز در آن بنا شده است که هرکدام به دلایلی از اعتبار خاصی برخوردارند. از میان مساجد قم مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) به عنوان قدیمی ترین مسجد قم از اعتبار و سندیت خاصی برخوردار است. هم اکنون حدود ۱۱۰ مسجد، ۴۰ مدرسه مذهبی و حوزه علمیه و فعالیت های فرهنگی - مذهبی مربوط به آنها در سطح شهر قم توزیع شده اند. تحلیل پراکنش فضایی فعالیت های فرهنگی - مذهبی کلان شهر قم نشان از تمرکز اکثر این فعالیت ها در هسته مرکزی شهر دارد؛ اگرچه، هسته جمکران نیز می تواند به عنوان یک «هسته فرهنگی - مذهبی» در جنوب شرق کلان شهر قم مطرح شود.

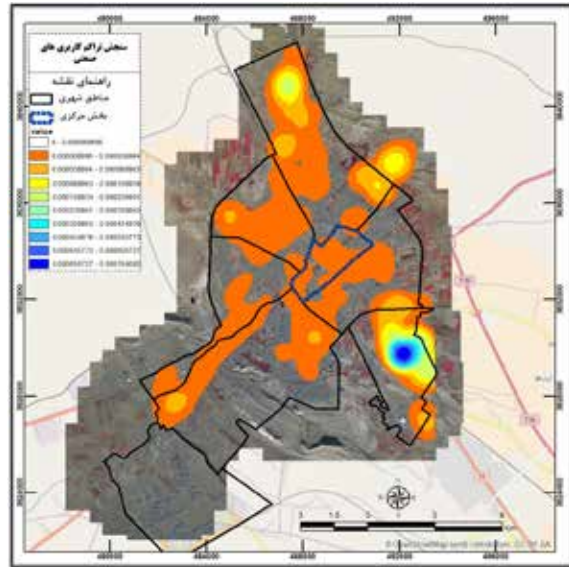


شکل شماره ۱۴: تراکم و توزیع فعالیت های مذهبی - فرهنگی در سطح کلان شهر قم

همان طور که در شکل ۱۵ دیده می شود تراکم و تمرکز خدمات بهداشتی - درمانی شامل بیمارستان ها، درمانگاه ها، داروخانه ها و سایر فعالیت های مرتبط، در بخش مرکزی و در جوار گوناگون هسته تاریخی قابل توجه است؛ هرچند که در سایر مناطق شهر نیز مانند منطقه یک و منطقه ۴ تراکم واحدهای درمانی - بهداشتی قابل مشاهده است و بنابراین نمی توان گفت که خدمات بهداشتی - درمانی تنها در بخش مرکزی شهر قم متمرکز است. شهر قم به عنوان دومین مرکز زیارتی کشور پس از مشهد مقدس، دارای توانمندی های گردشگری با کارکردهای مذهبی - زیارتی ارزشمندی در سطح ملی و بین المللی است که هر روزه مورد بازدید تعداد زیادی از گردشگران و زائران داخلی و خارجی قرار می گیرند. علاوه بر حرم مطهر و مسجد جمکران، بیش از ۴۰۰ امامزاده و مکان زیارتی دیگر نیز در قم وجود دارد (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲). هم اکنون ۴۹ هتل و هتل آپارتمان، ۴۲ مهمان پذیر و ۱۱۰ خانه اجاره ای دارای مجوز در قم برای اقامت گردشگران و زائران وجود دارد که در مجموع ۷۵۰۰ تخت اقامتی در قم ایجاد کرده اند. طبق شکل ۱۵، تمرکز و تراکم خدمات گردشگری در هسته مرکزی

سه هسته صنعتی - کارگاهی در کلان‌شهر قم را تشخیص داد. پراکنش فعالیت‌های مرتبط با امور حمل‌ونقل و تأسیسات و تجهیزات شهری در کلان‌شهر قم نشان از تجمع و تمرکز آن‌ها در منطقه پنج (جمکران) و همچنین با تراکم کمتر در هسته اصلی شهر دارد. در بخش مرکزی شهر به دلیل وجود کاربری‌های متعدد تجاری، انبارها و سایر امور مربوط به حمل‌ونقل و تأسیسات شهری تجمع یافته‌اند.

اصلی شهر قم قرار دارد. می‌توان اذعان کرد یکی از تفاوت‌های اصلی بخش مرکزی قم با بخش مرکزی برخی از شهرهای تاریخی ایران، وجود جاذبه‌های مذهبی در مقیاس ملی و فراملی است؛ این امر که باعث ورود زوار و گردشگران قابل توجهی به این بخش می‌شود زمینه شکل‌گیری خدمات گوناگون و امکانات لازم در هسته مرکزی این شهر را فراهم کرده و آن را به یک هسته چند عملکردی تبدیل کرده است.



شکل شماره ۱۶: تراکم و توزیع فعالیت‌های صنعتی، حمل‌ونقل و تأسیسات در سطح کلان‌شهر قم

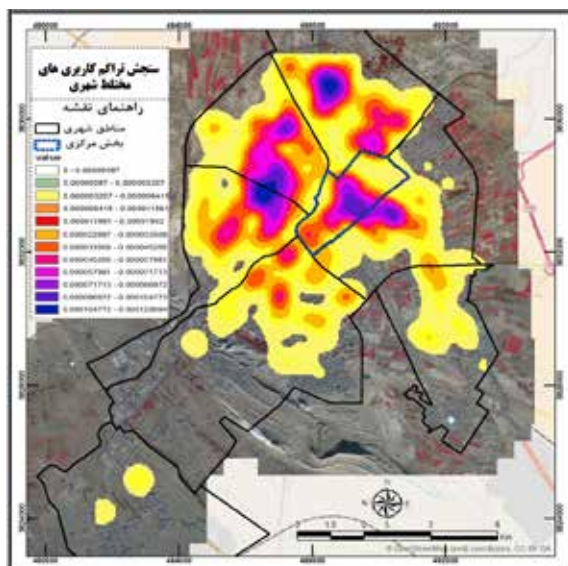
یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌تواند در تشخیص هسته اصلی شهر و مراکز فرعی جدید در سطح شهرها به کار آید، کاربری‌های ترکیبی شامل کاربری‌های «مسکونی - تجاری»، «مسکونی - خدماتی»، «تجاری - خدماتی»، «تجاری - مذهبی» و ... است. طبق نوشته‌های جیکوبز، ترکیب متعادلی از مراکز کار، خدمات و فعالیت‌ها، قلمرو اجتماعی امن، محرک و زنده‌ای را در شهر فراهم می‌آورد. به همین دلیل وی بین کاربری‌های اولیه و



شکل شماره ۱۵: تراکم و توزیع خدمات بهداشتی - درمانی و خدمات گردشگری در سطح کلان‌شهر قم

همان‌گونه که در شکل شماره ۱۶ نشان داده شده است، فعالیت‌های صنعتی عمدتاً در بخش مرکزی بسیار محدود بوده و هسته‌های صنعتی در حاشیه‌ها و پیرامون شهر قم به موازات محورهای ارتباطی قم-تهران و قم-کاشان و قم - سلفچگان قرار گرفته‌اند. جدا از هسته صنعتی منطقه پنج در جوار مسجد جمکران، مراکز صنعتی دیگری نیز در منطقه سه شهر تمرکز یافته‌اند که تجمع آنها نیز قابل توجه است؛ بنابراین می‌توان وجود

ثانویه که قرار است ترکیب شوند، تفاوت قائل شده است. منظور او از کاربری‌های اولیه «کاربری مسکونی» است که افراد زیادی را در یک ناحیه فعال و پر جنب‌وجوش گرد هم می‌آورد که باعث الزام در استقرار کاربری‌های ثانویه نظیر مغازه‌ها، رستوران‌ها و دیگر خدمات کوچک مقیاس می‌شود. جنب‌وجوش و فعالیت‌های حاصل بین این کاربری‌ها در زمان‌های مختلف روی می‌دهد که افت‌وخیزهای جزر و مدی را در فضای شهری به وجود می‌آورد؛ بنابراین بررسی کاربری‌های ترکیبی (مختلط) می‌تواند ما را در راستای شناخت مراکز فرعی جدید در سطح شهرها کمک کند. تحلیل فضایی و سنجش تراکم کاربری‌های مختلط در سطح کلان‌شهر قم وجود مراکز فرعی جدیدی را نشان داده است. همان‌گونه که در شکل شماره ۱۷ قابل مشاهده است، علاوه بر هسته تاریخی و قدیمی شهر، دو هسته متراکم دیگر از فعالیت‌های ترکیبی در منطقه سه و محدوده بین مناطق دو و شش کلان‌شهر قم وجود دارند. البته نوع خدمات ارائه شده در مراکز فرعی کلان‌شهر قم به نسبت هسته مرکزی شهر دارای مقیاس محلی‌تر هستند و برای رفع برخی نیازهای روزمره شهروندان در سطح محلی ایجاد شده‌اند.



شکل شماره ۱۷: تراکم و توزیع کاربری‌های ترکیبی (مختلط) در سطح کلان‌شهر قم

هسته‌های جدید در حال شکل‌گیری در کلان‌شهر قم

کلان‌شهر قم به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران در دهه‌های اخیر به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی گسترش چشمگیری داشته است و هر دو نوع از رشد شهری را در قالب رشد بدون برنامه و غیررسمی و رشد با برنامه در قالب طرح‌های توسعه شهری و شهرک‌سازی‌ها تجربه کرده است. هسته‌های فرعی شهر یکی در قالب رشد برنامه‌ریزی (هسته شهری پردیسان) و دیگری در جریان خزش شهری و ادغام روستایی (هسته شهری جمکران) اتفاق افتاده است. قابل ذکر است که این مراکز جدید هنوز در

ابتدای تکامل خود هستند و در آینده احتمالاً به لحاظ عملکردی و کارکردی، جمعیت و بسیاری از فعالیت‌های شهری را به خود جذب نموده و ساختار فضایی شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهند (شکل شماره ۱۸).

جمکران که دارای هسته اولیه روستایی است، در منطقه پنج کلان‌شهر قم (جنوب شرق) واقع شده است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، این محدوده دارای ۷۸۴۰۱ هزار نفر جمعیت و بیش از ۱۱۸۰ هکتار مساحت بوده است؛ بنابراین در حال حاضر تراکم جمعیتی این منطقه حدود ۶۶ نفر در هکتار بوده که نسبت به سایر مناطق کلان‌شهر قم پایین‌تر بوده است. بررسی کاربری‌ها و فعالیت‌های منطقه پنج کلان‌شهر قم نشان می‌دهد که کاربری مسکونی تنها در حدود ۱۱ درصد از سطح منطقه را به خود اختصاص داده است؛ درحالی‌که مزارع کشاورزی و زراعی شهری بیش از ۴۰ درصد از سطح محدوده منطقه را به خود اختصاص داده است. از طرفی اراضی متروکه و بایر بیش از ۲۷ درصد از سطح منطقه ۵ را در بر گرفته‌اند. در حالت کلی می‌توان گفت منطقه پنج (جمکران) ظرفیت‌های لازم برای تبدیل شدن به یک هسته شهری چند عملکردی را داراست، به طوری که وجود عنصر مذهبی (مسجد جمکران) به‌عنوان جاذبه اولیه و وجود اراضی بایر و متروکه بسیار در سطح منطقه، ظرفیت‌های لازم برای جذب سایر فعالیت‌های شهری را فراهم می‌کند.

شهرک پردیسان قم نیز که منطبق بر منطقه هشت و در جنوب و جنوب غربی این شهر واقع شده، در قالب شهرک‌سازی و طرح‌های آماده‌سازی زمین (منطبق با اصول شهرسازی و مهندسی) ایجاد شده است. این شهرک در مسیر بلوار الغدیر (که به سمت شهرهای اراک و ساوه ادامه می‌یابد) قرار گرفته است و در سال‌های اخیر بسیاری از کاربری‌های بزرگ مقیاس و فراشهری در آن احداث شده است. بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۹۵، این محدوده دارای ۱۲۱۸۹۰ نفر جمعیت و ۱۹۵۸ هکتار وسعت بوده است. این منطقه ۱۰ درصد از کل جمعیت کلان‌شهر قم و در حدود ۱۵ درصد از وسعت کل شهر را در بر گرفته است. محدوده پردیسان در سال ۹۰ دارای پایین‌ترین نرخ تراکم ناخالص جمعیتی (۲۱ نفر در هکتار) نسبت به سایر مناطق کلان‌شهر قم بوده که حتی کمتر از میزان پیشنهادی طرح‌های تفصیلی شهر قم برای این محدوده بوده است؛ اما طی پنج سال (۹۵-۹۰) روند جمعیت‌پذیری آن به شکلی بوده است که تراکم آن به ۶۲ نفر در هکتار افزایش یافته است. میزان اراضی متروکه و بایر در سطح منطقه پردیسان حدود ۶۷ درصد است که می‌تواند در آینده به‌عنوان ظرفیت‌های موجود در شهر برای اختصاص انواع فعالیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. موضوع دیگر در رابطه با فعالیت‌های موجود در شهر پردیسان، بالا بودن درصد کاربری‌های آموزشی مانند دانشگاه‌ها در این منطقه نسبت به سایر فعالیت‌هاست. کاربری‌های آموزشی بیش از چهار

جدول شماره ۱: کاربری اراضی مناطق پردیسان و جمکران در مقایسه با بخش مرکزی کلانشهر قم

| کاربری | بخش مرکزی شهر | | | جمکران | | | پردیسان | | |
|-------------------------|---------------|-----------------|-------|-------------|-----------------|-------|-------------|-----------------|-------|
| | تعداد قطعات | مساحت (مترمربع) | درصد | تعداد قطعات | مساحت (مترمربع) | درصد | تعداد قطعات | مساحت (مترمربع) | درصد |
| آموزشی | ۷۲ | ۱۰۳۳۷۲٫۱ | ۲٫۹۶ | ۴۳ | ۱۷۱۵۷۳٫۱۸ | ۱٫۴۶ | ۲۳ | ۶۱۷۲۴۶٫۱۷ | ۴٫۱۰ |
| تجاری | ۱۶۷۹ | ۲۷۶۲۴۱٫۳ | ۷٫۹۱ | ۴۲۳ | ۹۰۲۱۴٫۵۲۳ | ۰٫۷۷ | ۱۸ | ۱۵۲۴۹٫۱ | ۰٫۱۰ |
| بهداشتی - درمانی | ۳۶ | ۴۹۰۶۸٫۵۹ | ۱٫۴۰ | ۱۳ | ۴۶۷۹۷٫۹۷ | ۰٫۴۰ | ۴ | ۳۵۴۹۴٫۵۷ | ۰٫۲۴ |
| مسکونی | ۱۰۸۷۵ | ۱۷۰۹۷۴۴ | ۴۸٫۹۴ | ۱۱۲۴۱ | ۱۳۰۹۳۵۱٫۷ | ۱۱٫۱۵ | ۱۳۹۷ | ۳۱۵۸۰۲۱٫۲ | ۲۰٫۹۸ |
| مسکونی - تجاری - خدماتی | ۴۰۸ | ۷۳۴۹۶٫۹۹ | ۲٫۱۰ | ۶۱۸ | ۱۲۳۷۹۴٫۱۵ | ۱٫۰۵ | ۳۴ | ۵۹۲۸٫۴۰۷۷ | ۰٫۰۴ |
| سایر مختلطها | ۱۷۱ | ۸۲۶۱۲٫۴۲ | ۲٫۳۶ | ۶۰ | ۱۴۳۶۶٫۲۲۲ | ۰٫۱۲ | ۱۶ | ۲۴۸۳٫۶۱۹۱ | ۰٫۰۲ |
| تأسیسات و حمل و نقل | ۱۱۲ | ۳۶۷۹۳٫۲۷ | ۱٫۰۵ | ۴۱۱ | ۲۶۷۹۶۳٫۴۶ | ۲٫۲۸ | ۷۰ | ۲۸۰۹۷٫۲۹۶ | ۰٫۱۹ |
| اداری | ۱۱۲ | ۹۶۹۱۶٫۶۶ | ۲٫۷۷ | ۲۳ | ۴۳۷۰۰٫۳۹۷ | ۰٫۳۷ | ۵ | ۸۵۰۹۵٫۸۷۱ | ۰٫۵۷ |
| گردشگری | ۱۱۹ | ۳۳۲۸۳٫۵۴ | ۰٫۹۵ | ۱۱ | ۵۴۲۵۹٫۵۴۶ | ۰٫۴۶ | - | - | - |
| صنعتی | ۴۹ | ۷۲۶۴٫۶۱۸ | ۰٫۲۱ | ۱۳۴۲ | ۵۹۸۳۹۳٫۷۲ | ۵٫۱۰ | ۱۱ | ۱۳۱۵۷۵٫۶۵ | ۰٫۸۷ |
| فرهنگی - مذهبی | ۲۸۶ | ۲۲۳۴۲۷٫۶ | ۶٫۳۹ | ۵۲ | ۴۲۰۱۱۱٫۶۹ | ۳٫۵۸ | ۸ | ۳۷۹۱۰٫۱۲۵ | ۰٫۲۵ |
| ورزشی | ۴ | ۲۷۸۹۸٫۵۲ | ۰٫۸۰ | ۹ | ۱۱۱۴۹٫۵۸۹ | ۰٫۰۹ | ۸ | ۶۷۳۸۱٫۳۰۱ | ۰٫۴۵ |
| متروکه و بایر | ۱۱۳۳ | ۳۲۱۳۰۴٫۹ | ۹٫۲۰ | ۱۳۰۷ | ۳۲۳۰۰۵۷٫۲ | ۲۷٫۵۱ | ۳۸۵ | ۱۰۱۳۰۱۵۰ | ۶۷٫۳۱ |
| مزارع کشاورزی | - | - | - | ۱۰۲ | ۴۹۲۷۱۷۶٫۸ | ۴۱٫۹۶ | - | - | - |
| فضای سبز - باغ | ۴۰۶ | ۱۷۶۸۴۰٫۳ | ۵٫۰۶ | ۱۲۷ | ۳۴۹۴۱۷٫۶۲ | ۲٫۹۸ | ۴۱ | ۴۹۹۸۸۹٫۴۸ | ۳٫۳۲ |
| رودخانه و نهر | ۹ | ۲۱۰۶۷۳٫۸ | ۶٫۰۳ | ۲۶ | ۴۱۳۹۱٫۸۹۶ | ۰٫۳۵ | ۶ | ۲۰۱۲۸۹٫۱۴ | ۱٫۳۴ |
| دامداری | - | - | - | ۴۱ | ۴۲۶۰۶٫۱۰۴ | ۰٫۳۶ | ۲۱ | ۳۴۶۵۸٫۴۴ | ۰٫۲۳ |
| مجموع | ۱۵۷۳۱ | ۳۴۹۳۹۰۲ | ۱۰۰ | ۱۵۸۹۴ | ۱۱۷۴۲۳۷۵٫۸۱ | ۱۰۰ | ۲۰۴۷ | ۱۵۰۵۰۴۶۹٫۸۹ | ۱۰۰ |

مأخذ: طرح تفصیلی شهر قم ۱۳۹۰ و محاسبات نگارندگان

مهم در مقیاس کلان شهر قم مطرح گردد و فعالیت‌های مختلف شهری و جمعیت بیشتری را به خود جذب نماید.



شکل شماره ۱۸: مراکز فرعی جدید در حال شکل‌گیری در مقیاس کلان شهر قم

درصد از مجموع کاربری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در خصوص فضاهای تجاری، در چند سال گذشته بسیاری از فروشگاه‌های بزرگ در این منطقه ایجاد شده‌اند که از آن جمله می‌توان به هشت فروشگاه همشهری اشاره نمود. کاربری‌های پیرامون شهرک پردیسان نیز از جمله کاربری‌های مهم هستند که از آن جمله می‌توان به بوستان و پارک جنگلی غدیر و دانشگاه قم اشاره کرد. در حالت کلی و با توجه به گفته‌های مذکور می‌توان این گونه بیان کرد که شهرک پردیسان قم به عنوان یکی از مناطق کلان‌شهر قم در حال تحول و تکامل است؛ اگرچه هم‌اکنون چندان جاذب فعالیت‌های مختلف شهری و سکونت (که از عوامل مشوق شکل‌گیری مراکز و هسته‌های فرعی در شهرهای بزرگ است) قابل توجه نیست؛ اما با توجه به ظرفیت‌های موجود برای توسعه، همچنین فاصله از هسته مرکزی و تاریخی شهر قم، در سال‌های آینده می‌تواند به‌عنوان یکی از هسته‌های شهری

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که کلان‌شهر قم به‌رغم ویژگی‌های خاص مذهبی خود، طی سه دهه اخیر رشد شتابان شهرنشینی، تحولات کالبدی، گسترش افقی و پراکنده‌روی شهری و تغییرات ساختار فضایی را تجربه کرده است. در این فرایند بخش مرکزی شهر قم که عمدتاً مشتمل بر بافت‌های تاریخی و قدیمی شهر است، حالتی ویژه به خود گرفته است؛ بدین ترتیب که از یک‌سو در فرایند نوگرایی شهری بسیاری از استعدادها و صلاحیت‌های خود را به نفع توسعه بافت‌های نوگسترده شهر از دست داده است، به نحوی که نشانه‌های عام زوال که در بخش مرکزی اکثر شهرهای کشور وجود دارد، در آن دیده می‌شود: از مجموع بناهای موجود در بافت مرکزی شهر ۶۱ درصد دارای مصالح آجر و آهن و ۲۲ درصد از خشت و گل ساخته شده‌اند؛ یعنی بالغ بر حدود ۸۳ درصد بناها ناپایدار و فرسوده هستند. از نظر زمانی نیز بیش از ۴۳ درصد از بناها دارای قدمتی بین ۳۰ تا ۵۰ سال هستند. علاوه بر این، وجود ۵۰ درصد از معابر با عرض کمتر از شش متر و کوچه‌های بن‌بست حکایت از زوال فیزیکی این محدوده دارد. بر اساس مطالعات انجام شده در طرح‌های شهری قم نیز، بخش مرکزی شهر جزو بافت‌های شهری با فرسودگی بالا تعیین شده است. توزیع فضایی جمعیت در سطح قم نشان از کاهش تراکم جمعیت در بخش مرکزی و تاریخی این شهر و افزایش تراکم جمعیت در مناطق دو و شش آن دارد؛ به‌طوری که در سال ۹۵ بیشترین نرخ تراکم ناخالص جمعیتی در کلان‌شهر قم (۱۹۸ نفر در هکتار) به منطقه شش مربوط بوده است. بررسی آمار فضایی توزیع جمعیت نشان از خوشه‌ای بودن الگوی پراکنش جمعیت در کلان‌شهر قم دارد. آزمون فضایی موران محلی (شکل شماره ۹) نیز نشان داد که خوشه‌هایی با مقادیر زیاد (H-H) در مناطق غربی و شمال غربی (مناطق ۶ و ۲) شهر وجود دارد. از علل این امر می‌توان کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت، خروج جمعیت به‌ویژه جمعیت جوان از بخش مرکزی به سایر محله‌ها و عرصه‌های شهر و کاهش مهاجریذیری بخش مرکزی در مقایسه با قبل از سال ۷۵ را ذکر کرد. بر اساس بررسی‌ها در سال ۹۵ بیش از ۱۰ درصد جمعیت ساکن بخش مرکزی قم در گروه سنی ۶۵ سال به بالا قرار داشته‌اند؛ این در حالی است که این رقم برای کل شهر حدود ۵ درصد بوده است. همچنین وجود افراد زیر ۱۵ سال در بخش مرکزی، ۲۸ درصد از کل جمعیت این محدوده را شامل می‌شود که این رقم برای کل شهر قم معادل ۳۳ درصد بوده است که این دو ویژگی از نشانه‌های زوال جمعیتی این محدوده به شمار می‌رود. از سوی دیگر بخش مرکزی و تاریخی شهر قم بسیاری از کارکردهای خود را کماکان حفظ کرده است و به‌رغم فرسودگی نسبی و آشکار شدن نشانه‌هایی از زوال و محدودیت‌های فیزیکی، در حال حاضر این بخش به‌عنوان مهم‌ترین هسته شهر در ساختار

فضایی کلان‌شهر قم مطرح است. با توجه به اینکه در کلان‌شهر قم نقش مذهبی شهر بر سایر نقش‌ها غالب است، هسته مرکزی شهر بسیاری از فعالیت‌های مذهبی را در خود جای داده است: قرارگیری حرم مطهر، حوزه‌های علمیه، مساجد قدیمی و مهم مانند مسجد امام حسن عسگری (علیه‌السلام)، مسجد جامع، مسجد اعظم، از جمله نمادها و جاذبه‌های مذهبی مهم در این محدوده از شهر است که موجب جذب و تمرکز بسیاری از فعالیت‌های خدماتی و تجاری در بخش مرکزی قم شده است. تحلیل فضایی فعالیت‌های مهم کلان‌شهر قم نشان داد که فعالیت‌های تجاری، آموزشی، مذهبی- فرهنگی، بهداشتی- درمانی، آموزشی، جهانگردی و فعالیت‌های اداری در هسته مرکزی این شهر از فشردگی و تمرکز بالاتری نسبت به سایر مناطق شهر برخوردارند که در شکل‌های ۱۲ تا ۱۵ به تصویر درآمده است. قابل ذکر است که فعالیت‌های صنعتی برخلاف سایر فعالیت‌ها در بخش مرکزی بسیار محدود بوده و هسته‌های صنعتی در حاشیه‌ها و پیرامون شهر قم شکل گرفته‌اند به‌طوری که می‌توان از سه هسته صنعتی در مناطق پنج و سه کلان‌شهر قم نام برد. پراکنش فعالیت‌های مرتبط با امور حمل‌ونقل و تأسیسات و تجهیزات شهری در این کلان‌شهر نشان از تجمع و تمرکز آنها در منطقه پنج (جمکران) و همچنین با تراکم کمتر در هسته اصلی شهر دارد. تحلیل فضایی و سنجش تراکم کاربری‌های ترکیبی در مقیاس کلان‌شهر قم، شکل‌گیری برخی مراکز فرعی جدید را تأیید می‌کند که در منطقه سه و محدوده بین مناطق دو و شش کلان‌شهر قم واقع شده‌اند (شکل شماره ۱۷). همچنین بررسی‌های این مقاله نشان داد که هسته شهری جمکران (در قالب یک روستای ادغام شده در شهر) و هسته پردیسان (به عنوان شهرک برنامه‌ریزی شده) مراکز جدیدی هستند که به عنوان هسته‌های جدید در ساختار فضایی کلان‌شهر قم در حال شکل‌گیری‌اند (شکل شماره ۱۸).

سخن آخر اینکه کلان‌شهر قم به‌رغم افزایش سریع جمعیت، مساحت و گسترش افقی، اگرچه به سمت شهرهای چندهسته‌ای در حال دگرگون شدن است و برخی مراکز فرعی جدید به صورت ناقص در ساختار آن شکل گرفته‌اند؛ اما همچنان به‌عنوان یک شهر تک‌هسته‌ای با تسلط هسته تاریخی- قدیمی به عنوان مرکز شهر شناخته می‌شود؛ چراکه هنوز مراکز شهری که بتواند با بخش مرکزی شهر قم رقابت کند به وجود نیامده است و مراکز فرعی جدید عمدتاً خدماتی در مقیاس محلی تر ارائه می‌دهند. بدین سان می‌توان گفت که تجربه توسعه ساختار فضایی کلان‌شهر قم، ایده اولیه این مقاله «بنی بر اینکه ویژگی‌های کارکرد مذهبی بخش مرکزی شهر قم، تمایز خاصی به آن بخشیده به نحوی که مانع بروز زوال گسترده (جمعیتی، فیزیکی و کارکردی) در مقایسه با دیگر شهرها شده است»، را تأیید می‌کند. نتایج تحقیقات مشابه نیز در ارتباط با ساختار فضایی و هسته‌های شهری نشان می‌دهد که الگوی توسعه

۴. بلیانی، یدالله و حکیم دوست، یاسر (۱۳۹۳)، *پودازش داده‌های مکانی (فضایی)*، انتشارات آزادماه، تهران.
۵. بمانیان، محمدرضا و محمودنژاد، هادی (۱۳۸۷)، *نظریه‌های توسعه کالبدی شهر*، موسسه فرهنگی، اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۶. پوراحمد، احمد و وفایی، ابوذر (۱۳۹۶)، «تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی - اسلامی؛ مطالعه موردی: شهر کاشان»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۸، تابستان.
۷. حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۷)، «بررسی علل و عوامل اثرگذار فرایند شکل‌گیری و تکوین مناطق کلان‌شهری»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۳۴، تابستان.
۸. حاجی‌پور، خلیل و زبردست، اسفندیار (۱۳۸۸)، «تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان‌شهری»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۶۹، زمستان.
۹. حسینی، علی (۱۳۹۵)، «*تحلیل الگوی ساختاری و عملکردی چند هسته‌ای شهری در برنامه‌ریزی فضایی تهران*»، رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، استاد راهنما: احمد پوراحمد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۱۰. رازقی، حبیب‌الله؛ زبیری، کرامت‌الله و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۹۰)، «مدل چند هسته‌ای و چند مرکزی شهر و کلان‌شهری، از نظریه تا عمل؛ مطالعه موردی: شهر کرج»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال ۲۶، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۰۲، پاییز.
۱۱. رهنما، محمدرحیم و عباس‌زاده، غلامرضا (۱۳۸۷)، *اصول، مبانی و مدل‌های سنجش فرم کالبدی شهر*، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قم (۱۳۹۵)، *آمارنامه شهر قم*.
۱۳. سعیدنیا، احمد (۱۳۶۶)، «*قم خاستگاه شهر*»، *مجموعه مقالات شهرهای ایران*، جلد ۲، به کوشش محمد یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۴. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۱۵. سلطانی فرد، هادی؛ حاتمی نژاد، حسین؛ عباس زادگان، مصطفی و پوراحمد، احمد (۱۳۹۲)، «*تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی - اسلامی؛ مطالعه موردی: شهر سبزوار*»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۴، زمستان.
۱۶. شکوئی، حسین (۱۳۸۵)، *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، انتشارات سمت، تهران.
۱۷. شکوئی، حسین (۱۳۸۶)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، جلد اول، انتشارات گیتی‌شناسی، تهران.

تک‌هسته‌ای اغلب در شهرهای کوچک و متوسط حاکم بوده که از نظر تاریخی منطبق بر هسته اولیه شهرهای قدیمی بوده است و از همه نقاط شهر وابستگی خدمت‌رسانی زیادی به هسته مرکزی وجود داشته است. در عین حال رشد تاریخی و توسعه شتابان شهرنشینی و گسترش سریع شهرها چه در جهان توسعه یافته و چه کم‌توسعه، اغلب به شکل‌گیری شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها انجامیده است. در این گونه شهرها گذار از شهر تک‌هسته‌ای به چند هسته‌ای امری الزامی و اغلب با واگرایی شدید همراه بوده است؛ چراکه از یک سو الگوی توسعه چند هسته‌ای با کالبد، اقتصاد و وضعیت شهرهای بزرگ و به خصوص کلان‌شهرهای پررشد، هماهنگ‌تر و متناسب‌تر بوده و دسترسی فضایی را به قسمت‌های مختلف شهر آسان‌تر می‌کند و از سوی دیگر این فرایند اغلب در شهرهای بزرگ و پهنه‌های کلان‌شهری رخ داده است که بخش مرکزی آنها در معرض تمرکززدایی کارکردهای گوناگون قرار گرفته و در عین حال یک جاذبه تاریخی و معنوی و فراگیر در آنها حاکم نبوده است. با عنایت به نتایج تحقیقات مشابه و آنچه از این مقاله حاصل شده است می‌توان گفت که برخلاف فرایند معمول گذار از شهرهای تک‌هسته‌ای به چند هسته‌ای، فرایند واگرایی و شکل‌گیری هسته‌های فرعی در کلان‌شهر قم به دلیل جاذبه‌های گوناگون بخش مرکزی «به‌ویژه جذابیت مذهبی»، به‌کندی انجام گرفته است؛ در نتیجه هسته‌های فرعی کاملاً متمایزی در ساختار فضایی شهر قم ظاهر نشده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Knox and Pinch
2. Alonso
3. Makenzy
4. FUR
5. Sylvie rimberty, 1973, pp.212-214.
6. Centrifugal
7. Incorporation
8. Fusio
9. marshallian
10. Using Kernel Density

فهرست منابع و مراجع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ کاظمی راد، شمس‌الله و اسکندری ثانی، مراد (۱۳۹۰)، «*برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه گردشگری، با تأکید بر گردشگری مذهبی؛ مطالعه موردی: قم*»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۶، تابستان.
۲. آتش، فرهاد (۱۳۸۲)، «*شهرهای جدید و آینده شهرنشینی در ایران*، ترجمه مهدی دهقان»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۹۷ و ۱۹۸، بهمن و اسفند.
۳. باستیه، ژان، برنارد درز (۱۳۸۲)، *شهر*، ترجمه علی اشرفی، دانشگاه هنر، تهران.

34. Hall, P. G., & Pain, K. (2006), **The polycentric metropolis**; Learning from mega-city regions Europe, Routledge.
35. Hayward, S (2000), **the suburbanization of America**, A guide to smartgrowth: Shattering myths, providing solutions. The Heritage Foundation.
36. Joseph, M., & Wang, F. (2010), "Population density pattern in Port-Prince, Haiti: A model of Latin American city?", **Cities**, 27(3), 127-136, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2009.12.002>.
37. Kloosterman R.C. & Musrterd, s., (2001), "Clustering of economic activities in polycentric urban regions: the case of the Randstad", **Urban Studies**, 38(4), 717-732, April.
38. Krugman. (1991), "Increasing returns and economic geography", **Journal of Political Economy**, 99, 483-499, <https://doi.org/10.1086/261763>
39. Lee, B. (2006), **Urban spatial structure**, commuting, and growth in US metropolitan areas. University of Southern California.
40. Meijers, E. (2008), "Measuring polycentricity and its promises", **European planning studies**, 16(9), 1313-1323, <https://doi.org/10.1080/09654310802401805>.
41. Mori, Tomoya (2008), **Monocentric versus Polycentric Model in Urban Economics**, Kyoto University, Institute of Economic Research.
42. Sánchez-Mateos, H.S.M, Sanz, I.M., Frances, J.M., Trapero, E.S. (2014), "Road accessibility and articulation of metropolitan spatial structure: the case of Madrid (Spatial)", **Journal of transport geography**, 37,361-73, <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2014.04.003>.
43. Smith, D. (2011), **Polycentricity and sustainable urban form**, An intra-urban study of accessibility, employment and travel sustainability for the strategic planning for the London region, Thesis for: PhD, Centre for Advanced Spatial Analysis & Department of Geography, University College London.
44. Tsai, Yu-Hsin (2005), "Quantifying urban form: Compactness versus Sprawl", **Urban Studies**, Vol. 42, No1, pp141-161, <https://doi.org/10.1080/2F0042098042000309748>.
45. Vasanen, Antti (2012), "Functional polycentricity: examining metropolitan spatial structure through the connectivity of urban sub-centers", **Urban Studies**, 49: 3627-44, <https://doi.org/10.1177%2F0042098012447000>.
46. Walter, Sieglinde Amelia (2008), **Polycentric City and Edge City**, Available atSieglinde.Walter@ku-Eichstaett.de.
47. URL1:https://www.researchgate.net/publication/238775276_Metropolis_A_Measure_of_the_Spatial_Organization_of_7_Large_Cities
۱۸. صرافی، مظفر؛ توکلی نیا، جمیله و محمدیان، حسن (۱۳۹۳)، **اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری**، انتشارات قدیانی، تهران.
۱۹. عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۰)، **درآمدی به اقتصاد شهری**، نشر دانشگاهی تهران، تهران.
۲۰. عزت پناه، بختیار؛ قالیباف، محمدباقر و عزتی، عزت‌اله (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر روند چندقطبی شدن ساختار فضایی و عملکردهای شهری؛ مطالعه موردی: شهر سنندج»، **مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی**، دوره ۵۰، شماره ۲، تابستان.
۲۱. مهندسین مشاور امکو ایران (۱۳۸۲)، **طرح ساختاری راهبردی شهر قم**، مرحله دوم، جلد یک، تهران.
۲۲. مهندسین مشاور باوند، شارستان، نقش محیط و فجر توسعه (همکاری) (۱۳۹۰)، **طرح تفصیلی شهر قم**، تلفیق مطالعات و الگوی توسعه، ویرایش دوم.
۲۳. همتی، شهاب‌الدین؛ ذبیحی، حسین و کاملی، محسن (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر نقش حیات مساجد در شهرهای اسلامی به عنوان فضای شهری؛ مطالعه موردی: صحن انقلاب اسلامی، حرم حضرت معصومه(س) قم»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۴، زمستان.
24. B. Bhatta, S. Saraswati, D. Bandyopadhyay (2010), "Urban sprawl measurement from remote sensing data", **Applied Geography**, Volume 30, Issue 4, pp 731-740, <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2010.02.002>.
25. Balchin, poal & Bull Gregory, (1995), **Urban Land Economics and Public Policy**; 5th Ed, MacMillan.
26. Blowers, A. and Pain, K. (1999), '**The Unsustainable City?**' in Pile, S. Brook, C. and Mooney, G. (Eds) **Unruly Cities? Order/Disorder**: Routledge, London.
27. Castells, M. (1996), **The Information Age: Economy, Society and Culture**. Vol. I: The Rise of the Network Society. Oxford: Blackwell.
28. Cervero, R. (1986), **Suburban Gridlock**, New Brunswick, NJ: Rutgers University. Center for Urban Policy research.
29. Champion, A.G. (2001), "A changing demographic regime and evolving polycentric urban regions Consequences for the size, composition and distribution of city population", **Urban Studies**, 38(4).657-677, <https://doi.org/10.1080%2F00420980120035277>.
30. Craig, S. G., & Ng, P.T. (2001), "Using quantile smoothing splines to identify employment subcenters in a multicentric urban area", **Urban Economics**, 49(1), 100-120, <https://doi.org/10.1006/juec.2000.2186>.
31. Davoudi, S. (2003), "European briefing: polycentricity in European spatial planning: from an analytical tool to a normative agenda", **European Planning Studies**, 11(8), 979-999, <https://doi.org/10.1080/0965431032000146169>
32. Fujita, m. (1993), "Monocentric competition and urban system", **European economic**, Review37, 308-15.
33. Green, N. (2007), "Functional polycentricity: a formal definition in terms of social network analysis", **Urban Studies**, 44(11), 2077-2013, <https://doi.org/10.1080%2F00420980701518941>.

تدوین اصول طراحی فضاهای بازی کودکان در مقیاس محله با تأکید بر احیای بازی‌های بومی ایرانی

مطالعه موردی: محله باغ فیض شهر تهران*

مجید خرمشاد^۱، سیدعلی صفوی^۲ ** (نویسنده مسئول)

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
^۲ استادیار گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

بر پایه دیدگاه‌های امروز جوامع علمی، بازی برای کودک صرفاً جنبه تفریح و سرگرمی نداشته و در حقیقت، بازی، زندگی کودک بوده و او توانمندی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز زندگی آینده خود را از این راه کسب کرده و پرورش می‌دهد. از این رو توجه به طراحی علمی فضاهای بازی کودکان، به‌ویژه در سطح محله که به نوعی اولین و اصلی‌ترین بستر زندگی اجتماعی کودکان است، اهمیت بسیار بالایی دارد. پژوهش حاضر با دو هدف اصلی صورت گرفته است: (۱) استخراج اصول طراحی شهری به منظور ارتقای کیفیت فضاهای بازی برای کودکان و نوجوانان در سطح محله (۲) برداشتن گامی به پیش، برای احیای بازی‌های بومی ایرانی به وسیله طراحی فضاهای بازی متناسب در سطح محلات شهری. روش تحقیق این پژوهش کیفی و مبتنی بر روش «فراتحلیل کیفی یا فراترکیب» بوده و در ادامه به منظور تحلیل ساختارمند نمونه موردی انتخاب شده، از روش تحلیلی «سوآت» بهره گرفته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، کیفیت‌های متنوعی برای موفقیت و پاسخگویی تام و تمام یک فضای بازی، دارای اهمیت هستند. ایمنی و امنیت به عنوان توقعات اصلی والدین از فضای بازی، در کنار جذابیت به عنوان کیفیت اصلی مد نظر کودکان، نقش اصلی را در موفقیت یک فضای بازی ایفا می‌نماید. جذابیتی که هسته اصلی آن تنوع عملکردی است. تنوعی که فقدان آن در فضاهای بازی محله‌ای سبب جذب بیش از پیش کودکان به بازی‌های رایانه‌ای، کوتاه شدن بازه زمانی حضور کودکان در این فضاها و حضورپذیری پایین دوره‌های مختلف سنی کودکان شده است. در این میان، با بهره‌گیری از ظرفیت بازی‌های بومی ایرانی به عنوان یک میراث ناملموس تاریخی- فرهنگی ارزشمند، با توجه به تمرکزی که بر بازی‌های گروهی و جمعی دارند، غنای فرهنگی- اجتماعی فضاهای بازی افزایش خواهد یافت و گامی بزرگ در راستای برطرف کردن فردگرایی ایرانیان برداشته خواهد شد.

واژگان کلیدی: کودکان، بازی، فضای بازی، محله.

مقدمه

شکل‌گیری ساختارهای شهری بر پایه حرکت سواره حتی در کوچه‌های محلات مسکونی، ظهور ساختارهای آموزشی متکی بر ساعات طولانی حضور کودکان در مدارس، پیدایش واحدهای آپارتمانی مسکونی و به دنبال آن کوچک شدن حیاط منازل، از هم گسیختگی روابط همسایگی و پیوندهای اجتماعی مستحکم در محلات، ناامنی‌های اجتماعی و نگرانی والدین از حضور فرزندان در فضاهای شهری، کاهش تعداد اعضای خانواده، ابداع انواع وسایل بازی الکترونیکی جذاب و غرق شدن کودکان در فضاهای مجازی متنوع، عدم جذابیت فضاهای بازی شهری، همه و همه دست به دست هم دادند تا کودکان و نوجوانان عصر مدرن بیش از پیش از فضاهای شهری به صورت عام و فضاهای بازی به صورت خاص فاصله بگیرند، ارتباطات اجتماعی آنها به حداقل برسد، تحرکات جسمی آنها کاهش ملموسی یابد و از تجربیات مختلفی که کودکان در دهه‌های گذشته از آنها بهره‌مند بوده‌اند، محروم گردند. تجاری‌همچون، بازی در حیاط خانه و کوچه‌های محلات مسکونی، حضور آزادانه پیاده و یا با دوچرخه در فضای محله، لذت بازی با طبیعت، تجربه اکتشاف و ماجراجویی در فضاهای پیرامونی خانه، لذت بازی کردن با کودکان هم‌محله‌ای، امکان برگزاری مسابقات خودجوش مبتنی بر بازی‌های بومی و یا ورزش‌های گروهی، امکان بروز توانایی‌های جسمی و روانی، تجربه حل کردن چالش‌های اجتماعی به وجود آمده در بازی‌های گروهی و ...

از سوی دیگر کودکان از بازی، بیشتر از هر فعالیت دیگری لذت می‌برند (کربلایی حسینی غیاثوند، ۱۳۹۲: ۶۷)، اما لذت تنها افزوده بازی به کودکان نیست. با بازی کردن، توانایی‌های گوناگون جسمی، ذهنی، عاطفی، ادراکی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی کودک به مرور زمان پرورش یافته و به بلوغ خود می‌رسد. از همین روست که گفته می‌شود: «اگر برای بازی کودکان سرمایه‌گذاری نکنیم، آنگاه بیشتر از آن، باید در بیمارستان‌ها و زندان‌ها سرمایه‌گذاری کنیم، چرا که بروز بیماری‌های جسمی و روانی و همچنین رفتارهای پرخطرگرا و خشن، شدت خواهد گرفت» (خزاعی و خزاعی، ۱۳۹۲: ۶۰).

با توجه به مطالب پیش گفته، سؤالات اصلی پژوهش حاضر موارد ذیل است:

- ۱) اصول و معیارهای طراحی فضای بازی کودکان در مقیاس محله چیست؟
- ۲) فضای لازم برای شکل‌گیری بازی‌های بومی ایرانی در محلات شهری، دارای چه ساختار و ویژگی‌هایی است؟

تعاریف

هر پژوهشی متناسب با موضوع، عنوان و هدف خود، تعریف مشخصی از واژگان و مفاهیم کلیدی به کار رفته در آن حوزه

علمی را مد نظر دارد و لازم است این تعریف برای خوانندگان نیز شفاف شده تا درک کامل و متقابلی از گزاره‌ها و موضوعات حاصل گردد. بدین منظور و در جهت ایجاد یک فهم و ذهنیت مشترک از مفاهیم کلیدی پژوهش، تعاریف ذیل ارائه می‌گردد:

الف) کودک: تعاریف متعددی چه بر اساس معیارهای کمی و چه بر اساس معیارهای کیفی برای دوران کودکی توسط نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف دانش انسانی مطرح شده است. در این پژوهش پس از بررسی و تحلیل تعاریف موجود در مبانی و قوانین ملی و بین‌المللی^۱ و متناسب با ماهیت منحصر به فرد موضوع بازی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های کودک و گسترش آن در تمامی دوران کودکی و نوجوانی، تعریف ذیل به عنوان تعریف برگزیده تدوین گردید:

کودک به هر انسان کمتر از ۱۸ سالی اطلاق می‌شود که بلوغ عقلی برای پذیرش مستقل مسئولیت‌های اجتماعی در او حاصل نشده است. **ب) بازی:** در حوزه تعریف پدیده بازی نیز نظریات و نگرش‌های متفاوتی وجود دارد. پس از مطالعه و دقت نظر در مورد ابعاد مختلف این تعاریف، تعریف ذیل به عنوان به تعریف مانع و جامع ارائه می‌گردد:

بازی هر نوع فعالیت آزادانه‌ای است که کودک به هدف کسب لذت و سرگرمی آن را انجام داده و در حین آن مهارت‌های متعددی را به صورت ناخودآگاه کسب می‌نماید. این فعالیت‌ها می‌توانند جسمانی باشند یا ذهنی، دارای قاعده و قانون باشند یا نباشند، به صورت فردی انجام گیرند یا گروهی و در فضای مجازی صورت گیرند و یا دنیای حقیقی.

ج) فضای بازی: زمین بازی کودک عبارت است از هر گونه محوطه باز، داخل پارک، اماکن تفریحی مجتمع‌های مسکونی و سایر اماکن، جهت تفریح و استفاده کودکان از تجهیزات بازی موجود به نحوی که با منطق، خواسته‌ها و نوع فعالیت آن‌ها مطابقت داشته باشد (فرحمند، ۱۳۹۱: ۴۲).

د) محله: پورجعفر با بررسی نظریات مرتبط با ساختار محله در شهرهای اسلامی قرون ماضی، مفهوم واحد همسایگی کلان‌سایه پری- به عنوان پایه و اساس نظریات غربی در حوزه محله- و احادیث و روایات ائمه معصومین در حوزه روابط همسایگی، الگوی پیشنهادی محله در شهرهای ایرانی- اسلامی را متناسب با فرهنگ مردم ایران زمین ارائه داده است. در این الگو مسجد در مرکزیت عملکردی و کالبدی محله قرار گرفته و با توجه به مطالعات انجام شده، شعاع محله ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر به منظور سهولت دسترسی به مسجد و جمعیت آن در حدود ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر پیشنهاد گردیده است. مابقی عناصر، کاربری‌ها و فضاها نیز به تناسب در محله جانمایی شده‌اند.

نکته قابل تأمل و تحسین برانگیز در ارائه این الگو، توجه ویژه به فضاهای بازی کودکان است. محقق متناسب با چارچوب کلان

بر صورت‌بندی دوباره، مفهوم‌پردازی ثانویه، انباشت دانش، بدعت در کاربرد مفاهیم، تطبیق، تلفیق و ... است. بدیهی است فراترکیب فراتر از تلخیص یا سنتز کمیت محور و ارائه خلاصه موضوعی از یافته‌ها است (ودادهی، ۱۳۸۹: ۳۷ و ۳۸). بر این اساس، در پژوهش حاضر تحلیل کیفی مبانی نظری و ساختار آنها در پژوهش‌های گذشته، برای دستیابی به یک دسته‌بندی کلان و بدیع در موضوع تحقیق مد نظر بوده است.

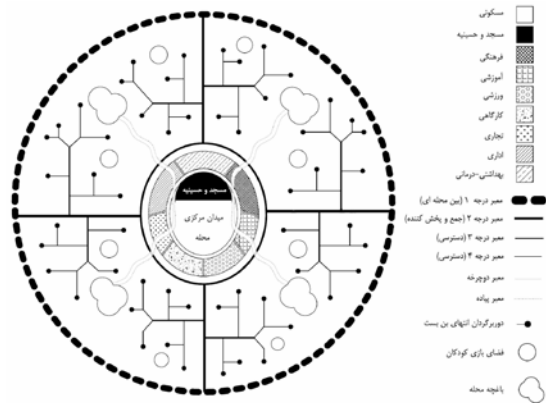
در واقع در بخش مبانی نظری با بررسی هدفمند متون، اسناد، پژوهش‌ها، تحقیقات و نمونه‌های موردی متعدد و گوناگون، ابتدا منابع دارای اعتبار و ساختار منسجم‌تر انتخاب شده و در مرحله بعد تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی داده‌های هر منبع در قالب یک تحلیل ثانویه به صورت توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و نهایتاً در یک روند فراتحلیل کیفی دو مرحله‌ای، ابتدا جمع‌بندی در راستای رسیدن به یک کل جدید و منسجم در هر یک از رویکردهای چهارگانه تأثیرگذار بر طراحی فضاهای بازی- که در بخش یافته‌های نظری به تفصیل بدانها پرداخته شده است- صورت گرفته و در نهایت در یک برهم کنش نظری، نتایج ارائه شده از این چهار رویکرد با یکدیگر تحلیل و نتایج منسجم نهایی حاصل شد.

از طرف دیگر به منظور عینی‌سازی اصول استخراج شده به صورت کاربردی و محک زدن آن در بستر یک نمونه موردی، ابتدا از روش اسنادی برای شناخت و تحلیل وضعیت کلی محله مورد نظر بهره گرفته شده و سپس با استفاده از روش پیمایشی، موضع خاص مورد مطالعه شناسایی شد. در این مرحله در واقع با انتخاب یک موضع و جامعه مشخص و مرتبط با موضوع پژوهش و تحلیل آن به وسیله شاخص‌های استخراج شده در بخش مبانی نظری، کیفیت فضای بازی موجود با بهره‌گیری از روش SWOT سنجیده و پیشنهادهایی در چارچوب مبانی حاصله، به منظور بهبود شرایط، ارائه شده است.

چارچوب نظری

درک نیازها و علایق کودکان، این که در چه سنی چه فعالیت‌هایی را دوست دارند و در چه اوقاتی فعالیت‌های گروهی را انتخاب می‌کنند، چه رنگ‌هایی آنان را به هیجان می‌آورد، چه بازی‌هایی را دوست دارند، کدام وسایل بازی را انتخاب می‌کنند، در چه زمین‌های بازی احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کنند، کدام فضاها و افراد را برای بازی کردن برمی‌گزینند، همه و همه فاکتورهایی هستند که برای طراحی معماری موفق برای کودکان، باید بررسی و شناخته شوند (اسدی محل چالی و الفت، ۱۳۹۴: ۶۷). بدین ترتیب تدوین اصول طراحی فضاهای بازی کودکان در مقیاس محله با تأکید بر احیای بازی‌های بومی ایرانی نیازمند توجه نظری در چند حوزه مختلف دانشی است. در درجه اول

نظریه‌پردازی خود بیان می‌دارد: «دست کم چهار قطعه فضای سبز به عنوان باغچه محله و هشت فضای بازی برای اوقات کوتاه فراغت ساکنان محله نیز در میان بخش مسکونی، بدون مزاحمت رفت و آمد سواره پیشنهاد گردیده است. این فضاها در دل بافت مسکونی محله جای گرفته تا نزدیک‌ترین فاصله ممکن را به منازل مسکونی فراهم نماید» (پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۱: ۲۳).



شکل شماره ۱: الگوی پیشنهادی محله در شهرهای ایرانی و اسلامی؛
مأخذ: پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۱

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کیفی است. در بخش مبانی نظری با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای داده‌های اولیه استخراج گردید و در ادامه برای تحلیل داده‌ها از روش «فراتحلیل کیفی یا فراترکیب» استفاده شده است. فراتحلیل، مهم‌ترین روش برای خلاصه‌سازی تحقیقات گذشته است (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۶۹). فراتحلیل، به تحلیل اطلاعات مطالعات قبلی [صورت گرفته در مورد آن موضوع] پرداخته، به مقایسه بین اطلاعات توجه می‌نماید و به کشف نتایج جدید از میان مطالعات قبلی می‌پردازد (ایزنلو و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۱). فراتحلیل یعنی استخراج اطلاعات از منابع اولیه و سپس ترکیب و سرانجام، ساخت یک کل جدید (شوکتی احمدآباد و حسنی، ۱۳۸۵: ۱۶). هدف فراتحلیل، سازمان‌دهی یافته‌های سایر پژوهش‌ها درباره یک پدیده یا مسئله، در درون یک الگوی منسجم است. فراتحلیل بر این پیش فرض استوار است که انباشت و ترکیب یافته‌های مطالعات مجزای انجام شده حول یک موضوع، دانش جدید ارزشمندی را تولید می‌کند. نباید فراتحلیل را با روش مرور ادبیات، خلط کرد؛ زیرا مرور ادبیات بیشتر جنبه توصیفی دارد (دانایی فرد، ۱۳۸۹). فراتحلیل در دو بعد کمی و کیفی مطرح است (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۷۰). استفاده از فراتحلیل پژوهش‌های کیفی یا به تعبیر دیگر «فراترکیب»، به معنای تلفیقی تفسیری از نتایج کیفی است که بیشتر بر سنتزهای تفسیری داده‌ها و شواهد استوار است. هدف فراترکیب، مواردی چون توسعه نظریه، نیل به سطح بالاتری از انتزاع، کاربردی کردن، تعمیم دانش و ... است. فراترکیب مشتمل

یافته‌های نظری

الف) رشد کودک و فضای بازی مناسب آن

شناخت درست و کامل نیازهای کودکان، نیازمند بررسی و دقت در پژوهش‌های صورت گرفته در چند حوزه دانشی است. حوزه اول مربوط به متخصصان «رشد حرکتی» از زیرشاخه‌های علوم تربیت‌بدنی است که بر تعامل مقتضیات فعالیت حرکتی، شرایط بیولوژیکی فرد و شرایط محیطی تمرکز دارد. حوزه دیگر، مربوط به «روان‌شناسی رشد» است که مأموریت خود را تمرکز بر ویژگی‌های ذهنی و ادراکی انسان در سنین مختلف قرار داده است. حوزه بعدی، مربوط به دانش «روان‌شناسی بازی» است، که با تمرکز بر موضوع بازی و اهمیت آن برای کودک از بعد روان‌شناختی، سعی در تحلیل چیستی و چگونگی پدیده بازی، آثار آن و کیفیت همساختی آن با کودک در سنین مختلف دارد تا بتواند دستورالعمل‌هایی را برای بهبود شرایط بازی کودکان در فضاهای مختلف ارائه دهد. البته این شاخه از دانش - به منظور دستیابی به خروجی‌های دقیق‌تر - از نظریات متخصصان رشد حرکتی و روان‌شناسی رشد نیز بهره‌بردار بوده و در تحلیل‌های خود به خروجی‌های آنان نیز مراجعه مستقیم دارد.

در پژوهش حاضر پس از بررسی دقیق نظریات نظریه پردازان حوزه‌های پیش گفته، تحلیل عمیق ویژگی‌های رشد جسمانی کودکان در تطابق با ویژگی‌های رشد ذهنی و روانی آنان صورت گرفت و نتایج آن در قالب یک دسته‌بندی بدیع و جامع در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در نتیجه، دوره‌های بازی برای گروه‌های پنج‌گانه سنی کودکان تعریف گردید و ویژگی‌های فضای بازی مورد نیاز آنان استخراج شد.

کودک و نیازهای جسمانی و روانی او باید مورد توجه قرار گرفته تا بتوان با یک نگاه جامع و مبنایی، فضاهای بازی متنوع مورد نیاز و علاقه گروه‌های مختلف سنی را تشخیص داد و عملیاتی کرد. در مرحله بعد می‌بایست با مراجعه به مبنای نظری طراحی فضاهای بازی کودکان در مقیاس ملی و جهانی اصول و شاخصه‌های مورد تأکید نظریه‌پردازان این حوزه را تحلیل و استخراج نمود و در گام بعد با تجزیه و تحلیل تجارب اجرا شده فضاهای بازی موفق در انطباق با مبنای استخراج شده در دو مرحله پیشین، سعی در استخراج اصول و معیارهایی داشت که یک فضای بازی را از نظر کیفی به سطح کیفی عالی خود نزدیک می‌نماید. همچنین بر اساس پیشینه فرهنگی و تاریخی کشور ایران در بازی‌های بومی، دقت نظر در ساختار و چگونگی این بازی‌ها و تعریف فضای مورد نیاز برای شکل‌گیری و توسعه آنها از نکات ضروری در هویت‌بخشی ملی و محلی به فضاهای بازی است.

بدین منظور و در دل یک روند پژوهشی علمی و منطقی، در بخش یافته‌های نظری از چند منظر به بازی کودکان و فضای مورد نیاز برای آن توجه نموده‌ایم:

- الف) رشد کودک و فضای بازی مناسب آنها،
- ب) اصول طراحی فضاهای بازی،
- ج) تجارب جهانی طراحی فضاهای بازی،
- د) ساختار و ویژگی‌های بازی‌های بومی ایرانی.

جدول شماره ۱: جمع‌بندی ویژگی‌های فضای بازی برای دوره‌های مختلف سنی

| محدوده تقریبی گروه سنی | فضای بازی مورد نیاز |
|-----------------------------------|--|
| ۰ تا ۳ سالگی (دوره اول بازی) | * خانه به عنوان اصلی‌ترین فضای بازی در طول دوره به‌ویژه تا یک سالگی * مراجعه به فضاهای خارج از خانه به‌ویژه در اواخر این دوره (حیاط و زمین بازی مجاور واحد مسکونی) با کمک والدین * لزوم مورد چالش قرار گرفتن حواس پنج‌گانه به امکان بازی با آب، گل و ماسه * همراه بردن وسایل بازی شخصی در فضاهای بیرونی در صورت لزوم |
| ۴ تا ۶ سالگی (دوره دوم بازی) | * مراجعه به نزدیک‌ترین فضاهای بازی به محل سکونت با همراهی والدین * لزوم وجود تجهیزات، امکانات و موقعیت‌های متنوع در فضای بازی * وجود فضاهای دارای پستی و بلندی‌های کوتاه، نرم و ایمن برای ارضای تنوع‌طلبی و تمایلات شدید حرکتی کودک * پیش‌بینی وسایل بازی با قابلیت جابه‌جایی و شکل‌دهی برای ایجاد امکان بروز خلاقیت * طراحی محدوده‌های بازی با خاک، ماسه، آب و گل * در نظر گرفتن فضای با قابلیت حرکت سه‌چرخه و یا دوچرخه کمک‌دار |
| ۷ تا ۱۲ سالگی (دوره سوم بازی) | * مراجعه مستقل به زمین بازی محله به عنوان اصلی‌ترین فضای بازی * مراجعه به پارک‌های منطقه‌ای و شهری با همراهی والدین * لزوم بهره‌گیری از تجهیزات، امکانات و موقعیت‌های بازی ماجراجویانه * وجود فضاهای باز منعطف برای انجام بازی‌های پر تحرک گروهی * فضاهای آرام و نسبتاً دنج برای بازی‌های کم‌تحرک، کلامی و تقلیدی دختران |
| ۱۳ تا ۱۶ سالگی (دوره چهارم بازی) | * مراجعه مستقل به زمین ورزشی محله به عنوان اصلی‌ترین فضای بازی * مراجعه به بخش‌های دارای هیجان زمین بازی محله * لزوم ایجاد فضای ورزشی سر پوشیده برای دختران در محله |
| ۱۶ سالگی به بالا (دوره پنجم بازی) | * رجوع مستقل به فضاهای ورزشی محله، ناحیه، منطقه و شهر * رجوع به فضاهای بازی دارای حس هیجان و ماجراجویی در منطقه و شهر محل سکونت |

مأخذ: نگارنده، برگرفته از گالاها (۱۳۹۳)، کوپر و همکاران (۱۳۹۳)، مهجور (۱۳۹۲)، هیوز (۱۳۹۳)، دل آلامو (۱۳۹۱) و بهروزفر (۱۳۸۰)

ب) اصول طراحی فضاهای بازی

از سوی دیگر، به منظور دستیابی به اصول جامع و کارآمد برای طراحی فضاهای بازی، نظریات متخصصان حوزه‌هایی که مستقیماً پیشنهاداتی را در حوزه طراحی فضاهای بازی شهری ارائه نموده‌اند، مطالعه و تحلیل گردید. بدین منظور با بهره‌گیری از مطالعات مختلف، اصول برشمرده شده، برای طراحی فضاهای بازی استخراج گردیده، مورد بررسی تحلیلی- تطبیقی قرار گرفته، واژگان و مفاهیم جدید برای ساختارمند کردن آنها ابداع شده و نهایتاً در قالب یک دسته‌بندی کاملاً بدیع و جامع، اصول کلی برای شکل‌دهی به فضای بازی کودکان در قالب جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: اصول کلی طراحی فضاهای بازی

| | |
|-------------------------|--|
| مکان‌یابی مناسب | رفاه و آسایش |
| مشارکت در طراحی و اجرا | طبیعت محوری |
| جذابیت کالبدی و عملکردی | فرهنگ محوری |
| ایمنی و امنیت | حضور پذیری (گروه‌های سنی، اجتماعی و اقتصادی) |
| خوانایی | مدیریت و نگهداری |

مأخذ: نگارنده، برگرفته از ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰)، دل آلامو (۱۳۹۱)، مظفر و همکاران (۱۳۸۵)، فرحمند (۱۳۹۱)، اسدی محل‌چالی و الفت (۱۳۹۴)، پورجعفر و همکاران (۱۳۸۹)، رفیعی و بهناش (۱۳۹۲)، خزاعی و خزاعی (۱۳۹۲)، Hendricks (2011), Tovey (2007), Green (2009), Hamarstrom (2009), Hearts Institute for Nature in Childhood (2009), Hamarstrom (2011), Shackell and et al (2008), Parsons (2011)

ج) تجارب جهانی طراحی فضاهای بازی

تجربیات عملیاتی کشورهای دیگر با وجود اختلافات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقلیمی و اقتصادی موجود، می‌تواند آموزه‌های مفید و کارآمدی را در اختیار پژوهشگران حوزه‌های گوناگون علمی قرار دهد. طراحی فضاهای بازی نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌بایست با بررسی فضاهای طراحی شده در کشورهای

مختلف و احصای نقاط قوت و ضعف آنها، سعی در ارائه ضوابطی جامع و مانع برای طراحی این‌گونه فضاها داشت. بدین منظور در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع مکتوب و برخط متعدد، تعداد قابل توجهی فضای بازی در کشورهای مختلف شناسایی گردید و پس از بررسی اولیه تمامی آنها نهایتاً ۱۷ مورد از این فضاها (جدول شماره ۳) که دارای ویژگی‌های شاخص و ویژه‌ای بودند انتخاب شد و مورد تحلیل دقیق و جزء به جزء قرار گرفت.



تصویر شماره ۱: حوزه بازی با آب زمین بازی پارک BLAXLAND
مأخذ: URL1



تصویر شماره ۲: SCULPTURAL PLAYGROUND
مأخذ: URL1

جدول شماره ۳: لیست فضاهای بازی جهانی تحلیل شده

| عنوان | موقعیت | عنوان | موقعیت |
|---------------------------|-------------------------------------|-----------------------------|---------------------------------------|
| BLAXLAND RIVERSIDE PARK | سیدنی استرالیا | A TODDLERS PLAYGROUND | حومه جنوب شرقی پاریس، بخش Alfortville |
| BELLEVILLE PLAYGROUND | پاریس، فرانسه | VAN CAMPENVAART PLAYGROUND | هیگ، (Hague) هلند |
| ZORLU PLAYGROUND | استانبول، ترکیه | MELIS STOKE PARK | آمستردام، هلند |
| THE RAMPART WAVE | لیون، فرانسه | POTGIETERSTRAAT | آمستردام، هلند |
| SCULPTURAL PLAYGROUND | ویسبادن آلمان | BOX HILL GARDENS PLAYGROUND | ملبورن، استرالیا |
| WOODS OF NET | شهر هاکنه (Hakone) ژاپن | NATURE'S PLAYGROUND | آدلاید استرالیا |
| IMAGINATION PLAYGROUND | منهتن، نیویورک، ایالات متحده آمریکا | GLENELG FORESHORE PLAYSACE | آدلاید، استرالیا |
| BEUNINGENPLEIN PLAYGROUND | آمستردام، هلند | IRVINE ADVENTURE PLAYGROUND | شهر ایروین، ایالات متحده آمریکا |
| WIKADO PLAYGROUND | روتردام، هلند | A TODDLERS PLAYGROUND | حومه جنوب شرقی پاریس، بخش Alfortville |

تصاویر ۱ تا ۴ نیز مشخص است، عمده فعالیت و بازی کودکان در این فضاها یا به صورت انفرادی و در قالب بازی با تجهیزات بروز پیدا کرده و یا نهایتاً بازی «در میان جمع» و نه در تعامل با کودکان دیگر. بدین ترتیب یکی از اصلی‌ترین تأثیرات بازی که همانا شکل‌گیری و تقویت توانایی تعاملات اجتماعی و انجام کار گروهی است به جز در معدود مواردی از فضاها، نادیده گرفته شده است. این نقیصه است که با توجه به تجزیه و تحلیل بازی‌های بومی ایرانی که در بخش بعد ارائه شده است، وجود نداشته و با بومی‌سازی فضاها بومی قابل برطرف شدن است.



تصویر شماره ۳: زمین بازی TODDLERS
مأخذ: URL1

د) ساختار و ویژگی‌های بازی‌های بومی تهران

بازی‌ها متناسب با جنس فعالیتی که در آنها صورت می‌گیرد، انواع مختلفی دارند از جمله: بازی‌های حسی، بازی‌های جسمی، بازی‌های تقلیدی، بازی‌های نمایشی، بازی‌های نمادین، بازی‌های تخیلی، بازی‌های کلامی، بازی‌های آرام، بازی‌های با قاعده، بازی‌های فکری یا ذهنی، بازی‌های گروهی یا تیمی، بازی‌های رقابتی، بازی‌های مرحله‌ای و بازی‌های بومی. توضیح ویژگی‌های هر یک از این انواع و یا ترکیب آنها با یکدیگر در حیطه پژوهش حاضر نیست؛ ولی در ادامه به بازی‌های بومی به عنوان یکی از موضوعات اصلی مورد توجه این پژوهش می‌پردازیم.



تصویر شماره ۴: زمین بازی NATURE'S
مأخذ: URL1

هر ملت در طول تاریخ خود به منظور گذراندن اوقات فراغت مردم، دست به ابداع بازی‌هایی زده که بستر و شرایط خاص خود را طلب می‌کرده‌اند. برای شفاف شدن ماهیت کلی این گونه از فضاهای بازی نیاز است که محققان هر کشور، بازی‌های سنتی و بومی خود را شناسایی نموده و مختصات فرمی و شکلی آنها را استخراج نمایند؛ ولی عبارت کلی ای که می‌توان در مورد آن گفت این است که این نوع از زمین بازی به فضایی اطلاق می‌شود که بازی‌های بومی هر کشوری می‌تواند در آن ظهور و بروز پیدا کند. (قرنل ایبغ، ۱۳۹۲) در پژوهش جامع خود با عنوان «راهنمای بازی‌های ایران» پس از شناسایی ۱۸۴۵ عنوان بازی دارای شرح در سراسر پهنه ایران و تقسیم‌بندی آنها به سه دسته بازی‌های ورزشی، بازی‌های نمایشی و بازی‌سرگرمی، به صورت کلی خصوصیات را برای آنها ذکر می‌نماید. اگر بخواهیم این خصوصیات را باز شماریم، شامل موارد نه گانه ذیل خواهد شد:

- ۱) برپایی بر اساس سرگرم‌کنندگی و لذت بخش بودن و نه سودآوری؛
- ۲) عدم مقید بودن به مقررات و استانداردهای دست و پاگیر مانند بازی‌های امروز؛
- ۳) اجرا با ساده‌ترین تجهیزات و ابزار نظیر چوب، خاک، سنگ، پارچه، طناب، استخوان، توپ، کلاه، گردو و...؛
- ۴) دارای تنوع اجرا در فضاهای باز و فضاهای بسته؛
- ۵) گروهی بودن قریب به اتفاق بازی‌ها؛

پس از تحلیل و بررسی تجربیات مورد اشاره در جدول شماره ۳، می‌توان موارد مندرج در جدول شماره ۴ را به عنوان آموزه‌های کاربردی، بدیع و قابل استفاده در طراحی فضاهای بازی برشمرد.

جدول شماره ۴: چکیده آموزه‌های تحلیل تجارب جهانی فضاهای بازی

| |
|--|
| پیش‌بینی حوزه‌های متنوع بازی برای دوره‌های سنی مختلف کودکان |
| توجه ویژه به ماجراجویی در فضاها به ویژه با بهره‌گیری از تجهیزات صخره‌نوردی، سازه‌های طنابی و ... |
| تنوع در کف پوش‌ها (چمن طبیعی و مصنوعی، پوشش‌های گرانولی موزاییکی و یکپارچه، خرده‌های چوب و ...) |
| در اختیار قرار دادن تجهیزات بازی دارای قابلیت جابه‌جایی، به منظور خلق فضاها و اشکال متنوع |
| تنوع مصالح به کار گرفته شده در فضا (فولاد، آلومینیوم، چوب، طناب، پلاستیک، تور، بتن، آسفالت نرم) |
| توجه به جنبه تخیل در طراحی فضاها با خلق حوزه و تجهیزات بدون کارکرد مشخص و از پیش تعیین شده |
| پیش‌بینی شرایط حضور معلولان حرکتی در فضاهای بازی |
| حفظ و تقویت پوشش گیاهی درون و حاشیه فضاها |
| فراهم کردن امکان ترسیم و نقاشی دیواره و یا کف در قسمت مشخصی از فضای بازی |
| مشارکت کودکان و والدین در طراحی و اجرای فضاهای بازی |

با وجود این آموزه‌های مثبت و کاربردی، می‌توان به یک نقطه ضعف در اکثر این تجربیات نیز اشاره نمود. همان‌طور که در

جدول شماره ۵: نمونه تحلیل تعدادی از بازی‌های بومی تهران

| عنوان بازی | تجهیزات و امکانات مورد نیاز | نوع بازی | دوره بازی پیشنهادی | فضای مورد نیاز |
|------------|--|-------------------------------------|--------------------|--|
| الک دولک | دو قطعه چوب یکی به طول تقریبی ۳۰ سانتی‌متر و دیگری حدوداً یک متر | جسمی، تیمی، رقابتی | دوره سوم و چهارم | فضای باز با حداقل طول ۱۵ و حداقل عرض ۵ متر وجود حفاظ در حاشیه فضا برای عدم آسیب‌رسانی به افراد خارج از زمین بازی |
| لی لی | ابزاری برای ترسیم خط روی زمین | جسمی، فردی، گروهی، رقابتی، مرحله‌ای | اواخر دوره دوم | فضای باز با حداقل طول ۴ و حداقل عرض ۲ متر |
| هفت سنگ | هفت تکه سنگ و یک عدد توپ | جسمی، تیمی، رقابتی | دوره سوم و چهارم | فضای باز با حداقل طول و عرض ۱۵ متر فقدان لبه‌های تیز در حاشیه زمین بازی |

مأخذ: نگارنده بر گرفته از قول ایاغ، ۱۳۹۲

همچنین بر پایه نتایج این بررسی‌ها، زمین بازی‌های بومی تهران، شرایط کلی ذیل را دارا هستند و این شرایط وجه تمایز این نوع از فضاهای بازی با فضاهایی است که تاکنون برشمرده شده‌اند:

- ۱) یک فضای باز و مسطح که امکان بروز تمامی انواع بازی‌های بومی در آن وجود دارد؛
- ۲) عدم اتکای شکل‌گیری بازی بر وجود تجهیزات و وسایل ویژه، بلکه متکی بودن بر حضور افراد و وسایل بسیار ساده؛
- ۳) ترسیم خطوط و مرزهایی در کف فضا برای شکل‌گیری بازی‌های بومی دارای قواعد خاص.



تصویر شماره ۵: بازی الک دولک
مأخذ: tishineh.com



تصویر شماره ۶: بازی لی لی
مأخذ: tishineh.com

- ۶) وجود بازی‌های مختص بزرگسالان در کنار بازی‌های کودکان و نوجوانان؛
- ۷) بازی‌های پسران، پرتحرک‌اند و در فضاهای باز صورت می‌گیرند و بازی‌های دختران، کم‌تحرک و در فضای بسته‌اند؛
- ۸) آمیختگی سرودها و کلام با بازی؛
- ۹) عدم وجود داور در بازی‌ها و اجرای نقش داوری توسط همه بازیکنان.

همچنین بر پایه مطالعات «راهنمای بازی‌های ایران» و بر اساس نمونه موردی انتخاب شده که محله‌ای از محلات شهر تهران را شامل می‌شود، به بررسی دقیق بازی‌های بومی «تهران» از ابعاد مختلف پرداخته و سعی در استخراج ویژگی‌های کلی آنها داشتیم. از بین ۱۲۱ بازی بومی شرح داده شده برای تهران، تعداد ۴۶ مورد از بازی‌هایی را انتخاب، تحلیل و بررسی نمودیم که در درجه اول، قابلیت اجرا در فضاهای باز را داشته، در درجه دوم، متناسب با گروه سنی کودک و نوجوان و دوره‌های بازی پیش گفته تشخیص داده شده و نهایتاً جذابیت‌شان را برای دوران معاصر حفظ کرده بودند. در این بررسی‌ها که خلاصه آن در جدول شماره ۵ تقدیم حضور گردیده، هر یک از بازی‌ها را از نظر جنسیت بازیکنان، تجهیزات و امکانات مورد نیاز، نوع بازی و گروه سنی پیشنهادی مورد ارزیابی قرار داده و نتایج ذیل حاصل گردید:

- ۱) عمده بازی‌ها از نظر تناسب با ویژگی‌های کودک-مورد اشاره در جدول شماره ۱ - در درجه اول بر دوره سوم بازی (۷ تا ۱۲ سال) تطابق داشته و درجه بعد دوره‌های دوم و چهارم بازی را پوشش می‌دهند؛
- ۲) قریب به اتفاق بازی‌ها، جسمی (چه استفاده از ماهیچه‌های بزرگ و چه ماهیچه‌های کوچک)، رقابتی و گروهی است در عین اینکه استفاده فعال از فکر و ذهن را طلب می‌نمایند؛
- ۳) بازی‌های مورد توجه پسران تیمی، رقابتی و دارای فعالیت جسمانی زیاد است؛
- ۴) در بازی‌هایی که دخترانه محسوب می‌شوند، عمدتاً عنصر کلام حضور پررنگی داشته و جنبه جسمانی کمتر است.

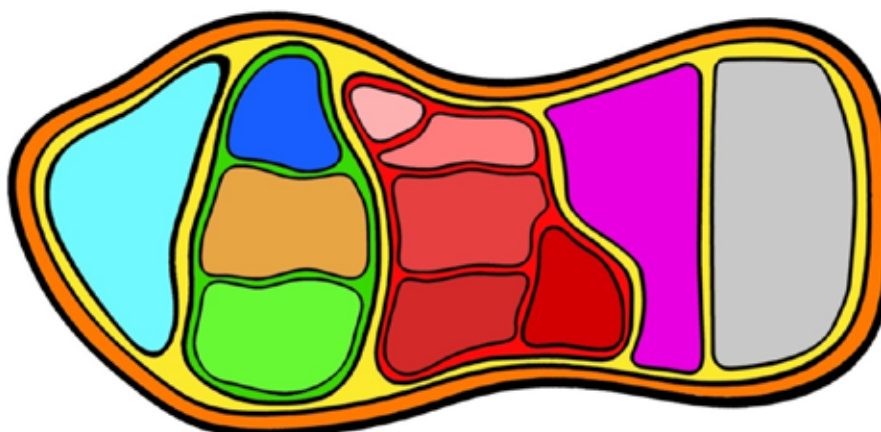
بر پایه تحلیل و جمع‌بندی جامع نتایج چهار بخش مبنایی نظری ارائه شده، اصول و معیارهای طراحی فضاهای بازی کودکان در مقیاس محله در قالب جدول شماره ۶ و حوزه‌های مختلف فعالیت‌سی مورد نیاز کودکان بر اساس ۷ حوزه اصلی و ۸ حوزه فرعی با تکیه بر اصول حضور پذیری گروه‌های سنی، جذابیت و تنوع مبتنی بر شکل شماره ۲ ارائه می‌گردد. با تکیه بر این اصول و حوزه‌های پیشنهادی، می‌توان فضاهای بازی جذاب و کارآمدی برای کودکان شهرهای کشور خلق نمود تا کودکان در حین بازی به مهارت‌های متنوعی دست یابند.

قلمرو و پژوهش

محله امروزی باغ فیض واقع در ناحیه ۳ منطقه ۵ شهرداری تهران، از شمال به بزرگراه شهید همت و محله پونک جنوبی، از شرق به بزرگراه شهید اشرفی اصفهانی و محله هما در منطقه ۲ شهرداری تهران، از جنوب به بزرگراه شهید حکیم و محله‌های اباذر و مهران و از غرب به بزرگراه شهید ستاری و محله جنت آباد جنوبی محدود می‌شود. همچنین این محله ۲۶۰ هکتار مساحت دارد و جمعیت این محله بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد ۴۷۰۹۸ تن در ۱۴۲۹۹ خانوار بوده است.

جدول شماره ۶: اصول و معیارهای طراحی فضاهای بازی در مقیاس محله

| اصول | معیار | اصول | معیار |
|-----------------|--|--|--|
| مکان‌یابی مناسب | دسترس پذیری | رفاه و آسایش | آسایش محیطی |
| | سازگاری عملکردی | | امکانات رفاهی |
| مشارکت | مشارکت در طراحی | طبیعت محوری | بهره‌گیری از گل و گیاه |
| | مشارکت در ساخت | | بهره‌گیری از آب |
| جذابیت | (ایجاد حس تعلق) | فرهنگ محوری | توجه به تفریحات دلخواه کودکان از جمله بازی‌های قومی و فرهنگی |
| | تنوع عملکردی و کالبدی (غناي حسی و غناي بصری) | | رعایت الزامات فرهنگی طراحی فضاهای بازی دختران |
| | خلاقیت و نوآوری در طراحی | | فرهنگ‌سازی |
| ایمنی و امنیت | ماجراجویانه و هیجان‌برانگیز بودن | حضور پذیری (گروه‌های سنی، اجتماعی و اقتصادی) | توجه به الزامات طراحی برای گروه خردسالان (دوره اول و دوم بازی) |
| | ایمنی درون و اطراف زمین بازی | | توجه به الزامات طراحی برای کودکان و والدین معلول حرکتی |
| خوانایی | امکان نظارت اجتماعی | مدیریت و نگهداری فعال | نظافت |
| | ساده بودن هندسه محیط | | نگهداری و تعمیر تجهیزات |
| | شاخص، جذاب و قابل تشخیص بودن ورودی | | امکان تغییر و تکامل |
| | وجود علائم و نشانه‌های شاخص | | |



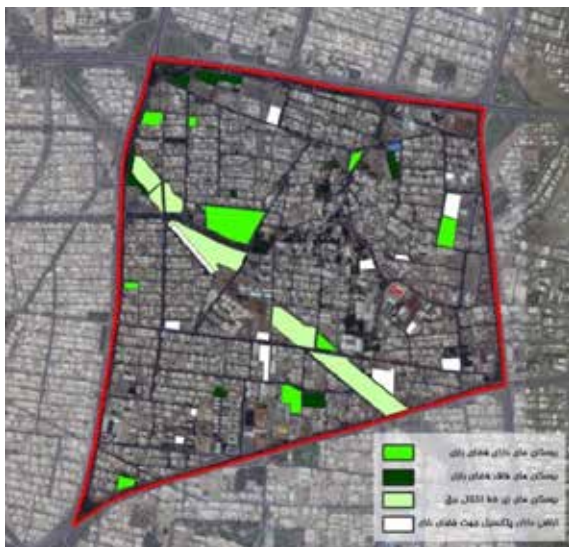
- | | | |
|--------------------------------|---|---|
| معمبر دوبره | زمین شن و خاک بازی | بازی با تجهیزات دوره سوم بازی (۷ تا ۱۶ سال) |
| معمبرهای عبور پرده و سه حرفه | زمین کشت گل و گیاه و تعامل با حیوانات | بازی با تجهیزات دوره دوم بازی (۴ تا ۷ سال) |
| معمبره بازی‌های آرام و استراحت | زمین بازی خلاق | بازی با تجهیزات دوره اول بازی (۰ تا ۳ سال) |
| معمبره بازی با طبیعت | زمین بازی دارای پستی و بلندی تپه مانند | زمین بازی‌های رسمی و گروهی |
| زمین بازی با آب | زمین بازی دارای تجهیزات با قابلیت بازگویی | زمین بازی چلد منظوره روزگار |

شکل شماره ۲: حوزه‌های فضای بازی در مقیاس محله
مأخذ: نگارنده

حالی است که بخش عمده‌ای از بهره‌برداران از فضای بوستان را کودکان تشکیل می‌دهند. البته همان‌طور که پیش‌تر نیز در تحلیل کلی فضاهای بازی محله بدان اشاره شد، به دلیل محدودیت‌های عملکردی موجود در فضای بازی موجود، که صرفاً پاسخگوی نیاز کودکان دوره اول و دوم بازی است، کودکان دوره‌های دیگر بازی، با نفوذ در دل فضای سبز موجود و به ویژه محدوده‌های چمن کاری شده، خود دست به آماده‌سازی فضا برای بازی مورد نظرشان می‌زنند.



نقشه شماره ۱: موقعیت محله باغ فیض



نقشه شماره ۲: موقعیت و گونه‌بندی بوستان‌های محله باغ فیض



تصویر شماره ۱۰: فضای بازی بوستان کاج
مأخذ: نگارنده

نکته حائز اهمیت در مورد این محله آن است که ابعاد و جمعیت آن مطابقت چندانی با اعداد مورد نظر پژوهش در حوزه سطح و جمعیت مطلوب یک محله ندارد. به صورت دقیق‌تر باید عنوان داشت که ابعاد محله باغ فیض ۲٫۶ برابر و جمعیت آن ۱۱٫۷ برابر محله استاندارد و مطلوب ما در پژوهش است.

از آنجا که در فضاهای شهری تهران و دیگر نقاط کشور، فضاهای بازی در قریب به اتفاق موارد در دل بوستان‌های شهری مکان‌یابی شده‌اند، ما نیز در ابتدای امر بوستان‌های محله را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده و سپس به فضاهای اختصاص یافته به بازی کودکان پرداخته‌ایم. بدین منظور، در بررسی میدانی صورت گرفته در مورد ۲۰ بوستان موجود در سطح محله باغ فیض این‌گونه فضاها در حوزه مورد بررسی شامل سه گونه‌اند:

* بوستان‌های دارای فضای بازی (۸ عدد)

* بوستان‌های فاقد فضای بازی (۸ عدد)

* بوستان‌های زیر خط انتقال برق و فاقد فضای بازی (۴ عدد)

همچنین، مجموع سطوح فضاهای بازی در شرایط فعلی محله ۳۱۹۷ متر مربع بوده که با احتساب جمعیت ۴۷۰۹۸ نفر و محاسبه سرانه استاندارد ۱ متر مربعی به ازای هر ساکن، سرانه فعلی فضای بازی در سطح محله ۰٫۰۶ متر مربع به ازای هر ساکن خواهد بود. بدین ترتیب محله باغ فیض به ۴۳۹۱۱ متر مربع دیگر فضای بازی نیاز خواهد داشت. این مهم هم باید از طریق توسعه و ساماندهی فضاهای بازی موجود درون بوستان‌ها محقق گردد و هم احداث فضاهای بازی جدید با استفاده از اراضی بایر و باغی موجود به صورت متوازن در سطح محله.

در میان تمامی بوستان‌های موجود در محله باغ فیض می‌توان بوستان کاج را به دلایلی چون، وسعت بوستان، قرارگیری سرای محله در مجاورت آن، وسعت فضای بازی موجود در آن و نهایتاً از نظر میزان استقبال اهالی محله، به عنوان بوستان اصلی دارای عملکرد محله‌ای دانست. بدین سبب متناسب با عنوان این پژوهش در ادامه روند تحقیق، تمرکز خود را بر تحلیل و ارائه طرح فضای بازی این بوستان معطوف خواهیم نمود.

فضای بازی موجود در بوستان کاج همان‌طور که در نقشه ۳ مشخص است، صرفاً مساحتی حدود ۶۱۰ متر مربع از فضای ۲۸۸۰۰ متر مربعی بوستان را به خود اختصاص داده است و این در

از ۶۰۰ متر مربع به ۵۰۷۰ متر مربع افزایش سطح داده و حوزه‌های متنوعی برای آن طراحی نمود.

جدول شماره ۸: راهبردهای اجرایی پیشنهادی برای بازطراحی فضای بازی بوستان کاج محله باغ فیض منطقه ۵ تهران

| نوع راهبرد | راهبرد اجرایی | اصول و معیار |
|------------|---|--|
| انطباقی | افزایش سطح اختصاص یافته به فضای بازی | تنوع بخشی به فضای بازی |
| انطباقی | پیش‌بینی حوزه‌های بازی متنوع برای پاسخگویی به نیاز گروه‌های مختلف سنی کودکان | |
| انطباقی | طراحی جذاب و خلاقانه کالبدی فضای بازی و مسیرهای منتهی به آن | احیاء بازی‌های بومی ایرانی |
| تهاجمی | طراحی فضایی تجهیز شده برای شکل‌گیری بازی‌های بومی | |
| تهاجمی | آموزش بازی‌های بومی تهرانی به کودکان (به وسیله تصاویر، متن و ...) | طبیعت محوری در طراحی |
| تهاجمی | فراهم کردن امکان تماس مستقیم کودکان با طبیعت (آب، گیاه، خاک و ...) | |
| تهاجمی | حضور طبیعت در تمامی حوزه‌های فضای بازی | رعایت ضوابط ایمنی فضاهای بازی |
| دفاعی | رعایت نکات ایمنی در طراحی و نصب تجهیزات | |
| دفاعی | رعایت نکات ایمنی در فضا سازی کلیت فضای بازی | تأمین رفاه و آسایش بیشتر |
| انطباقی | فراهم کردن آسایش محیطی (در برابر آفتاب، باران، برف و ...) | |
| دفاعی | پیش‌بینی و تأمین امکانات رفاهی (سرویس بهداشتی، آب‌خوری و ...) | فراهم کردن شرایط حضور کودکان معلول حرکتی |
| دفاعی | رعایت الزامات طراحی محیطی برای معلولان، سالمندان و کودکان | |
| دفاعی | طراحی و اجرای تجهیزات بازی متناسب برای معلولان | جلب مشارکت ساکنین محله |
| اقتضایی | مشارکت‌دهی کودکان و والدین محله در طراحی فضای بازی | |
| اقتضایی | مشارکت دادن کودکان و والدین در اجرای فضای بازی (با رعایت نکات ایمنی) | مدیریت پویا و خلاق |
| اقتضایی | واگذاری تصمیم‌گیری در حوزه اقدامات فضای بازی به والدین و کودکان (با همکاری شهرداری منطقه و هیئت امنای محله) | |



نقشه شماره ۳: عناصر و ابنیه موجود در بوستان کاج
مأخذ: نگارنده

بحث

همان‌طور که از جدول سوات ارائه شده (جدول ۷) مشخص است، فضای بازی موجود در بوستان کاج، دارای نقاط ضعف متعدد و متنوعی است. نقاط ضعفی که اگر به همین منوال به قوت خود باقی بماند، کودکان این نسل و نسل‌های آتی محله را بیش از پیش از فضاهای پویای شهری دور کرده و عرصه را به جذابیت‌های بی‌پایان بازی‌های رایانه‌ای واگذار خواهد کرد.

جدول شماره ۷: جدول SWOT فضای بازی بوستان کاج

| عنوان | توضیحات |
|--------------|--|
| نقاط قوت (S) | <ul style="list-style-type: none"> - وجود فضای اختصاصی برای بازی کودکان - وجود درختان با تراکم مناسب در حاشیه فضای بازی - قرارگیری فضای بازی در دل بوستان و فاصله گرفتن از مسیرهای عبور وسایل نقلیه - خوانایی مناسب فرم فضا - وجود بسترهای اجتماعی سنتی و مشارکت‌جو در محله |
| نقاط ضعف (W) | <ul style="list-style-type: none"> - اختصاص فضایی محدود و کوچک به فضای بازی در بوستان - عدم وجود تنوع و جذابیت بصری و عملکردی در فضای بازی - محدود بودن فضاهای باز بوستان به دلیل تراکم نسبتاً بالای درختان و گیاهان - عدم توجه به نیازها و علائق گروه‌های مختلف سنی کودکان - فراهم نبودن امکان اجرای بازی‌های پر تحرک آزادانه تویی و گروهی - عدم توجه به مشارکت کودکان در طراحی، اجرا و نگهداری فضای بازی - وجود لبه‌های خطر آفرین و نایمن در حاشیه فضای بازی - عدم وجود تسهیلات و امکانات برای حضور کودکان دارای معلولیت حرکتی |
| فرصت‌ها (O) | <ul style="list-style-type: none"> - وجود شیب شمال به جنوب در بوستان - جریان داشتن آب قنات درون بوستان و در مجاورت فضای بازی - وجود سطوح چمن کاری شده در مجاورت فضای بازی - وجود فضای کافی در بوستان برای توسعه فضای بازی |
| تهدیدها (T) | <ul style="list-style-type: none"> - افزایش جمعیت محله و پاسخگو نبودن فضای بازی موجود - فرسودگی سریع تجهیزات موجود به دلیل تراکم بالای استفاده‌کنندگان |

براساس شناخت حاصل شده از فضای کالبدی-عملکردی بوستان کاج و مقایسه تطبیقی آن با نتایج مبانی نظری حاصل شده در روند پژوهش، می‌توان بر پایه راهبردها و سیاست‌های اجرایی ارائه شده در جداول ۸ و ۹، فضای بازی بوستان کاج را

جدول شماره ۹: مساحت حوزه‌های پیشنهادی فضای بازی بوستان کاج

| مساحت (متر مربع) | حوزه‌های پیشنهادی | مساحت (متر مربع) | حوزه‌های پیشنهادی |
|---------------------|---------------------------------|--|-------------------------------------|
| ۱۷۰ | حوزه استراحتگاه و پناهگاه | ۷۰۰ | حوزه بازی با طبیعت |
| ۵۰ | غرفه عرضه محصولات خوراکی | ۴۰ | حوزه بازی با شن |
| ۶۵۰ | حوزه ورزش‌های توبی | ۲۰۰ | حوزه کاشت و پرورش گیاهان |
| ۱۵۰ | سکوی تماشاگران (والدین) | ۶۵ | حوزه بازی با حیوانات اهلی |
| ۱۷۵ | فضاهای حرکتی مابین حوزه‌ها | ۸۰ | حوزه بازی با قطعات چوب قابل جابجایی |
| ۳۶۰۰ | مجموع حوزه‌های متمرکز فضای بازی | ۱۷۰ | حوزه تجهیزات بازی معاصر |
| ۱۴۷۰ | مسیر دوچرخه سواری | ۶۵۰ | حوزه بازی ماجراجویانه طنابی |
| | | ۵۰۰ | حوزه بازی‌های بومی و گروهی |
| ۵۰۷۰ | | مجموع حوزه‌های پیشنهادی فضای بازی بوستان | |

نتیجه گیری

محلات شهری به عنوان اولین و مهم ترین فضای عمومی که توسط کودکان تجربه می‌شوند، می‌بایست مورد توجه جدی متخصصان شهری، به ویژه طراحان شهری قرار گرفته و به دلیل تأثیرات متعدد و عمیق بر کودک، فضای آنها متناسب با نیازهای این قشر از جامعه باز طراحی شود. در این بین پارک‌های محلی و به ویژه فضاهای بازی آنها ظرفیت بسیار ویژه‌ای برای حضور فعال و شاداب کودکان محسوب شده و می‌تواند محل شکل‌گیری و پرورش انواع مهارت‌های فردی و اجتماعی مورد نیاز آنان در زندگی آینده خود باشد. بر اساس پژوهش صورت گرفته، این فضاهای بازی می‌بایست بر پایه اصولی ۱۰ گانه شامل: مکان‌یابی مناسب، مشارکت، جذابیت، ایمنی و امنیت، خوانایی، رفاه و آسایش، طبیعت محوری، فرهنگ محوری، حضور پذیری (گروه‌های سنی، اجتماعی و اقتصادی)، مدیریت و نگهداری فعال و زیر معیارهای مرتبط به هر اصل- که در جدول ۶ بدانها اشاره شده است- طراحی شود تا بتوان یک محیط بازی استاندارد را برای کودکان فراهم نمود.

از سوی دیگر متناسب با تجربیات جهانی و سابقه غنی بازی‌های بومی ایرانی، اختصاص هفت عرصه اصلی فضای بازی (بازی‌های آرام، بازی با طبیعت، بازی‌های خلاق، بازی‌های بومی و گروهی، بازی‌های ورزشی، مسیر سه چرخه سواری و مسیر دوچرخه سواری) و زیرمجموعه‌های آن- که در شکل ۲ به تفصیل ارائه شده‌اند- غنای تجربی کودکان را افزایش داده و آموزه‌های

مهارتی آنها را نیز به حداکثر خود می‌رساند؛ آموزه‌های جذاب و متنوعی در حوزه‌های جسمی، ذهنی، عاطفی، ادراکی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی.

نکته بسیار مهم در این بین توجه ویژه‌ای است که می‌بایست از دیدگاه فرهنگی به این گونه فضاها شود. توجهی که در آن باید به موضوعات مختلفی از جمله تأثیرات مفید و مخرب گروه‌های سنی بر یکدیگر، ملاحظات جنسیتی طراحی فضاها برای پسران و دختران، بهره‌گیری از المان‌های ملی و بومی در طراحی محیطی و احیای بازی‌های بومی غنی ایرانی به عنوان یک میراث ناملموس تاریخی، فرهنگی و هویتی. بر اساس مطالعه و تحلیل‌های صورت گرفته، فضای بازی برای بازی‌های بومی ایرانی به عنوان یک حوزه از حوزه‌های متنوع مورد نیاز کودکان در فضای بازی محله، یک فضای باز و مسطح است که متکی به حضور کودکان در آن بوده و با بهره‌گیری از ساده‌ترین اسباب و وسایل و ترسیم خطوط مورد نیاز روی زمین، مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کودکان را در قالب بازی‌های گروهی و تیمی پرورش می‌دهد.

همچنین، فارغ از مباحث بیان شده در این پژوهش، توجه مضاعفی می‌بایست در راستای (۱) شکل‌گیری فضاهای بازی در مقیاس کوچه‌های مسکونی و واحدهای همسایگی (۲) مناسب‌سازی معابر محله برای عبور و مرور کودکان (۳) ایجاد هماهنگی مکانی و عملکردی میان فضاهای بازی مهدهای کودک و دبستان‌ها، در بین برنامه‌ریزان و طراحان شهری شکل بگیرد تا بتوان به مفهومی تحت عنوان «محله دوستدار بازی» به عنوان یک رویکرد نو و بومی در محلات شهری کشور دست یافت.

پی‌نوشت

۱. رجوع شود به: ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، بند اول آیین‌نامه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در جمهوری اسلامی ایران، مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی، شیعه (۱۳۹۱) تحت عنوان «آماده‌سازی شهر برای کودکان» و رفیعی (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی وضعیت مناسب‌سازی فضاهای شهری برای کودکان».

فهرست منابع و مراجع

۱. ابراهیمی، حمیدرضا؛ سعیدی رضوانی، نوید و معانی منجیلی، آرزو (۱۳۹۰)، «تدوین اصول طراحی فضاهای بازی کودکان با تأکید بر گروه سنی ۵ تا ۱۲ سال؛ مطالعه موردی: رشت»، *فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر*، شماره ۱۹، اسفند، ص ۴۲-۳۱.
۲. اسدی محل چالی، مسعود و الفت، میلاد (۱۳۹۴)، *ملاحظات روان‌شناسانه در طراحی محیطی؛ در راستای پاسخگویی به گروه‌های کم‌توان: کودکان، معلولان و سالمندان*، انتشارات آرمانشهر، تهران.
۳. ایزانلو، بلال و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۰). «کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری، مروری بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی»، *دو فصلنامه تحقیق علوم رفتاری*، شماره ۱۷، فروردین، ص ۷۹-۷۰.

۴. بهروزفر، فریبرز (۱۳۸۰)، **مبانی طراحی فضاهای باز نواحی مسکونی در تناسب با شرایط جسمی و روانی کودکان**، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
۵. پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی-اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۰، زمستان، ص ۲۴-۱۵.
۶. پورجعفر، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی؛ محمودی نژاد، هادی و علی زاده، حمید (۱۳۸۹)، «بررسی تحلیل چگونگی برانگیزش آفرینشگری کودکان در طراحی فضاها و محوطه‌های شهری با تأکید بر رابطه «خلاقیت» و «طراحی کالبدی» فضاهای بازی کودکان»، **دو فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۲۵، بهار و تابستان، ص ۸۲-۶۳.
۷. خزاعی، سهیلا و خزاعی، سعید (۱۳۹۲)، **بازی و رشد و تکامل کودک من**، چاپ اول، انتشارات ارجمند، تهران.
۸. دانایی فرد، حسن (۱۳۸۹)، **استراتژی‌های نظریه پردازی**. انتشارات سمت، تهران.
۹. دل آلامو، مارتا روخالس (۱۳۹۱)، **طراحی زمین بازی**، ترجمه لیلا پهلوان زاده، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان، اصفهان.
۱۰. رفیعی، امیررضا و فرزاد بهتاش، محمدرضا (۱۳۹۲)، **بررسی وضعیت مناسب سازی فضاهای شهری برای کودکان**، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، قابل دسترس در: <http://region10.tehran.ir/Default.aspx?tabid=356> [Accessed 12 farvardin 1388]
۱۱. شیعه، اسماعیل (۱۳۹۱)، **آماده سازی شهر برای کودکان**، چاپ سوم، مؤسسه نشر شهر، تهران.
۱۲. شوکتی احمدآباد، مصطفی و حسنی، پرخیده (۱۳۸۵). «فرا تحلیل چیست؟»، **فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند**، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، ص ۲۱-۱۵.
۱۳. فرحمنند، مرتضی (۱۳۹۱)، «ایمنی در زمین بازی»، **ماهنامه بازی و اسباب بازی**، شماره ۱۷، بهمن، ص ۴۵-۴۲.
۱۴. قزل ایغ، ثریا (۱۳۹۲)، **راهنمای بازی های ایران**، چاپ دوم، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۱۵. کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۲)، «بررسی ویژگی های شهر دوست داشتنی از نگاه کودکان؛ مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری قزوین»، **فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری**، شماره ۹، زمستان، ص ۶۸-۵۹.
۱۶. کوپر، کارول؛ هالسی، کلیر؛ لورنت، سو و سالیوان، کارن (۱۳۹۳)، **رفتار با کودکان و نوجوانان**، ترجمه سیاوش جمال‌فر، چاپ دوم، نشر روان، تهران.
۱۷. گالاهو، دیوید و اُزمون، جان سی (۱۳۹۳)، **درک رشد حرکتی در دوران مختلف زندگی**، ترجمه رسول حمایت‌طلب و فولادیان، جواد و فارسی، علیرضا و موحدی، احمدرضا، چاپ دوم، انتشارات علم و حرکت، تهران.
۱۸. مظفر، فرهنگ؛ عظمتی، حمیدرضا و باقری، محمد (۱۳۸۵)، «طراحی بوستان‌های شهری و رشد خلاقیت کودکان»، **مجله فناوری و آموزش**، شماره ۲، زمستان، ص ۸۵-۷۵.
۱۹. مهجور، سیامک رضا (۱۳۹۲)، **روان شناسی بازی**، چاپ اول، نشر ویرایش، تهران.
۲۰. ناطق پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵). «شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن»، **مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره ۲۸، آذر، ص ۱۹۰-۱۶۰.
۲۱. ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹)، «فرا ترکیب نتایج واکاوی‌های کیفی و مطالعات فرهنگی: واقعیت یا توهم»، **فصلنامه برگ فرهنگ**، شماره ۲۲، پاییز و زمستان، ص ۴۵-۲۴.
۲۲. هیوز، فرگاس پیتر (۱۳۹۳)، **روان شناسی بازی؛ کودکان، بازی و رشد**، ترجمه کامران گنجی، انتشارات رشد، تهران.
23. Green Hearts Institute for Nature in Childhood, (2009), **Design Principles for Nature Play Spaces in Nature Centers and Other Natural Areas** [online], Available from: http://www.greenheartsinc.org/uploads/Green_Hearts_Design_Principles_for_Nature_Play_Spaces.pdf [Accessed 7 May 2013]
24. Hamarstrom, Jeffrey C. (2012), **Perceptions of Naturalized Playgrounds: A Qualitative Study**, Master of Landscape Architecture, Utah State University.
25. Hendricks, B. (2011), **Designing for Play**, farnham: ashgate publishing limited
26. Parsons, A. (2011), **Young Children and Nature: Outdoor Play and Development, Experiences Fostering Environmental Consciousness, And the Implications on Playground Design**, Master of Landscape Architecture In Landscape Architecture, faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
27. Shackell, A and others. (2008), **Design for Play: A guide to creating successful play spaces**, London
28. Tovey, H. (2007), **Playing Outdoors: Spaces and Places, Risk and Challenge**, McGraw Open University Press.
29. URL1: <http://tishineh.com>

نقش برابری خواهی و مهمان‌نوازی بر تداوم سکونت در خانه‌های گمیشان*

حنانه ملک محمدی بیدهندی^۱، حسین سلطان‌زاده^۲ (نویسنده مسئول)، مریم ارمغان^۳

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۳ استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۳۱

چکیده

موضوع این پژوهش بررسی اثر برابری خواهی و مهمان‌نوازی بر چگونگی تداوم سکونت و ساختار خانه‌های گمیشان است و در این راستا برای درک بهتر از نحوه شکل‌گیری فضا در خانه‌های ترکمنی، ابتدا می‌بایست به مطالعات ساختار اجتماعی این اقوام پرداخت و سپس این دو عنصر فرهنگی را که نقش بارزی در تداوم سکونت از آلاچیق یا «اوی» تا خانه‌های چوبی دو طبقه یا «تام» داشتند، مورد بازشناسی قرار داد. این پژوهش از این نظر اهمیت دارد که می‌توان چگونگی تقسیم فضاها و فعالیت‌ها را در خانه‌های ترکمنی گمیشان تبیین نمود، موضوعی که پیش‌تر به آن پرداخته نشده است. هدف از انجام پژوهش بررسی نقش دو مولفه فرهنگی بارزتر یعنی برابری خواهی و مهمان‌نوازی بر شکل‌گیری فضاها در خانه‌های گمیشان است. پرسش اصلی در این پژوهش این است که برابری خواهی و مهمان‌نوازی چه نقشی در معماری خانه‌های گمیشان داشته است؟ مبانی نظری تحقیق متکی بر تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری خانه‌های اقوام گوناگون در گذشته بوده است. در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و همچنین روش تحقیق تطبیقی استفاده شده است به این صورت که نخست بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، اصول اجتماعی و فرهنگی در اقوام ترکمن بررسی شده و به جمع‌آوری داده‌ها در این زمینه پرداخته شده و دو مولفه اصلی تاثیرگذار در زندگی اجتماعی این اقوام شناسایی گردیده که شامل برابری چوبی و مهمان‌نوازی است، سپس به بررسی تاثیر این دو مولفه بر معماری ترکمنی پرداخته شده است. در این نوشتار برابری خواهی و مهمان‌نوازی متغیر مستقل و چگونگی ساختار خانه‌های گمیشان متغیر وابسته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار و تقسیمات فضایی در خانه‌های گمیشان به صورت کاملاً برابر است و این امر تحت تاثیر مستقیم از برابری چوبی است که ریشه در افکار و باورهای آنها دارد. همچنین اساس شکل‌گیری و ایجاد این خانه‌ها برای اسکان مهمان در نظر گرفته شده، که این امر نیز تحت تاثیر مستقیم مهمان‌نوازی ایشان بوده است.

واژگان کلیدی: برابری خواهی، مهمان‌نوازی، خانه‌های گمیشان، تام، اوی.

مقدمه

بحث پیرامون موضوع برابری خواهی و مهمان‌نوازی اقوام ترکمن و به خصوص ترکمن‌های یموت ساکن در کنار دریای مازندران در منطقه‌ای به نام گمیشان است و تاثیر این عوامل فرهنگی را بر معماری و تداوم سکونت این اقوام بررسی می‌کند، ویژگی‌های فرهنگی بسیاری بر سیر تکاملی زندگی ترکمن‌ها از چادرنشینی تا خانه‌های چوبی تاثیرگذار بوده‌اند، با این همه اکثر پژوهش‌های انجام شده در این راستا در حوزه معرفی‌های صرفاً تک بعدی بوده‌اند و از بیان ارتباط بین مقوله‌ها خودداری نموده و به جزئیات پردازی‌های توصیفی اکتفا کرده‌اند، که از جمله آنها می‌توان به مقاله «ایران‌شناسی، ایرانیان ترکمن، نگاهی به گذشته و حال» (کنعانی، ۱۳۷۹) و یا کتاب مسکن بومی ترکمن (محمودی نژاد، ۱۳۸۸) و مواردی از این قبیل اشاره کرد. با بررسی این قبیل منابع، به نظر می‌رسد که برخی از مفاهیم و مولفه‌ها که عمیقاً ریشه در فرهنگ و باورهای ترکمنی دارند، به صورت کلی مد نظر قرار گرفته و نحوه تاثیرگذاری آنها بر معماری و سکونت این اقوام، کمتر مورد توجه قرار بوده است.

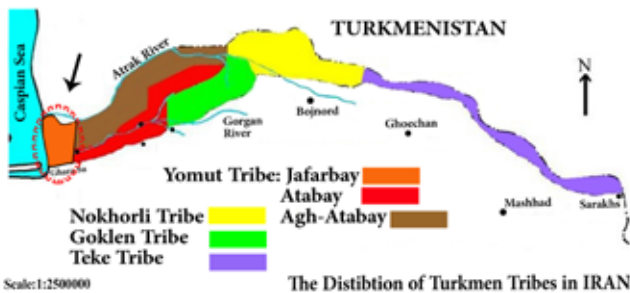
در بیان مسئله می‌توان گفت: از میان عناصر فرهنگی مختلفی که همه در سیر تکاملی از چادرنشینی و کوچ‌نشینی به یکجانشینی در میان ترکمن‌ها تاثیرگذار بوده‌اند، برابری خواهی و مهمان‌نوازی از جمله بارزترین عناصر است. بر همین اساس پرسش اصلی تحقیق مطرح می‌شود:

پرسش اصلی در این پژوهش این است که برابری خواهی و مهمان‌نوازی چه نقشی در معماری خانه‌های گمیشان داشته‌اند؟ از جمله ضرورت‌های تحقیق می‌توان اشاره نمود که، به دو دلیل به این دو عامل فرهنگی به صورت هم‌زمان پرداخته شد، نخست آنکه برابری خواهی بخش اصلی زندگی اجتماعی هر ترکمن است و آن را به صورت بسیار بارزی در تمامی وجوه زندگی خویش اعم از معماری نمایان ساخته؛ همچنین مهمان‌نوازی اساس تشکیل خانه به معنای امروز آن، به عنوان بخش بیرونی برای مهمان بوده و کم‌کم فرد ترکمن از آلاچیق به خانه‌های چوبی نقل مکان کرده است، بر همین اساس این دو مقوله به عنوان عوامل اصلی پژوهش انتخاب شدند. و دلیل دوم که بسیار مهم است اینکه برابری خواهی، سبب شکل‌گیری فضاهای یکسان حتی در بخش مربوط به مهمان می‌شود و بر خلاف شهرهای مرکزی ایران که شاه‌نشین، فضای مهمان را به طور کامل از کل فضای خانه جدا می‌سازد و به نوعی به آن برتری می‌بخشد، در خانه‌های ترکمنی گمیشان، فضای مربوط به پذیرایی از مهمان، فضایی کاملاً یکسان و مشابه با سایر بخش‌هاست. برابری خواهی‌ای که در میان زن و مرد نیز رعایت می‌شده، آن‌گونه که وامبری می‌نویسد: «آنچه بیش از حد در من اثر گذاشت عشق آنان به خانواده و احترامی بود که برای زنانشان قائل بودند، من دریافتم که زنها، نه تنها از لحاظ تساوی حقوق خانوادگی، با مردان برابر بودند،

بلکه مادران فرمانروایی را برای خانواده به میراث می‌گذاشتند و از اطاعت پهلوانان و جنگ آوران بهره‌مند بودند» (Vambery, 1874: 342). برابری زن و مرد تاثیر مستقیمی بر برقراری تساوی در فضای مهمان و فضای خصوصی گذاشت و به عبارت دیگر با اینکه بین اندرونی و بیرونی در خانه‌های ترکمنی گمیشان از نظر ساختاری و کاربردی، تفکیک فضایی وجود دارد، تفاوت فضایی وجود ندارد. نام «اغوز» یا «غوز» یا «غز» برای نخستین بار در اوایل قرن ۱۸ میلادی در نوشته‌های خطی ترکی‌ای که در مغولستان کشف شد به میان آمد. تحقیقات در مورد منشأ و معنی ترکمن نشان می‌دهد که اغوزهای مسلمان از سوی اغوزهای غیر مسلمان، ترکمن خوانده می‌شدند (مفتاح، ۱۳۷۴: ۱۷۵). امروزه بخش عمده ترکمن‌ها در ترکمنستان و شمال شرق ایران ساکن هستند. قسمت عمده ترکمن‌های ایران از دو طایفه جعفری‌ای و آتابای هستند و متفقاً خود را یموت می‌نامند و در ناحیه دشت گرگان زندگی می‌کنند (ترکمن صحرا). در قسمتی از منطقه زندگی ترکمن‌های ایران که شامل کوه‌های شمال غربی و مغرب بجنورد است چند طایفه ترکمن به نام‌های گوکلان، نخورلی و تکه به سر می‌برند. (پورکریم، ۱۳۴۶: ۴۹).



تصویر شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان گمیشان در بینه ایران؛ (ماخذ: سایت استانداری گلستان و سایت معاونت و برنامه ریزی استان گلستان، معاونت آمار و اطلاعات: URL1 و URL2)



تصویر شماره ۲: توضیح جامعه جغرافیایی طوایف ترکمن و موقعیت منطقه گمیشان روی نقشه؛ (ماخذ: URL1)

یموت‌ها از طریق دریای مازندران با مردم دیگر ممالک ارتباط برقرار کردند و زودتر از طایفه‌های دیگر با تجارت و شهرنشینی و تمدن جدید آشنا و زودتر از سایرین یکجانشین شدند. در میان یموت‌ها جعفری‌ای به دلیل تمدن وسیع تر، از همه مهم‌تر بود، از این رو این گروه از ترکمن‌ها به عنوان گروه نمونه در پژوهش انتخاب شدند. در کتاب نخبه سیفیه آمده است: «طایفه جعفری‌ای ساکن گمش تپه از حیث پاک‌ی و تمیزی و ثروت نخستین طایفه یموت است و به واسطه آمدوشد روس‌ها از

آثار هنری، مذهبی، مراسم اجتماعی و... تشکیل می‌شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶). فرهنگ به تنهایی یک موضوع بیش از حد گسترده برای ارتباط دادن با معماری است، لذا قبل از ورود به بحث و بررسی در زمینه چگونگی تأثیر مولفه‌های فرهنگی اقوام ترکمن، بر خانه‌های آنها، ابتدا مقوله فرهنگ بررسی می‌شود تا بتوان با محدود کردن و نزدیک کردن آن به موضوع، شناخت دقیق تری از ارتباط بین آنها پیدا نمود. پوراحمد عقیده دارد که ویژگی‌های کالبدی شهر (فرم) معلول رفتار انسان (جامعه) در فضا است و رفتار انسان در فضا به کیفیت تصور و درک -ریشه‌دار در فرهنگ- وی از محیط بستگی دارد. بدون شناخت آن درهم تنیدگی (فرهنگ و کالبد) درک دقیق سازمان اجتماعی - کالبدی غیر ممکن خواهد بود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۱). معنای نمادین محیط مصنوع و عناصر آن در هر یک از تمدن‌های بشری گویای معنایی است که محیط به ذهن انسان متبادر نموده و در نتیجه بر ادراک او از محیط و رفتار او تأثیر گذاشته و در نهایت فرهنگ او را شکل می‌دهد (خستو، ۱۳۹۵: ۳۳). هافستد، به دو نوع فرهنگ متمایز اشاره می‌کند: یکی فرهنگی که در موسیقی، نقاشی و ادبیات و امثال آن جلوه می‌کند و تأکید آن بر یک محصول و یک «دست ساخته» بوده و میراث فرهنگی جامعه را شکل می‌دهد و دیگری «نرم‌فزارهای ذهنی» است که پدیده‌ای جمعی بوده و همه مردمی که در آن محیط زندگی می‌کنند، در آن سهیم هستند و اعضای یک گروه را از گروه دیگر متمایز می‌سازد. این نوع فرهنگ شامل نهادها، نظام قانونی، شیوه اداره جامعه، الگوهای خانواده و هنجارهای اجتماعی است و همه فعالیت‌ها و کنش‌های متقابل و داد و ستدها را در بر می‌گیرد (Hofstede and etc, 2010: 208). با استناد به این نظریه در زندگی اجتماعی ترکمن‌ها نیز نوعی قانون در نظام اجتماعی و شیوه اداره جامعه وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. راپوپورت معتقد است: «فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عقاید در بردارنده ایده‌آل‌های گروهی از مردم است که در فرایند فرهنگ-آموزی، میان اعضای آن گروه منتقل می‌شود»؛ منظور او از فرهنگ‌آموزی، انتقال ارزش‌ها و عقاید از نسلی به نسل دیگر، در میان اعضای یک فرهنگ مشابه است (Rapoport, 1998: 9). از نظر آنتونی گیدنز، ارزش‌ها مفاهیم انتزاعی و مجردی هستند که مشخص می‌کنند در یک فرهنگ معین، چه چیزی مهم، ارزشمند و مطلوب تلقی می‌شود. هنجارها قواعد رفتاری هستند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند، ارزش‌ها و هنجارها همراه با هم به نحوه رفتار اعضای یک فرهنگ، در محیط پیرامون آنها شکل می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۶۸). همچنین وی معتقد است که تفسیر فرهنگ، به محقق این امکان را می‌دهد که از ساختارگرایی عبور کرده و تحلیل معنایی و نمادهای چارچوب فرهنگی را از دیدگاه بومیان، مورد نظر قرار دهد (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). هر رفتاری که توسط انسان صورت می‌گیرد، اساساً متکی بر فرهنگ است و فرهنگ به عنوان مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی جامعه بر معماری فضاهای شهری تأثیر

حیث میل و اطاق و لباس خیلی خنود و همیشه صبح‌ها صورت‌های خودشان را با صابون‌های معطر شسته و در زمستان با گالش و پوتین و نیم پالتوره می‌روند» (معینی، ۱۳۴۴: ۱۵۷). جعفر بای‌ها به دو تیره یارعلی و نورعلی تقسیم می‌شوند. در میان یموت‌ها جعفر بای از همه مهمتر بود محمد علی قورخانچی صولت نظام به سال ۱۳۲۰ ه.ق در گزارش خود در باره گمیش تپه چنین می‌نویسد: بزرگترین و متمدن‌ترین تمام طوایف یموت اول طایفه جعفر بای و ثانیاً طایفه آتابای است ولی هیچ طایفه به تمدن جعفر بای نمی‌رسد و طایفه جعفر بای از حیث جمعیت و شجاعت و ثروت نخستین طایفه یموت است خصوصاً ساکنین خواجه نفس و گمش تپه که بندر کوچک و معتبر است و در مدخل گرگان است اهالی گمش تپه از وضع لباس و اثاث البیت و منزل بر سایرین تفرقی دارند و مانند مردمان دارالخلافه هستند و دو مدرسه چوبی منقوش دارند و اطفال مشغول تحصیل هستند و زبان ترکی خودشان را می‌خوانند (مطالعات طرح جامع گمیشان، ۱۳۹۴: ۱۲۲).



تصویر ۳: نمایی از گمش تپه در سال ۱۳۰۵؛
مأخذ: آلبوم خادم

عوامل فرهنگی و ساختار و ایلی؛ ترکمن‌ها پدر تبار هستند، آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده‌های گسترده بسیار بزرگ بودند (محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۶) طبق مطالعات محمدمامین کنعانی، جامعه‌شناس ایرانی، دوره زندگی و تاریخ ترکمن‌ها را می‌توان به دو دوره قبل از اسکان و پس از اسکان تقسیم کرد. وی دوره اسکان را نیز به سه دوره: آغاز اسکان، اسکان اجباری و تثبیت اسکان تقسیم نمود (کنعانی، ۱۳۷۹: ۲۲۱-۲۲۴). این مطالعات در منطقه گمیشان مربوط به بخش نخست اسکان ترکمن‌هاست که بدون اجبار بوده و خانه‌های تاریخی این منطقه متعلق به اواخر قاجار است که از نظر نحوه شکل‌گیری این خانه‌ها و تقسیمات فضایی آنها کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است. محمودی نژاد در کتابش به نقل از گلی، درباره مسکن ترکمن‌ها عقیده دارد که «اولین نمونه نسبتاً پیچیده معماری ساحلی ترکمن‌ها را می‌توان اقامتگاه محمدعلی شاه قاجار در شهر خواجه نفس (در همسایگی گمیشان) دانست» (محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۹۱).

چارچوب نظری

فرهنگ را می‌توان رفتار ویژه نوع بشر نامید که با ابزار مادی جزء لاینفک رفتار شناخته می‌شود. فرهنگ به طور مشخص از زبان، افکار، اعتقادات، سنن، قراردادهای سازمان‌ها، ابزارها، روش‌های کاری،

می‌گذارد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۶). کلیفورد گیرتز از جمله فرهنگ‌شناسانی است که علاوه بر اینکه به نظریه پردازی پرداخته، کارهای تجربی متعددی نیز در جوامع مختلف به انجام رسانده است. مهم‌ترین کار گیرتز «تفسیر فرهنگ‌ها» نام دارد که عرصه جدیدی را در مطالعه پدیده فرهنگی نسبت به گذشتگان خود گشوده است. بنا به تعریف کلیفورد گیرتز، فرهنگ، بر الگوهای نهفته در نهادها، که به صورت تاریخی انتقال یافته است دلالت می‌کند، نظامی از برداشت‌هایی که به او ارث رسیده و با صورت‌های نمادین بیان شده است (Geertz, 1973: 89). او معتقد است که فرهنگ، مجموعه‌ای از نظام مفاهیمی است که به همراه نمادها مطرح می‌شود و به عاملی تبدیل می‌گردد که انسان‌ها می‌توانند از طریق آن با یکدیگر ارتباطات لازم را برقرار نمایند. به نظر گیرتز، هنگام مطالعه فرهنگ باید به عوامل زیر توجه کنیم: ۱- توصیف موضوع ۲- برگرفتن عناصر توصیف شده از گفتمان‌های اجتماعی حاضر به منظور معنی‌شناسی و معنی‌سازی ۳- انطباق یافته‌های توصیفی و گفتمانی با حقایق موجود در عینیت زندگی افراد بومی. موضوع مورد مطالعه در این پژوهش نیز با تا حدودی با طرح گیرتز منطبق است و به دنبال تفسیر نهایی عوامل فرهنگی است تا بتواند تاثیر آنها را بر تداوم سکونتگاه‌های ترکمنی بررسی کند در این میان به پدیده‌های معماری پرداخته می‌شود که مستقیماً از فرهنگ تاثیر گرفته‌اند. «آنچه در زمینه معماری با عنوان فرهنگ شناخته می‌شود و چه بسا بتوان آن را فرهنگ معماری نامید، پدیده و خصوصیتی است که ضمن آنکه به شکلی مستقل قابل طرح، مطالعه و معرفی است، اما وجود آن از عوامل متعدد شکل دهنده به فضای معماری ناشی شده و به همین سبب ریشه در تاریخ یک سرزمین دارد» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۲). بر همین اساس مولفه‌های معماری که ریشه در فرهنگ ترکمن دارند، شناسایی و بررسی می‌شوند.

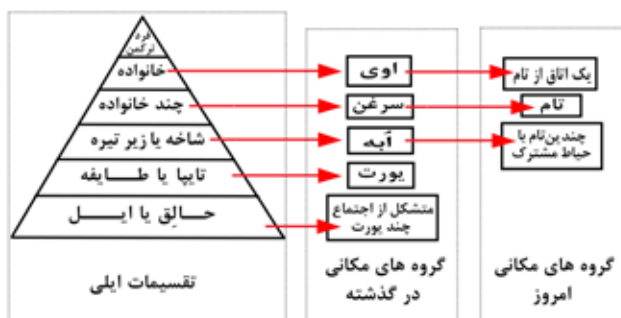
یافته‌ها

معماری ترکمن مثل هر معماری دیگری برگرفته از رابطه‌ای پایدار بین فرهنگ، محیط و اقتصاد میان جوامعی بود که ترکمن‌ها با آن جوامع در ارتباط بودند و همان‌طور که انتظار می‌رود می‌توان به وضوح تاثیرپذیری از معماری شهرهای حاشیه دریای مازندران و نیز تاثیرپذیری از معماری روسیه را در معماری ترکمن مشاهده نمود. البته باید به این مهم توجه شود که ترکمن‌ها به خوبی عناصر معماری دیگر فرهنگ‌ها را به گونه‌ای همساز و همگون با ویژگی‌های خاص فرهنگی خود مطابقت داده و در معماری استفاده کرده‌اند. برای بررسی اجمالی تر تاثیر مولفه‌های فرهنگی بر کالبد معماری و شیوه سکونت ترکمن‌ها، ابتدا به بررسی ساختار اجتماعی و نظام خویشاوندی این اقوام اشاره می‌شود: مطابق نظریه گیلدنز، می‌توان سه عامل عمده را شناسایی نمود که بدون شک بر تغییرات اجتماعی تاثیر داشته‌اند: محیط مادی، سازمان سیاسی و عوامل فرهنگی (گیلدنز، ۱۳۸۹: ۶۳). ویلیام آبرونز معتقد است که کوچ‌نشینی

ترکمن‌ها تنها نوعی سازگاری با محیط فرهنگی و زیستی‌شان نبود و این موضوع را یک نوع سازگاری سیاسی به شمار می‌آورد: کوچ‌های فصلی برای تعداد اندکی از ترکمن‌های کوچ‌نشین (چاروا) در مناطق خشک شمال دشت گرگان مفید بود؛ اما برای اکثر ترکمن‌های کشاورز (چمور) که در مناطق مرطوب جنوبی دشت گرگان می‌زیسته‌اند، نیازی به تحرک نبود و بسیار کم جابه‌جا می‌شدند و موضوع کوچ‌نشینی آنها بیشتر جنبه سیاسی داشت. ترکمن‌ها حق خود می‌دانستند که از همسایگان فارس خود خراج بگیرند و به کاروان‌های فارس حمله کنند و هنگامی که نیروها نظامی پادشاهان به سراغشان می‌آمد کوچ کنند و این را امری برای تضمین استقلال و آزادی سیاسی و استفاده از فرصت و نیز تاکتیکی برای اجتناب از کنترل حکومت ایران می‌دانستند (آبرونز، ۱۳۸۵: ۱۵ و ۱۶). این نکته نیز قابل ذکر است که: چارواهای صحرائشین، قبل از ترک محل سکناي خود، به عزم بیلاق زمین‌های خود را به چمورهای مستقر که آنها نیز به پرورش دام در مقیاس کوچک‌تر مشغول بودند، اجاره می‌دادند (Yate, 1900: 279). این مسائل، کوچ‌روی قبایل ترکمن را از نظر مادی و سیاسی توجیه می‌کند.


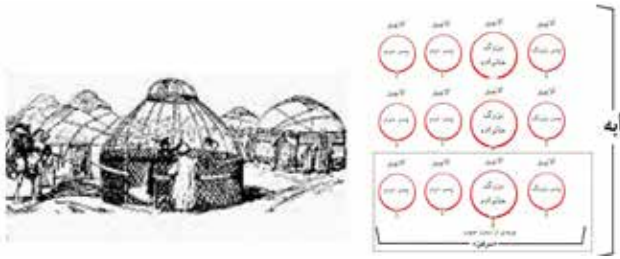




قربندی اجتماعی: نحوه استقرار فعالیت‌ها در «تام» و «اوی» بر اساس ساختار خویشاوندی

کل ترکمن‌ها را می‌توان به عنوان یک گروه نَسَبی توصیف کرد و تمامی این گروه‌های نَسَبی را بدون در نظر گرفتن سطح تقسیم‌بندی به ترکمنی می‌توان «تایپا»^۲ یا طایفه نامید. بزرگ‌ترین زیرگروه‌ها در این سلسله مراتب اغلب «حالق»^۳ نامیده شده‌اند. به گروه‌هایی از قبیل یموت، تکه و گوکلان، عمدتاً عنوان حالق اطلاق شده و کوچک‌ترین گروه‌ها که معمولاً «تیره»^۴ نامیده شده است (آبرونز، ۱۳۸۵: ۱۰۷). ترکمن‌ها به آلاچیق خود اوی^۵ می‌گفتند. این اصطلاح، اکنون نامی عمومی است که برای «خانه» و «منزل» در میان این اقوام رایج شده است. در برخی مناطق در کنار این آلاچیق‌ها ساختمانی با خشت، گل، چوب و یا مصالح دیگر ساخته می‌شده است که شریعت‌زاده آنها را «فرعیات اوی» می‌نامد (رستم‌زاده و ایلکا، ۱۳۹۱: ۱۳۵). در زیر نمودار و جدولی آمده که برداشت نگارندگان از این تقسیمات اجتماعی را بر اساس گروه‌های مکانی توضیح می‌دهد.



تصویر شماره ۴: تقسیمات ایلی و گروه‌های مکانی مرتبط با آن در گذشته و امروز

جدول شماره ۱: تعریف عناوین ذکر شده در تصویر شماره ۴

| عنوان | تعریف | تصاویر |
|-----------------------|---|---|
| اوی | آلاچیق، کوچک ترین واحد اجتماعی و محل اسکان و زندگی یک خانواده ترکمن. |  |
| سرغن یا سیرغین | نماینده یک خانواده فامیلی، چند اوی به صورت خطی کنار هم، نحوه چیدمان: آلاچیق پدر وسط، پسر بزرگ سمت راست و بقیه پسرها در سمت چپ. |  |
| أبه | چند سرغن به صورت ردیف‌هایی پشت سر هم که خوشاوندی نزدیک داشته و از یک چراگاه مشترک استفاده می‌کنند. |  |
| یورت | متشکل از چندین أبه و محل اقامت طایفه است، در فرهنگ معین: به معنی محل خیمه و خرگاه و در زبان ترکی به معنی میهن آمده. |  |
| تام | خانه چوبی دو طبقه نخستین بار، در کنار آلاچیق‌ها احداث شد، متشکل از چند اتاق که هر اتاق برای زندگی یک خانواده ترکمن است. نزدیک ترین عنصر مسکونی به سرغن. به عنوان بخش بیرونی به جای آلاچیق مهمان و برای مهمان ساخته شد و در کنار بخش اندرونی (آلاچیق) قرار داشت. |  |
| یک اتاق از تام | نزدیک ترین و شبیه ترین عنصر واحد مسکونی به اوی و محل زندگی یک خانواده ترکمن. |  |
| چند تام با حیات مشترک | نزدیک ترین فرم به أبه چندین تام که در یک حیاط مشترک قرار داشته و معمولاً خوشاوندی نزدیکی با یکدیگر دارند. |  |

مأخذ: نگارندگان

در تام، رو به جنوب باز می‌شود و قبل از ورود به اتاق، ایوان کوچکی قرار دارد که این ایوان اتاق را از باران مداوم منطقه در امان نگاه می‌داشته و از آن به عنوان کفش کن نیز استفاده می‌شود. افرادی که در یک خانه زندگی می‌کنند همه اعضای یک خانواده بزرگ هستند. عموماً بعد از یکجانشین شدن ترکمن‌ها و استفاده آنها از مسکن ثابتی به نام تام‌ها هر خانواده ترکمن در یک اتاق از تام مستقر می‌شود؛ به این معنی که هر اتاق از تام نقش یک اوی را برای خانواده ایفا می‌کند. خانه‌های مسکونی گمیشان از دو یا چند اتاق تشکیل شده است که فضای اصلی زیست در واحد مسکونی محسوب می‌شود و در بیشتر موارد محدوده مربع شکل و ساده‌ای است و از هر اتاقی یک در به ایوان باز می‌شود و یک در نیز اتاق‌ها را از طریق راهروی میانی به هم وصل می‌کند و هر اتاقی نیز دارای دو آلی سه پنجره است. این اتاق‌ها مرکز عمده فعالیت‌های یک خانوار محسوب می‌شود. خورد و خواب، نگهداری از اطفال، نگهداری از وسایل خانه، ابزار آلات مختلف و پذیرایی از مهمان از جمله فعالیت‌هایی است که به اقتضای شرایط همگی در آن انجام می‌پذیرد. البته می‌توان فضای اتاق را نزدیک‌ترین عنصر واحد مسکونی به آلاچیق دانست. در بررسی نحوه قرارگیری اسباب و وسایل زندگی و نیز عملکردهایی که در یک اتاق جریان دارد با مختصر تفاوت‌هایی مشابه همان آلاچیق‌های قدیمی و وضعیت زندگی ترکمن‌هاست (تازیکه لمسکی، ۱۳۸۸: ۵). فاصله اوی‌ها در هر آبه نسبت به یکدیگر و محل قرارگیری این آلاچیق‌ها می‌تواند مبین این باشد که صاحبان اوی وابسته به کدام طایفه بوده و از چه مراتعی استفاده می‌کنند. بنابراین موقعیت استقرار اوی‌ها نسبت به یکدیگر، نمایانگر ارتباط اقتصادی و اجتماعی ساکنان اوی‌هاست. اوی‌های همسایه معمولاً خویشاوند بوده و دارای مرتع مشترکی هستند و دام‌های آنها در یک چراگاه، چرا می‌کنند. شیوه چیدمان آلاچیق در میان ترکمن‌ها بر اساس مرکزیت پدرسالارانه انجام می‌پذیرفته است. بدین معنی که ابتدا پدر خانواده اوی (آلاچیق) خود را برپا می‌نموده و آلاچیق پسر بزرگ‌تر در سمت راست آن برپا می‌شده و آلاچیق‌های بعدی در سمت چپ آن استقرار پیدا کرده و به این صورت خطی ایجاد می‌گردید که به آن «سیرغین یا سرغن» می‌گویند، که نماینده یک خانواده فامیلی بوده است. این ردیف

خانه‌سازی به صورت موازی تکرار می‌شده و هرکدام نماینده خانواده مشخصی بوده است (کنعانی، ۱۳۷۹: ۲۲۸).

برابری خواهی و مهمان‌نوازی و بازتاب آن در خانه‌های گمیشان

عوامل فرهنگی بسیاری بر شکل‌گیری فضاها در خانه‌های ترکمنی گمیشان نقش دارند که توضیح پیرامون هر یک از این عوامل از فرصت این پژوهش خارج است، در این بخش دو عامل فرهنگی که در زندگی ترکمن‌ها نقش پررنگ‌تری داشته و نیز تاثیرگذاری مشخص‌تری هم بر معماری دارند شناسایی شدند که مستقیماً بر تقسیمات فضایی و شکل‌گیری خانه‌های ترکمنی گمیشان اثرگذار بوده‌اند این عوامل عبارت‌اند از: برابری خواهی و مهمان‌نوازی.

۱. برابری خواهی و بازتاب آن در تقسیمات فضایی در خانه‌های گمیشان

بنا بر مطالعات محمدامین کنعانی در سازمان اجتماعی ترکمن، قشریندی‌های اجتماعی شناخته شده در جوامع دیگر مشاهده نشده است. همه ترکمن‌ها، به عنوان یک کل، فرزندان اوغورخان محسوب می‌شدند. بنابراین از نظر اجتماعی همه در یک رده قرار می‌گرفتند، یکدیگر را برادر می‌خواندند و به طور یکسان از امکانات اقتصادی مانند مرتع و آب استفاده می‌کردند. به همین دلیل آنها را کوچ‌روهای بدون قشریندی محسوب داشته‌اند. قبایل ترکمن یموت بی‌رحمانه مساوات طلب بودند. آنها رئیس قبیله نداشتند، سلسله مراتب قدرت سیاسی نداشتند، نهادهای اجرایی دائمی وجود نداشت، روابط سیاسی از طریق نسب پدری سازماندهی می‌شد و نظم از طریق تقابل متوازن دودمان‌های مشترک حفظ می‌گردید (کنعانی، ۱۳۷۹: ۲۲۶ و ۲۲۷). «ساقولوی هر طایفه خراج سالیانه از روستاهای فارس که در جنوب قلمروش قرار داشتند می‌گرفت و در مقابل تعهد می‌کرد که نه تنها به آن روستا حمله ننماید بلکه از آنها در مقابل حمله سایر اعضای ایل خود و سایر ایل‌ها جلوگیری کند» (Ironz, 1969: 102). آیرونز مساوات‌طلبی یموت را به دو ویژگی محیط شناختی عمومی در جوامع کوچ‌نشین نسبت می‌دهد: تراکم جمعیتی اندک و سادگی در تحرک جغرافیایی. در کتاب نوشته‌های کهن ترکی نیز آمده: «اغوزها دارای هیچ خانی نبودند، که در نوشته‌های

جدول شماره ۲: مقایسه فضای سرغن و تام

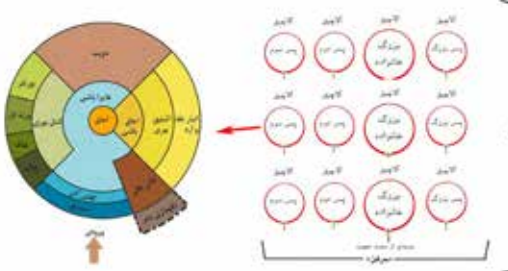
| سرغن | تام | محل اقامت | |
|---|--|-----------|---------------------|
|   |   | A | پدر یا بزرگ خانواده |
| | | B | پسر بزرگ |
| | | C | پسران دوم به بعد |

مأخذ: نگارندگان



ترکی مغولستان نیز به این امر اشاره شده» (Orkun, 1940: 397). آرمینیوس وامبری هم در رابطه با این برابری‌طلبی می‌گوید: «در مدت توقف نزد ترکمن‌ها چیزی که از همه بیشتر باعث تعجب من شد این بود که حتی یک نفر را هم ندیدم که هوس فرماندهی داشته باشد یا حاضر آمریت دیگری را قبول کند. خودشان به طیب خاطر می‌گویند: ما مردمی هستیم بدون سرکرده و مایل هم نیستیم چنین چیزی داشته باشیم. ما همه برابر هستیم و هرکس از ما برای خودش شاه است» (وامبری، ۱۳۸۷: ۳۹۴). سرپرستی هر طایفه با ریش‌سفیدانی بود که آنها را «باشول» می‌نامیدند، آنها به رأی افراد طایفه برای انجام وظایفی گمارده می‌شدند و هر زمان که افراد طایفه لازم می‌دیدند، آنها را عزل می‌کردند، از این رو در میان ترکمن‌ها مراجع قدرت و حاکم خونین پدید نمی‌آمد (پورکریم، ۱۳۴۶: ۵۱). این برابری تا جایی پیش می‌رود که در ترکمن صحرا چراگاه‌ها که مهم‌ترین عامل کار و معیشت بود، به طایفه‌ها تعلق داشت و همه افراد با حقوق برابر از آن بهره‌مند می‌شدند و قطعه‌ای از آن به کسی واگذار نمی‌شد و به کسی به ارث نمی‌رسید و هر فرزند پسر، وقتی مستقل شد به اندازه فرد دیگر طایفه، به او زمین تعلق می‌گرفت و این یک قاعده عمومی بود، به همین دلیل اشراف‌زادگی در بین ترکمن‌ها به وجود نیامد (پیشین، ۵۲). بنا بر اظهارات کونولی، «در هیچ مردی غرور از بدو تولد مستحکم‌تر از آنچه در بین ترکمن‌هاست، نبوده است. ترکمن‌ها بین خودشان شعار انقلابی فرانسوی «آزادی-برابری» را مد نظر داشته‌اند، هر ترکمن ارباب و صاحب چادر خودش است و برده هیچ کس نیست» (Conolly, 1834: 187-188). در تشکیلات سیاسی تمام جوامع ایلپاتی، شعبی از هیئت حاکمه دیده می‌شود، ولی ترکمن‌ها نظیر آن را ندارند، راست است که هر یک از ایلات آنها دارای «آق سَقَلی» (ریش سفید) است، ولی در حقیقت آنها فقط عمال دستجات به خصوصی هستند و بابت کفالتی که در کارها می‌کنند، مزد دریافت می‌دارند و با ملاحظاتی استثنایی و احترامات به آنها نگاه می‌کنند، تا موقعی که اقتدار آنها از حد معمول تجاوز نکند و ادعای خارج از اندازه نداشته باشند.

همه دوستان دارند (وامبری، ۱۳۸۷: ۳۹۴). روش زندگی سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها مرتبط با آداب و رسوم کهن و سنتی آنها بود که «توره»^۷ خوانده می‌شد و به آنها حق تساوی مطلق و استقلال می‌داد، هر ترکمنی از قوانین توره تبعیت و اطاعت می‌کرد. اگر کسی در شکستن این قوانین می‌کوشید، از جامعه ترکمن طرد می‌گردید (مفتاح، ۱۳۷۴: ۱۴). به دلیل نقش پر اهمیتی که توره در زندگی ترکمن‌ها دارد، در باب توره توضیحات بیشتری ارائه می‌گردد: توره چیست؟ توره به معنای تشکیل دهنده اصول لازم در حیات اجتماعی غذا (اغوزها) بود. توره همان عدالت اجتماعی و برابری‌طلبی و مساوات‌خواهی بر پایه عقل است، یوسف خاص حاجب در اثر مشهورش می‌نویسد: «توره می‌گوید: من هر مشکلی را با عدالت حل می‌کنم، هیچ وجه تمایزی بین یک فرد معمولی و یک سلطان وجود ندارد، همه کس به چشم من برابرند. پسر من، اقوام من، یک مسافر بیگانه، یک مهمان، یا هر کس دیگر...» (Yusef Has Hacib, 1959: 43). در زبان ترکی و ترکمنی، قدرت سیاسی «قوت» است و توره به آن نیاز دارد تا در یک محدوده مکانی آن را به تجربه بگذارد. ماهیت وجودی آن خدمت به مردم است و نشانه آن عدالت و مساوات. خان ترکمن به معنی خدمتگزار اصلی کل ملت، می‌بایست به مردمش خوراک و پوشاک دهد و به آنها خدمت کند و مادامی که از توره عهدشکنی نکند در مقام خود باقی می‌ماند، هرکس بکوشد توره را تغییر دهد ترکمن‌ها به چشم یک مجرم به او می‌نگرند، او را از اجتماع طرد و یا مجبور به اطاعت از رسوم توره می‌نمایند (مفتاح، ۱۳۷۴: ۱۸۸). در اینجا روشن شد که نقش عدالت‌طلبی و برابری میان ترکمن‌ها تا چه حد اساسی و مهم است. این برابری‌خواهی که بخشی از ویژگی فرهنگی قبایل ترکمن است و بنابر این نظر که همه آنها برابر بوده و همه از فرزندان اغوزخان هستند (Bang and Atat, 1936: 10)، سرچشمه می‌گیرد، سبب شد تا برای ساخت مسکن چه در اوی‌ها یا آلاچیق‌ها و چه در تقسیمات فضایی در پلان‌های خانه ایشان، این برابری‌جویی کاملاً دیده شده و به چشم بیاید در جدول شماره ۳ برای بیان این مقایسه آمده است.

جدول شماره ۳: تأثیر برابری‌خواهی بر تقسیمات فضایی

| برابری‌خواهی در تقسیمات فضایی - مکانی ایل یموت | |
|---|---|
| کوچ روی | تقریباً در تمامی اوی‌ها یا آلاچیق‌ها تقسیمات فضایی مشابهی دیده می‌شود و حتی چیدمان و نحوه قرارگیری چند اوی در کنار هم با عنوان سرغن عیناً تکرار می‌شود تا یک آبه تشکیل شود. (در هندسه دایره وضعیت چیدمان فضاها نسبت به مرکز، وضعیت یکسان داشته و نزدیک‌ترین شکل هندسه مسطحه به مفهوم مساوات است). |
|  | |
| خانه، شهر و یکجانشینی | |

در پلان‌های ۱۲ خانه واجد ارزش و تاریخی ترکمنی در گمیشان نیز تقسیمات فضای برابرجویانه به وضوح آشکار است، و حتی روی نماها نیز تقارن و تعادل رعایت شده است. همان‌طور که دیده می‌شود هندسه خالص چهارگوش که به هیچ وجه با ترکیب دو یا چند حجم ادغام نشده و واجد محورهای تقارن مشخص است، خود از ارکان برابرخواهی و مساوات-طلبی اجتماعی- فرهنگی است.

| نام خانه | تصویر | پلان و تقسیمات فضایی |
|----------------------------------|--|--|
| خانه آتاجانی |  |  پلان طبقه اول پلان طبقه همکف خانه آتاجانی |
| خانه بهرام محمد خوزینی |  |  پلان طبقه اول پلان طبقه دوم خانه بهرام محمد خوزینی |
| خانه حاج محمد حاجی خوزینی |  |  پلان طبقه اول پلان طبقه دوم خانه حاج محمد حاجی خوزینی |
| خانه آتاجانی (عبد الغفور) خوزینی |  |  پلان طبقه اول پلان طبقه دوم خانه حاج محمد حاجی خوزینی |
| خانه دولو |  |  پلان طبقه اول پلان طبقه همکف خانه دولو |
| خانه شیر محمدی |  |  پلان طبقه اول پلان طبقه دوم خانه شیر محمدی |

| | | |
|--|--|-----------------------|
| <p>خانۀ طالبی پلان طبقه اول پلان طبقه دوم</p> | | <p>خانۀ طالبی</p> |
| <p>خانۀ عابدی کُر پلان طبقه اول پلان طبقه دوم</p> | | <p>خانۀ عابدی کُر</p> |
| <p>خانۀ مهمیانی پلان طبقه همکف پلان طبقه اول</p> | | <p>خانۀ مهمیانی</p> |
| <p>مجموعه مافزری خانۀ شرقی پلان طبقه اول پلان طبقه دوم</p> | | <p>خانۀ مافزری</p> |
| <p>خانۀ گوکلانی پلان طبقه اول پلان طبقه دوم</p> | | <p>خانۀ گوکلانی</p> |
| <p>خانۀ مصطفیایی (شهرداری) پلان طبقه اول پلان طبقه دوم</p> | | <p>خانۀ مصطفیایی</p> |

ماخذ: نگارندگان

چگونگی طراحی و ساخت خانه‌ها بر پایه الگوی مهمان‌نوازی

«تام به پذیرایی مهمان اختصاص دارد و معمولاً یک یا دو اتاقه است» (محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۶۵ و ۹۱).

مطابق بررسی‌های میدانی نگارندگان و صحبت با ریش سفیدان و بزرگان ساکن در منطقه گمیش تپه، تام^۱‌های چوبی اولیه

(خانه‌های چوبی) در کنار او‌ها بر پا می‌شدند و به پذیرایی مهمان اختصاص داشته‌اند، اصولاً ترکمن‌ها پیش از برپایی تام اگر متمول بودند، آلاچیق جداگانه‌ای مختص پذیرایی از مهمان برپا می‌کردند که دورتر از آلاچیق اصلی آنها بود و در آنها به گونه‌ای باز می‌شد که دید به آلاچیق‌های اصلی نداشته باشد و به آلاچیقی که برای مهمان یا پسر تازه ازدواج کرده برپا می‌شد، آق‌اوی (خانه سفید)

گفته می‌شد. اگر هم توان مالی برای برپایی آلاچیق جداگانه را نداشتند، مطابق مطالعات امین گلی هنگامی که مهمان می‌آمد یا پسر خانواده داماد می‌شد، با پرده مخصوصی به نام «توتی» گوشه آلاچیق را از سایر قسمت‌ها جدا می‌کردند (گلی، ۱۳۶۶: ۳۰۷).

بعد از قرارداد آخال که اولین گروه از ترکمن‌ها به صورت غیر اجباری و به خواست خود در منطقه گمیشان یکجانشین شدند تبادلات تجاری بسیاری با مناطق مرزی در روسیه داشتند و نیز طی آمد و شد های فراوان به مناطقی از روسیه برای پذیرایی از روس‌هایی که به منظور تجارت با تاجران ترکمن وارد این منطقه می‌شدند و مدت زمان حضورشان بیشتر از چند روز بود ترکمن‌ها به فکر ساخت خانه‌هایی چوبی به اسم تام افتادند که در کنار آلاچیق‌هایشان به سبک روسی که مورد پسند مهمانان‌شان بود برپا نمایند، تا روس‌ها را به عنوان مهمان در این خانه‌های چوبی پذیرایی کنند، به مرور و با کم‌رنگ شدن حضور مهمان‌ها آلاچیق‌های کناری کم‌کم حذف شدند و اتاق‌های مربوط به مهمان به طبقات بالای تام‌ها منتقل شد و طبقات پایین برای استفاده خود خانواده ترکمن اختصاص یافت؛ حتی اگر امروز نیز به این مناطق سری بزنید، شما را به عنوان مهمان به طبقه بالایی راهنمایی می‌کنند. در همه خانه‌های منطقه گمیشان، تزئینات (عموماً نقاشی‌هایی به صورت دیوارنگاری و تزئیناتی روی نرده چوبی پله‌ها) تنها در طبقات دوم به چشم می‌خورد. به جز تزئینات اندک ذکر شده فضای مربوط به مهمان در طبقه دوم با فضای اندرونی طبقه اول هیچ تفاوتی نداشته و کاملاً مشابه است. مواد و مصالح ساخت برخی از این خانه‌ها از روسیه وارد می‌شد. آن گونه که در کتاب مسکن بومی ترکمن آمده: برای ساخت این خانه‌ها از نوعی چوب یاد شده که در ترکمنی به آن «ناراد آغاج» یا چوب نراد می‌گویند که گفته می‌شود از شوروی وارد ایران می‌شده است (محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۹۲). مهمان در میان ترکمن‌ها از جایگاه خاص و مورد احترامی برخوردار است و علاوه بر بحث محرمیت، راحتی خود مهمان از جمله مواردی است که بسیار به آن اهمیت می‌دهند؛ مثلاً در فرهنگ ترکمن وقتی برای مهمان غذا آورده می‌شود او را با غذا تنها می‌گذارند تا راحت باشد و هر میزان که میل داشت از غذا تناول نماید؛ این امر در انتخاب جای خواب و استراحت نیز صادق است و جای مهمان را جدای از افراد ساکن در خانه قرار می‌دهند. در جای دیگری در رابطه با مهمان‌نوازی مردم ترکمن آمده: ترکمن‌ها مستقل، شریف و مهمان‌نواز بودند، بیشتر مسافران و هیئت‌های مامور که از نزدیک با ترکمن‌ها ملاقات کرده‌اند، شخصیت نیک مردم ترکمن را در باب مهمان‌نوازی ستوده‌اند (Debode, 1848: 68-69).

برای اینکه از میزان اهمیت مهمان در فرهنگ ترکمن آگاه شویم به تجربیات آرمینیوس وامبری در سفر به گمیش تپه اشارتی می‌کنیم: در «اینجا رسم است که مهمان را به چشم نزدیک‌ترین خویشاوند نگاه کنند. بنابراین از این پس ما در رفت و آمد آزاد

خواهیم بود؛ ولی این آزادی عمل اختصاص به قلمرو خود میزبان نداشت (اشاره به بحث محرمیت)، بلکه در تمام خاک یموت می‌توانستیم از آن برخوردار باشیم و اگر کسی به یک موی سر ما می‌خواست دست درازی کند، عشیره او (میزبان) موظف بودند که آن را به طور شایسته‌ای جبران نمایند» (وامبری، ۱۳۸۷: ۷۶).

مطابق بررسی‌های نگارندگان، ترکمن‌ها در سه مرحله سیر تکاملی از آلاچیق به تام را طی نمودند: نخست هنگامی که در مراحل اولیه اسکان بودند و در دو طرف گرگان رود ساکن شدند و آلاچیق‌هایشان را در دو بخش اندرونی و بیرونی برپا نمودند، آلاچیقی که به مهمان اختصاص داشت از آلاچیق‌های اصلی یا بخش اندرونی که خود ترکمن‌ها در آنها ساکن بودند جدا بود و به آن آق‌اوی (خانه سفید) گفته می‌شد که نم‌روی آن تمیز و نو بود و به همین دلیل سفید بود و علت این نامگذاری نیز همین است. آق‌اوی یا بخش بیرونی مخصوص مهمان در طرف دیگر رودخانه بود و به نحوی مستقر می‌شد که به در ورودی آلاچیق‌های اصلی کمترین میزان دید را داشته باشد. برپایی آلاچیق‌ها توسط زنان ترکمن انجام می‌گرفت و جزء وظایف آنها تلقی می‌شد و مسلماً آنان به بهترین وجه مراتب مربوط به محرمیت را در نظر می‌گرفتند. مرحله دوم زمانی بود که ارتباطات تجاری گسترده با تجار روس رونق بسیار داشت و نیاز به فضایی شایسته‌تر برای بخش بیرونی یا مهمان احساس می‌شد. در این زمان ترکمن‌های گمیشان مطابق سلیقه مهمانان روس خود و هماهنگ با اقلیم منطقه و آمیخته با فرهنگ اصیل ترکمن ساختمانی به نام تام را برای مهمان خود ساختند، آنها حتی برخی قطعات پیش ساخته روسی مانند در و پنجره را از طریق دریا وارد کردند. از آنجا که این خانه‌ها بر مبنای مهمان‌نوازی ساخته شدند، یک اصل در همه آنها ثابت بود و آن این بود که چون برای مهمان ساخته می‌شدند بدون بخش مطبخ بودند. در این برش زمانی تصاویری وجود دارند که تام‌ها یا بخش بیرونی را به عنوان بخش فرعی در کنار آلاچیق یا بخش اصلی و اندرونی نشان می‌دهند. مرحله سوم زمانی بود که حضور مهمان کم‌رنگ شده و خانواده ترکمن تصمیم می‌گیرد که از آلاچیق به عنوان بخش اندرونی به طبقات اول تام نقل مکان کند و طبقات دوم را برای مهمان در نظر بگیرد، که در این زمان آلاچیق‌ها برجیده شدند و به تام‌های ترکمنی نیز بخشی به عنوان بخش مطبخ الحاق می‌شود. در انتهای این مقاله بخش‌های الحاق شده به خانه‌های ترکمنی گمیشان با عنوان مطبخ با کاربری فضای پخت و پز، در جدولی آورده شده‌اند.

در کتاب مسکن بومی ترکمن با وجود آنچه گفته شده تام اختصاص به پذیرایی از مهمان دارد، در جای دیگری علت ساخت تام‌های چوبی دو طبقه را رفت و آمدهای شاه و درباریان عنوان می‌کند، با وجود اینکه به نظر می‌رسد اساس ساخت این خانه‌های اولیه اسکان مهمان بوده باشد.

گمیشان بازگو می‌کند و از بین این نوشته‌ها می‌توان به این امر پی برد که آلاچیقی که به پذیرایی از او اختصاص داشته از سایرین جدا بوده است. وامبری این گونه نقل می‌کند:

«توقفگاهی که برای ما تعیین کرده بودند عبارت بود از چادر مخصوصی که دو قدم دورتر از رودخانه برپا شده بود، شام شب را پسر دوازده ساله صاحبخانه آورد، شب خوشی را در زیر این بنای مجلل و سبک و قابل انتقال گذراندم» (وامبری، ۱۳۸۷: ۷۳ و ۷۴). از متن بالا این بر می‌آید که کارهای مربوط به پخت و پز از آلاچیق مهمان جدا بوده و کسی از اعضای مرد در خانواده میزبان برای انجام امور مربوط به پذیرایی به آلاچیق مهمان می‌رفته. در مسکن ثابت یا تام‌ها در گمیشان مشاهده می‌شود که فضایی با کاربری آشپزخانه را به صورت فضای الحاقی بعد از اینکه ترکمن‌ها از آلاچیق‌های خود به طبقه اول این تام‌ها منتقل شدند ساخته شده و از ابتدا فضایی برای انجام امور مربوط به پخت و پز در این خانه‌ها در نظر گرفته نشده، در صورتی که در تقسیمات فضایی داخلی در اوی‌ها (آلاچیق‌ها) محل اجاق و پخت و پز به صورت خاص در مرکز پلان آنها قرار گرفته و جای ثابت و مهمی دارد. علاوه بر الزامات خاص اجرایی ساخت آلاچیق، شاید چون زنان در زندگی ترکمنی با وجود فعالیت بسیار، کمتر دیده می‌شدند حال که وظیفه برپایی اوی را دارا هستند سعی دارند در مرکز پلان آلاچیق قرار گرفته و نقش پررنگشان را در زندگی بیابانگردی و کوچ‌نشینی گوشزد نمایند. تام‌ها یا خانه‌های چوبی اولیه در ابتدا تنها فضایی برای پذیرایی از مهمان بوده است و خانواده ترکمن در آلاچیق‌های کناری زندگی می‌کردند و شاهد این مدعا این است که در این خانه‌های چوبی اولیه هیچ فضایی به صورت خاص به منظور پخت و پز سازمان نیافته و آشپزخانه‌ها در این خانه‌های چوبی عموماً بخش‌های الحاق شده به مجموعه‌اند. با اثبات این موضوع که آشپزخانه‌ها در این فضاها از ابتدا وجود نداشته‌اند و همه به صورت الحاقی، بعداً به مجموعه‌ها اضافه شده‌اند می‌توان نتیجه گرفت که این فرضیه مبنی بر اینکه تام‌های چوبی ترکمنی از ابتدا برای مهمان ساخته شده بودند و به عنوان فضای بیرونی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و از ابتدا بر مبنای اصل مهمان‌نوازی شکل گرفته‌اند، فرضیه صحیح است.



تصویر شماره ۸: آلاچیق یموت یا اوی (خانه اصلی یا بخش اندرونی) و خانه چوبی یا تام ترکمنی (بخش بیرونی یا خانه مهمان): مأخذ: گیلک و دیگران، ۱۳۹۳: ۵

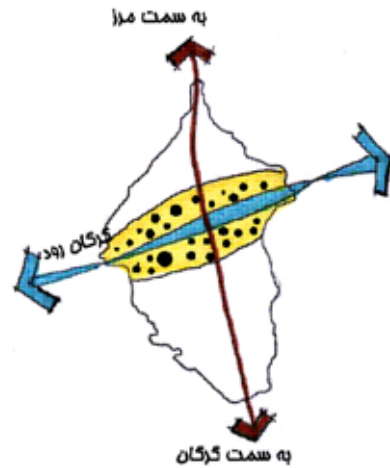


■ تام‌های دو طبقه چوبی «فرعیات اوی»
■ اوی

تصویر شماره ۵: تام در کنار اوی؛ مأخذ: نگارندگان

سه دلیل برای اثبات این نظریه وجود دارد:

۱- خانه‌های چوبی توسط برخی از محققان با عنوان «فرعیات اوی» شناخته شده و مطابق نظر محمودی نژاد، محقق‌هایی که خانه‌های گمیشان را بررسی کرده، خانه‌های اولیه گمیشان که با عنوان تام از آنها یاد می‌شود، در ابتدا جایگاه ویژه‌ای برای مهمان بوده است (محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۶۵ و ۹۱)



تصویر شماره ۶: استقرار اولیه آلاچیق‌ها و چادرهای ترکمنی دو طرف گرگان رود



تصویر شماره ۷: عمارات و آلاچیق‌های آبادی گمیش تپه در سال ۱۲۸۰ خ؛ مأخذ: مرکز اسناد تصویری کاخ موزه گلستان، URL4

۲. در تام‌ها یا خانه‌های گمیشان هیچ فضای سازمان یافته و مشخصی به عنوان فضای پخت و پز در نظر گرفته نشده و پس از اسکان ترکمن‌ها در خانه‌هایی که در ابتدا ویژه مهمان بودند، نیاز به فضای پخت و پز احساس شده و این فضاها به عنوان فضاهای الحاقی در پلان‌ها دیده می‌شوند. وامبری در کتاب سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، خاطرات سفر خود را به

جدول شماره ۴: فضاهای الحاق شده به خانه‌های گمیشان، با کاربری فضای پخت و پز

| | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| <p>خانه مهمانی</p> | <p>خانه مهمانی</p> |
| <p>خانه گوکلانی</p> | <p>خانه گوکلانی</p> |
| <p>خانه آتاجانی</p> | <p>خانه آتاجانی</p> |
| <p>خانه مصطفایی</p> | <p>خانه مصطفایی</p> |
| <p>خانه عابدی کر</p> | <p>خانه عابدی کر</p> |
| <p>خانه ضیایی</p> | <p>خانه ضیایی</p> |
| <p>خانه بهرام محمد خوزینی</p> | <p>خانه بهرام محمد خوزینی</p> |
| <p>خانه محمدی شیر</p> | <p>خانه محمدی شیر</p> |
| <p>خانه حاجی خوزینی</p> | <p>خانه حاجی خوزینی</p> |
| <p>خانه محمد حاجی خوزینی</p> | <p>خانه محمد حاجی خوزینی</p> |

در طبقات پایین و یا اتاق‌های مخصوص به خود. میزبان در خانه‌های گمیشان تزئینات خاص و ویژه‌ای دیده نشده و تزئینات، مختص به طبقات بالایی و فضای مهمان بوده‌اند. بعد از اینکه ترکمن‌ها کم‌کم آلاچیق‌های خود را ترک کردند و در مسکن‌های چوبی یا تام‌ها ساکن شدند، بر حسب نوع معیشت و مهمان‌پذیرتر بودن (مثلاً اگر تاجر بودند و رفت و آمد مهمانشان بیشتر بود) طبقات اول را برای خود و طبقات دوم را برای مهمانشان انتخاب نمودند و (مثلاً اگر ماهیگیر یا کشاورز یا دامدار بودند) و مهمان‌پذیری‌شان کمتر بود، طبقات پایین برای دام‌ها و یا انبار استفاده شده و در طبقات بالایی اتاقی را برای مهمان با ورودی جدا اختصاص می‌دادند؛ مثلاً در سه خانه خوزینی‌ها چون بیشتر به تجارت اشتغال داشتند و مهمان‌پذیرتر بودند، مشاهده می‌شود که طبقات دوم خاص پذیرایی از مهمان است ولی در خانه‌های ضیایی مهمانی و آتاجانی که معیشت آنان متفاوت است، طبقات همکف برای اموری چون نگهداری از دام و یا انبار برای نگهداری علوفه و یا انبار برای نگهداری از وسایل مربوط به ماهیگیری و نیز فضایی برای انجام امور قالبیافی اختصاص یافته و خانواده نیز از طبقه دوم برای سکونت استفاده می‌کند. البته این نکته قابل ذکر است که در این خانه‌ها نیز جایگاه مهمان حفظ شده و مسیر ویژه مهمان، یعنی مسیری که از ابتدای ورود به حیاط و عبور از آن تا رسیدن به جایگاه مخصوص مهمان در نظر گرفته شده به صورت خاص در پلان این خانه‌ها دیده می‌شود که آنها مسیر ویژه مهمان را از مسیر سایر افراد خانه جدا در نظر می‌گرفتند و در آن مسیرها و نیز فضاهای مختص به مهمان، تزئینات ویژه‌ای نیز به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

پس از تحلیل مفاهیم برابری‌خواهی و مهمان‌نوازی در ۱۲ الگو از خانه‌های سنتی، به عنوان نماینده‌ای از خانه‌های ساخته شده از اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی در شهر گمیشان نتایج تحقیق حاکی از آن بود که در تمامی نمونه‌های بررسی شده تقسیمات به صورت کاملاً برابر و یکسان انجام شده و این امر نشان دهنده تاثیرگذاری مولفه فرهنگی برابری‌خواهی است که در میان ترکمن‌ها بسیار پررنگ است و تا جایی پیش می‌رود که فضایی تحت عنوان شاه‌نشین وجود نداشته و در خانه‌های ترکمنی گمیشان در بخش‌های بیرونی واقع در طبقات دوم فضایی که برای مهمان در نظر گرفته شده کاملاً مشابه با دیگر فضاهای خانه است. در حقیقت در خانه‌های ترکمنی گمیشان تفکیک فضایی وجود دارد، ولی تفاوت فضایی

مأخذ: نگارندگان

- 3- halq
- 4- tire
- 5- Oy
- 6- Egalitarian
- 7- Tore
- 8- tam

فهرست منابع و مراجع

۱. آبرونز، ویلیام جسی (۱۳۸۵)، **ترکمن‌های یموت**، مطالعه سازمان اجتماعی یک جمعیت ترک زبان در آسیای مرکزی، ترجمه محمد امین کنعانی، نشر نقد افکار، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی، تهران.
۲. پوراحمد، احمد؛ قدمی، مصطفی و جهان محمدی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «بررسی روش‌های محله‌بندی شهری»، **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، سال دوم، شماره هشت، زمستان.
۳. پوراحمد، احمد؛ علی اکبری، اسماعیل؛ موسی کاظمی، سید مهدی و رحمانی، رضا (۱۳۹۷)، «تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر قزوین با تاکید بر نقش عوامل فرهنگی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز.
۴. پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶)، «ترکمن‌های ایران: بررسی زمینه‌های اجتماعی (۳) با هم میهنان خود آشنا شویم»، **مجله هنر و مردم**، شماره ۶۱ و ۶۲، آبان و آذر.
۵. تازیکه لمسکی، ایمان (۱۳۸۸)، «الگوهای معماری پایدار در مسکن ترکمن»، **مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری پایدار**، همدان.
۶. حبیبی، کیومرث؛ صفدرنژاد، مجتبی و موسوی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، «ساماندهی و طراحی شهری میدان امامزاده دوخاتون شهرکرد مبتنی بر فرهنگ بومی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال هشتم، تابستان.
۷. خستو، مریم و حبیب، فرح (۱۳۹۵)، «رویکردی تحلیلی به تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تاکید بر بافت شهری؛ مطالعه موردی: شهر قزوین»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۶، زمستان.
۸. رستم‌زاده، یاور و ایلکا، شهاب (۱۳۹۱)، «اقلیم، طبیعت و معماری مسکن: پژوهشی در نحوه ساخت و اجرای مسکن روستایی ترکمن با تاکید بر تام‌های ترکمنی گمیشان»، **علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره چهاردهم، شماره دو، تابستان.
۹. ساروخانی، باقر و قبادی، علیرضا، (۱۳۸۶)، «روایت اجتماعی- فرهنگی قصه‌های ترکمنی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، ۳۱، سال هشتم، شماره ۳.
۱۰. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۶)، **معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی**، ویراست دوم، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۱. طرح جامع توسعه و عمران و حوزه نفوذ شهر گمیش تپه (۱۳۹۴)، **اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان**، گروه مشاور نقش آرک مهرآزان پارس.
۱۲. کنعانی، محمدمامین (۱۳۷۹)، «ایران‌شناسی: ایرانیان ترکمن؛ نگاهی به گذشته و حال»، **مطالعات ملی**، تابستان، شماره ۴.
۱۳. گلی، امین (۱۳۶۶)، **تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها**، نشر علم، تهران.
۱۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی**، با همکاری کارن بردسال، نشر نی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران.

به دلیل تکیه بر اصل برابری‌جویی دیده نمی‌شود. در پلان‌های ۱۲ خانه واجد ارزش و تاریخی ترکمنی در گمیشان نیز تقسیمات فضای برابرجویانه به وضوح آشکار است و حتی روی نماها نیز تقارن و تعادل رعایت شده است. همان‌طور که دیده می‌شود هندسه خالص چهارگوش که به هیچ وجه با ترکیب دو یا چند حجم ادغام نشده و واجد محورهای تقارن مشخص است، خود از ارکان برابری‌خواهی و مساوات-طلبی اجتماعی- فرهنگی است و این خانه‌ها به دلیل عدالت‌طلبی و برابری‌خواهی این قوم، تنوع فضایی کمی در تهرنگ خود دارند.

مورد بعدی که از تحلیل‌های خانه‌های گمیشان به دست آمد این است که اساس تشکیل تام‌های چوبی ترکمنی اصل مهمان‌نوازی بوده است. پس از بررسی این موضوع عامل دیگری به دست آمد: اصل عدم مطبخ و فضایی برای بخت و پز در تام‌های اولیه گمیشان. اصل عدم وجود مطبخ در همه خانه‌های ترکمنی گمیشان ثابت است و به اثبات رسید و بعدها در مرحله سوم از سیر تکاملی مسکن ترکمن که حضور مهمان‌های روس در آن دوره کم‌رنگ شده بود، خانواده ترکمن تصمیم می‌گیرد که از آلاچیق با عنوان بخش اندرونی به طبقات اول تام نقل مکان کند و طبقات دوم را برای مهمان در نظر بگیرد و در این زمان آلاچیق‌ها برجیده می‌شوند و به تام‌های ترکمنی نیز بخشی به عنوان بخش مطبخ الحاق می‌شود، به همین دلیل تمامی فضاهای پخت و پز در خانه‌های گمیشان به صورت الحاقی هستند و بعداً به مجموعه‌ها اضافه شده‌اند. مهمان در کالبد خانه‌های گمیشان نقش پر رنگی داشته و سبب شکل‌گیری اولیه خانه‌های گمیشان (تام‌های چوبی دو طبقه) شده که در ابتدای امر، برای پذیرایی از مهمان از آن استفاده می‌شد، در خانه‌های چوبی دو طبقه در ابتدای امر هیچ فضای سازمان یافته و مشخصی ویژه پخت و پز و فضای مطبخ در نظر گرفته نشده بود و فضاهای ویژه مطبخ به صورت الحاقی در این خانه‌ها دیده می‌شود. از موارد دیگری که می‌توان به نقش برابری‌خواهی و مهمان‌نوازی بر خانه‌های گمیشان اشاره داشت، این است که ارتباط میان دو تام مستقل و هم‌جوار برای رعایت روش و عادات زندگی گذشته در نظام فرهنگی، مشابه ارتباط میان اوی‌ها در هر اُبه است و نیز تجمع فضاهای کاربری‌های هم‌خوان رخ می‌دهد: به این معنی که از یک اتاق برای انجام کلیه امور مربوط به خانواده استفاده می‌شود. جدایی زنان خانواده نیز برای رعایت محرمیت به عنوان انجام دهنده فعالیت‌های مربوط به آماده‌سازی غذا و قالبیابی در مسکن امروز است؛ زیرا این فعالیت‌ها در گذشته در داخل آلاچیق‌ها انجام می‌پذیرفت.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- دشت گرگان محل اقامت زمستانی ترکمن‌ها بود. آنها در اواخر بهار از آنجا به کوه‌های بالخان واقع در آن سوی رودخانه اترک کوچ می‌کردند و چند ماه تابستان را در بیلاق به سر می‌بردند و بار دیگر با رسیدن ماه‌های سرد به دشت گرگان باز می‌گشتند (پورکریم، همان).

۱۵. گیلک، سعید؛ بالاسنقی، ابوالفضل و شاهکوه محلی، وحید (۱۳۹۳)، «مسکن و سکونتگاه های معماری بومی ترکمن با رویکرد معماری و توسعه شهری پایدار (بررسی، تحلیل و مقایسه بافت تاریخی و بافت جدید شهر گمیشان)»، **کنفرانس مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری**، ۵ تیر، گرگان.
۱۶. محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸). **مسکن بومی ترکمن: گونه شناسی و ملاحظات کالبدی**، نشر هله، تهران.
۱۷. معینی، اسدالله (۱۳۴۴)، **جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت: طبیعی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، ادبی**، تهران.
۱۸. مفتاح، الهامه (۱۳۷۴)، «فرهنگ آداب و رسوم و باورهای ترکمن ها»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۱، پاییز.
۱۹. ملگونف گریگوری، والرینویچ (۱۳۶۴)، **سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر**، ۱۸۵۸ و ۱۸۶۰ م. ترجمه مسعود گلزاری، دادجو، تهران.
۲۰. وامبری، آرمینیوس (۱۳۸۷)، **سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه**، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

21. Bang, W and Atat, R. R, (1936) **ouz kagan Destani**, Istanbul.
22. Conolly, A, (1834), **Journey to the North of India, Overland from England, through Russia, Persia and Afghanistan**, London 2 Vols, vol 1.
23. Debode, G, C, A, (1848), "On the Yamud and Goklen tribes of Turkmenia", **Journal of the Ethnological Society**, Vol ,I ,London.
24. Geertzel, Clifford (1973), **Interpretation of Cultures, Selected Essay**, by Basic Books, Inc , Library of Congress Catalog Card Number: 73-81196, New York.
25. Hofstede, G., Gert Jan Hofstede & Michael Minkov (2010), **Cultures and Organizations: Software of the Mind**, New York: McGraw-Hill UK.
26. Ironz ,Georg William (1969), **THE YOMUT TURKMEN: A STUDY OF KINSHIP IN A PASTORAL SOCIETY**, a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy in the university of Michigan.
27. Orkun ,H. N, (1940), **Eski Turk Yazitlari**, Istanbul, Bilge, East, section 35.
28. Rapoport, Amos (1998), **Using Culture in Housing Design**, University of Wisconsin, USA: Milwaukeee.
29. Vambery, A, (1874), **Central Asis and Anglo-Russian frontier Question**, London.
30. Yate, C, E, (1900), **Khutasan and Sistan**, London.
31. Yusuf Has Hacib, (1959), **Kutadgu Bilig**, Translated from Chagatai into modern Turkish by Arat.R.R. Ankara
32. URL1- <http://amar.golestanmporg.ir/taghsimat-naghshe.html>
33. URL2- <https://golestanp.ir/maorefi-ostan>
34. URL3- www.ok.ru/turkmenchilik/topic/6485447981199
35. URL4- www.golestanpalace.ir

تحلیل سامان‌دهی آرامستان‌های شهر اصفهان از منظر الگوی شهر ایرانی اسلامی

اصغر منتظرالقائم^{**۱} (نویسنده مسئول)، فردین کوشکی^۱

^۱ استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان
^۲ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۰

چکیده

همچنان که مرگ مرحله‌ای گریزناپذیر از حیات انسان است، آرامستان نیز همواره یکی از فضاهاى اصلی و غیر قابل اجتناب هر سکونتگاه انسانی و از آن جمله شهرهای ایرانی - اسلامی بوده است. در پژوهش حاضر به تحلیل سامان‌دهی آرامستان‌های شهر اصفهان از منظری بومی و اسلامی پرداخته شده است. روش تحقیق، کیفی و روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند است. در مقایسه بین آرامستان‌های محلی (رویگرد غیرمتمرکز) و باغ رضوان (رویگرد متمرکز)، نتایج نشان می‌دهد در آرامستان باغ رضوان خدمات‌رسانی بهتر است و مسائل بهداشتی و شرعی بیشتر رعایت می‌شود. دسترسی به آرامستان‌های محلی اصفهان آسان‌تر است. آرامستان‌های محلی دارای مقیاس انسانی‌ترند و باعث ایجاد انسجام اجتماعی بیشتر می‌شوند. با تقویت آرامستان‌های محلی، آزادی افراد برای تعیین مکان تدفین بیشتر است و همچنین به دلیل دسترسی راحت به فضای آرامستان، یاد مرگ را در جامعه و شهر تقویت می‌کند و غایت فضای آرامستان را که ایجاد تذکر برای زندگان است، تأمین می‌نماید.

واژگان کلیدی: آرامستان، سامان‌دهی، آرامستان‌های محلی، باغ رضوان و الگوی ایرانی اسلامی.

برنامه‌ریزی و سامان‌دهی آرامستان‌ها به‌ویژه در شهرهای با هویت اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش‌های متعددی در خصوص برنامه‌ریزی آرامستان‌ها انجام گرفته است از جمله وینتر در مطالعات خود اشاره می‌کند که بازدید از میدان‌های جنگ و آرامستان‌های آن، سنتی دیرینه است که یاد و خاطرات جنگ را زنده نگه می‌دارد. در حالی که زیارت، شکل غالب بازدید در چنین سایت‌هایی بوده، اما اکنون به جاذبه‌ای گردشگری تبدیل شده است (Winter, 2011). رلیا در مطالعه‌ای با عنوان «راهنمایی‌هایی برای اعتلای ارزش بوم‌شناختی آرامستان‌ها در جنوب اونتاریو» بر جنبه‌های بوم‌شناسانه آرامستان در کنار ارزش‌های فرهنگی آنها تأکید دارد (Relyea, 2013). البته در مطالعات متعدد دیگری به صورت خاص آرامستان‌ها در شهرها و کلان‌شهرها در کشورهایی مانند آمریکا، کانادا، استرالیا و برخی کشورهای اروپایی در ابعاد و ویژگی‌های بصری، ارزش‌های کارکردی در قالب گردشگری، سبک معماری و طراحی محیطی و... توسط محققانی چون منک در شهرها، پترسون و وینگر در آرامستان‌های جنگ‌های داخلی آمریکا، باسماجین، کوتس، فرانسیس و همکاران در آرامستان‌های کانادا، کریستوفر کاستا و همکاران در آمریکا، کونگ در شهرهای آسیا و مار در ویرجینیای آمریکا انجام گردیده است که در این پژوهش برای جلوگیری از اطاله کلام فقط از آنها نام می‌بریم (Manneke, 2012; Petersson and Wingren, 2011; Basmajian, Coutts, 2010; Francis and et al, 2000; Christopher Couttsa and et al, 2011; Kong, 2011; Marr, 2007).

در ایران نیز پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود: در پژوهش «جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی» آرامستان شهر، یک دانه شهری و جزئی از فرهنگ و تمدن و حیات اجتماعی مسلمانان می‌باشد؛ لذا لازم است همچون اعصار نخستین اسلامی در کنار محلات و شهرها احداث گردد تا دسترسی به آن آسان باشد و مردم مسلمان متحمل اتلاف اوقات خود و هزینه‌های بی‌شمار ننگرند و رغبت دیدار از مزارات در آنها افزایش یابد (منتظرالقائم و حمیدی اصفهانی، ۱۳۸۷). در پژوهشی با عنوان «ارزیابی متغیرهای تاثیرگذار بر زیبایی منظر تاریخی- فرهنگی آرامستان‌های اسلامی ایران؛ نمونه موردی: تخت فولاد اصفهان» تخت فولاد علاوه بر دارا بودن ارزش‌های مذهبی، به سبب ارتباط قوی بین شهروندان با این آرامستان به عنوان یکی از کانون‌های گردشگری اصفهان از دیرباز تاکنون، آینه تمام‌نمای فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی بیان شده است (وحدیدزادگان و همکاران، ۱۳۹۲).

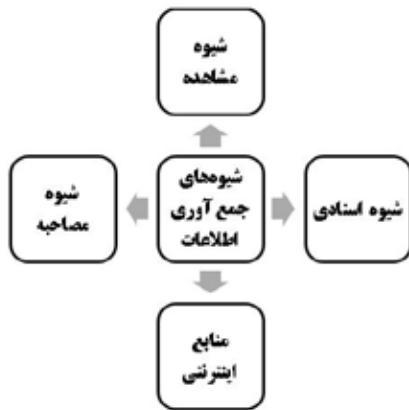
مسئله پژوهش از اینجا ناشی می‌شود که ایجاد کلان آرامستان‌ها در خارج شهر مانند باغ رضوان اصفهان، تحت تاثیر طرح‌های جامع و شهرسازی مدرنیستی در ایران گسترش یافت، در حالی که در خود کشورهای غربی صدها آرامستان در حال استفاده در داخل

وضعیت کنونی حاکم بر شهرهای داعیه‌دار اسلام نشان از آن دارد که علم و عمل شهرسازی، سمت و سوی متمایز از آموزه‌های اسلامی داشته و تنها اشتراک اندکی با منابع دین مبین (قرآن، حدیث و کلام) دارد. این حوزه اشتراک نیز پوسته و پوششی ظاهری در این وادی است که جز در کلام منجر به شکل‌گیری دانش کاربردی عملی در شهرسازی اسلامی نشده است. لازمه خروج از این خلأ ایجاد شده و رسیدن به یک شهرسازی واقعی اسلامی پرکردن خلأیی است که خود موضوعات متفاوتی را در بر می‌گیرد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی در یک قرن اخیر، با تغییرات گسترده‌ای در فرم و ساختار روبه‌رو بوده‌اند. رشد مداوم شهرها، تحمیل مدرنیزاسیون از بالا و پیروی از الگوهای غربی، بدون انطباق با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سبب اضمحلال سنت‌های به جای مانده و تغییر، جایگزینی و یا حذف عناصر تاریخی و فرهنگی شهرها شده است (سلطانی‌فرد و قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۸). یکی از عناصر شهری که از نظر هویتی در حال تغییر است آرامستان‌ها هستند. گسترش اسلام و رشد آیین تشیع، نقطه اوج توسعه فضاهای آرامگاهی است. در طی تاریخ در میان اماکن مقدسه، مقابر امامان شیعه و بستگان آنها در کربلا، نجف، مشهد، قم و سامرا کانون‌های طبیعی تمایلات مذهبی مردم شیعه هستند. در نتیجه خیلی زود بنای آرامگاه‌ها به عنوان سمبل خواسته‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی و اجتماعی شیعه شناخته شده است. رشد سریع فرهنگ زیارت قبور ائمه و خواندن نماز و ادعیه و ختم قرآن در این امکنه و رقابت روزافزون در به خاک سپردن مردگان در جوار مزار آن بزرگواران همه از عواملی بود که باعث توسعه فضاهای آرامگاهی می‌شد.

البته اهمیت آرامستان فقط مربوط به شیعیان نیست و تمامی ادیان الهی و مذاهب اسلامی به این عنصر شهری توجه داشته‌اند. از نظر تاریخی گردشگری مذهبی یکی از قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و حال حاضر در سراسر جهان است (Shinder, 2004: 2) و سابقه آن به فرهنگ دینی می‌رسد؛ به‌ویژه آرامستان‌ها یکی از مراکز مهم گردشگری بوده است. اگر نگاهی به تاریخ گذشته در زمینه سفرها و گردش‌های مذهبی همچون مراسم مقدس یونانیان باستان در معابد آپولون، سفرهای مصریان برای دیدار از فراغته (دورانت، ۱۳۷۲: ۲۰۵) انجام مراسم مقدس ایرانیان باستان در معبد آناهیتا کنگاور و نظایر آن داشته باشیم (کریستین سن، ۱۳۶۹: ۲۳۲) و قبور پادشاهان هخامنشی در نقش رستم و دشت مرغاب می‌بینیم که هر یک به گونه‌ای، قدمت و رواج این نوع از گردشگری را در میان ملل مختلف نشان می‌دهند. اهرام مصر، کاتاکومب‌های رومی، گور دخمه‌های مادی، مقابر صخره‌ای هخامنشی و استودان‌های ساسانی همه تنوع و گستردگی معماری آرامستان‌ها را نشان می‌دهند.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش به صورت کیفی است. در این پژوهش از شیوه‌های گوناگونی منابع اطلاعاتی جمع‌آوری شده است؛ شیوه اول منابع اسنادی شامل کتب، مقالات، آمارها، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی است. شیوه دوم مشاهده آرامستان باغ رضوان و آرامستان‌های محلی. شیوه سوم شامل مصاحبه با نخبگان، کارشناسان سازمان آرامستان‌ها، مدیران سابق سازمان آرامستان‌ها، مردم محلی، هیئت امنای آرامستان‌های شهر. شیوه چهارم منابع اینترنتی شامل گزارش‌های خبری و مصاحبه‌های خبرگزاری‌ها است.



شکل شماره ۱: شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش؛
ماخذ: نگارندگان

روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند است. جامعه آماری پژوهش حاضر کارشناسان، متخصصان و شهروندان مرتبط با موضوع مورد مطالعه است. در این پژوهش ۲۰ نمونه به صورت گروه تمرکز یا گروه کانونی و انفرادی مورد مطالعه قرار گرفتند. روش مصاحبه نیز به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. سؤال‌های تحقیق نیز عبارت‌اند از:

۱. رویکردهای متمرکز (تک آرامستانی) و غیرمتمرکز (آرامستان‌های محلی) در شهر اصفهان دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟
۲. کدام یک از رویکردهای متمرکز و غیرمتمرکز به آرامستان‌ها با هویت و شهر ایرانی - اسلامی بیشتر مطابقت دارد؟
۳. چه شیوه‌ای برای برنامه‌ریزی و سامان‌دهی کلان آرامستان‌های شهر اصفهان مناسب است؟

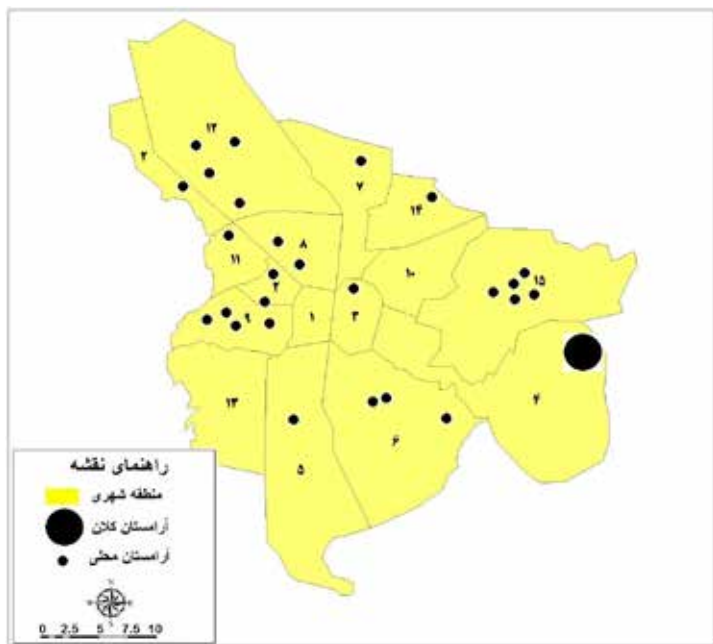
سامان‌دهی

سامان‌دهی، فرایندی است برای تنظیم فضا و فعالیت در محدوده یک مکان مشخص، با در نظر گرفتن مجموعه عوامل مؤثر محیطی و محاطی به منظور ارتقای کیفیت و کارایی مجموعه (دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۸۴: ۳۵). در حقیقت هدف سامان‌دهی عبارت است از شناخت

شهرهای آنان وجود دارد؛ مانند قبرستان پرلاشز، قبرستان میلان، قبرستان کانتربری لندن، قبرستان شهر ادین‌برو انگلستان، قبرستان ویکتور هوگو پاریس و... بر اساس طرح‌های جامع و شهرسازی مدرنیستی، آرامستان در رده کاربری‌های خدمات شهری در کنار کاربری‌هایی چون کشتارگاه‌ها، جمع‌آوری و دفع زیاله، میادین میوه و تره‌بار، ایستگاه‌های آتش‌نشانی، ترمینال مسافری، پارکینگ‌ها و... در نظر گرفته شده است و جزو خدمات مزاحم شهری محسوب می‌شود، یعنی آرامستان را صرفاً مکانی برای دفن مردگان می‌پندارد؛ اما در شهر ایرانی - اسلامی آرامستان به عنوان یک فضای فرهنگی در شهرها مطرح است و تلفیق آرامستان با زندگی روزانه اجتماع الزامی است. در واقع مسئله اصلی این است که نگرش کلان و تک آرامستانی بودن شهر، ناسازگاری‌های فراوانی با نگرش‌های بومی و اسلامی دارد.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود از طریق تحلیل سامان‌دهی آرامستان‌های کلان و خرد اصفهان که موقعیت آنها در تصویر شماره ۱ مشاهده می‌شود، دسترسی شهروندان را افزایش داده که در این صورت می‌تواند تعلق خاطر را در میان ساکنان محلات افزایش دهد و حتی زمینه را برای جذب کمک‌های فکری و مالی مردم فراهم کند. دسترسی آسان‌تر و از طریق پیاده‌روی خود می‌تواند باعث افزایش سلامت جسمی شهروندان شود و همچنین از طریق تذکر سراسری ابدی به نزدیکان و حتی رهگذران و عابران پیاده، زمینه ارتقای سلامت اخلاقی، روحی و معنوی شهروندان را فراهم کند. به طور کل اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

۱. شناخت ویژگی‌های رویکرد متمرکز (تک آرامستانی) و غیرمتمرکز (آرامستان‌های محلی) در شهر اصفهان.
۲. شناسایی رویکرد متناسب با هویت و شهر ایرانی - اسلامی.



تصویر شماره ۱: آرامستان‌های محلی و کلان (باغ رضوان) در شهر اصفهان؛
ماخذ: نگارندگان

و بررسی وضعیت فعلی آرامستان‌ها و تحلیل وضعیت آنها و در ادامه آن برنامه‌ریزی و ارائه الگوی برای سامان‌دهی آنها. ارائه الگوی سامان‌دهی بر اساس تعیین، پردازش و ارزش‌گذاری عوامل مؤثر در کارکرد آرامستان (کارکردی - کالبدی) در زمان‌های گذشته و حال و آینده صورت می‌پذیرد.

الگوهای سامان‌دهی آرامستان‌ها در گذشته

به طور کلی الگوهای مختلفی برای سامان‌دهی آرامستان‌ها وجود دارد و در تاریخ کهن آرامستان‌های ایران استفاده شده است که به آنها اشاره می‌شود (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۲۴):

۱. **الگوی امامزاده‌ها و بقاع متبرکه:** این نوع معماری یادمانی آیینی و مقدس است که با پیشینه تاریخی قوی موضوع آرامستان در تشیع پیوند خورده و امروزه به عنوان یکی از الگوهای رایج معماری در آرامستان به کار می‌رود. زیارت امامزاده‌ها و بقاع متبرکه و همچنین زیارت اهل قبور سابقه طولانی در فرهنگ دینی ایران دارد. ویژگی این الگو، ایجاد بنای نشانه‌ای و نمادین است که با باورهای دینی و ارزش‌های فرهنگی آمیخته و فضایی مقدس و متبرک را بازآفرینی می‌کند که در عین حال کارکرد زیارت به عنوان یک فعالیت جمعی و اجتماعی را در خود جای می‌دهد. در نتیجه در طراحی و سامان‌دهی این گونه بناهای یادمانی-زیارتی، ایجاد فضاهایی جمعی برای تعامل اجتماعی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

۲. **الگوی آرامگاهی:** گفته می‌شود بناهای یادمانی ملهم از نخستین مقبره‌ها هستند (ملاصالحی، ۱۳۹۴). ساخت بناهای مقبره‌ای در معماری ایران دارای پیشینه‌ای غنی و طولانی است. استفاده از فرم‌های چهارطاقی و یا برج مانند و تکاملی این طرح‌ها به صورت بناهایی شاخص و نمادین، از مهم‌ترین الگوها در طراحی آرامگاه‌ها به شمار می‌رود. مهم‌ترین ویژگی این الگو که در معماری آرامگاه‌های مشاهیر و مفاخر دیده می‌شود، فرم شاخص آنهاست که بازتاب جلال، عظمت و استواری بوده و به عنوان عنصر نشانه در منظر نقش دارد.

۳. **الگوی تکایا و حسینیه‌ها:** استفاده از الگوی معماری تکایا و حسینیه‌ها برای ایجاد فضایی مسقف که در زمان‌ها و فصول مختلف امکان استفاده گروه‌های مردم و برگزاری مراسم مختلف و فعالیت‌های جمعی را فراهم می‌کند، سبب ایجاد نوع خاصی از معماری آرامستان شده است. مهم‌ترین ویژگی این دسته از آرامستان‌ها، ایجاد یک فضای چند عملکردی با قابلیت‌های کارکردی زیاد است. اگرچه ایجاد یک فضای جمعی، به زنده نگهداشتن فضا کمک کرده و از ویژگی‌های مثبت این دسته از آرامستان‌ها به شمار می‌رود، اما در عمل، به دلیل کثرت استفاده از فضا به انواع مختلف و همچنین با مفروض شدن آن که در طول ایام سبب پنهان شدن قبور در زیر فرشی‌ها می‌شود، کارکرد بنا به عنوان یک سالن سرپوشیده اصالت یافته و ابعاد یادمانی، زیارتی، نمادین و آیینی آن کم‌رنگ می‌گردد (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

۴. **الگوی فضای عمومی شهری:** طراحی آرامستان به عنوان یک فضای جمعی چند عملکردی که کارکردهای مختلف را در خود دارد و پاس‌خگوری نیازهای متنوع شهروندان باشد، رویکردی دیگر در طراحی این فضاهاست. جانمایی این فضاها در ارتباط نزدیک با فضاهای جمعی پربرونق، تلفیق با بافت شهری اطراف از طریق حذف لبه‌ها و سرایت معابر به درون مجموعه و وسعت فضا که امکان گردهمایی و حضور گروه‌های مردم را فراهم می‌کند و در عین حال فضاهای سیال و چند عملکردی را به وجود می‌آورد، سبب ایجاد فضاهای فعال و زنده شهری شده که مقابر را در ارتباط با زندگی روزمره مردم قرار می‌دهد. ویژگی اصلی این گونه از سامان‌دهی، ارتباط قوی با زندگی جاری در شهر و رونق فضا با ایجاد فضای عمومی شهری است.

در واقع مهم‌ترین ویژگی این الگو، پذیرش کارکردهای متنوع و فراهم کردن یک فضای شهری چند عملکردی است که به تبع زمینه ایجاد ارتباط با مخاطب و زندگی روزمره او، شکل‌گیری خاطرات جمعی و تقویت ماندگاری فضا در ابعاد ذهنی را به همراه خواهد داشت.

۵. **الگوی باغ ایرانی:** باغ ایرانی یکی دیگر از الگوهای رایج در طراحی آرامستان است که ابعاد گوناگون هویتی، معنایی، کارکردی و اجتماعی آن در ایجاد یک فضای موفق یادمانی و زیارتی نقش دارد. هم‌نشینی مفهوم باغ ایرانی با تصویر باغ بهشت، در کنار تأکید و تقویت عناصر طبیعی و ارزش این عناصر در فرهنگ و آیین‌های ایرانی-اسلامی، فضایی نمادین را به وجود می‌آورد که در عین برخوردار بودن از هویت آیینی و معنوی، امکان ارتباط با طبیعت در فضایی زیبا، خرم و سرزنده را به وجود می‌آورد و به عنوان یک فضای فراغتی و تفرجگاهی در شهر ایفای نقش می‌کند. ایجاد فضایی دنج برای تأمل فردی در کنار وسعت فضای طبیعی که کارکرد گردشگری را با ابعاد کارکردی زیارتی و یادمانی فضا می‌آمیزد به رونق این فضاها کمک کرده است؛ در حالی که حضور مقابر در این مجموعه ضامن جهت‌گیری فرهنگی و روحیه حاکم بر فضاست. به لحاظ عملکردی نیز باغ ایرانی با توجه به سنت‌های اجتماعی، فضایی مناسب برای گذران اوقات فراغت و تعامل با دیگران بوده است. تفرج در دامان طبیعت و زیر سایه درختان منظر مثالی برای شاعران ایرانی بوده که با سنت زیارت اهل قبور و گردشگری آیینی پیوند خورده است. همچنین الگوی باغ، با ایجاد فضاهای باز و وسیع برای برگزاری مراسم جمعی انطباق مناسبی با عملکردهای مرتبط با آرامستان دارد (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

تحلیل سامان‌دهی آرامستان‌های اصفهان

در میان کاربری‌های شهری، امروزه آرامستان جایگاهی کاملاً مجزا یافته، در حالی که در گذشته و بر اساس شهرسازی ایرانی و اسلامی تفاوت عمده‌ای با سایر کاربری‌های شهری نداشته

است. امروزه با اختصاص فضای مناسب اشغال نشده در لابه لای بناها و کاربری‌های عمومی داخل شهر به آرامستان - در واقع نوعی وضعیت کاملاً طبیعی - فضای آرامستان به شیوه اولیه خود برمی گردد و سبب زنده بودن دائمی فضای آرامستان می شود، اما از آنجا که ترویج و تحکیم این واقعیت، مستلزم زمان طولانی خواهد بود و به ملزومات فنی و بسترسازی فرهنگی نیاز دارد، طبعاً احداث چنین فضایی باید در افق زمانی بلندمدت در نظر گرفته شود؛ اما احیای آرامستان‌های موجود تاریخی می تواند سنگ محک و آغازی برای ترویج این انتخاب باشد (دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۸۳: ۲۳).

به طور کلی بر اساس وضعیت موجود شهر اصفهان، دو رویکرد اصلی به آرامستان‌ها وجود دارد: یکی رویکرد متمرکز و دیگری غیرمتمرکز. در رویکرد متمرکز معمولاً شهر دارای یک کلان آرامستان بوده و آرامستان‌های محلی و خرد یا اجازه تدفین ندارند و به انزوا کشیده شده‌اند یا به صورت محدود این امر صورت می گیرد. در رویکرد دوم، یعنی رویکرد غیرمتمرکز، آرامستان‌های محلی به عنوان بخشی از فضای شهر ایفای نقش می کنند و مکان‌های پر جنب و جوشی هستند.

جدول شماره ۱: باورهای غلط و درست در مورد آرامستان‌های اصفهان

| باور غلط | باور درست |
|---|--|
| آرامستان‌ها باعث آلودگی محیط زیست مانند آلودگی هوا، آب‌های زیرزمینی و سطحی می‌شود | می‌تواند باعث بهبود محیط زیست شود |
| فضای آرامستان یک فضای غم‌آور است | فضای آرامستان یک فضای معنویت زاست |
| تبدیل آرامستان به فضای تفریحی | تبدیل آرامستان به فضای آرامش و تفکر |
| آرامستان‌های محلی به عنوان منطقه جرم خیز | امنیت خودجوش و مردمی |
| رها کردن آرامستان‌های محلی | سامان‌دهی آرامستان‌های محلی |
| آرامستان به عنوان یک فضای خدماتی و مزاحم | آرامستان به عنوان یک فضای فرهنگی و اجتماعی |
| تک آرامستانی بودن شهر اصفهان | سلسله مراتبی بودن آرامستان‌ها |

نتایج پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه‌های غیرکارشناسی متعددی، به‌ویژه در دانشگاه‌ها در مورد آرامستان‌ها و به‌خصوص آرامستان‌های داخل شهرها وجود دارد و نیاز به بازنگری دارد؛ از جمله اینکه آرامستان‌ها باعث آلودگی هوا یا آلودگی آب‌های زیرزمینی و سطحی می‌شود. در حالی که هنوز گزارشی دال بر آلودگی هوای آرامستان باغ رضوان ناشی از دفن مردگان با سالانه حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دفن (سازمان آرامستان‌های شهرداری اصفهان، ۱۳۹۶)، مشاهده نشده است، این در حالی است که بالطبع آرامستان‌های محلی دارای مقیاس بسیار محدودتری هستند. بنابراین بادهای غالبی هم که تصور می‌شود آلودگی را به سمت شهر اصفهان می‌آورد، اساساً بی پایه و اساس است.

حتی بر اساس برخی بررسی‌های به عمل آمده طی طرح‌های مکان‌یابی و سامان‌دهی آرامستان‌های بزرگ تهران، هیچ‌گونه شواهد مستندی مبنی بر صحت آلودگی هوای آرامستان بهشت زهرا (س) تهران به عنوان یک کلان آرامستان به معنای واقعی یافت نشده است. همچنین درباره هوای خروجی البسه سوزها نیز، وجود عوامل میکروبی بیماری‌زا اثبات نشده است (فرهادی پور، ۱۳۸۸). باید توجه داشت که در آرامستان بهشت زهرا (س) تهران حدود ۱۳۰۰۰۰۰ قبر وجود دارد که سالانه شاید حدود ۵۰۰۰۰ جسد در آرامستان دفن می‌شود و البته احتمالاً ظرفیت آرامستان بهشت زهرا (س) تا سال ۱۴۰۲ به پایان می‌رسد (URL1- URL2- URL3).

در مورد آلودگی آب‌های زیرزمینی هم باید گفت شهر اصفهان و باغ رضوان با کم‌آبی مواجه است. بر اساس مصاحبه‌ها با مدیران در باغ رضوان چاه‌های با عمق بالای ۳۰۰ متر هم حفر شده اما به آب نرسیده‌اند، در واقع عمق آب‌های زیرزمینی در اصفهان بسیار زیاد است، در حالی که برای یک قبر، حدود یک و نیم متر زمین را حفر می‌کنند. در مورد آلودگی آب‌های سطحی هم مصداقی مشاهده نشده است، هر چند آب زاینده‌رود هم در اکثر مواقع سال جریان ندارد. بنابراین آرامستان‌های محلی نه تنها هیچ خطری برای محیط زیست ندارد، بلکه به مرور و با تقویت فضای سبز آن می‌تواند در بهبود وضعیت زیست‌محیطی شهر نیز موثر باشد.

یکی از مسائل زیست‌محیطی باغ رضوان، مسافت طولانی و به ناچار استفاده زیاد از خودرو است. شاید با ذکر یک مثال بتوان تأثیری که باغ رضوان بر آلودگی زیست‌محیطی به دنبال دارد را بهتر تصور نمود. اگر در یکی از روزهای پرتردد مثلاً تعداد ۵۰۰۰۰ خودرو به باغ رضوان مراجعه کنند و هر خودرو حدود ۵ لیتر بنزین مصرف کند، یعنی در یک روز حدود ۲۵۰۰۰۰ لیتر بنزین مصرف می‌شود که حجم زیادی از آلودگی را وارد هوا می‌کند و انواع بیماری را به دنبال دارد. البته آمارها حاکی از این است که در برخی روزها افراد بیشتری وارد می‌شوند؛ مثلاً بر اساس مصاحبه مدیرعامل سازمان آرامستان‌های اصفهان، در ۲۸، ۲۹ اسفند و ۱ فروردین ۱۳۹۴، بیش از ۱ میلیون نفر به باغ رضوان مراجعه کردند و پنج شنبه و جمعه هر هفته حدود ۳۰۰۰۰ نفر به اینجا مراجعه می‌کنند (URL4, URL5). با توجه به اینکه شهر اصفهان از آلوده‌ترین شهرهای کشور است، یکی از دلایل این آلودگی، استفاده زیاد از خودرو است و باغ رضوان یکی از کانون‌های مراجعه از طریق خودرو توسط شمار زیادی از شهروندان اصفهانی است. البته مسافت طولانی باغ رضوان علاوه بر استفاده زیاد از خودرو و آلودگی هوا، تبعات فراوان دیگری نیز دارد؛ مانند اتلاف وقت، هزینه و سرمایه دولتی و خصوصی که پرداختن به آنها بحثی طولانی است.

یک تحلیل عرفی دیگر وجود دارد که فضای آرامستان و یاد مرگ، غم‌آور است و شادی را از انسان می‌گیرد. آیا ذکر این

با زندگی انسان‌ها پیوند خورده است. در واقع توجه و سامان‌دهی آرامستان‌های محلی می‌تواند باعث تقویت مقیاس انسانی در کلان‌شهر اصفهان شود.

از نقاط قوت اصلی باغ رضوان خدمات‌رسانی مناسب در امور مختلف تغسیل، تکفین، تدفین، برگزاری مراسم و سایر امور است؛ اما بسیاری از آرامستان‌های محلی با ضعف تاسیسات و خدمات مواجه هستند. هرچند در الگوی توسعه آرامستان‌های محلی بسیاری از این خدمات در داخل شهر فراهم است و نیازی به سرمایه‌گذاری دولتی یا شهرداری نیست، اما در موارد لازم باید نسبت به رفع این نیازها با هماهنگی هیئت امنای محلی اقدام نمود. از سویی نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مردم از هیئت امنای آرامستان‌ها راضی هستند و این می‌تواند به عنوان یک نقطه قوت باشد که سازمان آرامستان‌ها فقط با آنها به عنوان نماینده مورد اعتماد مردم در ارتباط باشد و نقش مهمی در بسیج توانایی‌های محل داشته باشند.

جدول شماره ۲: هزینه‌های امامزاده کوجان از تاریخ ۹۴/۰۵/۰۱ لغایت ۹۶/۰۳/۲۷

| میزان هزینه‌ها | شرح هزینه |
|----------------------------------|--|
| ۱۰۵۰۰۰۰۰ تومان | کف‌سازی محوطه سالن کوچک ضلع شرقی امامزاده |
| ۲۰۷۰۰۰۰۰ تومان | کف‌سازی محوطه سالن حرمین |
| ۲۹۱۰۰۰۰۰ تومان | ساماندهی و کف‌سازی قبور در حیاط میانی |
| ۷۴۰۰۰۰۰ تومان | ساماندهی و کف‌سازی پیاده‌روها و معابر |
| ۱۹۳۰۰۰۰۰ تومان | هزینه ساخت غسلخانه و سرویس‌های بهداشتی مجاور |
| ۲۵۷۰۹۰۰۰ تومان | هزینه گودبرداری و ساخت قبور دو طبقه |
| ۱۱۴۰۰۰۰۰ تومان | هزینه کاشی‌کاری و آجرنما دیوار حسینیه تا آخر |
| ۱۳۴۰۰۰۰۰ تومان | پرداخت حقوق و بیمه خادم |
| ۲۰۰۰۰۰۰ تومان | هزینه خاکبرداری و جمع‌آوری نخاله‌های محوطه |
| ۱۸۸۵۰۰۰ تومان | هزینه‌های مربوط به تاسیسات و آبرسانی فضای سبز و نصب تانکر آب |
| ۱۱۰۰۰۰۰ تومان | هزینه ایزوگام سقف غسلخانه و سرویس‌های بهداشتی |
| ۸۷۰۰۰۰۰ تومان | هزینه‌های مربوط به نذر امامزاده |
| ۷۹۲۰۰۰ تومان | هزینه‌های مربوط به پرداخت آب، برق، گاز و تلفن |
| جمع کل هزینه‌ها: ۱۵۱۹۸۶۰۰۰ تومان | |

ماخذ: هیئت امنای امامزاده کوجان اصفهان، ۱۳۹۶

آرامستان‌های داخل شهرها با توجه به ویژگی‌های مانایی خود می‌توانند در قالب فضاهای باز شهری مطرح شوند که این امر باعث کنترل توده و فضا در شهرها می‌شود. در واقع به آرامستان‌های محلی اصفهان باید به عنوان تنوعی در فضاهای شهری به دلیل انحصار نوع فعالیت در آن و فرم خاص آن نگاه کرد. این زمانی با ارزش‌تر تلقی می‌شود که توجه داشته باشیم، بسیاری از آرامستان‌های محلی اصفهان در داخل بافت‌های متراکم شهر واقع شده‌اند. در مورد وضعیت تمرکز در باغ رضوان باید گفت بسیاری از مسائل اصلی آرامستان باغ رضوان ناشی از

سفر و آماده شدن برای آن موجب افسردگی انسان است یا خود را در بی‌خبری فروبردن و شادی و نشاط داشتن، شادی و نشاطی که عمیق نیست. اگر کسی به حق به یاد مرگ باشد، نه تنها لذت او از زندگی کم نمی‌شود، بلکه در مقابل فهم مرگ و یاد مرگ، زندگی حقیقتاً خوش و بانشاطی خواهد داشت. نشاط و شادی که از غفلت حاصل شود، پایدار و عمیق نیست. برعکس، شادی حقیقتاً از آن مؤمنان است. آنها که دائم به یاد معاد، مرگ و عاقبت حیات خویش‌اند. بنابراین، جا دارد به یاد مرگ بودن را معنویت‌زا و شادی آور بدانیم.

البته امروزه در بسیاری نقاط جهان و حتی ایران آرامستان‌ها به فضایی تفریحی تبدیل می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد ایجاد باغ مزار می‌تواند جایگزینی برای آرامستان‌های تفرجگاهی باشد چون فضای آرامستان نباید به گونه‌ای باشد که انسان را از تفکر و غایت‌اندیشی برهاند.

همچنین برخی آرامستان‌های محلی را منطقه‌های جرم‌خیز می‌دانند، در حالی که در صورت وجود هیئت امنای، به طور جدی به امنیت آرامستان‌ها حساس هستند و به صورت خودجوش و مردمی اجازه وقوع جرم و ناامنی را نمی‌دهند و مقیاس خرد آن آرامستان‌های محلی است به سادگی قابل کنترل است. هرچه آرامستان ناآشنا تر باشد، غیرقابل کنترل تر می‌شود و در این فضای آکنده از بیگانگی، هرکسی می‌تواند هر کاری انجام دهد و بگذرد. باید به این نکته توجه داشت که از نظر امنیتی رها کردن آرامستان‌های داخل شهر وضعیت آنها را بهتر نخواهد کرد و سامان‌دهی آنها قطعاً سطح امنیتی آنها را بالا خواهد برد.

تصور دیگر این است که کاربری آرامستان‌های محلی، اثرات منفی بر کاربری‌های مجاور و قیمت اراضی هم‌جوار دارد و باید به حال خود رها شوند؛ در حالی که قطعاً نادیده انگاشتن آرامستان وضعیت آنها را بدتر می‌کند. سامان‌دهی آرامستان‌های محلی اثرات مثبتی بر قیمت اراضی و کاربری‌های هم‌جوار دارد؛ به نسبت زمانی که به حال خود رها شوند.

یکی از مباحث اصلی پژوهش، بررسی باغ رضوان به عنوان آرامستان اصلی شهر و نمونه عینی رویکرد متمرکز و بررسی آرامستان‌های محلی شهر اصفهان به عنوان نمونه‌هایی از رویکرد غیرمتمرکز در بحث برنامه‌ریزی و سامان‌دهی آرامستان از منظری بومی و ایرانی - اسلامی است. یکی از مسائل باغ رضوان از دیدگاه شهرسازی مقیاس فوق انسانی آن است، یعنی انسان در مقابل وسعت آن احساس حقارت می‌کند. در فضاهای وسیع و یکنواخت که محصوریت آن توسط انسان مشاهده نشود، ارتباط انسان با پیرامون از دست می‌رود و حتی ممکن است احساس ترس از فضا به انسان دست دهد؛ اما در آرامستان‌های محلی به دلیل محصوریت و فضای نه چندان وسیع و بی‌کران، حس امنیت و آسایش در انسان بسیار بیشتر است و فضای آرامستان

برخی آرامستان‌های تاریخی اصفهان، به عنوان بخشی از هویت تاریخی و ملی جامعه، یکی از عناصری است که می‌تواند در فهرست جاذبه‌های گردشگری در یک مقصد گردشگری ایفای نقش نماید. طبیعی است آرامستان باغ رضوان که فقط جنبه خدماتی داشته و در فاصله دور از شهر واقع شده و دارای هویت تاریخی و ایرانی - اسلامی نیست، نمی‌تواند پذیرای گردشگران باشد.



تصویر شماره ۳: امامزاده کوجان اصفهان و آرامستان محل در جوار آن؛ ماخذ: نگارندگان

در بررسی اجتماعی آرامستان‌ها باید گفت احساس بیگانگی و ناشناس بودن در آرامستان باغ رضوان باعث تضعیف هویت جمعی و انسجام اجتماعی می‌شود و فردگرایی را تقویت می‌کند. ممکن است مردمان زیادی در مکانی واحد و در زمانی مشخص گرد هم آیند، ولی ارتباط معنادار جمعی باهم ندارند. در آرامستان‌های محلی اصفهان، افراد پیوند عاطفی بیشتری با هم دارند و احساس هویت جمعی بیشتر است؛ در نتیجه باعث حفظ همبستگی اجتماعی و تقویت جمع‌گرایی می‌شود. از نظر رعایت حقوق شهروندی هم امکان‌پذیرش مکان تدفین با وجود آرامستان‌های محلی بیشتر است.

شاید بتوان گفت از منظر اسلامی، مهم‌ترین برتری رویکرد غیرمتمرکز، مربوط به دلایل فرهنگی است چون به دلیل دسترسی راحت به فضای آرامستان یاد مرگ را در جامعه و شهر تقویت می‌کند. باید به این نکته در برنامه‌ریزی آرامستان‌ها توجه داشت که براساس معارف اسلامی، آرامستان فضای تنبیه و یادآوری مرگ است که مزایای فراوانی را برای شهروندان به دنبال دارد؛ از جمله: غفلت‌زدایی، بی‌رغبتی به دنیا و ترویج زهد. از این منظر در این پژوهش غایت اصلی فضای آرامستان را ایجاد تذکر برای زندگان می‌داند. البته تأثیرات آرامستان‌های محلی اصفهان در بعد فرهنگی متعدد است؛ از جمله اینکه امامزادگان دارای

تمرکز زیاد است؛ از جمله باعث مشکلات ترافیکی، ضعف دسترسی و کم‌آبی و بی‌آبی شده است.

افراد زیادی که در اواخر هفته یا ایام خاصی از سال به باغ رضوان مراجعه می‌کنند، باعث ایجاد ترافیک و سختی آمدوشد می‌شوند. البته مسائل ترافیکی باغ رضوان علاوه بر تمرکز خود مجموعه دارای دلایل منطقه‌ای نیز هست؛ مانند منطقه خوراسگان، شهرک صنعتی جی، فرودگاه، دانشگاه، میدان میوه و تره‌بار، شهر رویاها و بازار گل و گیاه که معمولاً موارد اخیر در اواخر هفته دارای بیشترین مراجعه‌کننده هستند که حمل و نقل محدوده شرق را با مشکل مواجه می‌کند، طبیعتاً زمان زیادی از مراجعه‌کنندگان تلف می‌شود و مصرف زیاد بنزین و آلودگی هوا را به دنبال دارد.

رویکرد متمرکز به آرامستان باغ رضوان دسترسی به آن را با محدودیت و سختی مواجه می‌کند و اثرات روانی و خستگی و سلب آرامش به دنبال دارد و حضور قلب را از انسان می‌گیرد. باید توجه داشت بر اساس معارف اسلامی، آرامش و حضور قلب برای تفکر در آرامستان ضروری است؛ اما در آرامستان‌های محلی به دلیل دسترسی راحت باعث صرفه‌جویی در هزینه و زمان و مصرف بنزین می‌شود و حتی باعث ترویج پیاده‌روی در مقابل استفاده از اتومبیل شخصی می‌شود.

یکی از مسائل اصلی آرامستان باغ رضوان که ناشی از تمرکز و گستردگی فضای سبز است، تأمین آب آن است. این منطقه قبلاً دارای چاه‌های آب بوده، اما خشک شدند و آب مورد نیاز را از کشاورزان اطراف مانند چاه‌های خاتون آباد تأمین می‌کنند و اگر همکاری کشاورزان نباشد، باغ رضوان در تأمین آب مورد نیاز با مشکل جدی مواجه می‌شود. بر این اساس می‌توان با افزایش تعداد آرامستان‌ها در سایر نقاط شهر، میزان فشار وارد بر آب یک نقطه را کاهش داد و از نقاط متفاوتی آب آنها را تأمین کرد. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد به ضرورت وجود آرامستان‌های دیگر در سایر جهات شهر اصفهان در مدیریت‌های سابق نیز پی برده شده بود.

جدول شماره ۳: مساحت فضای سبز در آرامستان باغ رضوان

| عنوان | فاز ۱ | فاز ۲ | فاز ۳ | متفرقه | مجموع |
|-------|----------|---------|---------|----------|-----------|
| مساحت | ۸۷ هکتار | ۹ هکتار | ۶ هکتار | ۷۸ هکتار | ۱۸۰ هکتار |

ماخذ: سازمان آرامستان‌های شهر اصفهان، ۱۳۹۶

از نقاط قوت آرامستان باغ رضوان رعایت مسائل بهداشتی و شرعی در مراحل مختلف تغسیل، تکفین و تدفین و سایر امور مربوط به آرامستان است که این مورد در آرامستان‌های محلی آنچنان که باید و شاید رعایت نمی‌شود. همچنین از مشکلات دیگر آرامستان‌های محلی، دراماتیکی بودن بسیار زیاد آیین‌های مرگ در حال حاضر است که سر و صدای ناشی از شیون و مراسم‌ها منجر به ناراضی‌های اهالی محل می‌شود. از دیگر حسن‌های رویکرد غیرمتمرکز، رونق گردشگری است.

جدول شماره ۴: مقایسه رویکرد متمرکز (تک گورستانی) و غیرمتمرکز (آرامستان‌های محلی) در شهر اصفهان

| رویکرد متمرکز | رویکرد غیرمتمرکز |
|--|--|
| تحت تأثیر طرح‌های جامع | در جهت سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ |
| شهرسازی مدرنیستی | شهرسازی ایرانی - اسلامی |
| تفکر غربی | تفکر بومی |
| مقیاس فوق انسانی | مقیاس انسانی |
| خدمات رسانی خوب | ضعف خدمات |
| مسائل ترافیکی | ترویج پیاده‌محوری |
| دسترسی سخت | دسترسی آسان |
| کم آبی | عدم وجود کم آبی |
| اتلاف وقت | صرفه‌جویی وقت |
| مصرف زیاد بنزین | صرفه‌جویی در مصرف بنزین |
| افزایش آلودگی هوا | کاهش یا عدم آلودگی هوا |
| رعایت مسائل بهداشتی و شرعی | عدم رعایت مسائل شرعی و بهداشتی در برخی موارد |
| آلودگی صوتی ناشی از ترافیک برای برخی نقاط مسکونی | سر و صدا و مزاحمت برای اهالی محل |
| عدم وجود پتانسیل گردشگری | رونق گردشگری |
| احساس بیگانگی و ناشناس بودن | انسجام اجتماعی |
| محدودیت در تدفین | آزادی در تدفین |
| ترویج فردگرایی | ترویج جمع‌گرایی |
| کاهش بعد معنوی و فرهنگی | اهمیت بعد معنوی و فرهنگی |

مأخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری

به طور کل هر دو دسته آرامستان‌های محلی و کلان یعنی باغ رضوان دارای نقاط ضعف و قوتی هستند و نباید هیچ کدام را نادیده گرفت و به نظر می‌رسد در نگرش صحیح باید هر دو را حفظ کرد و می‌توان سلسله مراتبی از آرامستان‌های محلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای یا شهری داشت و در سطوح مختلف این سلسله مراتب، آرامستان سطح منطقه‌ای ضعیف است که پیوند دهنده آرامستان باغ رضوان و آرامستان‌های محلی است و باید برای تقویت این سطح، آرامستان‌های جدیدی را احداث کرد. در سطح خرد حتماً باید آرامستان‌های محلی تقویت و سامان‌دهی شوند؛ زیرا سامان‌دهی آنها به دلیل قرار گرفتن در ساخت فعلی شهر و نیز پایین بودن مقاومت اجتماعی به دلیل سابقه تاریخی تدفین، می‌تواند با اقبال عمومی همراه باشد و اگر آرامستان‌های محلی به دلایل مختلف از جهت کوچک بودن مساحت و... قابلیت از سرگیری فعالیت تدفین را ندارد، اما به دلایل هویتی و اسلامی می‌بایست به عنوان نمادهای یادمانی و هویت‌بخشی شهر بازیابی و احیا شود و می‌تواند تذکر و یادآوری را برای شهروندان در پی داشته باشد.



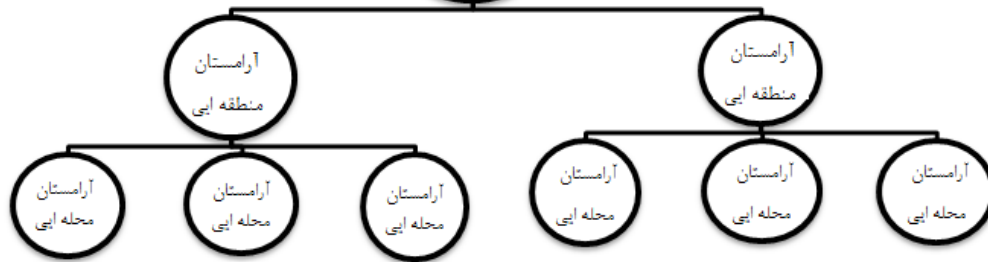
تصویر شماره ۴: فعالیت‌های فرهنگی در امامزاده نومی واقع در دولت‌آباد اصفهان؛ مأخذ: نگارندگان

آرامستان‌های محلی به عنوان یک مرکز پر جنب و جوش و فعال به‌ویژه از نظر فرهنگی هستند؛ مانند برگزاری مراسم عزاداری، تعزیه‌خوانی، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، برنامه‌های آموزشی و اعتقادی و امثالهم.

با این توضیح به نظر می‌رسد تقویت آرامستان‌های محلی در جهت سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی است؛ زیرا در چشم‌انداز این سند که مبنای تنظیم سیاست‌های کلی چهار برنامه پنج ساله کشور است و افق جهت‌گیری کلی فعالیت‌های کشور را در ابعاد مختلف طی ۲۰ سال مشخص می‌کند، آمده است: «در چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده در روابط بین‌الملل». همچنین از ویژگی‌های این چشم‌انداز «متناسب بودن با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی» ذکر شده است. در واقع در چشم‌انداز ۲۰ ساله بر تقویت ویژگی‌های اسلامی و فرهنگی تأکید ویژه می‌شود و با توجه به تأثیرات متعدد معنوی، اخلاقی و فرهنگی که سامان‌دهی آرامستان‌های محلی اصفهان به دنبال دارد، در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله قرار می‌گیرد.

البته در چشم‌انداز سازمان آرامستان‌های شهر اصفهان نیز آمده است: «آرامستان‌های اسلامی با هویت دینی، که زمینه‌ساز ترحیم روح اموات، تسلی خاطر و امید به زندگی بازماندگان و احیاء قلوب زائرین از طریق یاد مرگ و معاد در جهت تحقق شهر اسلامی می‌باشد» و از اهداف کلان سازمان آرامستان‌های شهرداری اصفهان، تقویت و حفظ هویت آرامستان‌های شهر است که بر این اساس ما را به سمت توجه ویژه به سمت آرامستان‌های محلی سوق می‌دهد (سند راهبردی سازمان آرامستان‌های شهرداری اصفهان، ۱۳۹۵).

آرامستان کلان



شکل شماره ۲: سلسله مراتب آرامستان‌ها در شهر

پی‌نوشت‌ها

- ۱- Catacomb: معابد و مقابر زیرزمینی و مخفی مسیحیان در صدر مسیحیت.
- ۲- استودان یا ستودان حفره‌هایی است که به صورت منظم و چهارضلعی یا بدون ترتیب و ساده‌تر در درون سنگ کوه ایجاد کرده، مردگان را در آن می‌نهادند و استخوان‌های آنها در آن جمع‌آوری می‌شده است. بعضی از استودان‌های عهد ساسانی مشتمل بر نوشته‌های مذهبی و نام درگذشته بوده است. این رسم یکی از رسوم زرتشتیان است و بازمانده استودان‌های کهن را می‌توان در شوشتر، نقش رستم، شهر ری و استان یزد مشاهده کرد (اوشیدری، ۱۳۷۱).
- ۳- رویکرد مدیریت محله‌ای در ایران سابقه‌ای طولانی دارد اما اکنون در غرب به عنوان راهبرد نجات بخش شهرها مطرح می‌شود.

فهرست منابع و مراجع

۱. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، **دانشنامه‌ی مزدیسنا**، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، نشر مرکز، تهران.
۲. آلسوپ، بروس (۱۳۷۱)، **تئوری نوین معماری**، ترجمه پرویز فیروزی، کتابسرا، تهران.
۳. دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۳)، **طرح مکان یابی گورستان‌های آتی کلانشهر تهران**، سازمان بهشت زهرا(س) تهران.
۴. دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۴)، **سامان‌دهی گورستان‌های تاریخی، متبرکه و متروکه تهران**، سازمان بهشت زهرا(س) تهران.
۵. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۲)، **تاریخ تمدن**، جلد ۱، ترجمه احمد آرام، چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۶. سازمان آرامستان‌های شهرداری اصفهان (۱۳۹۶)، **سازمان آرامستان‌های شهرداری اصفهان**.
۷. سلطانی فرد، هادی و قاسمی، ایچ (۱۳۹۷). «اثرات دگرگونی ساختار بر ادراک منظر در بافت تاریخی منطقه ۱۲ شهر تهران»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره سی و سوم.
۸. **سند راهبردی سازمان آرامستان‌های شهرداری اصفهان** (۱۳۹۵)، سازمان آرامستان‌های شهرداری اصفهان.
۹. عزیز، محمد مهدی؛ زبردست، اسفندیار و اکبری، رضا (۱۳۹۷)، «واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمانشهری اسلامی جهت کاربست در شهرسازی اسلامی؛ مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره سی و چهارم.

بنابراین به طور کل راهبرد کلان سازمان آرامستان‌های شهر اصفهان که در راستای شیوه اسلامی و هویتی است، می‌تواند این باشد: «حفظ آرامستان کلان، ایجاد آرامستان‌های منطقه‌ای و تقویت و سامان‌دهی آرامستان‌های محلی». در نهایت پیشنهادات راهبردی که می‌توان ارائه کرد بدین شرح است:

۱. ایجاد سلسله مراتبی از آرامستان در سه سطح خرد (محلی)، میانی (منطقه‌ای) و شهری (کلان) در مقابل تک و کلان آرامستانی شدن یا دو سطحی بودن آرامستان‌ها (محلی و شهری) که باید با سه رویکرد حفظ باغ رضوان، ایجاد آرامستان‌های منطقه‌ای و سامان‌دهی و تقویت آرامستان‌های محلی انجام شود؛
۲. تبدیل آرامستان‌های محلی به باغ مزار نه پارک مزار یا مکان تفریحی و بازی به دلیل تناسب بیشتر با فرهنگ و تاریخ ایرانی و اسلامی؛
۳. تعدیل وظایف عملیاتی و اجرایی سازمان آرامستان‌ها و تقویت نقش نظارتی آن، در صورت وجود آرامستان‌های متعدد و غیرمتمرکز؛
۴. ایجاد سلسله مراتبی از خدمات در سطح شهر برای دست‌یابی همه آرامستان‌ها به آنها؛
۵. تصویب آیین‌نامه آرامستان‌های محلی برای تعریف شاکله و چارچوب آرامستان محلی؛
۶. تاسیس پژوهشکده آرامستان‌های شهر اصفهان؛
۷. مدیریت یکپارچه آرامستان‌ها (نه مدیریت واحد) در مقابل پدیده چند مدیریت و تناقض‌ها و موازی‌کاری‌ها که باعث افزایش کارایی و جلوگیری از همپوشی‌ها و تبانیات می‌شود؛ مانند تشکیل جلسات متعدد و مستمر میان سازمان آرامستان‌ها با هیئت امنای آرامستان‌های محلی، پزشکی قانونی، نیروی انتظامی و حتی با اداره بهداشت، محیط زیست، اوقاف و میراث فرهنگی؛
۸. مدیریت محله‌ای شهر و اضافه کردن مقیاس محله‌ای و شورایی به شهر اصفهان مانند تهران به دلایل افزایش همبستگی اجتماعی، تقویت پیاده‌محوری در مقابل خودرومحوری، مشارکت مردم و بسیج منابع مردمی، گسترده‌گی مسائل و دیدن همه آنها، افزایش پاسخگویی.

۱۰. فرهادی پور، احمد (۱۳۸۸)، «راهبردهای مکان‌یابی گورستان در شهرهای کشور»، **اندیشه ایرانشهر**، شماره ۱۳.
۱۱. کریستین سن، آرتور (۱۳۶۹)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، جلد ششم، دنیای کتاب، تهران.
۱۲. مسعودی اصل، بهزاد؛ فرزین، احمدعلی و براتی، ناصر (۱۳۹۵)، «مردم‌پسندی در یادمان‌های شهید، ارزیابی موفقیت اجتماعی طرح‌های بنیاد شهید»، **ویژه نامه منظر**، شماره ۳۴.
۱۳. ملاصالحی، حکمت‌الله (۱۳۹۴)، «بازخوانی حافظه و هویت در معماری یادمانی ایران»، **مجله علمی پژوهشی باغ نظر**.
۱۴. منتظرالقائم، اصغر و حمیدی اصفهانی، حسین (۱۳۸۷). «جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی»، **نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، اصفهان.
۱۵. وحیدزادگان، فریبا؛ ایرانی بهبهانی، فریبا و طالبیان، محمدحسن (۱۳۹۲)، «ارزیابی متغیرهای تاثیرگذار بر زیبایی منظر تاریخی-فرهنگی آرامستان‌های اسلامی ایران؛ نمونه موردی: تخته فولاد اصفهان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره یازدهم.
۱۶. **هزینه‌های امامزاده کوجان** (۱۳۹۶)، هیئت امنای امامزاده کوجان اصفهان.

17. Basmajian, C., Coutts, C. (2010), "Planning for the disposal of the dead", **Journal of the American Planning Association**, 76 (3), 305-317.
18. Christopher Couttsa, Carlton Basmajianb, Timothy Chapina (2011), **Projecting landscapes of death**, *Landscape and Urban Planning*, 102 (2011) 254–261.
19. Francis, D., Kellaher, L., Neophytou, G. (2000), **Sustaining cemeteries: The user perspective**, *Mortality*, 5 (1), 34-52.
20. Kong, L. (2011), "No place, new places: Death and its rituals in urban Asia", **Urban Studies**, 1–19.
21. Manneke, E. (2012), **History in Hamilton Cemetery, Hamilton**, Hamilton Municipal Cemeteries.
22. Marr, K. (2007), **Green memorial concept growing in Virginia**, *The Washington Post*.
23. Petersson, A., Wingren, C. (2011), "Designing a memorial place: Continuing care, passage landscapes and future memories", **Mortality**, 16 (1), 54-69.
24. Relyea, Diane E. (2013), **Guidelines to Enhance the Ecological Value of Cemeteries in Southern Ontario**, Thesis presented to Landscape Architecture, The University of Guelph.
25. Shinder, K. (2004), **Quest for good governance: Contribution ontribution and potential of religiose**, Institution As Stakeholders.
26. Winter, C. (2011), "First World War cemetery: Insights from Visitor Books", **Tourism Geographies**, 13 (3): 462-479.
27. **URL1-** www.irna.ir/news/81700876/.
28. **URL2-** www.farsnews.com/news/13970522000137/.
29. **URL3-** www.isna.ir/news/97052211471/.
30. **URL4-** www.farsnews.com/news/13940104000181/.
31. **URL5-** <https://www.mojnews.com/183813/>.

نویافته‌های بقایای معماری اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلامی در حوضه رودخانه سیمره (زاگرس مرکزی)

مهناز شریفی^۱ * (نویسنده مسئول)

^۱ استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۶

چکیده

حکومت ساسانی در دوران میانی و اواخر حکومت از زمان شاپور دوم به تدریج مرکزیت سیاسی خود را از فارس به سرزمین باز و استراتژیک بین‌النهرین انتقال داد. قطعاً هدف از این انتقال مرکز قدرت، تسلط بیشتر بر مرزهای غربی و سرزمین‌های حاصل‌خیز عراق و خوزستان بوده است. دره‌های زاگرس مرکزی به عنوان نزدیک‌ترین مناطق مرتفع به مرکزیت سیاسی در این دوره به شدت مورد توجه واقع شدند که از جمله این دلایل، واقع شدن در مسیر شاهراه ارتباطی بین مرکزیت امپراتوری با مرکزیت سیاسی، حاصل‌خیزی و تنوع زیست‌محیطی را می‌توان برشمرد. وجود استقرارهایی از دوره ساسانی با تراکم نسبتاً بالاتر از حد توان زیست‌محیطی، واقع شدن در دره‌های طبیعی غیر قابل دسترس، دوری از مسیر راه‌های ارتباطی اصلی و از همه مهم‌تر ایجاد یک باره و همزمان آنها، نشان‌دهنده حضور مردمانی است که به دور از تیررس اعراب به مقاومت پراکنده و ادامه حیات خود ادامه داده‌اند، (به طوری که تمام این محوطه‌ها بر روی خاک بکر و نه در راستای تداوم استقرار از دوره قبل بنا شده‌اند). کاوش‌های جدید باستان‌شناسی منجر به نمایان شدن بخشی از بقایای معماری مربوط به خانه‌های اعیانی - اشرافی و خانه‌های مسکونی شد. در این مقاله برآنیم که علاوه بر ارزیابی کارکرد و قدمت محوطه‌های نویافته به پرسش‌هایی از جمله چگونگی ارتباط بین بناهای اربابی هم‌دوره در منطقه سیمره بپردازیم. نتایج به‌دست آمده نشانگر تداوم استقرار از دوره ساسانی تا اوایل اسلام در این بناهاست که مدارک سفالین دلیلی محکم بر تأیید این تاریخ‌گذاری است. لذا این نوشتار تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که کارکرد بقایای معماری به‌دست آمده چیست و متعلق به کدام فاز زمانی است؟ پژوهش حاضر بر مبنای کاوش‌های باستان‌شناسی طی سال‌های اخیر صورت گرفته و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، سعی در تبیین آثار معماری دارد.

واژگان کلیدی: بناهای اربابی، دره سیمره، زاگرس مرکزی، معماری ساسانی - اسلامی.

دیده می‌شود. از این رو در ارتباط با این گونه معماری هیچ نوع سبک‌شناسی مشخصی وجود ندارد. فقدان کاوش‌های گسترده، وجود تنوع زیست‌محیطی و سنت‌های متفاوت، شناخت معماری طبقه متوسط این دوره را دشوار می‌سازد (محمدی ۱۳۹۰: ۸۸). در این بین مطالعات حوضه سیمره در زاگرس مرکزی به تنهایی می‌تواند مصداق بارز ویژگی‌های معماری ساسانی- صدر اسلام باشد و خلأ موجود در این زمینه را مرتفع نماید؛ لذا پژوهش‌های اخیر در دره سیمره می‌تواند باب جدیدی در این زمینه بگشاید.

معرفی موضوع و اهداف

رودخانه سیمره که به صورت یک حائل طبیعی در حد فاصل استان‌های ایلام و لرستان قرار دارد، شرایط بسیار مساعد زیستی را در دره‌ها و دشت‌های میان‌کوهی زاگرس مرکزی ایجاد نموده و باعث شده بسیاری از استقرارها در حاشیه آن شکل بگیرد. البته مسیرهای صعب‌العبور و ارتفاعات از میزان ارتباطات آن کاسته و موجب شکل‌گیری فرهنگ‌های بومی و محلی در این منطقه شده است. در این مقاله با توجه به جدیدترین اطلاعات حاصل از شواهد باستان‌شناسی کشف شده در سال‌های اخیر در دره سیمره که صرفاً بر کاوش استوار است، به چگونگی و تبیین شیوه‌های معماری اعیانی ساسانی می‌پردازیم و ویژگی‌های آنها را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. هدف از این پژوهش، خواناسازی بافتار معماری، تعیین کاربری بافت معماری و برآورد مساحت و حدود گستره بناهای مکشوفه است. بسیاری از شهرها و محوطه‌های ساسانی پس از تسلط اعراب به سکونت خود ادامه دادند و در دوران اسلامی و حتی تا سده‌های میانی اسلامی مورد استقرار متناوب قرار گرفتند.

پرسش‌های پژوهش

عمده مدارک باستان‌شناسی و مدارک تاریخی نشان از تمرکز آثار دوران ساسانی در غرب ایران دارد. چه بسا این منطقه به دلیل نزدیکی به تیسفون به عنوان مرکز سیاسی ساسانیان و همچنین به دلیل شرایط مطلوب زیست‌محیطی مورد توجه پادشاهان دوران میانه و متأخر ساسانی بوده است. برای مثال وجود آثاری مانند طاق بستان (Overlaet, 2013)، شهر ساسانی- اسلامی سیمره معروف به مهرجان قنق (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۲-۱۲۲ و ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۸۹)، بقایای کاخ‌ها و آتشکده خسرو در سرپل ذهاب و صدها اثر شناخته شده دیگر نشان دهنده اهمیت این منطقه در دوران ساسانی است. بر این اساس در محوطه‌های دره سیمره که به عنوان یک مرکز استقرار دوره ساسانی وجود داشته، پرسش‌های اساسی مطرح می‌گردد که کاربری بناها چه بوده است؟ همچنین باید مشخص گردد که اولاً نحوه شکل‌گیری بناهای اربابی و خانه‌های اعیانی و مسکونی و ارتباط آنها به چه صورت بوده؟ ثانیاً مهم‌ترین

ساسانیان آخرین پادشاهی ایران قبل از ظهور اسلام بودند (Wieschofer, 1996). این حکومت به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخی ایران بوده و آخرین امپراتوری بزرگ ایران قبل از فتح مسلمانان و پذیرش اسلام است (Hourani, 1991: 87). این شاهنشاهی یکپارچه را اردشیر بابکان با شکست اردوان چهارم، آخرین شاهنشاه اشکانی بنا کرد و ایران را مجدداً پس از سقوط هخامنشیان برای نخستین بار یکپارچه ساخته و زیر فرمان تنها یک دولت شاهنشاهی درآورد (کریستین سن، ۱۳۸۵: ۱۰). در سال ۱۴ هجری برابر با ۶۳۶ م در جنگ قادسیه، لشکریان عرب در نبردی سرنوشت‌ساز بر لشکر ایرانیان به فرماندهی رستم فرخزاد پیروز گشتند. به دنبال این شکست، شهر مدائن پایتخت ساسانیان سقوط کرد و یزگرد سوم به مرکز ایران عقب‌نشینی نمود. در سال ۲۱ ه. در نزدیکی نهاوند سپاهیان ساسانی در برابر اعراب صف‌آرایی کردند. در این جنگ نیز لشکر ساسانیان شکست خورده و یزگرد سوم به شمال خراسان فرار نمود. این آخرین مقاومت قابل توجه در برابر اعراب بود، پس از آن فاتحان وارد ایران شدند و یکی پس از دیگری شهرها و آبادی‌ها به دست آنها فتح گردیده و سقوط کردند (آورزمانی، ۱۳۷۰: ۱۱)؛ اما شواهد باستان‌شناسی دره سیمره در زاگرس مرکزی گویای این مسئله است که شهرها و استقرارهای ساسانی این نقطه پس از تسلط اعراب به حیات خود ادامه داده و به عنوان پناهگاهی امن برای استقرار و سکونت شاهزادگان ساسانی مورد استفاده قرار گرفت. در دوره ساسانی شهرسازی گسترش فراوانی داشته است (محمدی فر، ۱۳۹۴: ۴۵). شهرهایی که در این دوره ساخته شدند، بیشتر دارای انگیزه‌های سیاسی-اداری بوده (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۲) و به شهرهای شاهی معروف بودند. آنچه که معماری به ما می‌نماید، نمایی است از اجتماع، اقتصاد، مذهب و فرهنگ جامعه انسانی که بنا در آن شکل گرفته است (محمدی فر و میرصفدری، ۱۳۹۳: ۱۹). در اینجا می‌بایست به این نکته اشاره نماییم که هرگاه از کاخ‌های سلطنتی به شهرهای کوچک و اقامت‌گاه‌های ساسانی می‌رسیم، مشخص می‌شود که این مناطق تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند (شپیمان، ۱۳۸۴: ۱۳۲). تاکنون تمرکز مطالعات صورت گرفته بیشتر بر کاخ‌ها و بناهای مذهبی ساسانیان (Boyce, 1975) و آتشکده‌ها (Hozhabri, 2013) بوده است. از این دوره کاخ‌ها و بناهای شکوهمند زیادی از جمله کاخ اردشیر اول در فیروزآباد، تیسفون (Reuther, 1929; Morony, 2009)، تخت سلیمان (Huff, 1987: 37)، قصر شیرین (Rether, 1939: 553)، بیشاپور (گیریشمن، ۱۳۷۰: ۱۳۹)، معبد آناهیتا (سرفراز، ۱۳۶۶: ۲۵) و حاجی‌آباد (Azarnoosh, 1994) به جا مانده است. با توجه به اهمیت و عظمت حکومت ساسانی متأسفانه تاکنون شناخت جامعی از بناهای اعیانی و کوشک‌های کوچک‌تر نداریم و این ابهام در معماری مسکونی این دوره نیز

عوامل موثر بر شکل‌گیری یک الگوی مداوم معماری اعیانی در دوره ساسانی و اوایل اسلام کدام است؟

روش و ماهیت پژوهش

مبنای این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است و بر اساس نتایجی است که از کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته. رویکرد مقاله این است که آخرین دستاوردها در خصوص بقایای معماری ساسانی و اوایل اسلامی را ارائه دهد تا بتوان مطالعات تطبیقی و گاه‌نگاری این حوزه با محوطه‌های همزمان را مورد تبیین و سنجش قرار داد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در سیمیره انجام پذیرفته است. استارک در سال ۱۹۲۷ از سیمیره بازدید می‌کند (استارک، ۱۳۶۴: ۱۱۸). در سال ۱۳۷۴ معتمدی، کاوش دره‌شهر را آغاز و لک‌پور کاوش را تا نه فصل ادامه می‌دهد و به نتایج ارزنده‌ای دست می‌یابد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳). ادامه پژوهش توسط فریادیان انجام می‌شود. کاوش‌های نجات‌بخشی ناشی از آبیگری سد سیمیره از سال ۱۳۸۹ آغاز شده و تا سال ۱۳۹۵ ادامه می‌یابد. طی آبیگری سد سیمیره محوطه‌هایی چون فلاگوری، لار، روئه و چم‌روئه غرقاب گردیدند. ادامه کاوش‌ها در محوطه لار که توسط آندره گدار در سال ۱۳۱۰ ثبت و به عنوان شکارگاه سلطنتی معرفی شده بود، در سال ۱۳۹۰ توسط عباس مترجم آغاز شد و بخشی از یک بنای ساسانی و اوایل اسلامی به دست آمد (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۵). همچنین در بررسی‌های انجام شده در روئه آثاری از استقرارها و بناهای ساسانی کشف شد (نیاکان، ۱۳۹۸).

مبانی نظری

جغرافیای تاریخی سیمیره

تمامی محوطه‌های باستانی سیمیره در مسیر یا نزدیک معابر طبیعی مانند مسیر جاده بزرگ خراسان هستند؛ زیرا این جاده یکی از شاهراه‌های ارتباطی باستانی بوده که از بین‌النهرین آغاز شده و با عبور از زاگرس مرکزی به فلات ایران در شرق می‌رسد و نهایتاً به چین ختم می‌شود (Christian, 2000: 25). ساکنان محوطه‌های مرتبط با این مسیر می‌توانسته‌اند از مزایای نزدیکی به این شاهراه، نظیر تبادل محصولات استفاده کنند (Levin and Young, 1986: 33; Henrickson, 1983: 15). با عنایت به اینکه سیمیره در مسیر مبادلات قرار داشته و به دلیل ویژگی‌های سوق‌الجیشی، همواره در دوران تاریخی مورد سکونت قرار گرفته است. در رابطه با پیشینه تاریخی سیمیره مورخان زیادی از منطقه یاد کرده‌اند (از جمله: ابوالفدا، ۱۳۴۹؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰ و مقدسی، ۱۳۶۱). حمدالله مستوفی در شرح ایالت جبال می‌نویسد که در باختر لر کوچک،

در مرز عراق عرب دو ولایت ماسبندان و مهرجان قذق قرار دارد که مهم‌ترین شهرهای آنها سیروان و سیمیره بوده و هنوز خرابه‌های آن دو شهر باقی است. سیروان به گفته ابن حوقل شهری کوچک و غالب ابنیه‌اش از گچ و سنگ است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۱۷). سیمیره مرکز ایالت مهرجان قذق بوده و بنا به گفته مقدسی، دژی متعلق به هرمزان، آخرین حاکم ساسانی، در آن قرار داشته و هرمزان گاهی در آن اقامت می‌کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱). راولینسون معتقد است، دژ محکمی که در کوه‌های شرق تیسفون وجود داشته و خسروپرویز به هنگام تهدید تیسفون از طرف امپراتور هراکلیوس، زنان و فرزندان خود را به آنجا منتقل کرده، در سیمیره قرار داشته است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۶). باید گفت کشف سکه‌های مربوط به خسروپرویز در دره سیمیره توسط دمرگان بر اظهارات راولینسون صحه می‌گذارد (دمرگان، ۱۳۳۹: ۲۵۲، حسن‌پور، ۱۳۹۴). نوشته‌های مورخان در مورد ورود اعراب به این ناحیه با هم اختلاف دارند و بر این عقیده بودند که لشکر اسلام به سرداری میسر ابن ابومسلم با ساکنان ماسبندان و سیمیره جنگیده و از دو طرف عده‌ای به هلاکت رسیده‌اند. دینوری مسیر حمله مسلمانان و تصرف سیمیره را از سمت خوزستان بیان کرده است (دینوری، ۱۳۸۴: ۱۶۷). با اینکه در حمله اعراب خسارت شدیدی به این شهر وارد آمد، ولی دوباره آباد شده و در دوره‌های اولیه اسلامی، معماری دوره ساسانی با بازسازی و تغییر شکل آن مورد استفاده مجدد قرار گرفته، تا اینکه زلزله‌ای هولناک آن را به طور کامل از بین برده است. این زمین لغزش که در محل تلاقی دو رودخانه سیمیره و کشکان رخ داده، از بزرگ‌ترین زمین لغزش‌های ایران است (سیاپور و قبادی، ۱۳۷۸؛ شایان، ۱۳۸۳ و Bloom, 1978). تاریخ دقیق این زلزله با توجه به آزمایش‌های سن‌سنجی صورت گرفته از رسوبات اعماق دریاچه سیمیره ۱۵۷۰۰-۲۵۰۰ برآورد شده (مالکسی و بحرالعلومی، ۱۳۸۷). مسعودی در این باره می‌نویسد: «در دی ماه سال ۳۳۴ ه. در سیمیره زلزله‌ای پدید آمد و آن شهر را ویران کرده است». مؤلف الکامل فی‌التاریخ در توصیف این رخداد و چگونگی آن چنین نوشته است: «که در هنگام زلزله در سیمیره صدایی عظیم بلند شد». ابن‌اثیر و حمزه اصفهانی نیز تاریخ زلزله را ۲۵۸ ه. ذکر کرده‌اند (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

استقرارهای ساسانی-اسلامی دره سیمیره

در این مبحث ابتدا به توصیف مختصری از بناهایی پرداخته می‌شود که طی سال‌های اخیر بخش کوچکی از آنها از دل کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده؛ سپس به مطالعه تطبیقی و گاه‌نگاری مقایسه‌ای بقایای معماری سیمیره می‌پردازیم.

شهر برزقواله

شهر بزرگ برزقواله در حاشیه رودخانه سیمیره قرار گرفته که صرفاً خانه‌ای اربابی از این شهر مورد کاوش قرار گرفت و از نظر پلان، گچبری‌ها، طاق‌ها، طاقچه‌ها و ورودی‌ها مشابهت زیادی با بنای روئه و فلاگوری دارد (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

بنای اربابی نویافته روئه

در نتیجه کاوش‌های روئه بقایای خانه اربابی به دست آمد (تصویر شماره ۱). مصالح به کار گرفته شده در این بنا عمدتاً تخته سنگ‌های رودخانه‌ای و قلوهای به همراه ملات گچ بوده است. خانه اربابی روئه از سه تالار مرکزی، شرقی و غربی در کنار هم تشکیل شده که به یکدیگر راه دارند. جرزهایی که روبه‌روی هم هستند تویزه‌ها را حمل می‌کرده‌اند و بین آنها طاق زده شده است. با توجه به شناخت معماری این دوره، می‌توان گفت این سبک معماری متعلق به ادوار میانه و یا پایانی دوره ساسانی بوده و پوشش سقف تالارهای شرقی و غربی با توجه به انباشت قطعات دارای قوس می‌توانسته با طاق آهنگ پوشانده شده باشد (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

خوش گذرانی حاکمان محلی یا اشراف‌زادگان ساسانی بوده است (حسن پور، ۱۳۹۴: ۲۷۶) با توجه به نوع معماری و گچبری‌ها می‌توان ادعان نمود که این منطقه تأثیراتی از تیسفون پایتخت ساسانیان و محوطه‌های همجوار دارد. البته این تأثیرپذیری تا قرن‌ها بعد از فروپاشی تمدن ساسانی در محوطه‌های دیگر نیز دیده می‌شود (پیشین: ۲۷۵).



تصویر شماره ۲: کوشک قلاگوری؛
مأخذ: حسن پور، ۱۳۹۵: ۴۱

بنای لار سیمره

در محوطه لار، تالار ستون‌داری با دیوارهای قطور از سنگ با ملات گل به دست آمد. مهم‌ترین ویژگی این بنا به کارگیری ستون است، به گونه‌ای که در کناره‌های فضا و حاشیه دیوارها تعبیه شده‌اند (تصویر شماره ۳). سنت استفاده از این شیوه ستون‌سازی در بناهای اواخر ساسانی مانند تخت سلیمان و قصر شیرین نیز گزارش شده. با توجه به بقایای سفالی به نظر می‌رسد این فضاها مربوط به اواخر دوران ساسانی باشند که در قرون دوم و سوم هجری به صورت متناوب مورد استفاده قرار گرفته‌اند (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۹).

محوطه مسکونی چم‌روته

نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه چم‌روته در حوضه رودخانه سیمره منجر به شناسایی بخشی از معماری و مواد فرهنگی دوران ساسانی و اوایل اسلامی گردید. این محوطه وسعتی حدود چهار هکتار دارد و بقایایی از ساختمان‌ها در ضلع غربی و شرقی آن به دست آمده است. در بخش غربی چم‌روته بقایای ساختمانی سنگی با کف قلوه سنگی گچ‌اندود پدیدار شد. ضلع شمالی و شرقی بنا را ساختارهای خشکه‌چین با کاربری فضای آشپزخانه‌ای در بر گرفته است. بر اساس مواد فرهنگی از جمله سفالینه‌ها، این محوطه متعلق به دو دوره فرهنگی ساسانی و اوایل اسلامی است (تصویر شماره ۴). مصالح به کار رفته مشتمل بر لاشه سنگ و قلوه سنگ است که در طبیعت منطقه و به دلیل مجاورت با رودخانه سیمره به وفور یافت می‌شود (تصویر شماره ۵).

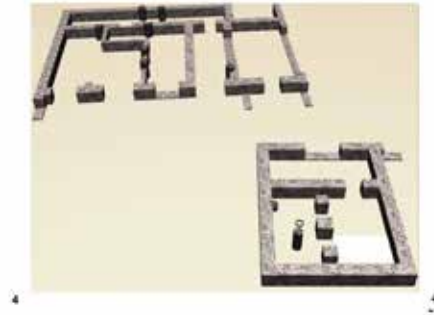
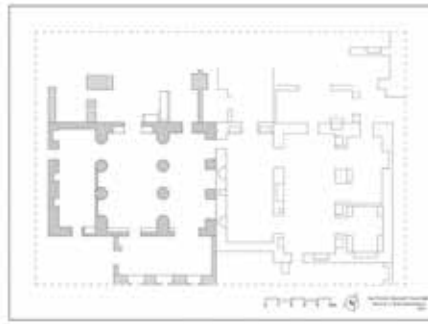
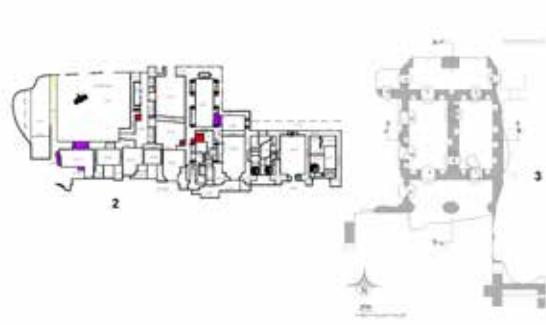
در نیمه شرقی محوطه، بقایای ساختمانی دیگر با پلان مستطیل در جهت شمال شرقی-جنوب غربی به دست آمد که فضایی حدود



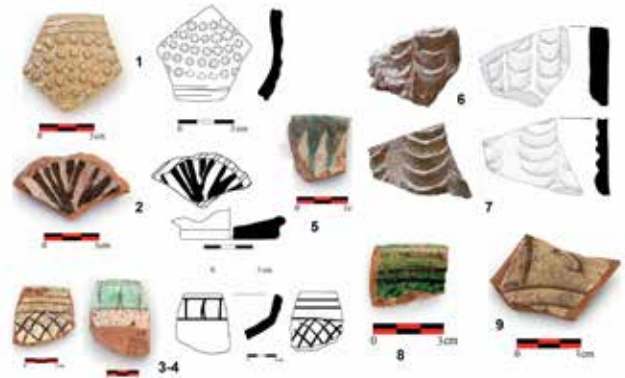
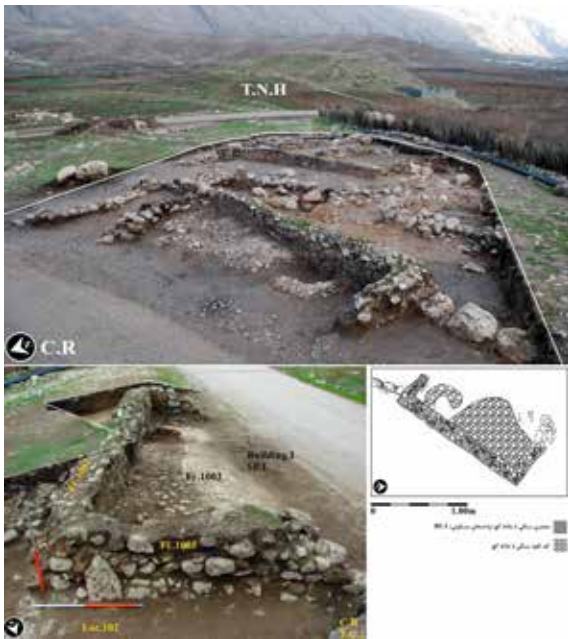
تصویر شماره ۱: نمایی از خانه اربابی روئه؛
مأخذ: نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۴۰

کوشک قلاگوری رماوند

کاوش‌های محوطه قلاگوری در حوضه رودخانه سیمره منجر به شناسایی کوشک یا قصر کوچک ساخته شده از سنگ و ملات ساروج گردید (تصویر شماره ۲). کوشک قلاگوری دارای تالار ستون‌دار و طاقچه‌های متعدد و متقارن بوده که پلاک‌های گچی منقوش و کتیبه‌های سفالی دارای نوشته به خط پهلوی ساسانی از آن به دست آمده است. این منطقه به عنوان پناهگاهی امن در مواقع خطر و همچنین تفریح‌گاه مناسبی برای شکار و



تصویر شماره ۳: پلان قلاگوری، دره شهر، چمروته، لار، رونه؛
 مأخذ: حسن پور، ۱۳۹۵؛ فریادیان، ۱۳۸۸؛ شریفی، ۱۳۹۵؛ مترجم، ۱۳۹۴ و نیاکان، ۱۳۹۸



تصویر شماره ۴: شماره ۶-۷ سفال ساسانی، شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۸، ۹،
 متعلق به اوایل اسلام؛ مأخذ: نگارنده

تصویر شماره ۵: نمای کلی ساختمان ضلع غربی شماره ۱؛
 مأخذ: نگارنده

و ملات گچ است (لک پور، ۱۳۸۹: ۲۰). خانه اربابی دره شهر بنایی مستحکم است که شامل طاق‌های هلالی، طاقچه‌ها، طاق نماها، نیم‌ستون‌ها و همچنین دارای گچبری‌های بسیار نفیس می‌باشد (فریادیان، ۱۳۸۸: ۲۷۹).

سفال

طی کاوش‌های چمروته (شریفی، ۱۳۹۵)، دره شهر (لکپور، ۱۳۸۹؛ فریادیان، ۱۳۸۸)، لار (مترجم، ۱۳۹۴) و رونه (نیاکان، ۱۳۹۸) قطعات شاخصی از سفالینه‌هایی به دست آمد که از گونه نخودی با پوشش

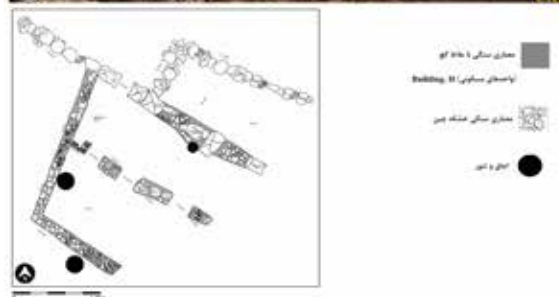
۱۵۰ متر را در بر گرفته است (تصویر شماره ۶). دیوارها از مصالح قلوه سنگ با ملات گچ ساخته شده و دارای اندود گچی است.

شهر ایرانی-اسلامی دره شهر

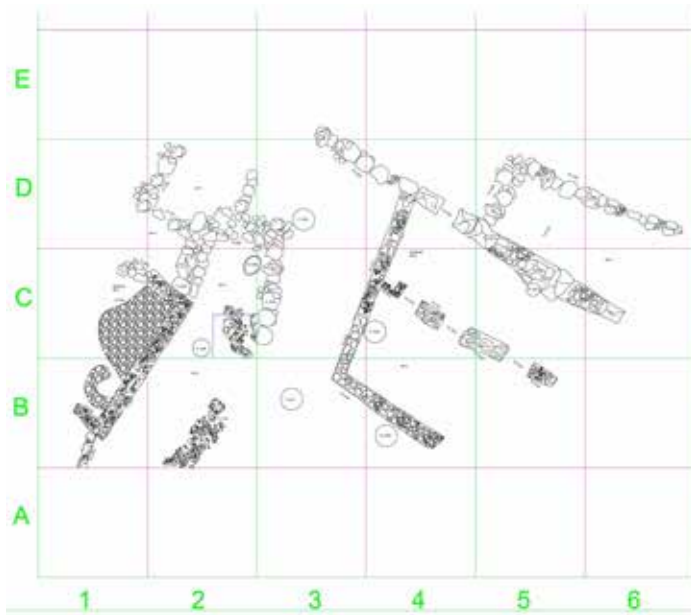
دره شهر از شهرهای مهم ساسانی و اوایل اسلامی در کنار رودخانه سیمره است. محققان معتقدند این شهر و قلعه‌های آن را خسرو دوم به منظور محافظت از خانواده‌اش بر اثر تهدیدات دشمنان تأسیس کرده است (Rawlinson, 1839). بسیاری از مورخان بنای این شهر را به دوره ساسانی نسبت داده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰) که نویافته‌های سال‌های اخیر بر این امر صحنه می‌گذارد. این شهر که از دل کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، شامل مسجد و کاروانسرا مربوط به دوره اسلامی و خانه‌های اعیانی و مسکونی مربوط به دوره ساسانی است (تصویر شماره ۷). یکی از خانه‌های اعیانی مکشوفه وسعتی حدود ۱۱۹۶ متر دارد. مصالح آن لاشه سنگ



تصویر شماره ۷: گچبری‌های مکشوفه از کاوش باستان‌شناسی دره‌شهر؛
ماخذ: فریادیان، ۱۳۸۸



تصویر شماره ۶: پلان معماری واحد شماره دو؛
ماخذ: نگارنده



تصویر شماره ۸: عکس هوایی، پلان و سه‌بعدی چم‌روته؛ ماخذ: نگارنده



تصویر شماره ۹: سفال ساسانی و اوایل اسلام دره‌شهر؛
ماخذ: فریادیان، ۱۳۸۸

گلی و تزئینات نخلی، طنابی، افزوده و انگشتی بودند. گاه‌نگاری و گونه‌شناختی این سفالینه‌ها حاکی از آن است که از نظر زمانی در طیفی از اواخر ساسانی و اوایل اسلامی قرار می‌گیرند (تصویر شماره ۹) و از مهم‌ترین مدارک در خصوص انتقال از دوره اواخر ساسانی به اوایل اسلامی هستند.

مقایسات تطبیقی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد مطالعات جدید دره سیمره منجر به شناسایی خانه‌های اربابی از دوران ساسانی گردید که بعضاً تا دوره اسلامی نیز تداوم استقرار داشته‌اند. لازم به ذکر است از بین بناهای

لذا وجود چنین طاقچه‌هایی برای گذاشتن وسایل روشنایی همچون شمعدان و پیه‌سوز الزامی بوده است (حسن پور، ۱۳۹۵: ۵۲). در این بنا طاقچه‌ها قوس دار هستند (پیشین: ۵۵).



تصویر شماره ۱۰: طاقچه مکشوفه از فلاگوری و دره شهر؛
ماخذ: حسن پور، ۱۳۹۵

۵- تالار ستون‌دار

در کاوش‌های باستان‌شناسی حوزه سیمیره صرفاً در دو بنای اربابی روئه و لار، تالار ستون‌دار به دست آمد. تالار روئه دارای ستون‌های گرد ساخته شده از سنگ و ملات گچ بوده است. همچنین به دلیل وجود قطعات بزرگ گچبری دارای قوس و شناسایی آن و عرض ورودی‌ها به نظر می‌رسد بخش‌های ورودی بنا مزین به این قوس‌های تزئینی بوده که بسیار جالب توجه است. این روش در اکثر بناهای منطقه غرب از دوره اشکانی تا به امروز متداول بوده است؛ از جمله این بناها می‌توان به بناهای دوره اشکانی، از جمله گنبد قلعه یزدگرد و قلعه خسرو اشاره کرد (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۹). ستون‌های به کار برده شده در تالار ستون‌دار لار مدور و مستطیل است. ستون‌ها عمدتاً در کناره‌های فضا و در حاشیه دیوارها ساخته شده‌اند (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

۶- مصالح ساختمانی

در خصوص مصالح ساختمانی، هوف اظهار می‌دارد که معماری ساسانی با استفاده گسترده از سنگ تراشی، ملات و تکنیک‌های انعطاف پذیر آن مشخص می‌شود (Huff, 1987: 2011). مصالح به کار رفته در محوطه‌های سیمیره نیز مشتمل بر قلوه سنگ است که در طبیعت منطقه و به دلیل مجاورت با رودخانه سیمیره به وفور یافت می‌گردد. در این ساختمان‌ها از ملات گچ استفاده شده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین ملات مورد استفاده در دوره ساسانی ملات گچ و ساروج باشد که در ساخت بناها به کار گرفته شده است (Huff, 1987: 329). در روئه جزه‌هایی که رویه‌روی هم هستند تویزه‌ها را حمل می‌کرده‌اند و بین آن‌ها طاق زده شده است (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۷). با توجه به شناخت معماری این دوره می‌توان گفت این نوع سبک معماری متعلق به ادوار میانه و پایانی دوره ساسانی است که تا دوره اوایل اسلامی نیز مورد استفاده بوده است. طبق استدلالات پیش گفته و در مجموع باید گفت محوطه‌های سیمیره اهمیت زیادی دارند و در متون بی‌شماری از آن نام برده شده. این منطقه در دوره ساسانی دارای عظمت و شکوه بوده و پس از فروپاشی حکومت ساسانی محلی امن و پناهگاهی برای

کاوش شده صرفاً چم‌روئه بنایی مسکونی و روئه، فلاگوری، لار و دره شهر خانه اربابی هستند. در این قسمت به تحلیل و مقایسه عناصر معماری بناهای مکشوفه با یکدیگر می‌پردازیم. دلیل این امر مجاورت محوطه‌ها در منطقه سیمیره و تشابه ساختاری و همزمانی آنهاست. از خصوصیات بناها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- مصالح معماری

همه بناهای سیمیره با مصالح قلوه سنگ همراه با ملات گچ و ساروج ساخته شده که در کتب تاریخی نیز به آن اشاره شده است. این مصالح در بناهای شاخص ساسانی نیز به کار گرفته شده است (Huff, 1987: 329).

۲- کف‌سازی

دره شهر دارای کف‌سازی بسیار ضخیم و مستحکمی است. کف گچی پس از یک مرحله زیرسازی از سنگ و ملات گچ و یک رج گچ مجدداً با سنگ و ملات گچ زیرسازی گردیده و در انتها با اندود ضخیم گچی، پوشیده شده است (فریادیان، ۱۳۸۸: ۷۲). در کف‌سازی چم‌روئه از تکنیک مصالح قلوه سنگی با اندود گچ استفاده نموده‌اند. در بنای فلاگوری رماوند کف فضاها شامل خاک کوبیده، قلوه سنگ و چند لایه گچی است. از آنجا که توالی و روی هم قرار گرفتن لایه‌های خاک و گچ، بستر محکم و مناسبی برای کف‌سازی نیست و پس از مدتی به علت عدم چسبندگی مناسب این دو لایه، کف از هم گسیخته می‌شود، سازندگان بنا از قلوه‌سنگ به عنوان عنصر واسطی جهت چسبندگی بهتر بین دو لایه بهره‌جسته‌اند و به ساختاری با انسجام نسبی در کف‌سازی دست یافته‌اند (حسن پور، ۱۳۹۵: ۵۲).

۳- ورودی بناها

در چم‌روئه چهار جرز تعبیه گردیده بود. حد فاصل بین جرزها را سه ورودی تشکیل می‌دهد که امکان دسترسی دو فضا را میسر می‌سازد. ارتفاع جرزها یک متر است. عرض ورودی ساختمان‌های چم‌روئه بین ۰۰۷۰ متر تا ۰۰۹۰ متر است. در حالی که عرض ورودی‌ها در بنای فلاگوری بین ۷۰-۱۵۵ cm و بزرگ‌تر است. نکته جالب توجه اینکه بین کلیه بناها، صرفاً در دره شهر ورودی‌ها تزئین شده‌اند و فرمی هندسی در جلوی این اتاق‌ها تعبیه شده تا معمار در تمامی اتاق‌های این مجموعه از این شیوه برای زیباسازی اتاق‌ها استفاده نماید.

۴- طاقچه

استفاده از طاقچه در بناهای فلاگوری، دره شهر و روئه متداول بوده و طاقچه‌هایی با ابعاد مختلف در جداره‌ها، گاه منفرد و گاه به صورت قرینه جای گرفته‌اند (تصویر شماره ۱۰). در بنای اربابی روئه دو طاقچه با پوشش نیم گنبدی به صورت قرینه تعبیه گردیده بود (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۸). در دره شهر طاقچه‌ها به صورت مخروطی بوده و در ساخت طاقچه از گچ استفاده نموده‌اند (فریادیان، ۱۳۸۸: ۷۸). در بنای فلاگوری رماوند فضاها این بنا فاقد پنجره و نور کافی بوده؛

شاهزادگان رانده شده ساسانی بوده است (Zakeri, 1995: 96). وجود پراکندگی محوطه‌های ساسانی که تا دوره اسلامی تداوم استقراری در آنها برقرار بوده، گواه این مدعاست.

خانه‌های اربابی مربوط به دوره ساسانی و صدر اسلام در خارج از مرزهای سیاسی ایران نیز به دست آمده که مشابهت‌های نزدیکی از نظر پلان با سیمره دارند؛ زیرا موقعیت جغرافیایی سیمره حاکی از رویارویی مسیر ارتباطی بین‌النهرین و نقش سیمره در گذر از این منطقه به لرستان و سپس تیسفون بوده است؛ از جمله می‌توان به خانه اربابی تیسفون اشاره نمود. معماری خانه‌های تیسفون طرح ساده شده کاخ‌ها هستند و اغلب شامل یک حیاط و ایوانی در یک ضلع و یا دو ایوان متقابل اند. خانه‌های طبقات مرفه‌تر فضاهای بیشتری داشته و ایوان در چهار ضلع حیاط جای می‌گرفت و نقشه چهار ایوانی را شکل می‌داد (روتز، ۱۳۸۷: ۶۸۷-۶۹۰). این خانه‌ها دارای حیاطی بزرگ و فضاهایی در اطراف هستند (Azarnoush, 1994: 91) و پلان آنها مربع یا مستطیل است (Reuther, 1938: 549). از دیگر خانه‌های مسکونی اواخر ساسانی و اوایل اسلام می‌توان به المعارید اشاره نمود (Reuther, 1939: 547). همچنین مشابه این بناها در تل ابوسریفه، دیوانیه در نیپور عراق و تل ذهب نیز به دست آمده (Adams, 1970: 87). لازم به ذکر است تداوم نقشه چهار ایوانی و حیاط‌های بزرگ را در بناهای اسلامی از جمله مساجد، مدارس و کاروانسراها مشاهده می‌کنیم. پلان‌های بناهای تیسفون و استفاده از طاق‌های هلالی، مشابهت زیادی با سیمره دارند. همچنین با توجه به ارتباط سیمره با شهر

تاریخی سیروان، کرمانشاه و تیسفون در غرب و مناطق ماسبدان و شاپورخواست در شرق، به نظر می‌رسد سیمره نقش بسزایی در تاریخ دوره ساسانی ایفا کرده است. شواهد به دست آمده از کاوش‌های اخیر نشان می‌دهد که منطقه سیمره یک حاکم‌نشین محلی یا یک قدرت منطقه‌ای بوده است. یکی از مهم‌ترین شواهدی که نشان‌دهنده تداوم استفاده بناها در اوایل اسلام است سفالینه‌ها هستند که در اکثر بناهای ذکر شده به دست آمده‌اند.

در مجموع باید گفت دوران ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران به لحاظ ابداع آثار هنری و معماری است که خود زمینه ایجاد برخی تحولات عمده اجتماعی، سیاسی و مذهبی گردید. به واقع با تشکیل سلسله ساسانی قدرت و عظمت پارسی بعد از دوران یونانی مآبی به ایران بازگشت. مطالعات زیادی در خصوص دوره ساسانی مخصوصاً کاخ‌ها صورت گرفته، اما اطلاعات جامعی در خصوص بناهای اعیانی علی‌الخصوص در زاگرس مرکزی وجود ندارد؛ لذا در این مقاله با توجه به نوبافته‌های حاصل از مدارک و شواهد باستان‌شناسی کشف شده سال‌های اخیر دره سیمره، به چگونگی و تبیین شیوه‌های معماری ساسانی پرداخته و ویژگی‌های آنها را مورد بررسی قرار دادیم. بسیاری از شهرها و محوطه‌های ساسانی پس از تسلط اعراب به سکونت خود ادامه دادند و حتی تا سده‌های میانی اسلامی مورد استقرار متناوب قرار گرفتند. استقرارهای حوضه رودخانه سیمره از آن جمله است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های بناهای نوبافته دره سیمره

| نام محوطه | ورودی بناها | پوشش سقف | طاقچه | ابعاد |
|-----------------------------|----------------------------------|--|---|--|
| بنای اربابی روه | ورودی بنا مزین به قوس‌های تزئینی | طاق آهنگ | نیم گنبدی و به صورت قرینه | ۳۶۰ × ۲۷۰ (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳۳) |
| کوشک فلاگوری رموند | عرض ورودی‌ها: ۷۰-۱۵۵ سانتی متر | طاق گهواره‌ای با قوسی بیضی شکل و سنگ لاشه نتراشیده و ملات گچ نیم کوب نیم‌پخت | طاقچه‌هایی با ابعاد مختلف به صورت فضایی مکعب شکل و بدنه‌های قوس دار | ابعاد ۸۷۴ × ۲۳۲ سانتی متر (حسن پور، ۱۳۹۶: ۴۱) |
| بنای اربابی لار | ضلع جنوبی | تخریب شده | طاقچه در دیواره شمالی دارای ستون از مصالح قلوه سنگ و گچی | ۲۵۵ × ۴۷۵ سانتی متر (مترجم، ۱۳۹۴) |
| محوطه چم‌روته | عرض ورودی‌ها: ۰۰.۷۰ - ۰۰.۹۰ m | مسطح | طاقچه کوچکی به شکل مستطیل | ضلع غربی: ۲۳ متر. ضلع شرقی: مساحت بیرونی و داخل حدود ۱۰۷ و ۲۲.۹۲ متر (شریفی، ۱۳۹۵) |
| شهر ایرانی - اسلامی دره شهر | ضلع جنوبی | طاق‌های هلالی و استفاده از قالب‌های گچی، طاق‌های قرینه بر روی دیوارها | طاقچه‌های متعدد بر دیوارهای بنا | ۵۰۰ متر مربع (فریادیان، ۱۳۸۸) |

بین رفتن حکومت مرکزی، مسلمانان فاتح برای مقابله با پادشاهان کوچک، شاهزادگان و حاکمان محلی مبارزه نمودند و سرانجام موفق گردیدند.

یکی از این دلایل می‌تواند حضور شاهزادگان ساسانی باشد که دره‌های سیمره را محلی امن یافته و به دنبال تجدید حیات و کسب قدرت از دست رفته ساسانی بودند، فرصتی که هیچ‌گاه به دست نیامد و در نهایت پس از سقوط امپراتوری ساسانی و از

نتیجه‌گیری

یکی از نشانه‌های تحول جمعیتی و اجتماعی زاگرس مرکزی، افزایش شمار استقرارهای ساسانی در منطقه است، به طوری که تنها در دره سیمره بیش از ده محوطه استقرار شناسایی و بخش‌های کوچکی از بناها توسط کاوش‌های باستان‌شناسی از دل خاک نمایان شده‌اند. این محوطه‌ها افزون بر شهرهای مهم‌تری هستند که در متون تاریخی به وجود آنها اشاره شده است. ممکن است این محوطه‌ها مربوط به زمان بعد از تهدیداتی باشند که اعراب برای حکومت ساسانی ایجاد کرده‌اند. وجود محوطه‌های عظیم این دوره در سیمره و در خط شهر باستانی دره شهر، وجود یک مجموعه مواصلاتی از شهرها و دژها را در این محدوده تایید می‌نماید. در منطقه سیمره خصوصاً نقاط دور افتاده محوطه‌های تک دوره ساسانی به وفور دیده می‌شود که این امر نشان‌دهنده یک نوع مهاجرت است. در ساخت تمامی سازه‌ها نوعی شتاب و عجله دیده می‌شود از جمله در جرزبندی‌ها و عدم استحکام دیوارها و شاید بتوان آن را یک معماری اواخر ساسانی یا دوره انتقالی از ساسانی به اوایل اسلامی قلمداد نمود که پس از ورود اسلام به ایران این بناها همچنان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مواد فرهنگی محوطه‌ها از جمله سفالینه‌ها نشان از تداوم استقرار تا دوران اسلامی دارد، تا زمانی که زلزله مهیب باعث نابودی و ویرانی کلیه این بناها گردید.

در این مقاله تلاش شد خانه‌های اربابی نویافته ساسانی-اسلامی سیمره مورد بررسی قرار گیرند. یکی از دلایلی که ما این بناها را خانه اربابی می‌نامیم این است که از نظر وسعت از خانه‌های مسکونی بزرگ‌تر بوده و همچنین دارای گچبری‌های نفیسی هستند که در خانه‌های مسکونی استفاده نمی‌شده است. به نظر می‌رسد بناهای باشکوه و فاخر معرفی شده در این مقاله متعلق به حاکم‌نشینانی بوده که تحت لوای حکومت ساسانی در حوزه غرب قرار داشته‌اند. به علت نزدیکی به مراکز غرب و تیسفون، سیمره از مراکز ثقل جمعیتی بوده و به عنوان محلی برای استقرارهای ساسانی مورد توجه واقع شده است. با عنایت به آنچه که از کاوش‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر به دست آمده، می‌توان سبک معماری سیمره را به دلیل مجاورت با رودخانه استفاده از مصالح سنگی و ملات گچ برشمرد. یکی از ویژگی‌های طبیعی سیمره دسترسی به منابع زیست‌محیطی است که در کنار رودخانه قرار دارد که هم از منابع آبی استفاده شده و هم پتانسیل مناسبی برای دامداری داشته است. با توجه به مستندات موجود به نظر می‌رسد خانه‌های اعیانی سیمره ویژگی‌های مشترکی در عناصر معماری از جمله پلان‌های مستطیل شکل، طاق‌های هلالی و طاقچه‌ها دارند. تقارن، یک عامل مشترک در کلیه بناهاست. ورودی آنها در یک امتداد قرار گرفته و علی‌رغم تکنیک‌های بالای معماری، به کارگیری مصالح نامرغوب در این محوطه‌ها تا

سده‌های اولیه اسلامی دیده می‌شود که دلیل دیگری بر شتابزدگی در ساختن آنهاست و در نهایت در حدود نیمه قرن دوم هجری تماماً برای همیشه متروک می‌گردند.

لازم به ذکر است سیمره منطقه‌ای دلتایی و رسوبی و البته محدود است و به صورت تنگه‌های بریده می‌باشد و در عین حال تردد از یک تنگه به تنگه دیگر مشکل است. عرض تنگه‌ها کم است و گاهی در قسمت‌هایی که عرض دره‌ها بیشتر می‌شود موجب رشد کشاورزی می‌گردد؛ لذا باعث تشکیل مجموعه بافت‌های روستایی شده و در حاشیه آن خانه‌های مسکونی شکل گرفته و در کنار آن، خانه‌های بزرگی ساخته شده که در ادبیات باستان‌شناسی به عنوان خانه‌های اربابی مطرح می‌شوند. بنابراین موجب شکل‌گیری الگوهای تطبیقی بین معماری و محیط زیست شده است. در پایان باید به این نکته اشاره نمود که در دوره شکوفایی اسلامی هیچ استقراری در این منطقه دیده نمی‌شود؛ لذا با توجه به مواد فرهنگی از جمله سفالینه‌ها، از بناهای دره سیمره به عنوان دوره انتقالی به دوره اسلامی یاد می‌کنیم.

فهرست منابع و مراجع

۱. استارک، فریا (۱۳۶۴)، **الموت**، لرستان و ایلام، ترجمه علی محمد ساکی، انتشارات علمی، تهران.
۲. ابن حوقل، محمد (۱۳۴۵)، **صورة الارض**، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۳. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۷۰)، **المسالك و الممالك**، ترجمه حسین قره چانلو، نشر نو، تهران.
۴. ابوالفدا، عمادالدین اسماعیل (۱۳۴۹)، **تقویم البلدان**، ترجمه آیتی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۵. آوزرمانی، فریدون (۱۳۷۰)، «شهرهای ایران در زمان ساسانیان»، **ماهنامه فرورد**، شماره ۳۲۷، صص ۹-۲۲.
۶. حسن پور، عطا (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر معماری بنای قلا گوری»، **مجله اثر**، شماره ۷۴، صص ۳۷-۶۰.
۷. حسن پور، عطا (۱۳۹۴)، «مقایسه تطبیقی گچبری‌های بدست آمده از کاوش فلاگری راموند»، **مقالات همایش سیمره. پژوهشگاه میراث فرهنگی**، صص ۲۶۳-۲۷۸.
۸. دمرگان، ژان ژاک (۱۳۳۹)، **جغرافیای غرب ایران**، ترجمه کاظم ودیعی، انتشارات چهر.
۹. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۴)، **اخبار الطوال**، ترجمه محمود مهدوی، انتشارات نی، تهران.
۱۰. راولینسون، سر هنری (۱۳۶۲)، **گذر از ذهاب به خوزستان**، ترجمه سکندر امان‌اللهی، انتشارات آگاه.
۱۱. روتر، اسکار (۱۳۸۷)، **تاریخچه معماری دوره ساسانی**، به کوشش آرتور پوپ و فیلیس اکرم، علمی و فرهنگی، صص ۶۳۹-۷۱۰، تهران.
۱۲. سیایور، مرتضی و قبادی، حسین (۱۳۷۸)، «بهن سنگی سیمره، ابر زمین لغزش شناخته شده جهان»، **زمین‌شناسی و محیط زیست**، صص ۱۰۹-۱۱۵.
۱۳. سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۶۶)، **بیشاپور در شهرهای ایران**، جلد ۲، به کوشش محمد یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، صص ۲۲-۷۴، تهران.

۱۴. شایان، سیاوش (۱۳۸۳)، «شواهد ژئومورفولوژیکی در سن سنجی زمین لغزش بزرگ سیمره»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، شماره ۱، صص ۷۰-۴۵.
۱۵. شمیمان، کلاوس (۱۳۸۴)، **مبانی تاریخ ساسانیان**، ترجمه کیکاوس جهاناداری، انتشارات فروزان، تهران.
۱۶. شریفی، مهناز (۱۳۹۵)، **گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی چم روته**، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی.
۱۷. علیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰)، «عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان»، **فصلنامه مطالعات ایرانی-اسلامی**، شماره ۳، صص ۷۱-۷۶.
۱۸. فریادیان، بهزاد (۱۳۸۸)، **کاوش‌های دره‌شهر**، گزارش منتشر نشده، پژوهشکده باستان‌شناسی.
۱۹. کریستین سن، آرتور (۱۳۸۵)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات معاصر.
۲۰. گیرشمن، رمان (۱۳۷۰)، **هنر ایران در دوران پارت و ساسانی**، ترجمه بهرام فره‌وشی، انتشارات علمی، فرهنگی.
۲۱. لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹)، **کاوش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر سیمره**، انتشارات پازینه.
۲۲. لسترینج، گی (۱۳۷۷)، **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی-فرهنگی، تهران.
۲۳. مالکی، ا و بحرالعلوم، فرانک (۱۳۸۷)، «معرفی دو پارینه زمین لغزه در منطقه سیمره»، **دهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران**، دانشگاه تهران.
۲۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد (۱۳۶۱)، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، ترجمه علی‌نقی منزوی، مؤلفان و مترجمان ایران.
۲۵. محمدی‌فر، یعقوب و میرصفدری، شراره (۱۳۹۳)، «سبک‌شناسی معماری هخامنشی»، **فصلنامه مطالعات ایرانی-اسلامی**، شماره ۱۶، صص ۱۹-۲۸.
۲۶. محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۹۴)، «کاوش قلعه سیرم شاه»، **مقالات همایش سیمره. میراث فرهنگی**، صص ۲۱۹-۲۳۵.
۲۷. مترجم، عباس (۱۳۹۴)، «کاوش لار»، **مقالات همایش سیمره**، میراث فرهنگی، صص ۲۰۰-۲۱۰.
۲۸. محمدی، مریم (۱۳۹۰)، «مطالعه گونه‌شناسی، عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی»، **پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۴.
۲۹. نیساکان، لیلی (۱۳۹۸)، «بنای ساسانی روتّه بر کرانه‌های سیمره»، **پژوهش‌های باستان‌شناسی**، صص ۱۲۹-۱۴۸.
30. Adams, Robert, MC, (1970), **A Sasanian –Islamic sequence from south central Iraq**, *Ars Orientis* 8, 80-119.
31. Azarnoush, Massoud, (1994), **The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran**, Monografie di Mesopotamia III, Florence, and Casa.
32. Bloom, A. L, (1978), **Geomorphology, a Systematic Analysis of Late Cenozoic Landforms**, New Jersey: Prentice Hall.
33. Boyce, Mary (1975), "A History of Zoroastrianism (Handbuch der Orientalistik Series)", Leiden: Brill; Repr, **A History of Zoroastrianism: Vol 1, The Early Period**.
34. Christian, David (2000), "Silk Roads or Steppe roads?," **journal of world history** 11, No 1, 1-26.

تأثیرات مگامال‌ها بر هویت محله‌ای در شهر تهران مطالعه موردی: اطلس مال نیاوران*

اسماعیل شیعه^{۱*} (نویسنده مسئول)، مهسا حاجیانی^۲

^۱ استاد گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
^۲ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

بازارها، نقش اساسی و غیر قابل انکاری در هویت بخشی فرهنگی، ملی و بومی به شهرهای ایرانی - اسلامی بر عهده داشته‌اند، به نحوی که حیات شهر در پیوند با بازار رقم می‌خورد؛ اما با تغییر و تحول این گونه فضاهای تجاری و شکل‌گیری مجتمع‌های تجاری در فضای مدرن و به خصوص با تاسیس مگامال‌ها نگرانی‌های جدی درباره تأثیرات این فضاها بر هویت‌های مکانی به وجود آمده است. بر این اساس سوال اصلی مقاله حاضر آن است که احداث و فعالیت مگامال‌ها چه تأثیری بر هویت‌های جمعی و به طور مشخص هویت محله‌ای به جا خواهد گذاشت؟ پیش فرض اصلی نویسندگان آن است که هویت محله‌ای (به عنوان یک سطح از هویت مکانی) پدیده‌ای متغیر است و تحت تأثیر بافت‌های شهری و عناصری مانند مگامال‌ها قرار گرفته و تضعیف می‌شود. به منظور بررسی این فرضیه، مورد مطالعاتی اطلس مال که در منطقه نیاوران در حال احداث است، انتخاب شد. این پژوهش با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شده و روش تحقیق آن ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی بوده است. در ابتدا وضعیت کنونی هویت محله‌ای با روش نظرسنجی و با حجم نمونه ۳۰۰ نفری از اهالی سه محله اطراف (محلات بلافصل) پروژه مورد سنجش قرار گرفت. همچنین برای پیش‌بینی تأثیرات احتمالی پروژه بر هویت محله‌ای ساکنان توأمان از روش‌های مراجعه به خبرگان دانشگاهی، مراجعه به مطلعین و خبرگان محلی و نیز بررسی تأثیر سه مجتمع در حال فعالیت (تیرازه، ارگ و کوروش) استفاده شد. یافته اصلی مقاله آن است که هویت محله‌ای فعلی در محلات سه‌گانه اطراف اطلس مال در حدی قوی (بالا تر از میانگین) قرار دارد و دیگر آنکه تأثیر اطلس مال بر هویت محله‌ای اهالی، در ارتباط با (و منوط به) شش پیشران کلیدی دیگر مانند مصرف‌گرایی، حضور برندهای خارجی، معماری مدرن، ترافیک و حمل و نقل، ازدحام و شلوغی، بازدید کنندگان، قیمت زمین و املاک قرار دارد. در نهایت باید گفت پیش‌بینی می‌شود تأثیرگذاری پروژه اطلس مال بر هویت محله‌ای به صورت بسیار تدریجی، آهسته و کند خواهد بود و امکان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کاهش اثرات منفی آن وجود دارد که این مهم بر عهده مدیران شهری و مدیریت پروژه، پیش و پس از شروع فعالیت‌های مجتمع اطلس مال است.

واژگان کلیدی: بازار، مجموعه‌های تجاری بزرگ مقیاس، مگامال، هویت محله‌ای، هویت مکانی، اطلس مال.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ای کارشناسی ارشد مهسا حاجیانی تحت عنوان «ارزیابی تأثیرات مجموعه‌های بزرگ تجاری بر هویت محله‌ای با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: اطلس مال نیاوران)» که به راهنمایی دکتر اسماعیل شیعه در دانشگاه علم و صنعت ایران انجام شده است.

* همچنین این پژوهش مورد حمایت مالی مرکز برنامه‌ریزی شهر تهران بوده است.

مقدمه

رابطه بین فضاهای شهری و هویت در ادبیات شهرسازی مورد تاکید جمع‌کنشی از اندیشمندان و متفکران این حوزه بوده است. از این منظر، شهر نه فقط به عنوان یک مجموعه ساخته شده بلکه به عنوان یک «فضا»^۱ در نظر گرفته می‌شود که تاثیر عمیق و جدی بر ذهنیت، تصورات، باورها و هنجارهای شهروندان دارد. البته این مسئله، جدا از موضوع هویت مکان است که به تامل درباره ویژگی‌های هویتی خاص هر مکان می‌پردازد. هویت مکانی^۲، یکی از سطوح و انواع هویت‌های جمعی^۳ به شمار می‌آید. به این معنی که کنشگران اجتماعی می‌توانند هویت خود را به وسیله و یا با سطوح متعددی شناسایی و بازنمایی کنند و در میان این لایه‌های مختلف که به عنوان منابع هویت‌بخش نیز می‌توان از آنها یاد کرد، هویت محله‌ای یا اجتماع محلی، خردترین سطح هویت جمعی را شکل می‌دهد. در سطح بالاتر هویت شهری و سپس هویت قومی (یا معادل آن هویت منطقه‌ای یا ناحیه‌ای) و در سطح کلان‌تر هویت ملی و هویت جهانی (یا انسانی) مطرح می‌شوند. در این میان، هویت محله‌ای در ساختار هویتی فرد نقش مهمی دارد و تاثیرات آن بسیار عمیق و قابل توجه است. قوت و تحکیم هویت محله‌ای باعث افزایش قوام و یکپارچگی ذهنی و شخصیتی افراد شده، میزان مشارکت آنها در امور شهری و محلی را تقویت نموده و نهایتاً باعث تسهیل در اداره امور و مدیریت شهری خواهد شد؛ اما به رغم اهمیت هویت محله‌ای، در دوره مدرن و به‌خصوص در کلان‌شهرها، یکی از اولین سازه‌های ذهنی و فرهنگی مورد تخریب، هویت محله‌ای است. به این معنی که به نظر می‌رسد رشد سریع شهرنشینی و صنعتی شدن، به سرعت هویت و تعلقات هویتی را در محلات به‌ویژه محلات سنتی و پر سابقه تاریخی، تضعیف نموده و یا به تحلیل می‌برد. از میان روندهای تضعیف‌کننده هویت محله‌ای، فضاها و پدیده‌های نوظهوری همچون مجتمع‌های بزرگ تجاری بسیار حائز اهمیت هستند؛ به‌خصوص آنکه این مجتمع‌ها از روند رشد سریعی برخوردارند و هم‌اکنون در اقصی نقاط کشور و در قلب محلات بی‌شماری در حال تاسیس، احداث و بهره‌برداری‌اند. بر این اساس مسئله و دغدغه اصلی مقاله حاضر بررسی و ارزیابی تاثیر مگامال‌ها بر هویت محله‌ای بوده و به این منظور در پی پاسخ دادن به این سوال مهم است که «تاسیس، احداث و بهره‌برداری از مجتمع‌های تجاری بزرگ مقیاس چه اثراتی بر هویت محله‌ای اهالی و ساکنان اطراف این مجتمع‌ها (که در ارتباط بلافاصل با این مجتمع‌ها هستند) خواهد گذاشت»؟

تحولات بازار در ایران

در ابتدای بحث به بررسی نقش بازار در شهرسازی سنتی ایرانی - اسلامی و دوره مدرن پرداخته می‌شود.

الف) تحولات بازار سنتی در شهرهای ایرانی اسلامی: در

شهر سنتی، بازار به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و هویتی، ستون فقرات و هسته شهرها را تشکیل می‌دهد که دارای سلسله‌مراتب و محل دسته‌بندی و عرضه کالا است و در عین حال می‌توان نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی را در چهره و سیمای آن مشاهده کرد. در مقابل این پدیده در شهرهای امروزی دنیا پدیده‌هایی مانند سوپر مارکت‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای و با شبکه‌های پخش آنها در سطح نواحی و محله‌های شهر شکل گرفته که بیشتر جنبه‌های تجاری و اقتصادی داشته و فضای اجتماعی شهرهای سنتی در آن قابل ملاحظه نیست. در واقع فضاهای جدید نمی‌توانند جای بازار را با تمام ویژگی‌های آن پر کنند. در شهرهای اصیل و سنتی، بازار یک عنصر شهری با مکانی ثابت است، به گونه‌ای که حیات شهر و بازار به هم گره خورده و در بسیاری از موارد شهرها با بازارها معنی و مفهوم پیدا می‌کنند. از آنجا که بازار، یک عنصر مهم شهری است، در پیوند فضایی با دیگر اجزا و عناصر شهر مانند: میدان عمومی، مسجد جامع، گذر (در سده اخیر خیابان)‌های اصلی و ... قرار دارد. بازار تنها عملکرد اقتصادی نداشته، بلکه به موازات آن کارکردهای فرهنگی، مذهبی و حتی سیاسی و روحی روانی دارد. بازار سازمانی مشخص و معین دارد که قسمتی از آن را می‌توان در بخش‌بندی فضایی اصناف یا موسسات مالی خودجوش (همچون صندوق‌های قرض الحسنه) که در سال‌های اخیر گسترش بیشتری یافته‌اند، مشاهده کرد (رجبی، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، فضاهای تجاری - خدماتی از دیرباز از ارکان‌های هر مجموعه زیستی بوده و در واقع حکم قلب را برای آنها ایفا می‌کرده‌اند تا آنجا که عده‌ای از محققان اساس شهرهای اولیه را در قلمرو تجاری آنها جست‌وجو کرده و تا آنجا پیش می‌روند که تمدن انسان را زاده غریزه تجاری انسان می‌دانند. در نظریه اقتصادی «پیدایش شهرها در نتیجه عامل تجاری»، شهر، کانون برخورد مسیره‌های تجاری به شمار آمده که این مسیره‌ها در بازار به هم می‌رسند (شکوئی، ۱۳۸۳: ۳۳). از این منظر، یکی از شاخص‌های عمده اقتصادی و تجاری هر منطقه‌ای، مراکز تجاری^۴ قدیمی و نوین آن منطقه‌اند و این مراکز کانون داد و ستد بوده و ارتباط مستقیم بین عرضه و تقاضا را برقرار می‌سازند (فرزام شاد، ۱۳۸۶: ۵۳). در طول تاریخ، مراکز تجاری با دگرگونی‌های مختلف و زیادی همراه بوده‌اند؛ به عنوان مثال حجره (دکان)، کاروانسرا، تیمچه و قیصریه از فضاهای معماری بازار به شمار می‌روند (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۰۳). در اکثر تعاریف از بازار، بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی (تجاری) آن تاکید می‌شود؛ برای مثال در دانشنامه جهان اسلام، بازار به عنوان منطقه‌ای معین، در دست مجموع افراد خاص که به تناسب حرفه خویش و عرضه و تقاضایی که در جامعه وجود دارد، به تنهایی یا گروهی دادوستد می‌کنند، در نظر گرفته شده (حدادعادل، ۱۳۷۸: ۳۹۲) یا به عنوان «جای دادوستد و خرید و فروش کالا یا محل اجتماع خریداران و

فروشنندگان» تعریف شده است (بیگلری، ۱۳۵۵: ۳۰). در هر حال بازارها، قلب اقتصادی شهر هستند (ضیاءتوانا، ۱۳۸۰: ۲۱). از نظر ویژگی‌های فرهنگی و سبملیک، بازارهای سنتی از بهترین عناصر سبملیک معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی است که بیانگر ویژگی‌های این معماری است؛ یعنی «درون‌گرایی» دارد، «خود بسنده» است، در ساخت آن «پرهیز از بیهودگی» و اتلاف فضا دیده می‌شود و در نهایت، پیوستگی کامل میان اجزای آن، وجود داشته است (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۱۵)؛ بنابراین، این فضاها کاملاً منطبق بر الگوهای فرهنگی جامعه بومی خود است که منجر به ایجاد محیط مناسب برای ترویج فرهنگ جامعه ایرانی شده است. در نتیجه می‌توان خصوصیات مهم بازارهای سنتی ایرانی را با توجه به حاکمیت روح معماری سنتی ایرانی شامل این موارد دانست: پیوستگی بافت کالبدی به صورت متصل و پیوسته کنار یکدیگر؛ بدین ترتیب که اجزایی چون مسجد، مدرسه، تکیه و حمام در درون بافت بازار در ترکیبی وحدت‌بخش بدون تضاد و تعارض شکل می‌گیرد. تناسب ابعاد زمین‌ها با کارکرد آنها: یعنی زیربنای فضاهای تجاری در بازارهای سنتی متناسب با نقش و کارکردشان و بعضاً منزلت اقتصادی آنها، تعیین می‌شود. سایر ویژگی‌های بازار سنتی شامل موارد زیر است: حاکمیت وزن و ریتم، وحدت و تنوع و مظاهر زیبایی‌شناسانه که بدان هویتی خاص و منحصر به فرد می‌بخشد، تشکیل یک واحد جغرافیایی و اجتماعی تکامل‌پذیر، تأثیرپذیری از افکار و اندیشه‌های حاکم بر جامعه، داشتن پویایی فضایی، اقتصادی و اجتماعی در عین رعایت ملاحظات پایداری (رجبی و سفاهن، ۱۳۸۸). از همه مهم‌تر آنکه بازارهای اصلی یا بزرگ در تهران، تبریز و سایر شهرهای ایرانی - اسلامی نقش محور فرهنگی، تاریخی و هویت‌ساز را برای شهر ایفا می‌کنند.

ب) تحولات بازار در دوره مدرن: با بروز تحولات جدید در ایران که از اواخر دوره قاجار آغاز شد و در دوره پهلوی دوم سرعت گرفت، تغییرات معنی‌داری در ساختار بازار قدیمی پدید آمد. رشد سریع شهرنشینی و پیدایش شهرهای جدید نیاز به مراکز خرید جدید را به وجود آورد و ساخت و سازهای جدید رونق گرفت. رضاشاه، اولین پاساژ ایران را در خیابان لاله‌زار نو ساخت و پس از آن این خیابان به سرعت به یکی از خیابان‌های مد روز آن زمان تبدیل شد. در ادامه و تحت تأثیر مراودات فرهنگی ایران و غرب، مراکز و پاساژهای جدید در کنار بازار قدیمی تاسیس شد که از مهم‌ترین آنها ساختمان نوین و مرتفع پلاسکو بود. احداث این ساختمان در سال ۱۳۴۲ به پایان رسید و ۱۷ طبقه داشت. پس از آن موج ساخت مراکز خرید نوین رونق گرفت و قبل از انقلاب اسلامی چند مرکز خرید زنجیره‌ای از جمله کوروش فعال شدند که بعد از انقلاب به قدس تغییر نام دادند. پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه بعد از جنگ تحمیلی، دولت به تاسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه در سراسر کشور پرداخت. همچنین شهرداری تهران

نیز فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند را در تهران تاسیس نمود. شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه به عنوان یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های توزیع نوین کالا در کشور با هدف تهیه، تامین، توزیع و فروش کالاهای اساسی در راستای نوین‌سازی نظام توزیع کالاهای مصرفی و بادوام در سطح خرده‌فروشی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در کنار اینها موج جدید پاساژسازی در شهرهای کوچک و بزرگ ایران راه افتاد که با حمایت ضمنی دولت و مدیریت شهری روبه‌رو بود. همچنین با رونق گرفتن فعالیت‌های تجاری در جزیره کیش و سپس قشم چندین پاساژ بزرگ در این دو جزیره راه‌اندازی شد. در همین مقطع با تغییر الگوی مصرف و فراغت و نیز تغییر الگوی تغذیه و رشد فست‌فودها، پاساژها به مراکز جدید عرضه مواد غذایی هم تبدیل شدند و این نوع فروشگاه‌ها فست‌فودها را نیز به خود ضمیمه کردند. با تأخیری اندک و طی دهه هشتاد شمسی، مراکز خرید جدیدی شروع به فعالیت کردند. از مهم‌ترین این مراکز در شهر تهران، مرکز خرید گلستان در شهرک غرب بوده است. با فاصله نسبتاً طولانی از ساخت این مرکز خرید، مجتمع فرهنگی - رفاهی اکباتان در قلب شهرک اکباتان است که از حدود سال ۱۳۸۷ هجری شمسی ساخته شد. این طرح در زمینی به مساحت ۱۹ هکتار ساخته شده و حاصل سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور ایران و مالزی است که به منظور ایجاد فضایی فرهنگی، ورزشی، تفریحی، رفاهی، خدماتی و اقامتی طراحی شده است. از دیگر مراکز مهم و بزرگ خرید، مجتمع فرهنگی تجاری کوروش است که در بزرگراه شهید ستاری، واقع شده و دارای ۱۸ طبقه و ۵۵۰ واحد تجاری است. از دیگر مراکز مهم خرید در تهران، مرکز خرید تیراژه در غرب و ارگ تجریش در شمال تهران است. نکته قابل ذکر، حجم منابع مالی فراوانی است که به این حوزه تخصیص داده شده است. علاوه بر این چند مورد خاص، اشاره اجمالی به موج مال‌سازی و آمار مراکز تجاری فعال و در حال احداث در کشور لازم است (جدول شماره ۱).

| شهر | تعداد | شهر | تعداد |
|-----------|-------|--------|-------|
| تهران | ۶۰ | کرج | ۱۷ |
| مشهد | ۲۶ | شیراز | ۸ |
| تبریز | ۱۲ | کیش | ۶ |
| یاسوج | ۱ | اصفهان | ۹ |
| قم | ۲ | قشم | ۴ |
| ارس | ۴ | زنجان | ۲ |
| قزوین | ۴ | بم | ۱ |
| اهواز | ۲ | یزد | ۲ |
| بندر عباس | ۸ | اراک | ۱ |
| کرمان | ۲ | انزلی | ۲ |
| جمع کل | ۱۶۰ | | |

مآخذ: پردازش‌های مقاله توسط نگارندگان

آنچه به لحاظ نظری منشأ نگرانی شده، تاثیرات فرهنگی و اجتماعی این فضاهای کالبدی بر هویت‌های محلی است که مسئله اصلی مقاله حاضر است.

پیشینه تحقیق

با شیوع تب مال‌سازی، تجاری‌سازی و لوکس‌سازی در بافت‌های هویت‌مند شهری طی چند دهه گذشته در آمریکا و سپس اروپا و آسیا، تحقیقات و پژوهش‌های متعددی با رویکردهای بین‌رشته‌ای، در این باره انجام و تلاش شده ابعاد مختلف فرهنگی اجتماعی این مجموعه‌های شهری مورد بررسی قرار گیرد. با این همه، این گونه مطالعات، بسیار جوان و نو به شمار می‌آید (اباذری و کاظمی، ۱۳۸۴). از مهم‌ترین مطالعات انجام شده در خارج از کشور درباره مراکز خرید بزرگ و مگامال‌ها، تحقیقی درباره هم‌زیستی مراکز خرید لوکس و مجلل با قهوه‌خانه‌های سنتی در آنکارا و استانبول و آثار هویتی آنها بوده که با روش کیفی (مردم‌شناختی) انجام شده و نتیجه گرفته است که چه در فضای مدرن و چه در سنتی، هر دو نوع هویت غربی و هویت بومی - محلی توأماً وجود دارد (Asli, 2001). همچنین در پژوهش دیگری تحولات مال‌ها در آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و وضعیت دهه ۱۹۷۰ میلادی با مفهوم «فرهنگ مال» توصیف شده است (گوئن، ۱۳۹۵). در میان محققان ایرانی نیز پیرامون موضوع پرسه‌زنی در مراکز بزرگ تجاری (کاظمی، ۱۳۸۸)، درباره تجربه زیستی زنان در مرکز خرید ستاره فارس شیراز (محمدپور و بهمنی، ۱۳۸۹)، در مورد تجربه فراغت جوانان در فضاهای خرید شهری (کاظمی و حسین‌آبادی، ۱۳۸۸)، در خصوص نسبت بازار سنتی شهر تبریز با مگامال (آهور، ۱۳۹۱ و نصرتی، ۱۳۹۲)، درباره رابطه بازار قدیمی تجریش با بازارهای جدید و نحوه هم‌زیستی میان این دو بخش (AzadAramki, 2014) و نهایتاً در مورد تجربه مدرنیته از خلال فضاهای تجاری تهران (آذری، ۱۳۹۲) مطالعاتی انجام داده‌اند. ناگفته پیداست که تمرکز این محققان به اثرات مستقیم یا بلافاصله فرهنگی مگامال‌ها بر مشتریان و بازدید کنندگان آنها و یا رابطه بازار سنتی و بازارهای جدید بوده است. لذا پژوهشی که به صورت مستقیم به بررسی هویت محله‌ای و نسبت آن با مجتمع‌های تجاری توجه نموده باشد، در دست نیست. البته چند پژوهش دیگر توسط محققان ایرانی درباره هویت محله‌ای انجام شده که از آن میان می‌توان به تحقیق درباره مکان‌های شهری از دیدگاه پدیدارگرایی (پرتوئی، ۱۳۹۴: ۱۸)، معیارهای ارزیابی هویت کالبدی (میرمقتدایی، ۱۳۸۹: ۲۵)، سنجش هویت مکانی (احمدیه، ۱۳۹۰: ۲۷)، دل‌بستگی به محله مسکونی (امیر کافی و فتحی، ۱۳۹۰) اشاره نمود که سعی کرده‌اند با روش‌های کمی یا کیفی وضعیت هویت محله‌ای را اندازه‌گیری کنند. همچنین دو تحقیق خاص نیز به تاثیرات طرح‌های کلان‌شهری بر اقتصاد محلی و اجتماعات محلی پیرامون آنها پرداخته‌اند که در اولی، نمونه موردی دریاچه شهدای

خلیج فارس منطقه ۲۲ شهر تهران بوده (نوری، ۱۳۹۳: ۲۱) و در دومی تاثیر ایجاد آبر پروژه‌های شهری بر فرایند توسعه اجتماعات محلی در مجتمع الماس شرق مشهد (پهلوان، ۱۳۹۲: ۳۸) بررسی شده است. قابل ذکر است که هر دوی این محققان، بیشتر جنبه‌های اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی ناشی از احداث مگامال‌ها را مد نظر قرار داده و اثرات آنها را عمدتاً منفی ارزیابی کرده‌اند. در مجموع، مطالعه ای که به طور مشخص درباره اثرات مگامال‌ها بر هویت محله‌ای انجام شده باشد، مشاهده نشد. ضمن آنکه بررسی‌های انجام شده نیز عمدتاً پس‌رویدادی بوده و پس از اجرا و آغاز فعالیت طرح‌های تجاری، اجرا شده‌اند که می‌دانیم این نوع مطالعات تاثیر چندانی در اصلاح سیاست‌ها و فرایندها ندارند.

چارچوب نظری

از آنجا که دغدغه یا مسئله اصلی مقاله حاضر بررسی مشکلات و چالش‌های پیش روی هویت محله‌ای (به عنوان یکی از انواع یا سطوح هویت مکانی) با تاکید بر اثرپذیری آن از بازارهای مدرن یا مگامال‌ها (به عنوان یکی از فضاهای مدرن شهری) است، در ابتدا باید به سراغ رویکردهای نظری رفت که تحول و تغییر در هویت‌های جمعی (در اینجا هویت محله‌ای) را توجیه کرده و توضیح می‌دهند. در ابتدا باید گفت هویت مکانی (یا محله‌ای) از هویت مکان متفاوت است. همان‌گونه که رلف در کتاب مکان و بی مکانی خود می‌گوید «باید به فرق و در عین حال رابطه بین هویت یک چیز و هویت با یک چیز توجه کرد» (رلف، ۱۳۸۹: ۶۶). رابطه هویت و مکان در دو دسته رویکرد کلی تقسیم شده: رویکرد نخست بیشتر به استنباط محققان حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، جامعه‌شناسان شهری و انسان‌شناسان باز می‌گردد. در این گونه نظریات، مقصود از هویت مکان استفاده از یک مکان ویژه در تعریف فرد از خود است. این مفهوم تحت عنوان هویت مکانی یا هویت‌مندی مکانی^۶ دسته‌بندی شده و جایگاه مکان‌های مشخص را در دستگاه شناختی فرد از مفهوم خود (هویت فردی) مورد بررسی قرار می‌دهد و از این منظر به بررسی مفاهیمی چون وابستگی مکانی، تعلق مکانی، خاطره جمعی، انواع پیوندها و... می‌پردازد (Knez, 2005; Hernández and et al. 2007; Christopher and et al. 2010). دسته دوم که اغلب شامل دیدگاه‌های معماران، طراحان شهری و نظریه‌پردازان شهری است، هویت یک مکان ویژه را به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهند. از دید این گروه هر مکان شهری و شاید هر محیط (اعم از طبیعی و یا غیر طبیعی) دارای هویت خاص و ویژه خود است. این گروه معتقدند هر مکان مطابق باور یونانیسان دارای روح خاص خود بوده و با شناخت دقیق آن می‌توان در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی اماکن به آن توجه کرد و بر اساس آن میتوان فضاهای شهری با هویت و یا با اصالت طراحی نمود. این دسته ضمن بررسی ابعاد شکلی،

شهر و کشور و در نهایت حتی جامعه جهانی می‌شود. در این مقاله هویت محله‌ای به عنوان یکی از سطوح هویت مکانی مطرح شده است.

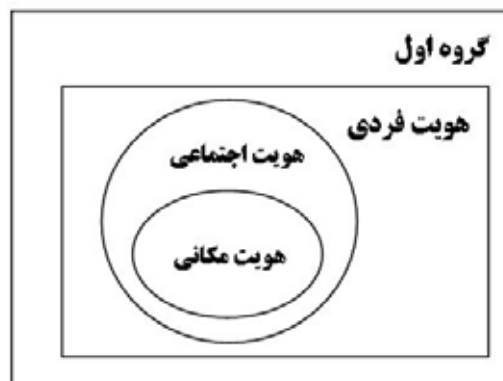
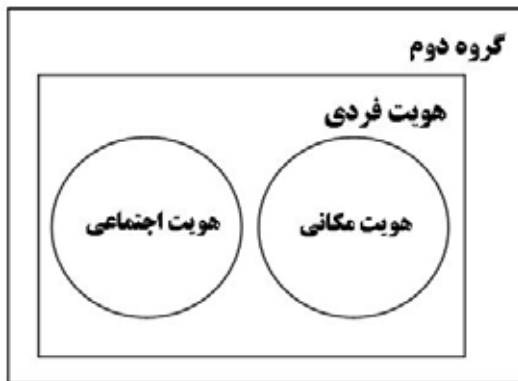
محققان برای سنجش هویت محله‌ای (به عنوان یک سطح خاص از هویت مکانی) ابعادی همچون ریشه داشتن در محیط و یا ارتباط داشتن با محیط را بررسی کرده‌اند؛ البته باید توجه داشت که این ارتباط غیر از ارتباط احساسی است که از آن به عنوان «حس تعلق به مکان» نام برده می‌شود. هویت جمعی، دارای دو بعد است: تعهد و تعلق. تعهد^۱ یکی از مهم‌ترین اجزای هویت است و پیوند اعضای گروه با گروه را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که تا چه حد اعضای گروه حاضر هستند برای آن از خود مابه بگذارند. تعلق^۲ به معنی علقه به گروه، آگاهی بر حدی از مشترکات و درک حداقلی از زمینه رقابت‌جویانه بین گروهی است (دوران، ۱۳۸۷: ۵۹). بر این اساس اجزای هویت مکانی با توجه به مفاهیم اصلی تری همچون مفهوم هویت گروهی و هویت اجتماعی شناسایی می‌شود و در قالب ابعادی همچون تعهد به مکان، وابستگی به مکان^۳، همخوانی مکان - خود^۴ و تناسب با محیط قابل سنجش است^۳ (احمدیه، ۱۳۹۰: ۴۳).

محله‌های شهری و هویت محله‌ای: محله‌های شهری یکی از مهم‌ترین انواع یا سطوح مکان‌های موثر بر شکل‌گیری هویت افراد یا ساکنان به شمار می‌آیند. به عبارتی، هویت محله‌ای یکی از اشکال هویت مکانی به شمار می‌آید. از گذشته‌های دور، محله‌های مسکونی شهرها به عنوان سلول‌های حیات شهری^۴ نقشی اساسی در زندگی ساکنانشان داشته‌اند. به این معنی که با تجمع افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای بوده که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. در این میان از دیدگاه «توسعه محله‌ای پایدار» به عنوان نظریه‌ای که حل مشکلات کنونی شهرها و زندگی شهری را در گرو بازگشت به مفهوم محله می‌داند، با استفاده از نیروهای توانمند درون‌زا و سرمایه‌های اجتماعی^۵ موجود در آن می‌توان به حل مشکلات شهری موجود پرداخت. در این دیدگاه ساختار فضای محله، مجموعه‌ای مرکب

فرمی، ساختاری و به طور کلی کالبدی به مولفه‌های کارکردی مکان نیز توجه ویژه دارند. مقصود این دسته تحت عنوان هویت مکان^۶ دسته‌بندی شده است (احمدی، ۱۳۹۵؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۹: ۸۶؛ شولتز، ۱۳۸۹: ۱۰۲؛ بهزادفر، ۱۳۷۸: ۴۳). اصطلاح هویت مکانی اولین بار توسط پروشانسکی مطرح شد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، مفهوم هویت مکانی اشاره به کیفیتی دارد که در آن فرد در تعریف خود از یک مکان ویژه استفاده نماید. به عبارت بهتر هویت مکانی، شامل بهره‌گیری از یک مکان در هویت فردی است. پروشانسکی هویت مکانی را ترکیبی از خاطرات، مفاهیم، تفسیرها، ایده‌ها و احساساتی مرتبط با یک زمینه فیزیکی خاص و همچنین نوع آن زمینه می‌داند. البته بعد از گذشت چند دهه پژوهش پیرامون موضوع هویت مکانی هنوز ساختار، مفهوم و فرایند مرتبط با آن مبهم باقی مانده است؛ برای مثال لوو و آلتمن، هویت مکانی را به عنوان یک مفهوم واحد در نظر گرفته‌اند (یک مفهوم یکپارچه) در حالی که پروشانسکی و همکاران آن را به عنوان یک سازه مرکب و چند بعدی مشخص کرده است (Proshansky, et al, 1983).

انواع و فرآیند شکل‌گیری هویت مکانی: همچنانکه آمد دو نوع هویت مکانی، نزد محققان قابل شناسایی است: نخست، هویت مکانی به مثابه هویت اجتماعی که در این نوع از هویت مکانی به هویت اجتماعی معینی ارجاع داده می‌شود. تعیین هویت (هویت‌مندی) اجتماعی، از عضویت در یک دسته اجتماعی مشخص شده (ملیت، جنسیت، اقامت، گروه ورزشی و ...)، تعریف می‌شود. هویت مکانی نیز بر عضویت در یک گروه که به واسطه یک مکان خاص (در اینجا محله یا اجتماع محلی) شناخته می‌شود، دلالت دارد. با تبعیت از این دیدگاه می‌توان این گونه ارزیابی نمود که مکان، بخشی از هویت اجتماعی است. در دیدگاه دوم با استناد به پژوهش‌های پروشانسکی می‌توان هویت مکانی را بعدی دیگر از هویت دانست که با هویت اجتماعی هم تراز است (تصویر ۱) (احمدیه، ۱۳۹۰: ۳۴).

در ادامه باید افزود مکان به عنوان مرجع هویت می‌تواند در سطوح مختلفی تعریف شود که شامل کوچک‌ترین واحد مکان یعنی یک ساختمان (موزه، میدان، پارک و ...) و سپس محله،



تصویر شماره ۱: ارتباط هویت مکانی و هویت گروهی در دیدگاه‌های متفاوت؛ مأخذ: احمدیه، ۱۳۹۰: ۳۷

از فعالیت‌ها، تعاملات اجتماعی، کارکردها و عناصر کالبدی شاخص و همچنین شریان‌های ارتباطی و فضاها یا عرصه‌های عمومی است. این ساختار، شبکه فضایی به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهد که به عنوان رشته ارتباط دهنده محله‌ها به رده بالاتر کالبدی، یعنی منطقه و در نهایت شهر، حیات و سرزندگی را به آنها منتقل می‌کند. این مجموعه، شالوده سازمان فضایی - کالبدی شهر و اجزای آن را تشکیل داده و بیانگر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و به عبارتی بیانگر هویت آن جامعه هستند. محله‌های شهری به رغم اهمیت تاریخی خود، امروزه و تحت تاثیر مدرنیزاسیون در نظام دهی به الگوی سکونت شهری نقش کم اهمیتی دارند. این در حالی است که همانطور که گفته شد در چند دهه اخیر در چارچوب نظریه توسعه پایدار تاکید مجددی بر احیای آنها صورت گرفته است (معصومی، ۱۳۹۰: ۱۶).

در تعریف واژه‌های هم پیوند با محله (مبثتی بر بعد اجتماعی آن)، مفهوم «اجتماع محلی» نیز مطرح شده است. در لغتنامه آکسفورد، اجتماع محلی به معنای مجموعه‌ای از انسان‌هاست که در یک مکان، ناحیه و یا محدوده مشترک زندگی می‌کنند و ویژگی‌های مشترکی چون مذهب، شغل، نژاد، قومیت و نظایر اینها، آنان را با یکدیگر پیوند می‌دهد. در ادبیات شهرسازی، «مفهوم اجتماع محلی، شبکه‌ای از اجتماعات مردمی با هویت، علائق و نظریه‌های مشترک در سطح محلی است که زمینه‌های شناخت، ایجاد فرصت و حمایت‌های دوسویه را برای تعامل متقابل فراهم می‌آورد» (Barton, 2003: 4). از نگاهی عمیق‌تر باید گفت در قرن گذشته، محله مفهوم ثابت و ایستایی در مباحث شهرشناسی، جغرافیایی و سایر علوم از جمله برنامه‌ریزی شهری، علوم اجتماعی و علوم سیاسی نداشته است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹). از جمله دیدگاه‌های شهری که برای نخستین بار وضعیت محله‌های شهری را از منظر آسیب‌شناسی و تعارضات درون شهری مورد توجه قرار داده، مکتب جامعه‌شناسی شهری دانشگاه شیکاگو در امریکای دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی است. طبق نظر مکنزی، یکی از نویسندگان مکتب شیکاگو، اصطلاح محله در دو قلمرو فیزیکی و ارتباط اجتماعی قابل تعریف است. از نظر وی «محله، واحد نزدیک فیزیکی و محل ارتباط اجتماعی است» (Blummer, 1985: 12). گذشته از تفاوت‌های بارز فضایی و اجتماعی، در مجموع، محله‌های شهری در تمام کشورها، از یک فرایند یا تعریف مشابه پیروی می‌کنند؛ به این ترتیب که محله دارای یک فضای جغرافیایی در مقیاس کوچک در سطح شهر است. روابط اجتماعی میان گروه‌های انسانی ساکن در هر محله یک رابطه صمیمی و دارای انسجام و وحدت است. همچنین شبکه حیات محله‌ای دارای کارکردها و نتایجی است که هم متوجه ساکنان محله و هم متوجه سایرین در نواحی دیگر است (همان: ۱۳-۱۴). باید تاکید کرد هویت شهری و محله‌ای فرایندی

از تعاملات، پیوندها، تعلق‌های محیطی و انسجام جمعی است که در شرایط مکانی و زمانی خاص مجال تکوین پیدا می‌کند (سلگی، ۱۳۹۲: ۳۴). در شرایط جهانی شدن و مدرنیته، افزایش جمعیت شهر به صورت رشد طبیعی و نیز افزایش به دلیل مهاجرت‌ها شرایط نوینی را برای هویت محله‌ای به وجود آورده است. با وجود این، برخی شهرها مثل تهران در حیات اجتماعی خود دوران ثبات نسبی را نیز گذرانده که در آن تاثیر متغیرهای بیرونی بر ساختار فیزیکی و اجتماعی آن چندان نبوده که بتواند شبکه‌های کارکردی محلات آن را زیر و رو گرداند. به عبارتی، شهر تهران تا چند دهه پیش، از کالبدشناسی نیرومند نظام محله‌ای برخوردار بوده که ویژگی عمده این محله‌ها در داشتن جمعیت ساکن شهری تقریباً همگن (اعم از کسانی که اصالتاً روستایی و یا بومی این شهر بوده‌اند) و نیز تفکیک خرده فرهنگ‌های مسکونی بوده است.

علل یا منابع تغییر در هویت محله‌ای با تاکید بر تاثیر گذاری از مگامال‌ها: مسئله نظری دیگر، ماهیت تغییر و تحول هویت‌های جمعی، و به طور مشخص هویت محله‌ای است. یک مفروض پذیرفته شده نظری آن است که هویت‌های جمعی همواره در معرض تغییر و تحول هستند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶۷) و از نظر لوتیز مامفورد یکی از مهم‌ترین منابع تغییر در هویت محلی، رشد مصرف و شکل‌گیری فضاها، مکان‌ها و شهرهای مصرفی است (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲: ۲۱) و در این میان ظهور و پیدایش فروشگاه‌های بزرگ و «بزرگ بازارها»^{۱۶}، پاساژها^{۱۷}، تفرجگاه‌ها^{۱۸}، فضاهای گردشگری و... نقش مهمی در تغییر هویت محله‌ای دارند. این تاثیرگذاری از چند منظر قابل بررسی است: ۱- از لحاظ تغییر الگوی مصرف فرهنگی (بنت، ۱۳۸۶: ۱۲۵) ۲- از لحاظ تغییر سبک زندگی و تغییر مد، ذائقه و سلیقه (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۴) ۳- تغییر در تصورات شهروندان از محله و شهر و کم‌رنگ کردن نقش محله در تامین نیازهای مادی و معنوی. به عبارتی، مجتمع‌های تجاری بزرگ از چند جهت می‌توانند عناصر حیاتی و اساسی محله را تغییر دهند، کم‌رنگ کنند و یا حتی از بین ببرند؛ به خصوص آنکه بسیاری از مراکز خرید، کارکرد منطقه‌ای^{۱۹} و فرامنطقه‌ای^{۲۰} دارند (Pitt, 2009). این در حالی است که مراکز خرید محله‌ای که معمولاً شامل مراکز خرده فروشی، خدمات جزئی، مغازه‌ها، فروشگاه‌های کوچک تجاری که در بخش‌های قدیمی شهر و تقاطع خیابان‌های اصلی و محلی بوده و به صورت نواری در طول خیابان مستقر می‌شوند، نقش اساسی در هویت‌سازی، هویت‌یابی و تعلق فرد به مکان، سرزندگی، شادابی و نشاط شهری، حس اجتماع‌پذیری و زندگی‌پذیری در کلیت شهر داشته‌اند. به این ترتیب باید گفت که برخی از مگامال‌ها که در یک محله (و به خصوص در محلات قدیمی و با سبک تاریخی) قرار دارند، می‌توانند باعث از هم گسیختگی و اضمحلال ساختار

از پیشران‌ها بر کیفیت هویت محله‌ای اثرگذارند. ضمن آنکه هر کدام از پیشران‌ها، خود تحت تاثیر کنش بازیگران خاصی هستند که باید به رفتار و کنش‌های آنها توجه داشت. محققان مطالعه حاضر پس از شناسایی پیشران‌ها و اخذ نظرات خبرگان برای هر کدام از پیشران‌های موثر، حالات حدی یا کرانه‌ای برای آنها مشخص کرده‌اند که به اقتضای حجم مقاله از ذکر سیاهه کامل پیشران‌های اولیه و نهایی و نیز انواع حالات حدی هر یک از پیشران‌ها و نیز ارائه تمامی سناریوهای محتمل خودداری شده است. در ادامه خلاصه‌ای از فرایند اجرای این مطالعه ارائه شده است (تصویر ۳).

به منظور بررسی تاثیرات احتمالی مگامال‌ها بر هویت محله‌ای، در این مقاله به بررسی اثرات یک پروژه بزرگ تجاری در حال احداث با نام اطلس مال که در یک بافت قدیمی و در قلب سه محله تاریخی اقدسیه، نیاوران (حصار بو علی) و فرمانیه قرار دارد، پرداخته شده است.

جدول شماره ۲: خلاصه سطوح کاربری اطلس مال

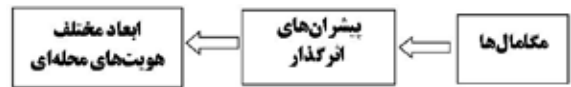
| طبقه | کاربری | تعداد واحد | مساحت خالص (مترمربع) |
|------------|----------------------------|------------|----------------------|
| ۳+ الی ۱۰+ | اداری | ۱۹۲ | ۲۶۴۱۸ |
| ۲+ | فودکورت، شهرسازی و رستوران | ۱۹ | ۴۸۷۸ |
| ۳- الی ۱+ | تجاری و فروشگاه بزرگ | ۲۸۹ | ۲۱۹۳۵ |
| ۸- الی ۳- | پارکینگ | ۱۴۲۹ | ۴۴۴۲۹ |

مأخذ: URL

به اقتضای هدف، روش این مطالعه ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. ضمن آنکه بخش مهمی از داده‌های تولید شده با روش‌های خبرگی به دست آمده است. به این معنی که برای سنجش هویت محله‌ای در شرایط کنونی (قبل از اتمام پروژه) از روش پیمایشی^{۳۳} (نظرسنجی از شهروندان) و ابزار پرسشنامه، برای گردآوری اطلاعات، استفاده شده است. تعریف عملیاتی هویت محله‌ای به معنای میزان تعلق و تعهد اهالی به محل سکونت‌شان در نظر گرفته شده است. (احمدیه، ۱۳۹۰: ۹۸، دوران، ۱۳۸۷: ۶۶)

هویت‌های سنتی و قدیمی و ساختار هویت محله‌ای شوند. حال سوال دیگر آن است که سازوکار تاثیرگذاری این فضاها یا بناهای جدید بر هویت محله‌ای چیست و اگر روند احداث آنها را اجتناب‌ناپذیر بدانیم، چگونه می‌توان تاثیر مخرب آنها را کنترل و مدیریت نمود؟ به عبارتی تاثیرگذاری فضاها یا بناهای جدید مشروط به کدام عوامل یا پیشران‌ها است؟

در مقام جمع‌بندی مباحث نظری باید تصریح نمود که شکل‌گیری و گسترش فضاها یا مصرفی و به‌ویژه مگامال‌ها می‌توانند بر ابعاد مختلف هویت محله‌ای اعم از احساس تعلق، احساس تعهد، حس غرور نسبت به محله و سایر ابعاد آن اثرگذار باشد (تصویر ۲).



تصویر شماره ۲: نحوه ارتباط مگامال‌ها با هویت محله‌ای

پر واضح است که با توجه به مسئله خاص این پژوهش که معطوف به آینده است، نویسندگان در صدد پیش‌بینی احتمال اثرگذاری یک مگامال مشخص (اطلس مال) در منطقه نیاوران بر هویت محله‌ای اهالی اطراف آن هستند.

روش‌شناسی

همچنان که در سوالات مقاله ذکر شد، دغدغه اصلی نوشتار حاضر، آینده‌پژوهی پیرامون تاثیرات احتمالی فعالیت یک مگامال در حال احداث بر هویت محله‌ای محلات اطراف است. بر اساس ادبیات رایج در مطالعات آینده، پیش‌فرض اصلی آن است که به دلیل پیچیدگی‌ها، عدم قطعیت‌ها و آشوبناکی شرایط، همواره با انواع آینده‌های ممکن و محتمل روبه‌رویم؛ بنابراین هدف از این پژوهش، شناسایی آینده‌های محتمل (یا همان سناریوها) درباره هویت محله‌ای تحت تاثیر احداث مگامال مورد نظر است. بدیهی است که هویت محله‌ای، فی‌الذمه تحت تاثیر پیشران‌های^{۳۴} متعددی است که احداث مگامال می‌تواند یکی از آنها باشد. احداث پروژه مگا مال از طریق پاره‌ای



تصویر ۳: فرآیند اجرای پژوهش

به منظور سنجش هویت محله‌ای، پرسشنامه محقق ساخته با ۱۶ شاخص (در طیف لیکرت) طراحی شد که اعتبار آن در آزمون اولیه آلفای کرونباخ آن ۰٫۸۱ بوده است. جامعه آماری این بخش از تحقیق (شامل جمعیت ساکن در این سه محله) بر اساس آمار سایت شهرداری منطقه یک شهر تهران در سال ۱۳۹۵، ۴۴۷۳۰ نفر بوده که با قرار دادن مقادیر لازم در فرمول کوکران ۳۰۰ نفر حجم نمونه به دست آمد. روش انتخاب نمونه نیز سهمیه‌ای متناسب و در مرحله بعد تصادفی و پرسشنامه‌ها از طریق مراجعه به در منازل تکمیل شده است. در گام بعدی و برای سنجش و برآورد تأثیرات مجتمع تجاری مورد نظر بر محلات اطراف (با توجه به اینکه اطلس مال پروژه‌ای در حال احداث بوده و تا کنون، در زمان نگارش مقاله، ۷۲ درصد پیشرفت کار داشته است)، از چند روش تحقیق زیر استفاده شده است.

- ۱- بررسی و سنجش نظرات معتمدین محلات درباره سه مجموعه تجاری بزرگ مقیاس در حال فعالیت در شهر تهران (ارگ تجریش، کوروش و پالادیوم) با رویکرد پس کاوی و مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر. این کار با این هدف انجام شده که هم اکنون تأثیرات این سه طرح (پس از رسوب نتایج آنها) در سطح محلات اطراف هر کدام قابل ارزیابی است. این معتمدین شامل اعضای شورایی، کاسبان و مغازه‌داران قدیمی محلات (مشغول به شغل‌های نجاری، آهنگری، خیاطی، معلمی و متولیان قدیمی مسجد محله و...) بوده‌اند. ابزار این مرحله نیز مصاحبه عمیق و کیفی بوده است.
- ۲- اخذ نظرات مردم محلی ساکن در اطراف پروژه در حال احداث درباره مجتمع تجاری اطلس مال با روش مصاحبه (۱۰۰ نفر).
- ۳- اخذ نظرات خبرگان شهرسازی، معماری و علوم اجتماعی درباره شناسایی پیشبران‌ها، اولویت‌بندی آنها، حالات حدی

هر کدام و در نهایت پیش‌بینی تأثیرات اطلس مال بر هویت محلی با حجم ۲۵ نفر و با روش نمونه‌گیری هدفمند.

یافته‌ها

در گام اول، یافته‌های زیر با اجرای نظرسنجی در خصوص وضعیت هویت محله‌ای در محلات سه‌گانه مجتمع اطلس مال به دست آمده است.

برای بررسی پیامدهای احداث اطلس مال و ارزیابی تأثیرات احتمالی آن، همان‌طور که در بحث روش‌شناسی گفته شد، محققان از سه روش به صورت توأمان استفاده کرده‌اند که به منظور پرهیز از زیاده‌گویی و با تلفیق یافته‌های سه‌گانه (خبرگان محلی، اهالی محل و نخبگان دانشگاهی و مطلعین) مهم‌ترین تأثیرات شناسایی شده در ادامه می‌آید. اما قبل از آن باید تصریح شود که برای ارزیابی تأثیرات اطلس مال، شش پیشران اصلی بر اساس ادبیات، تجارب قبلی و مصاحبه با خبرگان شناسایی شد. این شش پیشران شامل مصرف‌گرایی، حضور برنده‌های خارجی، معماری سازه، ترافیک، ازدحام و شلوغی محله و قیمت زمین و مسکن بوده است. سپس حالات حدی ممکن هر یک تعیین و نهایتاً مهم‌ترین احتمال، استخراج شد. منظور از حالات حدی، مهم‌ترین احتمالات ممکن برای هر پیشران در آینده پیش رو است. به عبارتی برای برآورد اثرات احتمالی اطلس مال باید به شش پیشران مهم زیر توجه کرد. به این معنی که اطلس مال از طریق (و به وسیله) این شش عامل بر هویت محله‌ای اثر می‌گذارد. این عوامل در حکم مفروض نیز می‌توانند در نظر گرفته شوند. در ادامه سناریوی اصلی تر و مهم تر (یا محتمل‌الوقوع تر) که بر اثر شکل‌گیری وضعیت خاص هر پیشران محقق خواهد شد، به تفصیل آمده است.

جدول شماره ۳: وضعیت هویت محله‌ای در شرایط کنونی

| میانگین (در دامنه ۱ تا ۵) | گروه‌های سنجش هویت محله‌ای | میانگین (در دامنه ۱ تا ۵) | گروه‌های سنجش هویت محله‌ای |
|---------------------------|---|---------------------------|--|
| ۳٫۳۴ | وجود وضعیت اقتصادی یک‌دست و تقریباً مشابه در بین ساکنین | ۳٫۴۸ | حس افتخار و غرور نسبت به نمادها و ویژگی‌های خاص محله |
| ۳٫۶۱ | وجود وضعیت فرهنگی یک‌دست بین ساکنین | ۳٫۹۵ | حس تعلق و نسبت دادن اصالت خود به این محله |
| ۳٫۷۹ | وجود اعتماد کافی بین اهالی و ساکنین محله | ۳٫۴۶ | به یاد داشتن خاطرات قدیم در این محله |
| ۳٫۹۸ | وضعیت مطلوب آب و هوا در محله | ۴٫۰۳ | علاقه بسیار به محل سکونت فعلی در محله |
| ۳٫۸۹ | وجود آلودگی صوتی بالا در محله | ۳٫۷۵ | علاقه بسیار به محل ادامه سکونت در این محله |
| ۲٫۷۰ | روان بودن وضعیت آمد و شد و ترافیک در محله | ۳٫۴۸ | احساس غرور نسبت به تاریخ و گذشته محله |
| ۲٫۶۹ | رخداد دعوا و درگیری در محله | ۲٫۳۸ | سابقه مشارکت در انتخابات شورایی |
| ۴٫۰۳ | امکان دسترسی کافی به امکانات مختلف درمانی، آموزشی، تفریحی و ... در محله | ۲٫۴۸ | مشارکت فعال در برنامه‌های مسجد محله |

در مجموع و با ترکیب همه ۱۶ شاخص فوق میزان هویت محله‌ای کل (در هر سه محله مورد بررسی) در دامنه صفر تا صد، معادل ۶۰٫۷۳ به دست آمده است که نشان‌دهنده قوت نسبی آن در شرایط کنونی و قبل از راه‌اندازی طرح اطلس مال است.

بازیگران اصلی: از آنجا که برآورد تأثیرات اطلس مال مشروط به نقش آفرینی بازیگران موثر در این عرصه است. در ادامه، محققان، بازیگران مهم را شناسایی و سپس میزان یا قدرت اثرگذاری هر بازیگر در رابطه با هر پیشران را در معرض قضاوت خبرگان قرار دادند. بازیگران اصلی مرتبط یا موثر بر تحقق این سناریو، مطابق آنچه در جدول بعد آمده است، عبارت‌اند از: سیاست‌های شهری شهرداری، بازدید کنندگان و خریداران، نمایندگان برندها در کشور، سیاست‌های فرهنگی شهرداری، دستگاه‌های دولتی و ... برای ارزیابی نقش بازیگران و تأثیرات هر کدام از نظرات خبرگان استفاده شده است.

بر اساس برآورد جدول ۴، مدیریت شهری با دو اهرم سیاست‌های شهری و فرهنگی، به همراه بازدید کنندگان و نمایندگان برندها در کشور، مهم‌ترین بازیگران اثرگذار بر آینده رابطه مگامال‌ها با هویت محله‌ای به شمار می‌آیند.

نتیجه‌گیری

مسئله اصلی پژوهش پیش رو، بررسی پیامدهای ساخت مجتمع‌های تجاری و ارائه مهم‌ترین سناریوی هویت محله‌ای با تمرکز بر سه محله اطراف مجتمع تجاری اطلس مال بوده که در خلال آن پیشران‌های کلیدی مربوط به آن شناسایی شدند. نکته اصلی پژوهش آن است که هویت محله‌ای اکنون در میان ساکنان محلات قوی است و به سهولت و به سادگی تحت تأثیر مجتمع تجاری قرار نمی‌گیرد؛ اما از این واقعیت مهم گذشته، احتمال تأثیرگذاری مجتمع بر هویت محله‌ای

نتایج، حاکی از آن است که در خصوص تأثیرات احتمالی اطلس مال بر محلات سه‌گانه، مهم‌ترین وضعیت ممکن به سناریوی نزدیک است که عناصر اصلی یا پیشران‌های آن از نظر مصرف‌گرایی: ادامه وضع موجود (خرید محصولات غیر ضروری)؛ به لحاظ حضور برندهای خارجی در مجتمع تجاری؛ افزایش تدریجی حضور برندهای خارجی؛ از نظر بازخورد معماری نوین از منظر مردم؛ جذابیت اندک این نوع معماری در بافت قدیمی محله‌ها؛ از نظر ترافیک حمل و نقل؛ افزایش شدید ترافیک و بروز اشکال در حمل و نقل مردم منطقه؛ به لحاظ ازدحام و شلوغی بازدیدکنندگان پاساژها؛ ازدحام جمعیت در کلیه ایام و شلوغی پاساژها و از نظر قیمت زمین و املاک و سرفلهی واحدهای تجاری؛ رکود نسبی قیمت زمین، مسکن و واحدهای تجاری را شامل می‌شود. نکته مهم آنکه پیش‌بینی می‌شود این تغییرات به آهستگی، یا به زبان استعاره‌ای (از پیله تا پروانه شدن) روند تدریجی را طی می‌کند و در نهایت تغییر مورد نظر، اتفاق می‌افتد. به عبارتی، تغییرات فوق به آهستگی صورت گرفته و به یکباره و دفعی رخ نمی‌دهد؛ مثلاً حضور برندها در مگامال به تدریج پررنگ شده و این تغییرات هم با جذابیت اندک برای مردم و ساکنین همراه خواهد شد (و با استقبال شدید مواجه نخواهد شد). همچنین میزان مصرف‌گرایی نیز «در ادامه وضع موجود» مفروض گرفته شده است. به بیان دیگر گویا در این سناریو، عوامل در کنار هم و به آهستگی در پی تحلیل بردن جامعه محلی و هویت‌های سنتی موجود در آن خواهند بود.

جدول شماره ۴: نقش بازیگران در وقوع این وضعیت (در طیف ۰ تا ۴، صفر به معنای بی‌تأثیر و ۴ بیشترین تأثیر)

| بازیگران | پیشران‌ها | سرمایه‌گذاران اطلس مال | طراحان مجموعه اطلس مال | مدیران فروش مجتمع (عرضه واحدهای تجاری) | مدیران داخلی مجتمع | مالکان واحدهای تجاری | نمایندگان برندها در کشور | فروشنده‌گان | اهالی محل و ساکنین | بازدید کنندگان و خریداران | وزارت بازرگانی - سیاست‌گذاران تجاری و صنعتی کشور | سیاست‌های فرهنگی شهرداری | سیاست‌های شهری شهرداری | شورای محل | واسطه‌ها و نگاه‌داران |
|-------------------------------|-----------|------------------------|------------------------|--|--------------------|----------------------|--------------------------|-------------|--------------------|---------------------------|--|--------------------------|------------------------|-----------|-----------------------|
| مصرف‌گرایی | ۲ | ۱ | ۰ | ۳ | ۲ | ۲ | ۴ | ۲ | ۰ | ۴ | ۲ | ۲ | ۰ | ۰ | |
| حضور برندهای خارجی | ۲ | ۳ | ۲ | ۲ | ۲ | ۳ | ۴ | ۱ | ۳ | ۴ | ۴ | ۴ | ۰ | ۱ | |
| معماری نوین | ۴ | ۴ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۴ | ۰ | ۲ | ۲ | ۰ | ۴ | ۰ | ۰ | |
| ترافیک و حمل و نقل | ۲ | ۴ | ۰ | ۴ | ۴ | ۱ | ۴ | ۳ | ۴ | ۴ | ۰ | ۳ | ۱ | ۰ | |
| ازدحام و شلوغی بازدید کنندگان | ۲ | ۴ | ۰ | ۴ | ۴ | ۱ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۱ | ۴ | ۱ | ۰ | |
| ارزش زمین واحدهای تجاری | ۲ | ۰ | ۳ | ۱ | ۱ | ۳ | ۱ | ۰ | ۲ | ۲ | ۰ | ۳ | ۰ | ۴ | |
| جمع | ۱۶ | ۱۶ | ۵ | ۱۴ | ۱۰ | ۱۰ | ۲۰ | ۱۰ | ۱۴ | ۲۰ | ۷ | ۱۸ | ۲۲ | ۵ | |

به واسطه پیشران‌های مهم مطرح شده مانند برندهای خارجی و سبک معماری و... وجود دارد. این مطالعه که احتمالاً در زمره اندک پژوهش‌های آینده‌پژوهی در حوزه شهرسازی و در داخل کشور است، نشان داد که امکان اجرای این گونه مطالعات وجود دارد و اگر هدف آن باشد که از بروز غافلگیری^{۳۳}‌های راهبردی در حوزه مسائل شهری جلوگیری کنیم، چاره‌ای جز انجام پژوهش‌های آینده‌پژوهی نیست. این مطلب، در خصوص مسائل فرهنگی، اجتماعی و هویتی کلان‌شهر تهران از اهمیت بیشتری برخوردار است و توجه به تأثیرات احتمالی مجتمع‌های تجاری بزرگ مقیاس از این جهت دارای اهمیت دو چندان است. هرچند پژوهش حاضر نشان داد که نقش مجتمع‌ها در تغییرات هویتی چندان سریع، عمیق و قاطع نیست و اثرگذاری‌های مجتمع‌های تجاری مشروط به عوامل متعددی است که در یافته‌ها به آن اشاره شد؛ اما پر واضح است که نقش مدیریت صحیح این فضاهای مصرفی به نوبه خود (و در کنار سایر تدابیر کلان) می‌تواند موثرتر تلقی شود. به عنوان نکته آخر باید به این موضوع پرداخت که موانع اصلاح رویکردها و سیاست‌های شهری در مواجهه با این فضاها و مدیریت تأثیرات احتمالی آنها کدام‌اند؟ در اینجا با دو سطح از مشکلات و موانع رویه‌رویم: نخست فشار مضاعف فعالان اقتصادی که به سبب تمایل به سود دهی بیشتر و منفعت‌گرایی صرف و با اعمال انواع فشارهای اداری و سیاسی، سیاست‌های شهری را به نفع خود هدایت می‌کنند و دوم مدیران شهری که بنا به ملاحظات سیاسی و یا ناتوانی‌های ساختاری و کارشناسی گرفتار روزمره گئی شده و مرعوب واقعیت‌های جاری می‌شوند.

بر اساس یافته‌های پژوهش در سیاست‌های مربوط به هویت محله‌ای با عطف توجه به مجتمع تجاری اطلس مال، تقویت حس افتخار و غرور نسبت به محله خود و همچنین کنترل متغیرها یا پیشران‌های مهم (به عنوان متغیرهای واسطه‌ای کنترلی یا پیشران‌ها) اهمیت زیادی دارد. به طور مشخص اهداف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری باید معطوف به تقویت امنیت و مسائل اخلاقی، مدیریت کیفی مراکز تجاری (از طریق تعامل با مشتریان)، فعال کردن فضاهای عمومی و فراغتی و به صورت ویژه، فعال شدن فضاهای عمومی و فراغتی و فرهنگی در درون مجتمع اطلس مال است.

این اهداف از طریق پیگیری روش‌های زیر قابل دستیابی است:

- ۱- مشارکت مدیریت طرح با اهالی و ساکنین محله‌های سه‌گانه پس از افتتاح و راه‌اندازی؛
- ۲- مشارکت مدیریت طرح با ذی‌نفعان محله؛
- ۳- مدیریت برخوردها و تعاملات فروشندگان با مراجعان و ارباب رجوع‌ها (بازدید کنندگان)
- ۴- تعامل مناسب مدیریت طرح با دارندگان کسب و کارهای کوچک در محله به نحوی که مانع ورشکستگی و رکود مغازه‌داران و واحدهای صنفی فعال در محله‌ها شود.
- ۵- فعال کردن هرچه سریع‌تر و بهتر فضاهای فرهنگی در نظر گرفته شده در مجتمع و گسترش آن.

بنابراین بخش مهمی از سیاست‌ها و تصمیم‌های پیشنهادی به نحوه مدیریت طرح اطلس مال و سایر مجتمع‌های تجاری مشابه، پس از فعال شدن و احداث آنها مربوط می‌شود و در صورتی که مسئولان و بهره‌برداران مجتمع تجاری به این ملاحظات توجه کنند، تأثیرات نامناسب مجتمع بر هویت محله‌ها و حتی مسائل فرهنگی شهر کاهش می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

1. Space
2. Place Identity
3. Collective Behaviour
4. Business Centers, Commerical Centers, Trading Centers
۵. آمار مذکور در جدول شماره ۱، توسط نگارندگان و با تجمع اطلاعات موجود در سایت www.iranian-malls.com تهیه شده است.
6. Place identification
7. Identity of place
8. integrating concept
9. Commitment
10. Belonging
11. Place attachment
12. Place – Self congruity
13. Environmental fit
14. urban life cellul
15. social capital
16. Super Store
17. Arcade
18. Mall
19. Regional
20. Regional Super
21. Drivers
22. Survey
23. Surprised

فهرست منابع و مراجع

۱. ابادزی، یوسف و کاظمی، عباس (۱۳۸۴)، «رویکردهای نظری خرید: از جامعه‌شناسی تا مطالعات فرهنگی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵.
۲. احمدی، معصومه (۱۳۹۵)، «مروری بر مطالعات مراکز خرید در ایران»، *نشریه روایت*، شماره ۷.
۳. احمدیه، حسن (۱۳۹۰)، *حس مکان در میان شهروندان تهرانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۴. امیر کاف، مهدی و فتحی، شکوفه (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل موثر بر دلبستگی به منطقه مسکونی؛ مطالعه موردی: شهر کرمان»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۵، شماره ۱، بهار.
۵. آذری، نرگس (۱۳۹۲)، *تجربه مدرنیته به روایت فضاهای تجاری شهر*، انتشارات تیس، تهران.
۶. آهور، ایران؛ جاجرمی، کاظم؛ نظریان، اصغر و مشیری، رحیم (۱۳۹۱)، «از بازار تا بزرگ بازار»، *فصلنامه آمایش محیط*، شماره ۲۰.
۷. بنت، اندی (۱۳۸۶)، *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه لیلا جو افشانی و حسن چاوشیان، اختران، تهران.
۸. بنیاد دایره‌المعارف فارسی (۱۳۹۲)، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر سید مصطفی میر سلیم، ذیل واژه بازار، باژ (حرف پ، جزوه سوم).

۹. بهزادفر، مصطفی (۱۳۷۸)، **هویت شهر نگاهی به هویت شهر تهران**، نشر شهر، تهران.
۱۰. بیگلری، اسفندیار (۱۳۵۵)، **بازارهای ایرانی، هنر و مردم**، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۱. پرتویی، پروین (۱۳۹۴)، **پدیدار شناسی مکان**، فرهنگستان هنر، تهران.
۱۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۲)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران؛ «ساختمان‌های درون شهری و برون شهری»**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۳. پهلوان، سمیه (۱۳۹۲)، **بررسی تأثیرات ایجاد ابر طرح های شهری بر فرآیند توسعه اجتماعات محلی (نمونه مطالعاتی طرح الماس شرق مشهد)**، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۱۴. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، **هویت اجتماعی**، ترجمه تورج یاراحمدی، شیرازه، تهران.
۱۵. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۸)، **دانشنامه جهان اسلام**، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تهران.
۱۶. دوران، بهزاد (۱۳۸۷)، **هویت اجتماعی رویکردها و نظریه‌ها**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۷. رجبی، آریتا (۱۳۸۶)، **ریخت‌شناسی بازار**، نشر آگاه، تهران.
۱۸. رجبی، آریتا و سفاهن، افشین (۱۳۸۸)، «بازارهای ایرانی تجسم اندیشه‌های پایدار»، **فصلنامه جغرافیا**، دوره ۳، شماره ۱۱.
۱۹. رلف، ادوارد (۱۳۸۹)، **مکان و بی‌مکانی**، مترجمان: محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، ظهیر متکی، **آرمانشهر**، تهران.
۲۰. سلگی، فاطمه (۱۳۹۲)، **مطالعه تیپولوژی رفتار خریداران مراکز خرید در تهران (مطالعه موردی: مرکز خرید میلاد نور و گل‌دیس)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۱. شکوئی، حسین (۱۳۸۳)، **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
۲۲. شولتز، کرسیتین نوربرگ (۱۳۸۹)، **روح مکان**، ترجمه محمدرضا شیرازی، رخ داد نو، تهران.
۲۳. ضیاءتوانا، محمد حسین (۱۳۸۰)، **بازار قیصریه لار**، نشر نی، تهران.
۲۴. عبداللهی، مجید؛ صراف، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، تابستان، شماره ۷۲.
۲۵. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، **مصرف و سبک زندگی**، صبح صادق، تهران.
۲۶. فرزام شاد، مصطفی (۱۳۸۶)، **مبانی برنامه‌ریزی و طراحی مراکز تجاری**، چاپ اول، انتشارات جهان جام جم، تهران.
۲۷. کاظمی، عباس و حسین آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، «تیپولوژی خریداران در مرکز خرید شهر؛ مطالعه موردی: مرکز خرید بوستان»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۷.
۲۸. کاظمی، عباس (۱۳۸۸)، **پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی**، چاپ اول، انتشارات آشیان، تهران.
۲۹. گوین، دیوید (۱۳۹۵)، «تاریخچه مراکز خرید در ایالات متحده آمریکا»، ترجمه رضا بصیری مؤدهی و حمیده فرهمندیان، **نشریه روایت**، فروردین، شماره هفتم.
۳۰. مایلز، استیون و مایلز، مالکوم (۱۳۹۲)، **شهرهای مصرفی**، ترجمه محمدحسن خطیبی بایگی، نشر تیساه، تهران.
۳۱. محمدپور، احمد و بهمنی، مریم (۱۳۸۹)، «زنان، پاساژ و مصرف نشانه‌ها»، **فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان**، شماره ۴۷.
۳۲. معصومی، سلمان (۱۳۹۰)، **توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلان‌شهر تهران؛ مطالعه موردی: محله‌های منطقه ۱۰ تهران**، نشر جامعه و فرهنگ، تهران.
۳۳. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۹)، **معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها**، هنرهای زیبا، تهران.
۳۴. نصرتی، روح‌اله (۱۳۹۲)، **مطالعه جامعه‌شناختی - انسان‌شناختی کنش نیروهای بازار در میدان اقتصادی؛ مطالعه موردی: بازار قدیمی تهران و بازار نوین هایپر استار**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۳۵. نوری، شیوا (۱۳۹۳)، **سنجش اثرات کیفی ناشی از اجرای مگاترچ های شهری بر ارتقای اقتصاد محلی (مورد پژوهی: طرح دریاچه شهدای خلیج فارس واقع در منطقه ۲۲ شهر تهران)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
36. Asli, tokman (2001), **Negotiating tradition modernity and identity in consumer space**, PhD thesis in bilkent university (Ankara).
37. Azadarmaki, marzieh. (2014), **the Synchronic Continuity of the Traditional Bazar – Traditional and Modern Bazar: Tajrish and Ghaem Shopping Center**. Journal of Socio – Cultural Change. Vol 1, No 1.
38. Barton, Hugh, (2003), **Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality**, Spon Press.
39. Blummer, M (1985), **the Rejuvenation of Community Studies? Neighbour, Networks and Policy Context**, Harcourt Brace Jovanovich, New York.
40. Christopher, Raymond M, Brown Gregory, and Weber Delene. (2010), “The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental.”, **Journal of Environmental Psychology**: 1-13.
41. Droseltis, Orestis, and Vivian L Vignoles, (2010), “Towards an integrative model of place identification.”, **Environmental Psychology**: 23-34.
42. Herna´ ndez, Bernardo, Carmen M Hidalgo, Esther M Salazar-Laplace, and Stephany Hess, (2007) “Place attachment and place identity in natives and non-natives.”, **Environmental Psychology**: 310 -319.
43. Knez, Lgor, (2005), “Attachment and identity as related to a place and its perceived climate.”, **Environmental Psychology**: 201 -218.
44. Oktay, D. (2002), “The quest for urban identity in the changing context of the city.”, **Cities**: 261-271
45. Pitt, M. (2009). “Towards defining shopping centres and Their Management systems”, **Journal of etail & Leisure Property**, Vol. 8, 1, 39–55 .
46. Proshansky, H M, A M Fabian, and R Kaminoff, (1983), “-Place-identity: physical world socialization of the self.”, **Journal of Environmental Psychology**: 57- 83.
47. URL: <http://betonpasargad.com/projects/atlas-mall/>

The Impact of Megamalls on the Neighborhood Identity in Tehran

Case study: Atlas Mall

Esmail Shieh *(Corresponding Author)

Professor, Urban Planning ,University Of Science and Industry

* *es_shieh@iusi.ac.ir*

Mahsa Hajiani

M.A. Urban Planning, University Of Science and Industry

Abstract:

Throughout history, markets have played a major undeniable role in shaping the cultural, national and native identity in Iranian-Islamic cities, so that the urban life is closely associated with the market. However, given recent changes in market dynamics and the emergence of modern supersized malls, serious concerns are being raised about the impact of these spaces on local identities. That said, the main purpose of this research is to investigate the influence of construction and activity of large-scale shopping centers on the collective identity in general and neighborhood identity in particular. The authors' primary assumption is that neighborhood (as a level of place identity) is a variable influenced by urban textures and is weakened by elements such as megamalls. Atlas Mall project (under construction) in the Niavaran district was chosen as a case study to investigate this hypothesis. A futurological approach was adopted in the research with a combination of quantitative and qualitative methods. The current status of neighborhood identity was measured by a survey with a sample of 300 respondents who were the residents of three (immediate) surrounding neighborhoods. Referring to academic expertise, referring to informants and local experts, and also the studies on the impact of three operating shopping centers (Tirazheh, Arg and Kourosh) were used to predict the potential effects of Atlas Mall on the residents' neighborhood identity. The findings show that the neighborhood identity in the three neighborhoods is strong (above average) and the impact of Atlas Mall on the residents' identity is associated with (and under the influence of) six other key drivers: consumerism, the presense of foreign brands, modern architecture, traffic and transportation, crowdedness, and the price of real properties. It can be predicted that the impact of Atlas Mall on neighborhood identity will be gradual, so some planning and policy-making efforts can be done, before and after its inauguration, by urban managers or the project managers in order to reduce the impacts.

Keywords: Market, Large-scale Shopping Centers, Mega Mall, Neighborhood Identity, Place Identity, Atlas Mall.

New discoveries Architecture from the Late Sassanid and Early Islamic period in the Seimare River Basin(Central Zagros)

Mahnaz Sharifi *(Corresponding Author)

Assistant Prof, Iranian Center for Archaeology Research

* mhsharifi588@yahoo.com

Abstract:

The Sassanid dynasty gradually changed its political focus from Fars to the open and strategic land of Mesopotamia during the Middle and Late reign of Shapur II. Definitely, the purpose of this power transfer was to dominate the western borders and the fertile lands of Iraq and Khuzestan. The Central Zagros valleys were highly considered as the closest highlands to the political center during this period for the reasons including being located in the highway linking the imperial center with the political center, and its fertility and environmental diversity. The presence of the settlements from the Sassanid period with relatively higher densities than the environmental capability, being located in inaccessible natural valleys, being away from the main communication routes, and most importantly establishing them simultaneously. (so that all of these areas were on pristine soil and not built for the continuation of previous settlements) .the archaeological evidence that demonstrate these centers as the remnants of Sasanian armies that had been active in the dispersed resistance and continued artistic and architectural life beyond the reach of Muslims. New archaeological excavations led to viewing a part of the architectural remains of aristocratic luxurious houses and residential homes. In addition to evaluating the functionality and age of the newly-explored sites, we consider questions such as how to link between the contemporaneous master buildings in the Simare area in this paper. The results indicated the continuation of the settlements from the Sassanid period until the early Islam; the pottery evidence strongly support this dating as well. Thus, this paper attempts to answer the question that “what is the function of the obtained architectural remains and to what period do they belong?” The present research has been based on the archaeological excavations in recent years, trying to explain architectural works with a descriptive-analytical approach.

Keywords: luxurious houses, seimare valley, central zagros, Sassanid Islamic Architecture .

Analysis of cemeteries organizing in Isfahan city from the perspective of the Islamic Iranian city pattern

Asghar Montazerolghaem *(Corresponding Author)

Prof. Departeman of History, University of Isfahan

* montazer5337@yahoo.com

Fardin Kooshki

PH.D Departeman of Geography and Urban planing, University of Isfahan

Abstract:

As death is an inevitable stage of human life, the cemetery has always been one of the main and unavoidable spaces of every human settlement, including Islamic Iranian cities. The present study has been carried out to analyze the organization of the cemeteries in the city of Isfahan from a native and Islamic perspective. The research methodology is qualitative and Sampling method is purposeful. In compared to local cemeteries (Decentralized approach) and Rezvan Garden (Centralized approach) results show that, in cemetery of the Rezvan Garden, it would be better service and hygienic and religious issues are being respected. In the case of Isfahan local cemeteries is easier access to them. local cemeteries have a more human scale and create social cohesion and with reinforcement of local cemeteries, the freedom of individuals is greater to determine the place of burial. As due to easy access to space of cemetery, strengthens the memory of death in society and the city and create the ultimate goal of space of the cemetery, which is a reminder to the live people.

Keywords: Cemetery, Organization, Local Cemeteries, Rezvan Garden and Islamic Iranian pattern.

The role of Egalitarianism and Hospitality on continuity of residence in Gomishan's

Hannaneh Malek Mohammadi Bidhendi

PhD Student of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Hossein Soltanzadeh *(Corresponding Author)

Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* *Hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir*

Maryam Armaghan

Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Abstract:

The present study aimed to determine the role of egalitarianism and hospitality on continuity of residence and structure in Gomishan houses. To achieve a better perception of the formation of space in Turkmen houses, social structure of this tribe should be evaluated and then, these two cultural elements, which have a profound effect on the continuity of residence in different houses from "Oy" (traditional cottage) to "Tom" (duplex wooden house), ought to be elucidated. The current research is important in terms of the fact that it defines how spaces and activities are divided in Turkmen houses in Gomishan, which had not been studied before. The present study was formulated in order to examine the role of two prominent cultural attributes, i.e. egalitarianism and hospitality, on the architecture of Gomishan houses. Theoretical principles of this research are based upon the effect of the influence of culture on the formation of houses among different tribes in the past. This study adopted a descriptive-analytical approach along with a comparative method. For this aim, social and cultural principles of Turkmen people were recognized according to library evaluation and field observations and data collection was carried out accordingly. Consequently, two main attributes of social life in this tribe, i.e. egalitarianism and hospitality, were taken into account and their effects on Turkmen architecture were evaluated. In this study, egalitarianism and hospitality were considered as independent variables and the structure of Gomisan houses was regarded as dependent variable. The results acquired from the current research revealed that the structure and space divisions in Gomishan houses are completely equal and they are directly influenced by Egalitarianism, which is rooted in their thoughts and beliefs. Furthermore, the basis of the formation of these houses was for serving guests, which is directly influenced by their hospitality.

Keywords: Egalitarian, Egalitarianism, Hospitality, Gomishan's Homes, Tom..

Preparation principle for Mohallah Playground Design, With Emphasis on Revival of Irainian Native Games Case Study: Mohallah of Bagh-feyz in Tehran

Majid Khoramshad

Ph.D. student of urban planning, iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Sayed Ali Safavi ^{**}(Corresponding Author)

Assistant Prof, Department of Urban Planning & Design, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

**E-Mail: sasafavi@modares.ac.ir

Abstract:

Based on today's scientists point of view, playing is not only a joy for children but also their life. He will gain and improve his needed future life skills by playing .hence it is important to pay extra attention to children's playgrounds especially in scale of a muhallah which is their main social life base ground. This project has two main goals:

1) to find urban designing basics in order to improve quality of children and juveniles play grounds in scale of muhallah area. 2) some steps forward to revive domestic persian games by providing proper places for muhallah. in the beginning of this project the method of study was based on "quality meta analysis " and in the following SWAT analysis method was chosen in order to make structured analysis of case studies. According to results of this study ,there are bunch of factors that matter to be able to meet all the requirements. Safety and security are the very first thing parents ask beside that a play grounds should be interesting for kids too. The key to make a play ground interesting is to meet variety. Absence of diversity is the main reason children focus on computer games and stay less in the play fields and fewer age groups get involved .in the mean while using persian games ,as an intangible heritage of our culture and history can insert a little bit of culture to games atmosphere and reduce Individualism, as our culture propounds social activities a lot.

Keywords: child, play, playground ,muhallah.

The analysis of the spatial structure of Qom metropolis with emphasis on the formation of sub-cores

Mohammad Soleimani *(Corresponding Author)

Associate Professor of Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Iran

* m_soleimani_mehr@yahoo.com

Musa Kamranoodi

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Iran

Mazhar Ahmadi

Ph.D, student in Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Iran

Ahmad Zanganeh

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Iran

Hamid Abya

Ph.D of Geography and Urban Planning

Abstract:

Among the patterns of building a city, a polycentric cities pattern of larger cities is true, as experience has shown that smaller cities, especially historic cities, often have a metropolitan core, usually located in the central geometric and historical boundaries of the city. This is due to the physical development of large cities towards the periphery, urban sub-centers, and the city's multi-core spatial structure gradually emerges. The present paper aims to identify the evolution of the spatial structure of the metropolis of Qom from the viewpoint of the nuclei and urban centers, especially in the last three decades. The idea of this research was that the specific characteristics and functions of the city prevented the city from becoming a part of the city's central depopulation, as compared to other similar cities. For analyzing data, quantitative methods including general G and LISA statistics, standard deviation and kernel density functions have been used in Arc Gis 10.3 software. The results of the research show that the metropolis of Qom despite its special religious features and its second rank in the religious cities of the country after the holy Mashhad, like many other major Iranian-Islamic cities, have been shown to accelerate urbanization and the physical and diffuse development of urban texture during the year. From 1986 to 2016. During this process, the central part of the city still retains many of its functions, and despite the relative burnout and physical barriers and constraints, it is now considered to be the most important urban core in the metropolis's spatial structure. Consequently, the metropolis of Qom is rapidly increasing due to the rapid increase in population and extent (horizontal expansion), as well as the formation of some urban centers, nodes and sub-centers, although it is changing to several cities, but because of specific religious features and its extensive functions in the central part of the city are still known as a Single-core city dominated by the city's historical core.

Keywords: spatial structure, polycentric cities, single-core cities, urban sub-centers, metropolis of Qom.

Contents

| | |
|---|----|
| The analysis of the spatial structure of Qom metropolis with emphasis on the formation of sub-cores Mohammad Soleimani, Musa Kamranoodi, Mazhar Ahmadi, Ahmad Zanganeh, Hamid Abya..... | 5 |
| Preparation principle for Mohallah Playground Design, With Emphasis on Revival of Iranian Native Games; Case Study: Mohallah of Bagh-feyz in Tehran | 23 |
| Majid Khoramshad, Sayed Ali Safavi | |
| The role of Egalitarianism and Hospitality on continuity of residence in Gomishan's | 35 |
| Hannaneh Malek Mohammadi Bidhendi, Hossein Soltanzadeh, Maryam Armaghan | |
| Analysis of cemeteries organizing in Isfahan city from the perspective of the Islamic Iranian city pattern | 49 |
| Asghar Montazerolghaem, Fardin Kooshki | |
| New discoveries Architecture from the Late Sassanid and Early Islamic period in the Seimare River Basin (Central Zagros) | 59 |
| Mahnaz Sharifi | |
| The Impact of Megamalls on the Neighborhood Identity in Tehran; Case study: Atlas Mall | 69 |
| Esmail Shieh, Mahsa Hajjani | |



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.

- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.

- Indexed and abstracts in:

- The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
- The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



Iranian-Islamic City

Vol. 9, No. 36, Summer 2019

Publisher: Institute of Culture, Art & Architecture, Iraninan Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Iraj Feyzi

Editors -in- Chief: Dr. Ahmad Pourahmad

SBU Editor-in-Chief: Dr. Hossein Kalantari khalilabad

Farsi-Editor: Sepideh Seyyed faraji

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|-----------------------------------|--|
| ● Dr. Mojtaba Ansari | Associate Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Planning, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Behnam Jalali | Assistant Prof. of Architecture, University of Science and Culture |
| ● Dr. Karamat alah Ziyari | Prof. of Human geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Hosein Kalantari khalilabad | Prof. of ACECR |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Associate Prof. of Urban Development and Prepration, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Ahmad Nouhegar | Prof. of physical Geography, University of Hormozgan |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Culture, Art & Architecture of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66970901,2

Fax: +98 (21) 66970903

<http://iic.icas.ir>

E-mail: iic@icas.ir

